

نگاهی به سازمان بین‌المللی کار

نقض حقوق بنیادین کار در ایران

ایرج مصداقی

سوءد ۱۳۸۸

نگاهی به سازمان بین‌المللی کار
نقض حقوق بنیادین کار در ایران
ایرج مصداقی

ناشر: آلفابت ماکسیما، استکهلم، سوئد
چاپ نخست: زمستان ۱۳۸۸ خورشیدی (۲۰۱۰ میلادی)

The ILO at a glance
Violation of Fundamental Rights of Labour in Iran
Iraj Mesdaghi
First Edition Winter 2010

ISBN: 978-91-978636-2-9
© Iraj Mesdaghi-2010



انتشارات آلفابت ماکسیما
Sibeliussgängen 40
16472 Kista /Sverige
0046 8 7600343
WWW.ALFABETMAXIMA.COM

alfabet
maxima

تقدیم بہ خاطرہی تابناک کارگران جان باختہ در راہ آزادی و برابری

بہ ویژه «بہترین عمومی دنیا»

محمد علی ابریدے

فهرست

۱	چگونگی شکل‌گیری سازمان بین‌المللی کار
۱۱	سازمان بین‌المللی کار در تاریخ اجتماعی
۱۵	هدف‌ها و ساختار سازمان بین‌المللی کار
۱۵	هدف‌های سازمان بین‌المللی کار
۱۵	ساختار سازمان بین‌المللی کار
۱۶	کنفرانس بین‌المللی کار
۱۷	دفتر بین‌المللی کار
۱۷	شورای حکام
۱۸	کمیته‌ی آزادی انجمن
۱۹	کمیته‌ی حقیقت‌یاب و مصالحه‌ی آزادی انجمن
۱۹	کمیته‌ی مسائل قانونی و استانداردهای بین‌المللی کار
۲۰	کمیته‌ی متخصصین در رابطه با اجرای مقاله‌نامه‌ها و توصیه‌ها
۲۱	پیمان‌های بین‌المللی مربوط به حقوق کار
۲۲	تصویب مقاله‌نامه‌ها - حرکت به سوی حقوق بشر و حقوق بنیادین کار
۲۷	معیارهای بین‌المللی کار و حقوق اقتصادی و اجتماعی
۲۷	اعلامیه‌ی اصول و حقوق بنیادین کار
۳۱	مقاله‌نامه‌های پذیرفته شده توسط دولت‌های ایران
۳۱	مقاله‌نامه‌ی تعطیلات هفتگی
۳۱	مقاله‌نامه‌ی برابری رفتار در زمینه‌ی حوادث ناشی از کار
۳۲	مقاله‌نامه‌ی کار اجباری
۳۲	مقاله‌نامه‌ی حفاظت از دستمزد
۳۲	مقاله‌نامه‌ی برابری دستمزدها
۳۲	مقاله‌نامه‌ی لغو مجازات‌های کیفری، کارگران بومی
۳۲	مقاله‌نامه‌ی لغو کار اجباری
۳۳	مقاله‌نامه‌ی استراحت هفتگی
۳۳	مقاله‌نامه‌ی کارت هویت دریانوردان
۳۳	مقاله‌نامه‌ی تبعیض در زمینه‌ی استخدام و اشتغال
۳۳	مقاله‌نامه‌ی سیاست استخدام
۳۳	مقاله‌نامه‌ی بدترین انواع کار کودکان
۳۴	مقاله‌نامه‌ی توسعه‌ی منابع انسانی
۳۷	مروری بر تاریخچه‌ی تصویب قوانین مربوط به حقوق کار در ایران
۴۹	مأموریت سازمان بین‌المللی کار و نقش کمیته‌ی آزادی انجمن
	مروری بر تشکلهای کارگری در جمهوری اسلامی
۵۳	و مغایرت آن‌ها با مقاله‌نامه‌های «آزادی انجمن»

۵۴	مقدمه
۵۶	تشکل های کارگری در جمهوری اسلامی و مغایرت آن ها با مقاوله نامه ی ۸۷
۵۶	شوراهای اسلامی کار
۵۹	انجمن های اسلامی
۶۰	انجمن های صنفی
۶۱	خانه ی کارگر جمهوری اسلامی
۶۶	رقابت با جناح های داخلی
۶۷	فریب کارگران و تلاش برای هدایت فعالیت های اعتراضی آن ها در مسیر دل خواه
۶۹	تلاش خانه ی کارگر برای عضویت در کنفدراسیون های بین المللی کارگری
۷۰	خانه ی کارگر و شورای اسلامی کار عامل سرکوب فعالان سندیکایی
۷۱	مصاحبه ی ماهنامه ی تولید با علیرضا محجوب نماینده ی حزب اسلامی کار
۷۷	افول خانه ی کارگر در دوران احمدی نژاد
	تعهدات بنیادین کشورهای عضو در خصوص حقوق بشر
۷۹	و حقوق تشکل های کارگری و کارفرمایی
۸۱	وظایف دولت در حفاظت از حقوق تشکل ها و...
۸۱	حقوق تشکل های صنفی و آزادی های مدنی
۸۲	حق زندگی، برخورداری از امنیت و صیانت جسمی و اخلاقی
۸۵	سرکوب سندیکاهای مستقل کارگری در ایران
۸۵	سندیکای کارگران کارخانه ی نیشکر هفت تپه
۸۸	سندیکای شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه
۸۹	دستگیری ها، بازداشت ها و احکام صادره
۹۰	سندیکای کارگران خباز سقز
۹۱	اتحادیه ی آزاد کارگران ایران
۹۴	کمیته ی هم آهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری
۹۶	احضار و دستگیری اعضای کمیته ی هم آهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در سال ۸۷
۹۸	سندیکای پروژه های (فصلی) آبادان و حومه
۱۰۱	تشکل های کارگری دولتی جمهوری اسلامی از نگاه سازمان بین المللی کار
۱۰۱	گزارش هیأت شاخه ی آزادی انجمن و امضای تفاهم نامه بین دولت ایران و سازمان بین المللی کار
۱۰۹	مغایرت روابط موجود در محیط کار با مقاوله نامه ی حق تشکل و قراردادهای دسته جمعی
۱۱۱	قراردادهای موقت
۱۱۳	هیأت های کارگری شرکت کننده از سوی جمهوری اسلامی در کنفرانس بین المللی کار
۱۱۴-۱۱۷	هیأت نمایندگی کارگران ایرانی در نود و دومین اجلاس سال های ۲۰۰۹-۲۰۰۴
۱۱۹	سازمان بین المللی کار و اولین بررسی های وضعیت کارگران در ایران
	نگاهی به تاریخچه ی شکایت علیه نقض حقوق سندیکایی
۱۲۱	و آزادی انجمن ها توسط دولت های ایران
۱۲۲	شکایت علیه نقض حقوق سندیکایی و آزادی انجمن ها توسط دولت شاهنشاهی ایران
	شکایت علیه نقض حقوق سندیکایی و آزادی انجمن
۱۳۵	توسط دولت جمهوری اسلامی
۱۴۸	نکات مهم توصیه های کمیته ی آزادی انجمن در جریان نود و هشتمین کنفرانس بین المللی کار
	پرونده های مورد رسیدگی قرار گرفته
۱۵۱	در کمیته ی متخصصین اجرای مقاوله نامه ها و توصیه نامه ها
۱۵۱	پرونده های مورد رسیدگی در کمیته ی کنفرانس اجرای استانداردهای سازمان بین المللی کار

پرونده‌های مربوط به نقض مقاوله‌نامه‌ی ۱۱۱

- ۱۵۵ توسط دولت جمهوری اسلامی در سازمان بین‌المللی کار
 بررسی اختصاصی در ارتباط با مقاوله‌نامه‌ی ۱۱۱
- ۱۵۶-۱۷۰ تبعیض (در استخدام و اشتغال) ۱۹۹۰-۲۰۰۶
- ۱۷۳ نکات مهم گزارش هیأت اعزامی کمک فنی به جمهوری اسلامی ایران
- ۱۷۳ تبعیض بر مبنای جنسیت
- ۱۷۳ قوانین و مقررات
- ۱۷۴ تبعیض بر پایه‌ی مذهب
- ۱۷۵ تبعیض برای اقلیت‌های قومی
- ۱۷۵ مکانیزم حقوق بشر و حل اختلاف
- بررسی اختصاصی در ارتباط با مقاوله‌نامه‌ی ۱۱۱
- ۱۷۷-۱۷۸ تبعیض (در استخدام و اشتغال) ۲۰۰۸-۲۰۰۹
- نتیجه‌گیری کمیته بررسی استانداردهای کنفرانس جهانی کار
 از نقض حقوق کار در ایران
- ۱۷۹ وضعیت دولت جمهوری اسلامی، در دوره‌ی میرحسین موسوی
 در کمیته‌ی بررسی استانداردها
- ۱۸۱ نتیجه‌گیری کمیته‌ی کنفرانس در سال ۸۷
- ۱۸۱-۱۸۲ وضعیت دولت جمهوری اسلامی، در دوره‌ی علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی
 در کمیته‌ی بررسی استانداردها
- ۱۸۳ نتیجه‌گیری کمیته‌ی کنفرانس در سال ۸۹
- ۱۸۴ نتیجه‌گیری کمیته‌ی کنفرانس در سال ۹۰
- ۱۸۴ نتیجه‌گیری کمیته‌ی کنفرانس در سال ۹۳
- ۱۸۵ نتیجه‌گیری کمیته‌ی کنفرانس در سال ۹۶
- ۱۸۵ متن پارگراف ویژه‌ی کمیته‌ی کنفرانس
- ۱۸۶ نتیجه‌گیری کمیته‌ی کنفرانس در سال ۹۷
- ۱۸۷ متن پارگراف ویژه‌ی کمیته‌ی کنفرانس
- ۱۸۸ وضعیت دولت جمهوری اسلامی، در دوره‌ی سیدمحمد خاتمی
 در کمیته‌ی بررسی استانداردها
- ۱۸۹ نتیجه‌گیری کمیته‌ی کنفرانس در سال ۹۹
- ۱۹۱ نتیجه‌گیری کمیته‌ی کنفرانس در سال ۲۰۰۰-۲۰۰۱
- ۱۹۲-۱۹۳ نتیجه‌گیری کمیته‌ی کنفرانس در سال ۲۰۰۳
- ۱۹۴ وضعیت دولت جمهوری اسلامی، در دوره‌ی محمود احمدی‌نژاد
 در کمیته‌ی بررسی استانداردها
- ۱۹۷ نتیجه‌گیری کمیته‌ی کنفرانس در سال ۲۰۰۶
- ۱۹۸ نتیجه‌گیری کمیته‌ی کنفرانس در سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹
- ۱۹۹-۲۰۰ گزارش‌های کمیته بررسی استانداردها
 در خصوص نقض مقاوله‌نامه‌ی ۹۵، حفاظت از دستمزد
- ۲۰۳ گزارش کمیته‌ی متخصصین در ارتباط با مقاوله‌نامه‌ی ۹۵، حفاظت از دستمزد
 سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹
- ۲۰۴-۲۰۸ گزارش سال ۲۰۰۹ کمیته‌ی متخصصین تکرار گزارش سال ۲۰۰۸ است
- ۲۰۹ گزارش‌های کمیته بررسی استانداردها
 در خصوص نقض مقاوله‌نامه‌ی ۱۲۲، بررسی سیاست استخدامی
- ۲۱۱

	گزارش سال ۲۰۰۵ کمیته‌ی متخصصین
۲۱۲	در ارتباط با مقاله‌نامه‌ی ۱۲۲، بررسی سیاست استخدامی
	گزارش سال ۲۰۰۹ کمیته متخصصین
۲۱۴	در ارتباط با مقاله‌نامه‌ی ۱۲۲، بررسی سیاست استخدامی
۲۱۷	عدم گزارش موارد نقض مقاله‌نامه‌های مربوط به کار اجباری و کار کودکان
۲۱۹	نقض مقاله‌نامه‌های مربوط به لغو کار اجباری
۲۲۱	نقض مقاله‌نامه‌های مربوط به حقوق کودک
۲۲۷	پیوست‌ها
۲۲۹	موارد مهم مقاله‌نامه‌های بنیادین کار
۲۲۹	مقاله‌نامه‌های ۸۷ آزادی سندیکاها و حمایت از حقوق سندیکایی - مصوب ۱۹۴۸
۲۲۹	بخش اول - آزادی سندیکاها
۲۳۱	بخش دوم - حمایت از حقوق سندیکاها
۲۳۱	مقاله‌نامه‌های ۹۸ - حق تشکل و مذاکره‌ی دسته‌جمعی، مصوب ۱۹۴۹
۲۳۳	مقاله‌نامه‌های ۱۰ - تساوی دستمزد - مصوب ۱۹۵۱
۲۳۴	مقاله‌نامه‌های ۱۱ - تبعیض در امور مربوط به استخدام و اشتغال، مصوب ۱۹۵۸
۲۳۷	مقاله‌نامه‌های ۲۹ - کار اجباری - مصوب ۱۹۳۰
۲۴۶	مقاله‌نامه‌های ۱۰۵ - منع کار اجباری، مصوب ۱۹۵۷
۲۴۷	مقاله‌نامه‌های ۱۳۸ - مربوط به حداقل سن، مصوب ۱۹۷۳
۲۵۱	مقاله‌نامه‌های ۱۸۲ - بدترین اشکال کار کودکان، مصوب ۱۹
۲۵۵	مقاله‌نامه‌های مهم - در پیوند با هدف‌های حقوق بنیادین کار
۲۵۵	مقاله‌نامه‌های ۱۲۲ - راجع به سیاست اشتغال، مصوب ۱۹۶۴
۲۵۷	مقاله‌نامه‌های شماره‌ی ۹۵ - راجع به حمایت از مزد، مصوب ۱۹۴۹
۲۶۳	اساس‌نامه‌ی سازمان بین‌المللی کار
۲۶۳	فصل یکم - سازمان
۲۶۴	انصراف:
۲۶۴	پذیرش مجدد:
۲۶۵	کنفرانس، جلسات هیئت‌های نمایندگی
۲۶۵	مشاورین از سرزمین‌های تحت‌الحمایه:
۲۶۵	تعیین نمایندگان غیردولتی:
۲۶۶	مقررات مربوط به مشاوران:
۲۶۶	اعتبارنامه:
۲۶۶	حق رای
۲۶۶	محل برگزاری جلسات کنفرانس
۲۶۷	مقر دفتر بین‌المللی کار
۲۶۷	شورای حکام
۲۶۸	مدیرکل
۲۶۸	کارمندان
۲۶۹	وظایف
۲۷۰	روابط با دولت‌ها
۲۷۰	روابط با سازمان‌های بین‌المللی
۲۷۰	امور مالی و بودجه
۲۷۱	فصل دوم - رویه و طرز عمل

۲۷۱	دستور کار کنفرانس عمومی
۲۷۲	ابلاغ دستور جلسه و گزارش‌ها برای کنفرانس
۲۷۲	اعتراض نسبت به دستور جلسه
۲۷۲	گنجاندن موضوعات جدید توسط کنفرانس
۲۷۳	مسئولین کنفرانس، آئین‌نامه‌ها و کمیته‌ها
۲۷۳	کارشناسان فنی
۲۷۳	مقاله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌ها
۲۷۷	ثبت در سازمان ملل متحد
۲۷۷	مقاله‌نامه‌های که به تصویب کنفرانس رسیده‌اند
۲۷۸	گزارش سالانه درباره‌ی مقاله‌نامه‌های مصوب
۲۷۸	بررسی و ابلاغ گزارش‌ها
۲۷۸	عرض حال درباره‌ی عدم رعایت مقاله‌نامه‌ها
۲۷۸	انتشار عرض حال
۲۷۹	شکایت بابت عدم رضایت
۲۷۹	همکاری با کمیسیون تحقیق
۲۸۰	گزارش کمیسیون تحقیق
۲۸۰	اقدام بر اساس گزارش کمیسیون تحقیق
۲۸۰	عدم تسلیم مقاله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌ها به مقام‌های صلاحیت‌دار
۲۸۰	آرای دیوان بین‌المللی دادگستری
۲۸۱	عدم اجرای توصیه‌نامه‌های کمیسیون تحقیق یا دیوان بین‌المللی دادگستری
۲۸۱	رعایت توصیه‌های کمیسیون تحقیق یا دیوان بین‌المللی دادگستری
۲۸۲	فصل سوم - مقررات عمومی
۲۸۲	اجرای مقاله‌نامه‌ها در سرزمین‌های تحت قیمومیت
۲۸۳	اصلاحیه‌ی اساس‌نامه
۲۸۴	تفسیر اساس‌نامه و مقاله‌نامه‌ها
۲۸۴	فصل چهارم - مقررات متفرقه
۲۸۴	وضع حقوق سازمان
۲۸۵	امتیازات و مصونیت‌ها

ضمیمه‌ی اساس‌نامه‌ی سازمان بین‌المللی کار

۲۸۷	اعلامیه‌ی مربوط به هدف‌ها و مقاصد سازمان بین‌المللی کار (اعلامیه‌ی فیلادلفیا)
		نگاهی اجمالی به تاریخچه‌ی کنفدراسیون بین‌المللی
۲۹۱	اتحادیه‌های آزاد کارگری و کنفدراسیون جهانی کار
۲۹۳	نگاهی به تاریخچه‌ی فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری و سندیکاهای عضو آن
۲۹۴	«فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری» همراه جمهوری اسلامی رو در روی کارگران ایرانی
		نکات مهم گزارش سفر هیأت مشاوره‌ی سازمان بین‌المللی کار به ایران
۲۹۹	که از تاریخ ۲۷ سپتامبر تا سوم اکتبر سال ۲۰۰۲ صورت گرفت
۲۹۹	تشکیلات آزاد و مستقل کارگری
۳۰۰	فعالیت‌های سیاسی و استقلال جنبش اتحادیه‌ی صنفی
۳۰۱	نتیجه‌گیری‌ها و پیشنهادها
۳۰۲	نهادهای آزاد و مستقل کارگری
۳۰۳	فعالیت‌های سیاسی و استقلال تشکل صنفی
۳۰۳	مسائل متفرقه
۳۰۷	نمایه

درآمد

موضوع این کتاب، بررسی گذرای وظایف و عمل کرد سازمان بین‌المللی کار (I.L.O.) و پرونده‌ی نقض حقوق بنیادین کار توسط دولت جمهوری اسلامی در این سازمان است. شناخت عمیق‌تر کارکردهای سازمان بین‌المللی کار این فرصت و امکان را برای علاقه‌مندان و فعالان مسائل کارگری فراهم می‌آورد تا بتوانند با ایجاد ارتباط، حداکثر تأثیرگذاری را بر سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و مصوبات این سازمان مهم جهانی داشته باشند. این تأثیرگذاری، به‌خصوص در ارتباط با دفاع از حقوق کارگران ایرانی و بهبود وضعیت آن‌ها اهمیتی مضاعف پیدا می‌کند.



جدای از تمایلات غرب و سازمان‌های بین‌المللی برای تعامل و سازش با نظام جمهوری اسلامی، کوتاهی و عدم شناخت نیروهای اپوزیسیون و ندادن بهای لازم به سازمان بین‌المللی کار، بستری مناسب برای فریب دستگاه‌های نظارتی از سوی دولت جمهوری اسلامی به وجود آورده است. متأسفانه جنبش کارگری ایران و فعالان و مدافعان حقوق کارگران آشنایی لازم و درخوری با حقوق بنیادین کار، سازمان‌های بین‌المللی و نحوه‌ی کار آن‌ها، و مهم‌تر از همه زبان، مفاهیم و اصطلاحات به کار گرفته شده در این ارگان‌ها را ندارند. اگر روزگاری ناآشنایی با زبان‌های خارجی و نیز عدم دسترسی به منابع و مآخذ جهانی، «تا حدودی» می‌توانست توجیه‌گر کم‌کاری در انتشار قوانین و مصوبات و کارکردهای سازمان‌های جهانی از جمله سازمان بین‌المللی کار باشد، اکنون با حضور هزاران

فعال یا علاقه‌مند به مسایل کارگری در خارج از میهن‌مان، و آشنایی آنان با یکی از زبان‌های غربی، عدم انتشار آثار و نوشته‌های مستند که بر پایه‌ی اسناد و مدارک رسمی سازمان‌های جهانی نوشته شده باشند، چندان توجیه‌گر نمی‌تواند باشد. به‌زمانه‌ی ما و با برخورداری از این همه امکانات و شرایط مساعد، هیچ‌گونه کم‌کاری و بی‌تفاوتی نمی‌تواند قابل توجیه باشد.

در سیزده سال گذشته، من به‌دفعات، با شرکت در اجلاس سالانه‌ی کنفرانس جهانی کار، مشتاقانه موضوعات و موارد در ارتباط با حقوق کار در ایران و شکایت‌های ناشی از نقض حقوق کار در ایران نزد سازمان بین‌المللی کار را دنبال و پی‌گیری کرده‌ام؛ بارها با اعضا و رؤسای کمیته‌ی متخصصان و مسئولان بخش‌های مختلف سازمان بین‌المللی کار و هیأت‌هایی که در دهه‌ی نود، عازم ایران بودند دیدار و گفتگو داشته‌ام؛ با گروه کثیری از اعضای هیأت‌های کارگری و کارفرمایی شرکت‌کننده در کنفرانس بین‌المللی کار و ده‌ها نفر از رهبران اتحادیه‌های مهم و تراز اول کارگری و کارفرمایی در سطح جهانی گفتگو کرده‌ام؛ با ده‌ها حقوق‌دان و کارشناس شناخته‌شده‌ی جهانی در زمینه‌ی حقوق کار دیدار و گفتگو، و از تجربیات‌شان استفاده کرده؛ و از این طریق تجربیات فراوانی در ارتباط با این ارگان مهم بین‌المللی به‌دست آورده‌ام.

و امروز به‌حکم وظیفه و نیازی که احساس می‌کنم، به‌منظور آشنایی با سازمان بین‌المللی کار و حقوق بنیادین کار و پرونده‌های مربوط به نقض حقوق بنیادین کار توسط دولت جمهوری اسلامی، گزارش پیش‌رو را تهیه کرده‌ام. باور دارم این گزارش می‌تواند راهی بگشاید برای تحقیق بیش‌تر در ارتباط با نیازهای جامعه‌ی کارگری کشورمان؛ آرزویی که امیدوارم هر چه سریع‌تر به‌تحقق پیوندد و شاهد انتشار آثار متعددی در این زمینه باشیم. آثاری که بی‌گمان پربارتر و غنی‌تر و تکمیل‌کننده‌ی این بررسی خواهند بود و جامعه‌ی ما و کارگران رنج‌دیده‌ی میهن‌مان را در تلاش برای به‌دست آوردن ابتدایی‌ترین حقوق انسانی و کاری مدد خواهد رساند.

این کتاب از سه بخش تشکیل شده است. در بخش نخست به تاریخچه‌ی تشکیل

سازمان بین‌المللی کار، ساختار تشکیلاتی آن و مقابله‌های بین‌المللی مربوط به حقوق کار می‌پردازد.

در بخش دوم پرونده‌ی دولت‌های ایران در سازمان بین‌المللی کار و گزارش نهادهای گوناگون این سازمان در مورد چگونگی نقض حقوق کار در ایران مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

و در بخش سوم اساس‌نامه‌ی سازمان بین‌المللی کار و ترجمه‌ی پاره‌ای از مقابله‌نامه‌ها و... آمده است.

در این جا لازم می‌دانم از دوستانی که در ترجمه‌ی بخش‌های مهم پاره‌ای از مقابله‌نامه‌ها به من یاری رساندند، صمیمانه سپاسگزاری کنم.

ایرج مصداقی - ژانویه ۲۰۱۰

چگونگی شکل‌گیری «سازمان بین‌المللی کار»^۱

ریشه‌ی تشکیل سازمان بین‌المللی کار را می‌بایستی در تحولات اجتماعی قرن نوزدهم اروپا و آمریکای شمالی جست. انقلاب صنعتی، توسعه‌ی اقتصادی قابل توجهی را در این کشورها باعث شد؛ اما این توسعه، هم‌زمان رنج‌های جان‌فرسایی را به کارگران و زحمت‌کشان این کشورها تحمیل کرد که منجر به شورش‌های متعدد اجتماعی شد. انقلاب‌های ۱۸۴۸ اروپا که فرانسه، آلمان، ایتالیا، امپراتوری هابسبورگ (شامل بخش بزرگی از اروپای شرقی و اتریش)، مجارستان، سوئیس، لهستان، رومانی، دانمارک و... را درنوردید، از آن جمله بود.

ایده‌ی تشکیل یک سازمان بین‌المللی برای تدوین مقررات و معیارهای جهانی در زمینه‌ی حقوق کار، به‌اوایل قرن نوزدهم و در نتیجه‌ی نگرانی‌های اقتصادی و اخلاقی به‌وجود آمده از بهای انسانی «انقلاب صنعتی» برمی‌گردد. در سال ۱۸۱۸، یکی از صاحبان برجسته و دوراندیش صنایع انگلیس به‌نام روبرت اوئن Robert Owen (۱۷۷۱-۱۸۵۸) از ایده‌ی تدوین یک رشته مقررات پیش‌رفته در زمینه‌ی کار و اجتماع حمایت به‌عمل آورد.

چند دهه بعد، یکی از صاحبان صنایع فرانسوی به نام دانیل لوگراند Daniel Legrand (۱۷۸۳-۱۸۵۹)، از دولت‌های اروپایی خواست تا برای تدوین یک مجموعه قوانین

۱- در تهیه و تدوین این بخش از منابع سازمان بین‌المللی کار استفاده شده است
<http://www.ilo.org/public/english/about/history.htm>

بین‌المللی در مورد شرایط کار اقدام کنند.

این ایده در «انترناسیونال اول»^۱ که به‌گفته‌ی رهبران‌ش دارای هشت‌میلیون و به‌گفته‌ی پلیس متشکل از پنج‌میلیون عضو بود، به‌صورت یک درخواست عمومی، مطرح و دنبال شد. شرکت‌کنندگان در اولین کنگره‌ی انترناسیونال اول که در سال ۱۸۶۶ در ژنو برگزار گردید، خواستار تدوین مقررات بین‌المللی کار شدند و در جریان یک تصمیم‌گیری مهم، درخواست هشت ساعت کار را به‌عنوان یک خواست بنیادی به‌تصویب رساندند.

در اواخر قرن نوزدهم، نیرویی جدید از کارگران متشکل که در طلب حقوق دمکراتیک خود بودند، شکل گرفت و نهضتی فراگیر را برای بهبود شرایط کار در کشورهای صنعتی به‌وجود آورد.

در همین دوران «شوالیه‌های کار» Knights of Labor (۱۸۶۹-۱۹۰۰)^۲ با شعار «صدمه به یک نفر، نگرانی برای همه» برای تحقق ایده‌هایی بلندپروازانه هم‌چون هشت ساعت کار روزانه، توقف کار کودکان، توقف کار محکومین به‌زندان، دست‌مزد برابر برای زنان، مالیات بر درآمد پیشرفته، مالکیت تعاونی کارفرمایان و کارگران معادن و کارخانجات تلاش می‌کردند.

در جریان اعتصابات کارگری اول ماه مه ۱۸۸۶ آمریکا، خواست اصلی کارگران، هشت

۱- نخستین انجمن بین‌المللی کارگران که بعدها به «انترناسیونال اول» معروف شد در سال ۱۸۶۴ به ابتکار سندیکا‌های کارگری در اروپای غربی و مرکزی تحت تأثیر اندیشه‌های کارل مارکس، در لندن پایه‌گذاری شد. «کمون پاریس» که بورژوازی فرانسه را هدف قرار داده بود، نقطه‌ی عطفی در تاریخ «انترناسیونال» اول بود. پس از این واقعه در کنگره‌ی لاهه در سال ۱۸۷۲ ماده‌ی نوینی مبنی بر این اصل «تسخیر قدرت سیاسی به‌یک‌ی از وظایف اصلی پرولتاریا تبدیل می‌شود» به اساس‌نامه‌ی انترناسیونال اول افزوده شد. انگلس در نامه به «سورژ» در سپتامبر ۱۸۷۴ نوشت: «کمون بدون تردید فرزند انترناسیونال بود، گرچه انترناسیونال خود قدمی در به راه‌اندازی آن برنداشت.» پس از شکست کمون پاریس، دوران اعتلای انترناسیونال نیز رو به‌افول گذاشت و این جریان در سال ۱۸۷۲ با دودستگی مواجه شد و سرانجام در سال ۱۸۷۶ در کنفرانس فیلادلفیا رسماً منحل شد.

۲- در دسامبر سال ۱۸۶۹ در شهر فیلادلفیا ۹ خیاط به رهبری اوریا استیفنز Uriah Stephens که خود را «شوالیه‌های کار» می‌نامیدند، یک انجمن کارگری را بنیان گذاشتند. این انجمن کارگری، پس از فروپاشی اتحادیه ملی کارگری National Labor Union (۱۸۶۶-۱۸۷۳) به‌تدریج بزرگ‌تر شد. در سال ۱۸۸۶ تعداد اعضای شوالیه‌های کار به بیش از هفتصد هزار نفر رسید. در حالی که زنان و کارگران سیاه‌پوست می‌توانستند به‌عضویت در این انجمن درآیند، کارمندان بانک، پزشکان، وکلا، قماربازها، دارندگان سهام و کارگران کارخانجات مشروب‌سازی چون از نظر گردانندگان این انجمن اعضای تولیدکننده‌ی جامعه به شمار نمی‌رفتند، امکان عضویت در این انجمن را نیافتند. ساختار اقتدارگرای انجمن، سوءمدیریت، اعتصابات ناموفق و تأسیس فدراسیون کارگری ایالات متحده در سال ۱۸۸۶ باعث افول انجمن شد تا آن‌که در سال ۱۸۹۰ تعداد اعضای آن به ۱۰۰ هزار نفر کاهش یافت و در سال ۱۹۰۰ دیگر اثری از آن باقی نماند.

ساعت کار روزانه بود که با موفقیت روبرو شد. به دنبال دستگیری و اعدام^۱ رهبران اعتصاب در شیکاگو، به ابتکار کنگره‌ی اول «انترناسیونال دوم»^۲ در پاریس، روز اول ماه مه به عنوان روز هم‌پستگی کارگران تصویب شد. هم‌چنین این جنبش، کمپین بین‌المللی بزرگی را برای تحقق ایده‌ی هشت ساعت کار در روز به راه انداخت.

پیش‌زمینه‌ی تاریخی سازمان بین‌المللی کار، دست‌آورد صد سال بحث و مناظره و ارائه‌ی روش‌های روشن‌گرایانه از سوی شخصیت‌های برجسته، انجمن‌های داوطلب، دولت‌ها و جنبش‌های سیاسی و اجتماعی است. اولین نتایج عملی و برجسته‌ی این تلاش‌ها تشکیل «انجمن بین‌المللی برای حفاظت قانونی از کارگران» در سال ۱۹۰۱ بود. محل این انجمن که در واقع هسته‌ی اولیه‌ی سازمان بین‌المللی کار بود، در شهر «بال» سوئیس قرار داشت.

در دو دهه‌ی آخر قرن نوزدهم، مجموعه‌ی قوانین اجتماعی دولت آلمان، در سطح ملی، اولین نمونه در حمایت از حقوق کارگران بود.

در سال ۱۹۰۵-۱۹۰۶ دولت سوئیس کنفرانسی تکنیکی و دیپلماتیک در شهر «برن» سازمان داد که منجر به تصویب اولین مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی در زمینه‌ی کار شد. اولی تعدیل کار شبانه‌ی زنان و دیگری عدم استفاده از فسفر در صنایع کبریت‌سازی بود.

در دوران جنگ جهانی اول، در جریان برگزاری گردهمایی‌های بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری، از ایده‌ها و ابتکارهای شخصیت‌ها و رهبران برجسته‌ی کارگری حمایت به عمل آمد. درخواست اساسی این شخصیت‌ها، تهیه‌ی چهارچوبی برای شناسایی و تدوین حداقل استانداردهای بین‌المللی در رابطه با کار و ایجاد دفتر بین‌المللی کار بود که

۱- در روز اول ماه مه ۱۸۸۶، اعتصاب عمومی چند روزه‌ای با شعار «روز کار هشت ساعت است» مراکز مهم صنعتی آمریکا و شهرهای نیویورک، فیلادلفیا، شیکاگو، لوئیزویل، سنت لوئیز، میلوکی و بالتیمور را در بر گرفت. نتیجه‌ی اعتصاب، کاهش ساعت کار روزانه برای دو‌یست هزار کارگر بود. کارفرمایان بلافاصله بعد از اعتصاب دست به ضدحمله زده و پرتاب یک بمب به میان یک گروه پلیس در شیکاگو، در تاریخ ۴ مه که به قصد اخلاگری و تخریب صورت گرفته بود، بهانه‌ی مناسبی به دست پلیس برای حمله به کارگران داد. در جریان این یورش صدها کارگر دستگیر شدند و در جریان محاکمه‌ای که صورت گرفت، رهبران جنبش کارگری شیکاگو به زندان‌های طولانی مدت محکوم و چهار نفر از آنان در نوامبر ۱۸۸۷ اعدام شدند.

۲- انترناسیونال دوم (۱۸۸۹-۱۹۱۶) با مساعی انگلس، به منظور دنبال کردن اهداف «انترناسیونال» اول در پاریس تأسیس شد. به ابتکار این جنبش در سال ۱۹۱۰، روز هشت مارس به عنوان روز زن انتخاب شد.

به دنبال درگیری‌هایی که بر سر موضع جنبش در جنگ جهانی اول ایجاد شد، انترناسیونال دوم نیز در سال ۱۹۱۶ منحل شد. لنین، تروتسکی، پلخانف، روزالوزامبورگ، کلارا زتکین، کارل لیکنشت، ژان ژورس و... در زمره‌ی چهره‌های برجسته‌ی انترناسیونال دوم بودند.

به صورت یک فصل اجتماعی در «موافقت‌نامه‌ی صلح» گنجانده شود.

با وقوع انقلاب سوسیالیستی در اتحاد جماهیر شوروی و قدرت گرفتن کارگران و احزاب کارگری، دولت‌های بورژوازی پذیرفتند که برای حفظ قدرت و مقابله با نیروی اجتماعی جدیدی که به‌صحنه آمده بود، عقب‌نشینی کرده و به‌خواست اتحادیه‌های بین‌المللی کارگری تن در دهند.

ایده‌ی تصویب حداقل استانداردهای بین‌المللی مربوط به کار، در خلال مذاکرات پاریس پذیرفته شد و اساس‌نامه‌ی سازمان بین‌المللی کار، در فاصله‌ی ژانویه و آوریل ۱۹۱۹ توسط کمیسیون بین‌المللی کار، تشکیل، و بر اساس «قرارداد ورسای» نوشته شد.

کمیسیون بین‌المللی کار، با حضور نمایندگان نه کشور بلژیک، کوبا، چکسلواکی، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، لهستان، انگلستان و ایالات متحده آمریکا، توسط کنفرانس صلح و تحت ریاست ساموئل گامپرز Samuel Gompers رئیس فدراسیون کارگری آمریکا به‌صورت یک سازمان سه‌جانبه و منحصر به فرد بین‌المللی کار تشکیل شد. ایران در سال ۱۹۱۹ در دوران پادشاهی احمدشاه قاجار به‌عنوان یکی از اعضای مؤسس، به‌عضویت این سازمان مهم بین‌المللی درآمد.

نکته‌ی قابل تأمل آن که دولت آمریکا پیش از عضویت در «جامعه‌ی ملل»، در سال ۱۹۳۴، در زمان ریاست جمهوری فرانکلین روزولت به‌این سازمان پیوست و یک ماه پس از آن، دولت اتحاد جماهیر شوروی سابق نیز به‌عضویت سازمان بین‌المللی کار درآمد.

اساس‌نامه‌ی سازمان بین‌المللی کار، بخش سیزدهم معاهده‌ی ورسای را تشکیل می‌دهد. این اساس‌نامه حاوی چهار ماده است. «هارولد باتلر» انگلیسی و «ادوارد فیلان» ایرلندی، رؤسای بعدی سازمان بین‌المللی کار، مؤلفان متن انگلیسی پیش‌نویس این اساس‌نامه بوده‌اند.

با توجه به متن اساس‌نامه، می‌توان گفت که سه دلیل عمده سبب تأسیس سازمان بین‌المللی کار در خلال کنفرانس پاریس شد.

انگیزه‌ی اول که به‌نوعی جنبه و انگیزه‌ی انسانی تأسیس این سازمان بود، یافتن راه حلی برای بهبود شرایط ناهنجار کارگران به‌شمار می‌رفت که به‌سختی استثمار می‌شدند. این

نگرانی در مقدمه‌ی اساس‌نامه‌ی سازمان بین‌المللی کار به‌روشنی بیان شده است. دومین انگیزه، بی‌شک سیاسی بود. پس از پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه و پایان جنگ جهانی اول (۱۹۱۸) و با توجه به رشد صنعت در کشورهای مختلف، تعداد کارگران صنعتی افزایش روزافزونی یافته بود و چنان‌چه به وضعیت آنان رسیدگی نمی‌شد، هر آن امکان وقوع انقلاب‌هایی از آن دست که پیش‌تر مارکس و انگلس پیش‌بینی کرده بودند، می‌رفت. در مقدمه‌ی اساس‌نامه‌ی سازمان بین‌المللی کار، به‌روشنی روی این حقیقت تاکید شده که بی‌عدالتی «چنان نارضایتی را دامن می‌زند که صلح و هم‌آهنگی جهانی را به‌خطر می‌افکند.»

انگیزه‌ی سوم جنبه‌ی اقتصادی این هدف را مورد توجه قرار داد. با توجه به این مهم که هر گونه اصلاحات اجتماعی به‌خاطر تأثیرات ناگزیر خود بر روی میزان تولید، می‌توانست صنایع کشوری را که در حال اصلاحات بود، در مقایسه با رقبا در وضعیت ناگواری قرار دهد، این مهم در اساس‌نامه‌ی سازمان بین‌المللی کار با عبارت «عدم تدوین قوانین کار انسانی در هر کشور، مانع تحقق تلاش ملت‌هایی می‌شود که می‌خواهند وضعیت کارگران کشورشان را بهبود بخشند»، گنجانده شد.

شرکت‌کنندگان در کنفرانس صلح پاریس، دلیل چهارمی را نیز به‌دلایل فوق افزودند و آن تأکید بر نقش فعال و مؤثر کارگران در صحنه‌های نبرد و هم‌چنین کار در صنایع، در دوران جنگ بود. این ایده در اساس‌نامه‌ی سازمان بین‌المللی کار تحت عنوان: «یک صلح جهانی پایدار، تنها بر مبنای عدالت اجتماعی بنیان‌گذارده می‌شود»، مورد توجه قرار گرفت.

اولین کنفرانس بین‌المللی کار در اکتبر ۱۹۱۹ در شهر واشنگتن آغاز به کار کرد و سپس از تابستان ۱۹۲۰ در شهر ژنو مستقر شد.

سازمان بین‌المللی کار از نخستین روزهای آغاز فعالیت، دارای شخصیتی مستقل و متفاوت از دیگر نهادهای تشکیل‌دهنده‌ی جامعه‌ی ملل^۱ بود. جامعه‌ی ملل در آغاز کار

۱- جامعه‌ی ملل، یک سازمان بین‌المللی بود که در نتیجه‌ی امضای عهدنامه ورسای، طی سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۱۹ میلادی در شهر ژنو با پنجاه و هشت عضو تأسیس شد. ایران از اعضای اصلی و مؤسس این سازمان محسوب می‌شد. هرچند جامعه‌ی ملل بر اساس اصول اعلام‌شده از سوی وودرو ویلسون رئیس‌جمهور آمریکا تشکیل شد اما این کشور به عضویت آن در نیامد. بعدها این سازمان به علت خروج آلمان، ایتالیا و ژاپن از آن، تأثیر اولیه‌ی خود را از دست داد. پس از پایان جنگ و در سال ۱۹۴۵ میلادی، تصمیم به انحلال این سازمان و جایگزینی سازمان ملل متحد به جای آن گرفته شد و در نتیجه، سازمان جدید برخی از نهادهای آن را نیز به‌ارث برد. اهداف این سازمان، خلع سلاح، جلوگیری از جنگ به‌واسطه‌ی تأمین امنیت همگانی، رفع اختلاف و مشاجره بین کشورها از راه مذاکره و دیپلماسی، بهبود سطح زندگی جهانی و شناسایی حقوق بشر بود. دیوان دادگستری بین‌المللی، سازمان بهداشت

با مشکلات قابل توجهی دست‌وپنجه نرم می‌کرد؛ در همان حال سازمان بین‌المللی کار در دوران ریاست آلبرت توماس Albert Thomas دبیر کل استثنایی خود، از طریق برقراری گفتگوهای سازنده بین وزرای کار کشورهای مختلف و اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایی، موفق به تدوین و تصویب نه‌مقاوله‌نامه و ده توصیه‌نامه در خلال سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۱۹ شد. آلبرت توماس از اعضای دولت فرانسه در زمان جنگ و علاقمند به مسائل اجتماعی بود. او از بدو تأسیس تا سال ۱۹۳۲ اداره‌ی این سازمان نوپا را برعهده داشت و موفق شد در عرض چند سال از تعداد اندکی کارمند علاقمند که در یک خانه‌ی شخصی در لندن گرد هم آمده بودند، یک انستیتوی معتبر بین‌المللی با چهارصد کارمند در یک ساختمان ویژه‌ی این کار در ژنو تشکیل دهد.

پس از درگذشت آلبرت توماس، هارولد باتلر Harold Butler که از ابتدای تشکیل سازمان بین‌المللی کار معاونت وی را عهده‌دار بود، به‌جانشینی او انتخاب شد. دوران ریاست باتلر با بحران عمیق اقتصادی و بی‌کاری شدید ناشی از آن همراه بود. این بحران‌ها باعث ایجاد درگیری‌های شدید بین اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایی به‌ویژه در زمینه‌ی کاهش ساعت کار شده بود و از آن جایی که سازمان بین‌المللی کار یک نهاد سه‌جانبه است، توفیقی در پیش‌برد امور حاصل نمی‌شد.

این سازمان که در چهل سال اولیه‌ی فعالیت، بخش اعظم انرژی خود را برتدوین و تصویب استانداردهای جهانی کار متمرکز کرده بود، در یک دوره‌ی بیست ساله از ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۹ میلادی، شصت و هفت مقاوله‌نامه و هفتاد و هفت توصیه‌نامه را به‌تصویب رساند. اولین مقاوله‌نامه در سال ۱۹۱۹ به‌تصویب رسید. این مقاوله‌نامه هشت ساعت کار روزانه و چهل و هشت ساعت کار هفتگی را مقرر می‌دارد.

شور و اشتیاقی که باعث سرعت حرکت سازمان بین‌المللی کار در سال‌های نخستین بود، خیلی سریع کاهش یافت. به اعتقاد برخی دولت‌ها، سبب این کاهش، تعدد مقاوله‌نامه‌ها، بودجه‌ی بالای سازمان و وجود نشریاتی بود که به انتقاد از این روند می‌پرداختند. با این حال دیوان بین‌المللی دادگستری^۱، تحت فشار دولت فرانسه خواستار آن شد که قلمرو این فعالیت به مقررات بین‌المللی شرایط کار در بخش کشاورزی نیز تعمیم یابد.

جهانی، سازمان بین‌المللی کار، از جمله سازمان‌هایی بودند که زیر چتر این نهاد شروع به کار کردند. اولین اعتراض رسمی ثبت‌شده در این سازمان از سوی نماینده‌ی ایران، میرزارضا خان ارفع‌الدوله «پرنس ارفع» ارائه گردید و ریاست صدمین دوره‌ی اجلاس‌یه شورای جامعه ملل به عهده‌ی مصطفی عدل بود.

1- International Court of Justice

در سال ۱۹۳۹ هارولد باتلر استعفا داده و جان وینان John Winant آمریکایی جانشین او شد. وینان پیش از آن، ابتدا فرماندار ایالت نیوهمپشایر آمریکا بود و سپس مسئولیت اداره‌ی سیستم تأمین اجتماعی آمریکا را که به‌تازگی تشکیل شده بود به عهده گرفت. آخرین سمت او جانشینی ریاست سازمان بین‌المللی کار بود. در آگوست ۱۹۴۰ وضعیت سوئیس در قلب اروپای در جنگ، باعث شد که دبیر کل جدید، سازمان بین‌المللی کار را به مونترال کانادا انتقال دهد.

در سال ۱۹۴۱ ادوارد فیلان Edward Phelan که نقش مهمی در نگارش اساس‌نامه‌ی سازمان بین‌المللی کار داشت، به ریاست این سازمان رسید. در حالی که جنگ جهانی دوم برگزار می‌شد، جلسات عادی کنفرانس بین‌المللی کار را غیرممکن کرده بود، وی با انجام مشورت‌های ضروری، اجلاسی را در نیویورک تشکیل داد. در این کنفرانس بر اهمیت همکاری و مشارکت سازمان بین‌المللی کار در تلاش‌های جهانی برای ساختن دوباره‌ی جهان پس از جنگ تأکید شد.

او در سال ۱۹۴۴ یک بار دیگر و در خلال جنگ جهانی دوم و روزهای پر آشوب آن، نقش مهمی را در برگزاری کنفرانس بین‌المللی کار و مصوبات تاریخی آن در شهر فیلادلفیا بر عهده گرفت. این کنفرانس، موفق به تصویب اعلامیه‌ی مهمی در پنج فصل شد که به «اعلامیه‌ی فیلادلفیا» معروف است و به‌عنوان ضمیمه‌ی اساس‌نامه‌ی سازمان بین‌المللی کار از آن یاد می‌شود. اهمیت این اعلامیه تا آن جاست که به‌عنوان یک الگو برای تهیه‌ی منشور سازمان ملل^۱ و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر مورد استفاده قرار گرفت.

این واقعیت را باید در نظر داشت که معیارهای حقوق بشر و حقوق بنیادین کار، نه تنها به لحاظ آرمان و اهداف، مشترک هستند، بلکه هر دو پس از جنگ‌های اول و دوم جهانی و به‌منظور ساختن دنیایی بهتر و انسانی‌تر پدید آمده‌اند. طرح نظام معیارهای بین‌المللی کار، در پایان جنگ جهانی اول و در معاهدات صلح ۱۹۱۹، افکنده شد، در حالی که حمایت بین‌المللی از حقوق بشر، در پی جنگ جهانی دوم، در سال ۱۹۴۸، در یکی از مقوله‌نامه‌های

۱- مصطفی عدل رییس هیات نمایندگی ایران در کنفرانس‌های سانفرانسیسکو و نیویورک بود و منشور ملل متحد را به نمایندگی از طرف ایران امضاء کرد. وی هم‌چنین عضو هیات تدوین قانون مدنی ایران بود و در سال ۱۳۱۴ به‌عنوان نماینده‌ی دولت ایران در نوزدهمین اجلاس سازمان بین‌المللی کار شرکت کرد. وی علاوه بر شرکت در کابینه‌های مختلف، سال‌ها وزیر مختار ایران در ژنو و نماینده‌ی رسمی ایران در جامعه‌ی ملل بود.

سازمان بین‌المللی کار، و بعد از آن در همان سال در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و سپس مقاوله‌نامه‌های بعدی سازمان بین‌المللی کار و میثاق‌های بین‌المللی سال ۱۹۶۶ سازمان ملل، پایه‌گذاری شد.

پس از جنگ جهانی دوم، سازمان بین‌المللی کار وارد دوران جدیدی از فعالیت‌های خود شد. انتخاب دیوید مورز David Morse آمریکایی در سال ۱۹۴۸، به‌عنوان دبیر کل، همراه با توسعه و بازسازی اقدامات سازمان بین‌المللی کار در ارتباط با استانداردهای کار و هم‌چنین راه‌اندازی برنامه‌های همکاری تکنیکی بود.^۱

مقاوله‌نامه‌های تصویب شده بعد از جنگ جهانی دوم بیش‌تر روی حقوق بشر (آزادی‌های سندیکایی، حذف کار اجباری و تبعیض) و هم‌چنین موارد تکنیکی کار متمرکز بود. در سال ۱۹۴۸ مقاوله‌نامه‌ی بنیادین شماره‌ی ۸۷ در ارتباط با آزادی‌های سندیکایی (انجمن) با هدف شناسایی کامل حق کارگران و کارفرمایان برای برپایی آزاد و مستقل تشکیلات‌شان، تصویب شد.

در سال ۱۹۶۰ سازمان بین‌المللی کار یک مؤسسه‌ی آموزشی بین‌المللی برای تحصیل کارگران در مقر اصلی خود در ژنو، و در سال ۱۹۶۵، مؤسسه‌ی مشابهی در تورین ایتالیا تأسیس کرد.

طی بیش از پنج دهه یک کمیته‌ی سه‌جانبه در ارتباط با اجرای مقاوله‌نامه‌ی آزادی‌های سندیکایی، بیش از دو هزار مورد را به منظور ارتقا و اجرای کامل اساسی‌ترین و دمکراتیک‌ترین حقوق در دنیای کار مورد رسیدگی قرار داده است. در دوران ریاست موزر که تا سال ۱۹۷۰ ادامه یافت، تعداد کشورهای عضو به دو برابر رسید و این سازمان چنان‌که پیش‌تر انتظار می‌رفت، از یک ویژگی جهانی برخوردار شد.

ویلفرید ژینکس Wilfred Jenks یک حقوق‌دان مشهور انگلیسی که در نوشتن بیانیه‌ی فیلادلفیا همکاری کرده بود، از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳ اداره‌ی این سازمان را برعهده گرفت. وی که معمار اصلی روش ویژه‌ی رسیدگی به شکایت‌های رسیده در ارتباط با نقض آزادی‌های سندیکایی است، به‌خاطر حادث شدن جنگ سرد و رقابت‌های بین‌شرق و غرب موفقیت‌چندانی

۱- در سال ۱۳۲۸ به‌درخواست دولت هیأتی از کارشناسان دفتر بین‌المللی کار به ایران آمدند و پس از مشورت با کارشناسان داخلی، طرح اولین قانون کار ایران ریخته شد. فصل چهارم قانون مذکور از ماده‌ی ۱۶ تا ۲۰ به‌بیان شرایط کار زنان و کودکان اختصاص داشت و به‌موجب آن کار شب به استثنای کار پرستاری در بیمارستان‌ها و مشاغل دیگر به تشخیص وزارت کار، برای زنان ممنوع بود. هم‌چنین اشتغال زنان در ایام بارداری شش هفته قبل و چهار هفته پس از زایمان ممنوع اعلام شده بود و کارفرما حق اخراج آنان را در این دوران نداشت. مادر نیز به‌ازای هر سه ساعت کار، نیم ساعت فرصت برای شیر دادن به نوزاد خود داشت.

کسب نکرد. پس از مرگ ژینکس، فرانسیس بلانشارد Francis Blanchard فرانسوی که سال‌ها در بخش‌های مختلف سازمان بین‌المللی کار فعالیت داشت، دبیر کلی این سازمان را برعهده گرفت.

در دوران پانزده ساله ریاست او، سازمان بین‌المللی کار با خروج سه ساله‌ی دولت آمریکا در سال ۱۹۷۷، با بحران عظیم مالی (از دست دادن یک چهارم منابع مالی) روبرو شد؛ عدم حضور آمریکا در این سازمان، با توجه به نقش مهم آن در روابط بین‌المللی، آسیب زیادی به اعتبار سازمان وارد کرد. این خروج در اعتراض به سیاست سازمان بین‌المللی کار در رابطه با سرزمین‌های اشغالی اعراب، صورت گرفت. عاقبت بلانشارد موفق شد از طریق اتخاذ یک راه‌حل بینابینی (برگزاری یک نشست ویژه در ارتباط با سرزمین‌های اشغالی در کنفرانس‌های بین‌المللی)، آمریکا را متقاعد به بازگشت به سازمان بین‌المللی کار کند. در دوران ریاست وی هم‌چنین سازمان بین‌المللی کار نقش اساسی را در تحولات لهستان برعهده داشت. این سازمان با فشار بر دولت وقت لهستان و با استناد به مقاله‌نامه‌ی ۸۷ که در سال ۱۹۵۷ از سوی آن دولت پذیرفته شده بود، زمینه‌ی لازم برای حرکت جنبش هم‌پستگی به‌رهبری لخ والسا را فراهم آورد.

در سال ۱۹۸۹ مایکل هانسن Michel Hansenne، وزیر کار سابق بلژیک به‌عنوان مدیرکل این سازمان برای دوران پس از جنگ سرد انتخاب شد. در دوران فعالیت او اعلامیه‌ی سازمان بین‌المللی کار در ارتباط با اصول اساسی و حقوق کار در سال ۱۹۹۸ تصویب شد. این اعلامیه یک بار دیگر دولت‌های عضو را موظف به رعایت اصول اساسی مطرح‌شده در تعدادی از مقاله‌نامه‌های بین‌المللی می‌سازد؛ حتی اگر این دولت‌ها به مقاله‌نامه‌های مزبور نپیوسته باشند. این حقوق عبارتند از آزادی‌های سندیکایی، شناسایی مؤثر حق بستن قراردادهای جمعی، حذف هرگونه کار اجباری یا تبعیض در ارتباط با استخدام و اشتغال.

در مارس سال ۱۹۹۹ خوان سوماویا Juan Somavia شیلیایی برای یک دوره‌ی پنج ساله به‌دبیرکلی این سازمان رسید. او درجات تحصیلی خود را در حقوق و اقتصاد از دانشگاه کاتولیک شیلی و دانشگاه پاریس کسب کرد. سوماویا پیش از تصدی این پست، سمت‌های برجسته‌ای را در امور بین‌المللی و نیز مشاغل خصوصی و خدمات تجربه کرده

بود. وی هم‌زمان رئیس شورای آماده‌سازی جهانی برای توسعه‌ی تأمین اجتماعی (تشکیل شده در ۱۹۹۵ در کپنهاگ) و رئیس امور اقتصادی سازمان ملل و شورای تأمین اجتماعی (از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۴) بود. او هم‌چنین پست سفارت کشور شیلی را نیز برعهده داشت و به‌عنوان مشاور وزیر امور خارجه‌ی شیلی در امور اقتصادی و اجتماعی کار می‌کرد. سوماویا در ۱۸ نوامبر ۲۰۰۸ سومین دوره‌ی ریاست خود را آغاز کرد. وی معادله‌ی جوامع آزاد و اقتصادهای آزاد تا زمانی که منافع واقعی برای مردم عادی و خانواده‌های‌شان به‌همراه داشته باشند را به‌تأیید و اجماع بین‌المللی رساند. او در جهت مدرنیزاسیون ساختار سه‌جانبه‌گرایی و ارزش‌های سازمان بین‌المللی کار فعالیت می‌کند.

سازمان بین‌المللی کار در تاریخ اجتماعی

- ۱۸۱۸ میلادی: روبرت اوئن یکی از صاحبان صنایع انگلیسی به‌هنگام برگزاری «کنگره‌ی آلیانس مقدس» در شهر آخن آلمان، خواستار تدوین یک‌رشته مقررات حمایتی برای کارگران و ایجاد یک کمیسیون اجتماعی شد.
- ۱۸۳۱-۱۸۳۴ میلادی: سر کوب خونین دو شورش متوالی در کارخانجات ابریشم‌بافی لیون.
- ۱۸۳۸-۱۸۵۹ میلادی: پشتیبانی دانیل لوگراند، یکی از صاحبان صنایع فرانسوی از ایده‌های روبرت اوئن.
- ۱۸۶۴ میلادی: تشکیل نخستین بین‌الملل کارگری در شهر لندن.
- ۱۸۶۶ میلادی: درخواست تدوین مجموعه قوانین بین‌المللی در ارتباط با حقوق کار، توسط کنگره بین‌المللی کارگران.
- ۱۸۶۷ میلادی: انتشار اولین جلد از کتاب «سرمایه»ی کارل مارکس.
- ۱۸۸۳-۱۸۹۱ میلادی: تصویب قوانین اجتماعی در آلمان (اولین قوانین اجتماعی در اروپا).
- ۱۸۸۶ میلادی: اعتصاب سیصد و پنجاه هزار کارگر در شیگاگو برای دست‌یابی به هشت ساعت کار در روز و سرکوب وحشیانه‌ی اعتصاب‌کنندگان. (روز کارگر)
- ۱۸۸۹ میلادی: تشکیل دومین بین‌الملل کارگری در پاریس.
- ۱۸۹۰ میلادی: گردهم‌آیی نمایندگان چهارده کشور در برلین، با هدف فرموله کردن پیشنهادهاتی در زمینه‌ی حقوق کار.

- ۱۹۰۰ میلادی: ایجاد یک انجمن بین‌المللی در کنفرانس پاریس برای حمایت از کارگران.
- ۱۹۰۱ میلادی: تصویب دو مقاله‌نامه‌ی بین‌المللی ممنوعیت استفاده از ماده‌ی سفید سمی فسفر در صنایع کبریت‌سازی و تعدیل کار شبانه‌ی زنان، در کنفرانس برن.
- ۱۹۱۴ میلادی: وقوع جنگ در اروپا و متوقف شدن تصویب مقاله‌نامه‌های جدید.
- ۱۹۱۹ میلادی: تولد سازمان بین‌المللی کار و گزینش آلبرت توماس به‌عنوان نخستین دبیر کل این سازمان. اولین کنفرانس بین‌المللی کار، شش مقاله‌نامه را تدوین و تصویب کرد. اولین مقاله‌نامه، ساعت کار روزانه را به‌هشت ساعت و هفتگی را به چهل و هشت ساعت محدود ساخت.
- ۱۹۲۵ میلادی: تصویب مقاله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌های تأمین اجتماعی.
- ۱۹۲۶ میلادی: اولین نشست کمیته‌ی متخصصین در ارتباط با اجرای مقاله‌نامه‌ها.
- ۱۹۳۰ میلادی: تصویب یک مقاله‌نامه‌ی جدید به‌منظور الغای کار اجباری.
- ۱۹۴۴ میلادی: تصویب «بیانیه‌ی فیلادلفیا» و تأیید مجدد اهداف اساسی سازمان بین‌المللی کار.
- ۱۹۴۶ میلادی: پیوستن سازمان بین‌المللی کار به‌عنوان نخستین آژانس تخصصی، به سازمان ملل متحد.
- ۱۹۴۸ میلادی: انتخاب دیوید مورز به‌عنوان دبیر کل، تصویب مقاله‌نامه‌ی هشتاد و هفت در رابطه با آزادی‌های سندیکایی، برنامه‌ی نیروی کار اضطراری برای اروپا، آسیا، آمریکای لاتین.
- ۱۹۵۰ میلادی: همکاری بیش‌تر سازمان با کشورهای در حال توسعه، به سبب گسترش برنامه‌ی کمک‌های فنی سازمان ملل متحد.
- ۱۹۵۱ میلادی: تصویب مقاله‌نامه‌ی شماره‌ی ۱۰۰ دایر بر پرداخت‌های برابر برای زنان و مردان، در ازای انجام کارهایی با ارزش یکسان.
- ۱۹۵۱ میلادی: تشکیل یک کمیسیون مشترک به‌منظور بررسی شکایت‌ها در ارتباط با نقض آزادی‌های سندیکایی، توسط شورای اداری سازمان بین‌المللی کار و شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد.

- ۱۹۵۲ میلادی: تصویب مقاوله‌نامه‌ی شماره‌ی ۱۰۲ کنفرانس بین‌المللی کار، و تعیین حداقل استانداردها در ارتباط با تأمین اجتماعی.
- ۱۹۵۷ میلادی: تصویب مقاوله‌نامه‌ی شماره‌ی ۱۰۵ دایر بر لغو کار اجباری در کلیه‌ی شکل‌هایش.
- ۱۹۵۸ میلادی: مقاوله‌نامه‌ی شماره‌ی ۱۱۱ حذف تبعیض در استخدام و اشتغال را مقرر داشت.
- ۱۹۶۰ میلادی: ایجاد انستیتو بین‌المللی برای مطالعات کارگری در سازمان بین‌المللی کار.
- ۱۹۶۶ میلادی: افتتاح اولین مرکز آموزش سازمان بین‌المللی کار در تورین.
- ۱۹۶۹ میلادی: دریافت جایزه‌ی صلح نوبل
- ۱۹۷۴-۱۹۸۹ میلادی- توسعه‌ی گسترده‌ی همکاری‌های فنی تحت نظارت سازمان بین‌المللی کار در دوران دبیر کلی فرانسوا بلانشارد.
- ۱۹۸۹ میلادی: به کارگیری توصیه‌های کمیسیون سازمان بین‌المللی کار در مذاکره خود با دولت لهستان توسط نمایندگان جنبش هم‌بستگی این کشور.
- ۱۹۸۹ میلادی: گزینش مایکل هانسن به‌عنوان دبیر کل سازمان بین‌المللی کار.
- ۱۹۹۱ میلادی: تصویب استراتژی جدید سازمان بین‌المللی کار مبنی بر ممانعت از کار کودکان.
- ۱۹۹۲ میلادی: کنفرانس بین‌المللی کار سیاست جدید مشارکت فعال را به تصویب رساند. تشکیل اولین تیم مولتی‌انتظامی در بوداپست.
- ۱۹۹۸ میلادی: کنفرانس بین‌المللی کار، اعلامیه‌ی سازمان بین‌المللی کار در ارتباط با اصول اساسی و حقوق بنیادین کار در زمینه‌ی آزادی‌های سندیکایی، الغای کار کودکان، حذف کار اجباری و تبعیض را مورد تصویب قرار داد. مفاد آن در آدرس زیر قابل دسترس است^۱
- ۱۹۹۹ میلادی: انتخاب خوان سومایا شیلیایی به‌عنوان اولین دبیر کل از کشورهای در حال توسعه. تصویب مقاوله‌نامه‌ی جدید در ارتباط با ممنوعیت و حذف فوری بدترین انواع کار کودکان.
- ۲۰۰۲ میلادی: تصویب مقاوله‌نامه‌ی شماره‌ی ۱۸۲ مبتنی بر ممنوعیت فوری

1- <http://www.ilo.org/dyn/declaris/DECLARATIONWEB.INDEXPAGE>

بدترین انواع کار کودکان است توسط یک صد کشور عضو سازمان. این سریع‌ترین تصویب در تاریخ سازمان بین‌المللی کار محسوب می‌شود. به‌راه انداختن کمیسیون جهانی در ارتباط با ابعاد اجتماعی جهانی شدن.

هدف‌ها و ساختار سازمان بین‌المللی کار

هدف‌های سازمان بین‌المللی کار

اقدامات گوناگون سازمان بین‌المللی کار در چهار هدف استراتژیک جمع‌بندی شده است:

۱. بالا بردن استانداردها و دستیابی به اصول اساسی حقوق کار.
 ۲. ایجاد فرصت‌های بیش‌تر برای زنان و مردان برای دستیابی به استخدام آبرومند و برخورداری از حقوق مکفی.
 ۳. گسترش پوشش‌های اجتماعی و فراگیر برای همه.
 ۴. تقویت سه‌جانبه‌گرایی و گفتگوهای اجتماعی.
- سازمان بین‌المللی کار استانداردهای بین‌المللی کار را در شکل مقابله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌ها با در نظر گرفتن حداقل استانداردها درباره‌ی حقوق کارگری، آزادی انجمن‌ها، حق تشکل، دادوستد، الغای کار اجباری، فرصت‌ها و رفتار برابر و سایر استانداردهای مربوط به موضوعات کاری، تنظیم و تدوین می‌نماید.

ساختار سازمان بین‌المللی کار

برای پیش‌برد اقدام‌های سازمان بین‌المللی کار، سه نهاد اساسی: -کنفرانس بین‌المللی کار، شورای حکام، دفتر بین‌المللی کار-، به عنوان ارگان‌های تشکیل‌دهنده‌ی این سازمان

در نظر گرفته شده‌اند.

اصل بنیادی و وجه اصلی تمایز این سازمان با دیگر سازمان‌های بین‌المللی، رعایت سه‌جانبه بودن در این سه نهاد، یعنی حضور و هم‌آهنگی نمایندگان دولت‌ها، کارفرمایان و کارگران به طور مستمر است.

کنفرانس بین‌المللی کار

این کنفرانس هر ساله در ماه ژوئن در ژنو تشکیل می‌شود. هیأت‌های شرکت‌کننده را دو نماینده‌ی دولت، یک نماینده‌ی کارفرمایان و یک نماینده از سوی کارگران تشکیل می‌دهند. این هیأت‌ها را گروهی از مشاوران فنی و حقوق‌دان همراهی می‌کنند. هیأت‌های کارگری و کارفرمایی با توافق اکثریت نمایندگان گروه‌های ملی کارفرمایی و کارگری انتخاب می‌شوند. هیأت‌ها دارای حقوق مساوی هستند و آزادانه می‌توانند نظر خود را بیان کرده و رأی دهند. بسیاری از نمایندگان دولتی را اعضای کابینه و کسانی که در ارتباط با امور کارگری در کشور خود مسئولیت دارند، تشکیل می‌دهند. رؤسای دولت و نخست‌وزیران نیز از جمله شرکت‌کنندگان در کنفرانس هستند. سازمان‌های بین‌المللی، اعم از دولتی و غیره نیز به‌عنوان ناظر در کنفرانس شرکت می‌کنند. ایجاد مقررات بین‌المللی مربوط به کار، تصویب بودجه‌ی سازمان بین‌المللی کار و انتخاب شورای اداری بر عهده‌ی این کنفرانس است که از آن به‌عنوان پارلمان کار نیز یاد می‌شود.

یکی از وظایف کنفرانس بین‌المللی کار نظارت بر اجرای مقاوله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌ها در سطح ملی است. این کنفرانس، گزارش‌هایی را که دولت‌های عضو براساس درخواست نهادهای ذیربط سازمان بین‌المللی کار (از جمله کمیته‌ی متخصصین) ارائه می‌دهند، مورد رسیدگی قرار می‌دهد. در این‌گونه گزارش‌ها، دولت‌های عضو موظف هستند در ارتباط با رعایت وظایفی که مقاوله‌نامه‌های مورد تصویب بر عهده‌شان نهاده، پاسخگو باشند. دولت‌ها هم‌چنین براساس پرسش‌های نهادهای ذیربط سازمان بین‌المللی کار، موظف به ارائه‌ی گزارش در زمینه‌ی قوانین و عمل‌کردشان در رابطه با مقاوله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌هایی که تصویب نکرده‌اند نیز هستند.

دفتر بین‌المللی کار

دبیرخانه‌ی دائمی سازمان را دفتر بین‌المللی کار تشکیل می‌دهد و به‌عنوان ستاد مرکزی آن عمل می‌کند. این دفتر در شهر ژنو و نزدیک مقر سازمان ملل مستقر است. نزدیک به هزار و نهصد کارمند از یک‌صد و ده کشور دنیا در دفتر مرکزی، و چهل نقطه‌ی دیگر از جهان مشغول کارند. به‌علاوه حدود ششصد کارشناس در مناطق مختلف دنیا تحت برنامه‌ی همکاری‌های فنی به‌همکاری با این دفتر مشغول‌اند.

این دفتر دارای یک مرکز اسناد و تحقیق و یک چاپخانه است و مطالعات تخصصی وسیعی را در گزارش‌ها و فصل‌نامه‌های خود انتشار می‌دهد.

یک‌صد و نود و دو کشور در حال حاضر عضو این سازمان بین‌المللی هستند. فعالیت‌های سازمان بین‌المللی کار در تهران، پس از انقلاب ۱۹۷۹ با بسته شدن دفتر این سازمان متوقف شد اما تعطیلی آن هیچ‌گاه از سوی این سازمان بطور رسمی اعلام نشد.

شورای حکام

ارگان اجرایی سازمان بین‌المللی کار و نقش دبیرخانه‌ی آن را شورای حکام برعهده دارد. این شورا سه بار در سال در ماه‌های مارس، ژوئن و نوامبر تشکیل جلسه می‌دهد. تنظیم سیاست سازمان، برنامه و بودجه‌ی آن به عهده‌ی این شورا است که برای تصویب به کنفرانس بین‌المللی کار ارائه می‌شود. انتخاب مدیر کل نیز از جمله وظایف این ارگان است.

اعضای آن را بیست و هشت نماینده‌ی معرفی‌شده از سوی دولت‌ها؛ چهارده نماینده‌ی کارفرمایان و چهارده نماینده‌ی کارگران تشکیل می‌دهند. هم‌چنین شصت و شش معاون عضو آن، از بیست و هشت نماینده‌ی معرفی‌شده از سوی دولت‌ها؛ نوزده نماینده‌ی کارفرمایان و نوزده نماینده‌ی کارگران تشکیل می‌شود.

ده کشور مهم صنعتی (ایالات متحده آمریکا، بریتانیای کبیر، فدراسیون روسیه، آلمان، ژاپن، فرانسه، ایتالیا، چین، برزیل و هند) اعضای دائمی آن هستند و نمایندگان سایر دولت‌ها هر سه سال یک بار بر اساس تقسیم‌بندی‌های جغرافیایی انتخاب می‌شوند. ریاست شورای حکام هر ساله موظف است بر اساس ماده‌ی ۱۴ آئین‌نامه‌ی شورای حکام، گزارش کار سالانه‌ی این شورا را به کنفرانس بین‌المللی کار ارائه کند.

شورای حکام، دارای شش بخش است: کمیته‌ی آزادی انجمن، کمیته‌ی مسائل قانونی و استانداردهای بین‌المللی کار، کمیته‌ی برنامه، مالی و اجرایی، کمیته‌ی اشتغال و سیاست‌های اجتماعی، کمیته‌ی جلسات تکنیکی و مسائل مربوطه، و کمیته‌ی همکاری‌های تکنیکی. هر یک از کمیته‌های مزبور می‌توانند از یک یا چند زیر کمیته تشکیل شوند. مهم‌ترین این کمیته‌ها عبارتند از:

کمیته‌ی آزادی انجمن^۱

کمیته‌ی آزادی انجمن، ارگانی سه جانبه است که در سال ۱۹۵۱ براساس تصمیم شورای حکام سازمان بین‌المللی کار تأسیس شد. اعضای این کمیته عبارتند از نه عضو اصلی و نه معاون که از سوی دولت‌ها و گروه‌های کارگری و کارفرمایی کشورهای عضو دارای نماینده در شورای حکام سازمان بین‌المللی کار انتخاب می‌شوند. ریاست این کمیته از میان افراد صاحب‌صلاحیت خارج از شورای حکام انتخاب می‌شود.

جلسات کمیته‌ی آزادی انجمن سه بار در سال تشکیل می‌شود و کمیته، ضمن طرح موضوعات طرح‌شده از سوی دولت‌ها و تشکلهای کارگری و کارفرمایی، موظف به بررسی شکایت‌های وارده در چارچوب روش‌های پیش‌بینی شده و انعکاس نظرات خود به شورای حکام، به‌نحو مطلوب است. کمیته‌ی آزادی انجمن پس از شش دهه فعالیت و بررسی هزاران پرونده و با ارائه پاسخ‌های مناسب، بی‌طرفانه و عملی به ادعاهای طرح‌شده در شکایت‌های نهادهای کارگری و کارفرمایی، اکنون ارگانی قابل اعتماد است که براساس اصول آزادی انجمن و قراردادهای جمعی مطابق با مفاد اعلام‌شده در اساس‌نامه‌ی سازمان بین‌المللی کار و مقاوله‌نامه‌ها و توصیه‌ها و قطعنامه‌های مربوط به آن فعالیت می‌کند.

کمیته‌ی آزادی انجمن در پیش‌بینی‌های خود، احترام هر چه بیش‌تر به حقوق تشکلهای کارگری و کارفرمایی در قانون و در عمل را هدف قرار داده است. با توجه به این نکته، «کمیته» صرفاً تنبیه و یا مجازات افراد را مد نظر ندارد، بلکه به دنبال مشارکت آنان در گفتگوهای سه جانبه‌ی سازنده جهت افزایش احترام همه‌جانبه به تشکلهای کارگری و کارفرمایی است.

1- Committee on Freedom of Association (CFA)

کمیته‌ی حقیقت‌یاب و مصالحه‌ی آزادی انجمن

این کمیته در سال ۱۹۵۰ تشکیل شد و اعضای آن اشخاصی مستقل هستند. وظیفه‌ی این کمیته بررسی شکایت‌های مربوط به نقض حقوق تشکل‌های کارگری و کارفرمایی قابل ارجاع به‌شورای حکام سازمان بین‌المللی کار است. صرف‌نظر از ماهیت کمیته‌ی فوق به‌عنوان یک ارگان حقیقت‌یاب، این کمیته مختار است جهت حل و فصل مشکلات موجود و حصول توافقات لازم، با دولت‌ها به‌مذاکره بپردازد.

کمیته‌ی مذکور تاکنون نسبت به شش مورد از شکایت‌های وارده در ارتباط با پرونده‌های مربوط به سرزمین‌های مستعمره‌ای پرتغال در آفریقا (آنگولا و موزامبیک) قبل از استقلال آن‌ها؛ آزادی‌های سندیکایی در ژاپن؛ اسپانیا در دوران فرانکو در سال ۱۹۶۷؛ شیلی به‌دنبال حوادث بعد از کودتای ۱۹۷۳ پینوشه علیه دولت آئنده؛ و لهستان و جنبش هم‌پستگی در دهه‌ی ۸۰ رسیدگی کرده است.

کمیته‌ی حقیقت‌یاب در صورت عدم‌پذیرش و تصویب مقاوله‌نامه‌های مربوط به آزادی انجمن (مقاوله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸) از سوی دولت‌ها صرفاً می‌تواند براساس موافقت اعلام‌شده از سوی دولت‌ها در موارد مختلف، مشارکت نماید.

اعضای این کمیته در بررسی موضوعات وارده، به‌صورت موردی اقدام، و به‌منظور آگاهی از نظریات شاهدان به کشورهای موردنظر سفر می‌کنند. این روش با توجه به تبعیت آن از روش‌های متعارف قضایی و اخذ ضمانت‌های شنیده‌شده و نوشته‌شده از طرفین دعوی، روشی پرهزینه و وقت‌گیر محسوب می‌شود. و به همین سبب در موارد محدودی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

کمیته‌ی مسائل قانونی و استانداردهای بین‌المللی کار^۱

جلسات این کمیته به‌طور معمول در بهار و پاییز تشکیل می‌شود و مأموریت آن بررسی استانداردهای تعیین‌شده‌ی سازمان بین‌المللی کار و شاخه‌های در رابطه با آن است. اقدامات مربوط به حمایت از حقوق بشر، به‌ویژه حذف نابرابری‌های نژادی و جنسی از موارد موردنظر این کمیته محسوب می‌شود.

1- LILS Committee on Legal Issues and International Labour Standards

کمیته‌ی متخصصین در رابطه با اجرای مقاوله‌نامه‌ها و توصیه‌ها^۱

در سال ۱۹۲۶، یک ابتکار مهم در سازمان بین‌المللی کار صورت گرفت. در این سال کنفرانس بین‌المللی کار، نهادی را برای رسیدگی به اجرای صحیح استانداردهای بین‌المللی ایجاد کرد. این نهاد که متشکل از کارشناسان و حقوق‌دانان مستقل است، گزارش‌های ارائه شده توسط دولت‌ها را بررسی و براساس آن، گزارش سالانه‌ی کنفرانس بین‌المللی کار را تدوین می‌کند.

این گزارش هر سال در کتاب سبز رنگی منتشر و به کنفرانس بین‌المللی کار ارائه می‌شود. ساختار گزارش و به‌ویژه قسمت‌های مهم آن به این شرح است:

- بخش اول: گزارش عمومی
- بخش دوم: نظارت در ارتباط با بعضی کشورها
- بخش سوم: بررسی عمومی

این کمیته هر بار برای یک دوره‌ی سه‌ساله رسمیت می‌یابد. اعضای آن از بیست حقوق‌دان برجسته‌ی منتخب شورای حکام از مناطق جغرافیایی مختلف با سیستم‌های قانونی و فرهنگی متفاوت، تشکیل می‌شوند.

هر گاه کشوری مقاوله‌نامه‌ای را تصویب می‌کند، موظف می‌شود به‌طور مرتب، اقداماتی را که برای اجرای مقاوله‌نامه‌ی مزبور انجام داده، به سازمان بین‌المللی کار گزارش کند. بدین صورت که هر دو سال یک‌بار در مورد اقدامات انجام گرفته در خصوص تصویب قانون و اجرای مقاوله‌نامه، در ارتباط با هشت مقاوله‌نامه‌ی بنیادین و چهار مقاوله‌نامه‌ی مهم سازمان بین‌المللی کار، گزارشی را با طرح جزئیات ارائه دهد. به جز آن، دولت‌ها موظف‌اند هر پنج سال یک‌بار اقدامات خود را در ارتباط با دیگر مقاوله‌نامه‌ها به این کمیته گزارش دهند. لازم به یادآوری است که گزارش اجرای مقاوله‌نامه‌ها گاهی خارج از ترتیب زمانی مشخص و زودتر از موعد مقرر، از کشوری درخواست می‌شود.

لازم است دولت‌ها یک نسخه از گزارش خود را نیز به سازمان‌های کارگری و کارفرمایی ارائه دهند. این سازمان‌ها ممکن است اظهارنظرهایی در رابطه با گزارش دولت‌ها داشته باشند و آن را مستقیماً به سازمان بین‌المللی کار ارسال کنند.

1-Committee of Experts on the Application of Conventions and Recommendations

پیمان‌های بین‌المللی مربوط به حقوق کار

تصویب اولین پیمان‌های بین‌المللی در ارتباط با موضوع کار به پیش از تشکیل سازمان بین‌المللی کار برمی‌گردد. در سال ۱۹۰۶ در کنفرانس برن دو پیمان، تعدیل کار شبانه زنان در صنایع و عدم استفاده از ماده‌ی سمی فسفر سفید در ساختن کبریت، راه را برای تصویب پیمان‌های بین‌المللی در زمینه‌ی حقوق کار، گشود.

سازمان بین‌المللی کار از زمان آغاز کار خود در سال ۱۹۱۹ تا به امروز، توسط کنفرانس بین‌المللی کار که سالی یک بار در ژنو و در مقر این سازمان تشکیل جلسه می‌دهد، مجموعاً یک‌صد و هشتاد و هشت مقاله‌نامه و یک‌صد و نود و نه توصیه‌نامه برای تنظیم روابط حاکم بر محیط کار و مشخص ساختن حداقل معیارها و استانداردها در زمینه‌ی حقوق بنیادی کار در سطح بین‌المللی، تدوین و تصویب کرده است.

مقاله‌نامه‌ها، پیمان‌های بین‌المللی هستند که ابتدا توسط کنفرانس به تصویب رسیده و برای تصدیق و تصویب در اختیار کشورهای عضو قرار داده می‌شوند.

تصویب مقاله‌نامه‌ها از سوی هر یک از دولت‌های عضو، موجب ایجاد وظایف قانونی برای امضاکننده شده و آن دولت را موظف به اجرای شرایط مطرح شده در مقاله‌نامه می‌کند. توصیه‌نامه‌ها نیاز به تصویب از سوی دولت‌ها ندارند و تنها یک دستورالعمل و راهنمای کار در سطح ملی هستند که تعهدی به لحاظ قانونی ایجاد نمی‌کنند.

سازمان بین‌المللی کار برابر مقررات خود، از طریق اتحادیه‌های عضو و یا کنفدراسیون‌های بین‌المللی کارگری مانند کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری و کنفدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری، علیه دولت‌ها به خاطر عدم رعایت مفاد این مقاله‌نامه‌ها شکایت کرد.

از مجموع یک‌صد و نود و نه توصیه‌نامه که تاکنون به تصویب رسیده، سی و شش توصیه‌نامه پس گرفته شده‌اند. توصیه‌نامه‌های پس گرفته شده جزو نود و شش توصیه‌نامه‌ای هستند که تا سال ۱۹۵۳ به تصویب رسیده بودند. از سال ۱۹۵۳ به بعد هیچ یک از توصیه‌نامه‌های تصویب شده، پس گرفته نشده‌اند.

از میان یک‌صد و هشتاد و هشت مقاله‌نامه‌ی تصویب شده، هشت مقاله‌نامه‌ی بنیادین کار عبارتند از: مقاله‌نامه‌های ۸۷، ۹۸، ۱۰۰، ۱۱۱، ۲۹، ۱۰۵، ۱۳۸، ۱۸۲.

مقاله‌نامه‌های فوق جزو حقوق بنیادین و اساسی کار شناخته شده و دولت‌ها حتی فارغ

از تصویب آن‌ها، ملزم به رعایت مفاد مقاوله‌نامه‌ها هستند. چهار مقاوله‌نامه‌ی مهم عبارتند از:

۱. مقاوله‌نامه‌ی ۱۲۲- (سیاست استخدام) مصوب ۱۹۶۴
۲. مقاوله‌نامه‌ی ۸۱- (بازرسی کار) مصوب ۱۹۴۷
۳. مقاوله‌نامه‌ی ۱۲۹- (بازرسی کار (کشاورزی) مصوب ۱۹۶۹
۴. مقاوله‌نامه‌ی ۱۴۴- مشاوره سه جانبه (استاندارد بین‌المللی کار) مصوب ۱۹۷۶

تعدادی از مقاوله‌نامه‌های تصویب شده در طول سال‌های گذشته، از جمله مقاوله‌نامه‌های شماره‌ی ۳۱ و ۴۶ مربوط به ساعت کار کارگران معدن و مقاوله‌نامه‌های شماره‌ی ۵۱، ۶۱، ۶۶ که به ترتیب مربوط به کاهش ساعات کار در کارهای عمومی، صنایع نساجی و مهاجرت برای استخدام، مصوب ۱۹۳۶ و ۱۹۳۷ و ۱۹۳۹ بودند، پس از سال‌ها به مرحله‌ی اجرا نرسیدند و در سال ۲۰۰۰ پس گرفته شدند. نه مقاوله‌نامه‌ی ۵۴، ۵۷، ۷۰، ۷۲، ۷۵، ۷۶، ۱۷۴، ۱۰۹، ۹۳، تاکنون امضاهای لازم را برای اجرا کسب نکردند.

تصویب مقاوله‌نامه‌ها

حرکت به سوی حقوق بشر و حقوق بنیادین کار^۱

در سال ۱۹۳۰، سازمان بین‌المللی کار با تصویب مقاوله‌نامه‌ی شماره‌ی ۲۹ که کار اجباری را ممنوع می‌کرد، پیش‌گام دفاع از آزادی‌های فردی به‌ویژه در سرزمین‌های مستعمره‌ای آن دوره، در سطح بین‌المللی شد. پس از جنگ جهانی دوم و تحقیق‌ها و بررسی‌های انجام‌گرفته از سوی کمیته‌های ویژه و مشترک سازمان بین‌المللی کار و سازمان ملل، مقاوله‌نامه‌ی شماره‌ی ۱۰۵ در ارتباط با لغو اشکال گوناگون کار اجباری در سال ۱۹۵۷، مورد تصویب قرار گرفت و حقوق شناخته‌شده‌ی قبلی را تکمیل کرد.

تصویب این مقاوله‌نامه‌ها، روح جدیدی به‌حمایت از کارگران در مقابل اشکال گوناگون کار اجباری که به‌صورت اجبار یا بسیج افراد در طرح‌های توسعه‌ی اقتصادی، تنبیه و

۱ - در تهیه و تدوین این قسمت، از مقاله Nicolas VALTICOS با عنوان International labour standards and human rights: Approaching the year 2000 استفاده شده است.

مجازات کارگران به دنبال شرکت در اعتصابات و یا به صورت تبعیض نژادی، جنسی، قومی و... صورت می‌گیرد، بخشید!

بعد از تصویب این مقاوله‌نامه‌ها بود که در ماده‌ی ۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ و ماده‌ی ۶ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی؛ ممنوعیت کار اجباری تصریح گردید. منع کار اجباری در ماده‌ی ۲۳ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

مدیرکل سازمان بین‌المللی کار در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۵ بر اساس گزارش‌هایی که دولت‌های عضو هر ساله درباره‌ی وضعیت کار اجباری در کشورشان به سازمان بین‌المللی کار، ارائه می‌دهند گزارش‌های جامعی را تهیه کرد. امروزه با توجه به رواج روزافزون بردگی مدرن ناشی از بهره‌کشی جنسی از کودکان و زنان، موضوع مبارزه با کار اجباری، اهمیتی بیش از پیش یافته است.

آزادی انجمن (سندیکا)، دومین روی‌کرد مهم، در حمایت از کارگران بود که توسط سازمان بین‌المللی کار، دنبال شد. مطمئناً کارگران تا زمانی که قادر به تشکیل سندیکا و انعقاد قراردادهای دسته‌جمعی کار نباشند، نمی‌توانند به‌نحو شایسته‌ای از منافع و حقوق خود دفاع کنند. هرچند مخالفت منابع مختلف، تصویب سند سازمان بین‌المللی کار در زمینه حق آزادی سندیکایی را، در مدت بین دو جنگ، با بن‌بست مواجه کرد، اما این مقاوله‌نامه بالاخره بعد از پایان جنگ دوم جهانی در سال ۱۹۴۸ مورد تصویب قرار گرفت. یک سال بعد در اول ژوئیه سال ۱۹۴۹، مقاوله‌نامه «حق تشکل و مذاکره دسته‌جمعی» به تصویب سازمان بین‌المللی کار رسید. این دو مقاوله‌نامه، تضمین اساسی و ابزاری مؤثر برای کارگران در دفاع از منافعشان است.

بعدها مقررات مربوط به آزادی سندیکایی، در قالبی کلی‌تر و با عباراتی متفاوت در دو میثاق حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل مورد تصویب قرار گرفت.

۱ - استفاده از سربازانی که دوران خدمت وظیفه‌ی عمومی را می‌گذرانند برای شرکت در پروژه‌های ترویج و آبادانی و توسعه‌ی اقتصادی و... ممنوع است و از مصادیق کار اجباری و بیگاری است. به این ترتیب ایجاد سپاه ترویج و آبادانی، بهداشت و دانش در پیش از انقلاب و طرح «سرباز معلم» و استفاده از سربازان وظیفه در شرکت واحد و... از مصادیق «کار اجباری» و «بیگاری» است.

گذشته از روش‌ها و آئین‌های کلی نظارت بر رعایت مقاوله‌نامه‌ها، امکان ویژه‌ای برای تسلیم شکایت سازمان‌های کارفرمایی و کارگری حتا علیه دولت‌هایی که مقاوله‌نامه شماره ۸۷ را تصویب نکرده‌اند، ایجاد شده است. چرا که برخورداری از حق آزادی سندیکایی، در مقدمه اساسنامه سازمان بین‌المللی کار، گنجانیده شده است.

شکایت‌های صورت گرفته از سوی تشکل‌های کارگری و کارفرمایی علیه دولت‌هایی که مقاوله‌نامه شماره ۸۷ را تصویب نکرده بودند، به کمیته‌ی عالی آزادی انجمن که سال‌ها پل رامادیر (Paul Ramadier)^۱ رئیس اسبق شورای وزیران فرانسه و پروفیسور روبرت آگو (Robert Ago)^۲ رئیس هیأت علمی آکادمی حقوق بین‌المللی لاهه، ریاست آن را بر عهده داشتند، باعث شد که در سال ۱۹۵۸ مقاوله‌نامه‌ی شماره‌ی ۱۱۱، منع تبعیض (در استخدام و اشتغال) و توصیه‌نامه‌ی مکمل آن، هرگونه تفاوت، محرومیت یا تقدم را که بر پایه نژاد، رنگ پوست، جنسیت، مذهب، عقیده‌ی سیاسی، یا سابقه‌ی ملیت آباء و اجدادی، یا طبقه‌ی اجتماعی باشد، ممنوع اعلام کند.

سازمان بین‌المللی کار از پیش‌گامان محکومیت آپارتاید و تبعیض نژادی در سطح بین‌المللی بود.

در جولای ۱۹۶۴ در جریان چهل و هشتمین اجلاس سالانه‌ی کنفرانس بین‌المللی کار این سازمان، برنامه‌ی تفصیلی ویژه‌ای برای محو تبعیض نژادی و آپارتاید از سوی سازمان بین‌المللی کار طرح و مورد تأکید قرار گرفت.

در سپتامبر ۱۹۷۰ فراخوان اعتراضی، از سوی سازمان بین‌المللی کار در مخالفت با آپارتاید و تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی^۳ صورت گرفت و در اعلامیه‌ی سال ۱۹۶۳ و مقاوله‌نامه‌ی سال ۱۹۶۵ سازمان ملل، به‌روشن‌ترین شکل از موضوع تبعیض نژادی و محکومیت آن سخن به‌میان آمده است.

ممنوعیت کار کودکان حوزه‌ی دیگری بود که سازمان بین‌المللی کار در آن به‌فعالیت پرداخت. توجه و آگاهی عمومی به‌مشکل کار کودکان در طول اولین سال‌های تشکیل

۱- پل رامادیر (۱۸۸۸-۱۹۶۱) یکی از مخالفان دولت ویشی بود و به‌همین دلیل به‌مقاومت فرانسه پیوست و پس از پایان جنگ اولین دولت جمهوری چهارم فرانسه را در سال ۱۹۴۶ تشکیل داد. وی از سال ۱۹۵۲ تا ۱۹۵۵ ریاست دفتر بین‌المللی کار، و از سال ۱۹۵۱ تا ۱۹۶۱ ریاست کمیته‌ی آزادی انجمن را به‌عهده داشت.

۲- روبرت آگو (۱۹۰۷-۱۹۹۵) در ۳۵ سال آخر عمرش، ریاست کمیته‌ی آزادی انجمن سازمان بین‌المللی کار را به‌عهده داشت. وی مدت‌ها رییس دفتر بین‌المللی کار، و از سال ۱۹۷۹ تا دم‌مرگ، قاضی دادگاه بین‌المللی کیفری بود.

3- http://www.anc.org.za/un/ilo_action.html

سازمان بین‌المللی کار، آلبرت توماس (Albert Tomas) دبیر کل این سازمان را وادار به تأکید بر اهمیت و برتری عامل انسانی بر اقتصاد کرد. وی به‌صراحت تأکید کرد که: «طبقه‌ای که از فرزندانش مراقبت می‌کند طبقه‌ی است که از پیش نسبت به‌سرنوشت خود آگاه است.»^۱

در قرارداد ژنو در سال ۱۹۲۴ میلادی در باره‌ی حقوق کودکان، قرارداد رعایت حقوق کودکان از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد در بیستم نوامبر ۱۹۵۹ میلادی، اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، پیمان بین‌المللی در باره‌ی حقوق سیاسی و شهروندی (بخصوص در مواد ۲۳ و ۲۴ آن)، پیمان جهانی برای حقوق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی (بخصوص در ماده‌ی ۴۰) و بند سه ماده‌ی ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ بر مجازات کسانی که کودکان را به کارهایی وامی‌دارند که برای اخلاق یا سلامت آنان زیان‌آور بوده، یا زندگی آن‌ها را به‌خطر انداخته، یا مانع رشد طبیعی آنان شده، تأکید می‌کند.

از ابتدای تشکیل سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۱۹ با توجه به‌اهمیتی که این سازمان برای کودکان قائل بود، کوشش‌های بسیاری به‌عمل آمد تا هرگونه کار کودکان ممنوع شود. به‌همین منظور در مقاله‌نامه‌های ۶۰، ۵۹، ۵۸، ۳۳، ۱۰، ۷ و ۵ مربوط به صنعت، دریانوردی، کشاورزی، ماهی‌گیری، کارهای زیرزمینی و... که بین سال‌های ۱۹۱۹ تا ۱۹۶۵ تصویب شد، به‌حداقل سن مجاز برای کار در این بخش‌ها اشاره شد. اما در سال ۱۹۷۳ سرانجام مقاله‌نامه‌ی جداگانه‌ی شماره‌ی ۱۳۸ (حداقل سن) برای حذف هرگونه کار کودکان تصویب شد. در بند یک ماده‌ی سوم این مقاله‌نامه آمده است که حداقل سن کار که در طبیعت خود می‌تواند سلامت، امنیت یا اخلاق نسل جوان را مورد تهدید قرار دهد، نباید کمتر از هجده سال باشد.

در نوامبر ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل مقاله‌نامه‌ی حقوق کودک را در یک

۱- نخستین قانون درباره‌ی محدود کردن ساعات کار کودکان در سال ۱۸۰۲ توسط پارلمان انگلستان وضع شد که به‌موجب آن ساعت کار کودکانی که در سن هفت سالگی از طریق مؤسسات دلال کاریابی به کارخانجات اجاره داده می‌شدند به دوازده ساعت در روز محدود شد. در سال ۱۸۳۳ قانون دیگری از پارلمان انگلستان گذشت که ساعت کار کودکان را تا سن سیزده سالگی به هشت ساعت در روز و از آن سیزده تا هجده سالگی به دوازده ساعت در روز محدود کرد. در ایالت پروس و در فرانسه در مارس ۱۸۴۱ اولین قانون درباره‌ی کار کودکان به‌تصویب رسید.

دیباجه و ۵۴ ماده تصویب کرد. سرانجام تلاش برای مبارزه با کار کودکان در سال ۱۹۹۹ با تصویب مقاوله‌نامه ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار در مورد بدترین اشکال کار کودکان، شدت پیدا کرد. این مقاوله‌نامه بدترین شکل‌های کار کودکان را چنین معرفی کرد: بردگی، قاچاق مواد مخدر، فحشا، و سایر کارهایی که سلامتی، امنیت، و رفاه کودکان را با خطر جدی مواجه می‌کند.

سازمان بین‌المللی کار از بدو تأسیس خود به‌نحو گسترده‌ای، در جهت حمایت از آزادی‌های عمومی و حقوق مدنی و سیاسی مشارکت داشته است.

معیارهای بین‌المللی کار و حقوق اقتصادی و اجتماعی

شبهات میان معیارهای بین‌المللی کار و حقوق بشر، به‌ویژه راجع به حقوق کارگران، در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل آشکار است. این وجوه اشتراک شامل دستمزد برابر مرد و زن (مقاوله‌نامه‌ی شماره‌ی ۱۰۰ سازمان بین‌المللی کار و ماده‌ی ۷ میثاق مزبور سازمان ملل)، امنیت شغلی و سلامتی (مقاوله‌نامه‌های متعدد سازمان بین‌المللی کار و ماده‌ی ۷ میثاق مزبور)، استراحت هفتگی، محدودیت ساعات کار و مرخصی با حقوق (چندین مقاوله‌نامه‌ی سازمان بین‌المللی کار و ماده‌ی ۷ میثاق) حق تأمین اجتماعی (مقاوله‌نامه‌های متعدد سازمان بین‌المللی کار و ماده‌ی ۹ میثاق)، حمایت دوران زایمان (مقاوله‌نامه‌های متعدد سازمان بین‌المللی کار و ماده‌ی ۱۰ میثاق)، حمایت و کمک به کودکان و نوجوانان (مقاوله‌نامه‌های متعدد سازمان بین‌المللی کار و ماده‌ی ۱۰ میثاق) است.

در مجموع، می‌توان گفت که مقاوله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار، اجرای عملی مجموعه‌ای از اصول کلی مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را، در سطح ملی رهبری و پشتیبانی می‌کنند.

اعلامیه‌ی اصول و حقوق بنیادین کار

از آن جایی که خواسته‌ها و نیازمندی‌های طبقه‌ی کارگر در تمامی نقاط دنیا تقریباً یک‌سان است، مقررات حاکم بر کار نیز جنبه‌ی فراملی و جهانی پیدا کرده‌اند. در دهه‌های اخیر سازمان بین‌المللی کار از طریق نزدیک‌سازی قوانین کار کشورهای مختلف، نقش مؤثری در اعمال رژیم حقوقی یک‌سان برای کارگران به‌عهدده داشته است. در این راه

معیارهای جهانی، حقوق و اصول بنیادین کار، و حقوق بشر همواره اهمیت ویژه‌ای برای سازمان بین‌المللی کار داشته است. از این رو کنفرانس بین‌المللی کار، در طول هشتاد و ششمین اجلاس خود، در ژوئن ۱۹۹۸، با اجماع کلیه کشورهای اعلامیه‌ی سازمان بین‌المللی کار درباره‌ی «اصول و حقوق بنیادین کار» و متمم‌اش را تصویب کرد.

از زمان تصویب «اعلامیه‌ی اصول و حقوق بنیادین کار»^۱ یک وظیفه‌ی مهم دیگر کنفرانس بین‌المللی کار، بررسی «گزارش‌های جهانی»^۲ تهیه‌شده توسط دفتر بین‌المللی کار است در چهارچوبی که اطلاعیه، آن را مشخص کرده است هر چهار سال یک بار کنفرانس، «گزارش‌های جهانی» در ارتباط با اصول و حقوق بنیادین کار را مورد رسیدگی قرار می‌دهد.

از نظر نباید دور داشت که جهانی شدن حقوق کار از یک طرف به دلیل رقابت کشورها در پیشرفت‌های اجتماعی و از طرف دیگر مدیون تلاش کارگران برای جهانی کردن مبارزات خود بوده است. در واقع این حقوق دست‌آورد سالیان دراز مبارزات کارگران سراسر دنیاست.

تحولاتی نظیر جهانی شدن اقتصاد و افزایش و تشدید رقابت حاصل از آن و قدرت مقررات‌زدایی^۳، که به‌وسیله‌ی نئولیبرالیسم تشویق می‌شود و تأثیر بازدارنده‌ی آن بر سیاست‌های اجتماعی و توسعه، باعث شده است که بخشی از حقوق و اصول بنیادین کار به‌مخاطره افتد.

دلیل اصلی نگرش مجدد به موضوع حقوق اصولی و بنیادین کار، از این‌جا ناشی می‌شود که در برابر گسترش آزادسازی تجاری (لیبرالیزاسیون) بین‌المللی و جهانی‌سازی (گلوبالیزاسیون)، سازمان بین‌المللی کار می‌کوشد با پذیرش غیراجباری اعلامیه‌ی ۱۹۹۸ از سوی دولت‌ها تعادلی به‌وجود آورده و به‌فشارهای ناشی از آزادسازی پاسخ دهد و سبب برانگیختن حس احترام در جامعه، نسبت به حقوق کارگران شود و از بروز حالت‌های انفجاری در کشورها جلوگیری کند.^۴

1-Declaration on Fundamental Principles and Rights at Work

2- Global Reports

3- deregulation

۴- در دوران گلوبالیزاسیون قدرت‌های جهانی تلاش می‌کنند برای کاستن از حقوق کارگران و مزدبگیران موازین کلی و کمرنگ‌تری را به‌جای مقاله‌نامه‌های بنیادین کار تصویب کنند.

برای نمونه در نشست سالانه‌ی سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۰۰، مقاله‌نامه‌ی ۱۰۳ که مربوط به وضعیت زنان باردار و شیرده است پس از نیم قرن مورد تجدیدنظر قرار گرفت و به‌جای آن مقاله‌نامه‌ی ۱۸۳ به تصویب رسید. در این تجدیدنظر بخشی از حقوق تصریح‌شده‌ی مادران باردار و شیرده از بین رفته و خدمات ارائه شده به آنان به‌عرف

اعلامیه‌ی ۱۹۹۸ می‌کوشد انعطاف لازم در برابر آثار سوء ناشی از جهانی شدن (گلوبالیزاسیون) را ایجاد و حیطة‌ی اصول بنیادین حقوق کار را جهانی کند.

هرچند حقوق بنیادین کار هم‌اکنون جزو هنجارهای بنیادین حقوق بین‌الملل به‌شمار می‌روند و از ویژگی «قواعد آمره» (Jus Cogens) برخوردارند و معیارهای مطرح شده در اعلامیه‌ی ۱۹۹۸ در بسیاری از معاهدات دو و چندجانبه آزادی تجارت که بعد از ۱۹۹۸ منعقد شده وارد گردیده‌اند، اما از کمبودهای عمیقی رنج می‌برند که بدون اصلاح آن، از کارایی این حقوق در عمل کاسته شده و سیستم نظارتی اعلامیه‌ی ۱۹۹۸ به‌جای آن که به‌طور عملی به کار گرفته شود، جنبه‌ی نظری به‌خود خواهد گرفت.

عدم پذیرش مقاوله‌نامه‌ها گاه می‌تواند محدودیت‌هایی را نیز برای کشورها به‌وجود آورد برای مثال با تصویب مقاوله‌نامه‌ی کار دریائی در سال ۲۰۰۶ میلادی، مقاوله‌نامه‌ی ۱۴۷ و سایر مقاوله‌نامه‌های دریائی سازمان بین‌المللی کار نیز تحت پوشش آن قرار گرفت. این مقاوله‌نامه به‌شکلی تدوین شده که حتماً باید گواهی‌نامه‌ی کار دریائی توسط مرجع ذی‌صلاح کشور صاحب‌پرچم یا نمایندگان شناخته‌شده‌ی آن برای هر کشتی، به‌صورت جداگانه صادر شود. در صورتی که کشوری به مقاوله‌نامه ملحق نشده باشد، اجازه‌ی صدور گواهی‌نامه از آن کشور سلب می‌شود. از زمانی که این مقاوله‌نامه لازم‌الاجرا شود، کشتی‌ها موظف به ارائه‌ی این گواهی‌نامه در کشورهای مختلف خواهند بود. اثبات اولیه‌ی تطابق با مقاوله‌نامه، ارائه‌ی گواهی‌نامه‌ی مربوطه است که عدم ارایه‌ی آن یا معادلش، اجازه‌ی تردد در آب‌های بین‌المللی را از کشور مربوطه سلب می‌نماید.^۱

محلی و قانون کشوری و هم‌چنین سازش بین دولت، نمایندگان کارفرمایان و کارگران واگذاشته شد.

مقاوله نامه های پذیرفته شده توسط دولت های ایران

از یک صد و هشتاد و هشت مقاوله نامه ی مورد تصویب سازمان بین المللی کار، دولت های مختلف ایران و مجالس شورای ملی، سنا و شورای اسلامی و شورای نگهبان قانون اساسی طی سال های گذشته تنها سیزده مقاوله نامه را به شرح زیر مورد تصویب قرار داده اند و از این حیث، ایران جزو کشورهایی است که کمترین مقاوله نامه ها را در سطح جهانی امضا کرده است.

- **مقاوله نامه ی تعطیلات هفتگی (شماره ی ۱۴) سال تصویب ۱۹۲۱، در سال ۱۹۷۲**
توسط ایران پذیرفته شده و یک صد و هفده کشور آن را تصویب کرده اند.
این مقاوله نامه مقرر می دارد کارگران شاغل در بخش های مختلف صنعتی در هر هفته می بایستی از حداقل یک روز استراحت برخوردار باشند. میزان ساعت کار پذیرفته شده در هفته نیز شش روز کاری هشت ساعته یا چهل و هشت ساعت در هفته است.
- **مقاوله نامه ی برابری رفتار در زمینه ی حوادث ناشی از کار (شماره ی ۱۹) در سال ۱۹۲۵**
تصویب و در سال ۱۹۷۲ توسط دولت ایران پذیرفته شد، تاکنون یک صد و بیست کشور آن را به تصویب رسانده اند.

این مقاوله‌نامه مقرر می‌دارد هر یک از دولت‌های عضو سازمان بین‌المللی کار می‌بایستی تسهیلات لازم برای اتباع کشورهای دیگر عضو را که در اثر حوادث ناشی از کار در قلمرو آن، آسیب دیده‌اند فراهم کند. این تسهیلات می‌بایستی مشابه تسهیلاتی باشد که برای اتباع خود قائل می‌شوند.

- **مقاوله‌نامه‌ی کار اجباری (شماره‌ی ۲۹)** در سال ۱۹۳۰ تصویب و در سال ۱۹۵۷ توسط ایران پذیرفته شد، یک‌صد و شصت و پنج کشور آن را به تصویب رسانده‌اند. براساس مفاد این مقاوله‌نامه هر یک از دولت‌های عضو سازمان بین‌المللی کار موظف هستند در کوتاه‌ترین زمان ممکن استفاده از «کار اجباری» را موقوف کنند. مقاوله‌نامه، ضمن تعریف جامع «کار اجباری» موارد استثنا را نیز مشخص می‌نماید.
- **مقاوله‌نامه‌ی حفاظت از دستمزد (شماره‌ی ۹۵)** در سال ۱۹۴۹ تصویب و در سال ۱۹۷۲ توسط ایران پذیرفته شد، نود و شش کشور آن را به تصویب رسانده‌اند.
- **مقاوله‌نامه‌ی برابری دستمزدها (شماره‌ی ۱۰۰)** در سال ۱۹۵۱ تصویب و در سال ۱۹۷۲ توسط ایران پذیرفته شده، یک‌صد و شصت و یک کشور آن را به تصویب رسانده‌اند.
- **مقاوله‌نامه‌ی لغو مجازات‌های کیفری، کارگران بومی (شماره‌ی ۱۰۴)** در سال ۱۹۵۵ تصویب و در سال ۱۹۵۹ توسط ایران پذیرفته شد، بیست و شش کشور آن را به تصویب رسانده‌اند. این مقاوله‌نامه در ارتباط با لغو مجازات‌های کیفری که شامل کارگران بومی می‌شود، ترتیباتی را مقرر می‌دارد.
- **مقاوله‌نامه‌ی لغو کار اجباری (شماره‌ی ۱۰۵)** در سال ۱۹۵۷ تصویب و در سال ۱۹۵۹ توسط ایران پذیرفته شد، در مجموع یک‌صد و شصت و سه کشور آن را به تصویب رسانده‌اند.

- **مقاله‌نامه‌ی استراحت هفتگی، [بازرگانی و ادارات] (شماره‌ی ۱۰۶) در سال ۱۹۵۷**
تصویب و در سال ۱۹۵۹ توسط ایران پذیرفته شد، یک‌صد و شصت و سه کشور آن را به تصویب رسانده‌اند. این مقاله‌نامه ضمن تعریف مشخص بخش‌های بازرگانی و اداری مقرر می‌دارد که مستخدمین این‌گونه مراکز می‌بایستی در طول هفته حداقل از بیست و چهار ساعت استراحت برخوردار باشند. همچنین شرایط و چگونگی آن را بیان می‌دارد.
- **مقاله‌نامه‌ی کارت هویت دریانوردان (شماره‌ی ۱۰۸) در سال ۱۹۵۸** تصویب و در سال ۱۹۶۷ توسط ایران پذیرفته شد، شصت و چهار کشور آن را به تصویب رسانده‌اند.
بر اساس این مقاله‌نامه، دولت‌های عضو موظف به صدور کارت هویت ویژه برای دریانوردان هستند. این مقاله‌نامه موارد و اطلاعاتی را که می‌بایستی در کارت هویت دریانوردان ذکر شده باشد مشخص می‌کند.
- **مقاله‌نامه‌ی تبعیض در زمینه‌ی استخدام و اشتغال (شماره‌ی ۱۱۱) در سال ۱۹۵۸**
تصویب و در سال ۱۹۶۴ توسط ایران پذیرفته شد، یک‌صد و شصت و یک کشور آن را به تصویب رسانده‌اند. این مقاله‌نامه جزو اصول و حقوق بنیادین کار است و تبعیض در استخدام و اشتغال را تعریف می‌کند.
- **مقاله‌نامه‌ی سیاست استخدام (شماره‌ی ۱۲۲) در سال ۱۹۶۴** تصویب و در سال ۱۹۷۲ توسط ایران پذیرفته شد، نود و پنج کشور آن را به تصویب رسانده‌اند.
- **مقاله‌نامه‌ی بدترین انواع کار کودکان (شماره‌ی ۱۸۲) در سال ۱۹۹۹** تصویب و در سال ۲۰۰۲ توسط ایران پذیرفته شد، یک‌صد و پنجاه و سه کشور آن را به تصویب رسانده‌اند. بر اساس این مقاله‌نامه، تمامی دولت‌های عضو می‌بایستی اقدامات فوری و لازم را جهت ممنوعیت و حذف بدترین اشکال کار کودکان به صورت اضطراری به کار بندند.

- **مقاله‌نامه‌ی توسعه‌ی منابع انسانی (شماره‌ی ۱۴۲) در سال ۱۹۷۵ تصویب و در سال ۲۰۰۷ توسط دولت جمهوری اسلامی پذیرفته شد.** این مقاله‌نامه جنبه‌ی آموزشی دارد.

چنان‌چه ملاحظه می‌شود از سیزده مقاله‌نامه‌ای که توسط دولت‌های ایران به تصویب رسیده‌اند، یازده مقاله‌نامه در دوران پهلوی دوم به تصویب رسیده و دولت جمهوری اسلامی با وجود شعارهای به‌ظاهر «مستضعف‌گرایانه» و در حالی که بنیان‌گذار آن، خدا رانیز «کارگر» معرفی می‌کرد، تنها دو مقاله‌نامه‌ی «بدترین انواع کار کودکان» را که در سال ۱۹۹۹ به تصویب سازمان بین‌المللی کار رسیده بود، در سال ۲۰۰۲ و مقاله‌نامه‌ی «توسعه‌ی منابع انسانی» را که پذیرش آن دولت جمهوری اسلامی را با مشکلی در سازمان بین‌المللی کار روبرو نمی‌کند، در سال ۲۰۰۷ پذیرفت.

از یازده مقاله‌نامه‌ی بین‌المللی، پنج مقاله‌نامه در سال ۱۹۷۲ به تصویب رسیده‌اند و بعد از آن هیچ مقاله‌نامه‌ای تا مقطع انقلاب ضدسلطنتی توسط دولت شاهنشاهی نیز پذیرفته نشده بود.

دولت‌هایی که مقاله‌نامه‌های بین‌المللی را مورد تصویب قرار می‌دهند، ملزم به رعایت مفاد آنها و تغییر قوانین ملی و انطباق‌شان با مقاله‌نامه‌های بین‌المللی می‌شوند.

مقاله‌نامه‌های آزادی انجمن و حمایت از حق تشکل و سازمان‌یابی (۸۷) مصوب ۱۹۴۸ و مقاله‌نامه‌ی حق تشکل و سازمان‌یابی و قراردادهای دسته‌جمعی کار (۹۸) مصوب ۱۹۴۹ که به ترتیب یک‌صد و پنجاه و یک‌صد و شصت کشور آنها را امضا کرده‌اند با همه‌ی هیاهوهایی که در چند سال گذشته صورت گرفته، تاکنون از سوی دولت جمهوری اسلامی پذیرفته نشده‌اند.

مقاله‌نامه‌ی ۱۱۱ (منع تبعیض در استخدام و اشتغال) که در سال ۱۹۵۸ میلادی به تصویب سازمان بین‌المللی کار رسیده بود و در سال ۱۹۶۴ میلادی به تصویب دولت امیرعباس هویدا رسید، در طول سال‌های گذشته باعث ایجاد دردهای زیادی برای جمهوری اسلامی شده است که نظامی برپا شده بر آپارتاید جنسی، دینی و قومی به‌شمار می‌رود. برای پی بردن به مقوله‌ی عدم احترام نسبت به حقوق کار در ایران و پایین بودن

سطح استانداردها توجه شما را به آمار مقابله‌نامه‌های بین‌المللی حقوق کار که کشورهای مختلف امضا کرده‌اند جلب می‌کنم.^۱ در حالی که ایران به‌عنوان یکی از اولین اعضای سازمان بین‌المللی کار تا تاریخ ژوئیه ۲۰۰۹ تنها سیزده مقابله‌نامه را امضا کرده است، افغانستان، پانزده؛ عراق، شصت و یک؛ اردن، بیست و سه؛ لیبی، بیست و هشت؛ مراکش، پنجاه؛ پاکستان، سی و چهار؛ ترکیه، پنجاه و دو؛ آذربایجان، پنجاه و چهار؛ سوریه، پنجاه؛ لبنان، چهل و نه؛ قرقیزستان، پنجاه و سه، عربستان، پانزده؛ کره جنوبی، بیست و چهار؛ ژاپن، چهل و یک؛ هند، چهل؛ چین، بیست و دو؛ میانمار، نوزده؛ تایلند، چهارده؛ مالزی، چهارده؛ اندونزی، هجده؛ ویتنام، هفده؛ یمن، بیست و نه؛ اسرائیل، چهل و سه؛ نیجریه، سی و چهار؛ مالی، بیست و هشت؛ گینه بیسائو، سی و یک؛ ماداگاسکار، سی و شش؛ بورکینافاسو، سی و پنج؛ بلیز، چهل و چهار؛ بنین، بیست و چهار؛ چاد، بیست و سه؛ سوازیلند، سی و یک؛ جمهوری دموکراتیک کنگو، سی و شش؛ آرژانتین، شصت و شش؛ برزیل، هشتاد و یک؛ اروگوئه، هفتاد و هشت؛ کوبا، هفتاد و شش؛ شیلی، پنجاه؛ آمریکا، چهارده؛ کانادا، بیست و هشت؛ آلمان، هفتاد و دو؛ فرانسه، یکصد و دو؛ ایرلند، پنجاه و هشت؛ انگلستان، شصت و هشت؛ اسپانیا، یکصد و نه؛ سوئد، هفتاد و هفت؛ لهستان، هشتاد و یک، روسیه، پنجاه و سه؛ نروژ، نود و یک؛ فنلاند، هشتاد و دو؛ بلژیک، هفتاد و پنج؛ استرالیا، چهل و هفت مقابله‌نامه را امضا کرده‌اند و تنها کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس هم‌چون عمان، چهار؛ قطر، شش؛ بحرین، هشت؛ امارات، نه؛ و کشورهای هم‌چون ارتیره، هفت؛ ترکمنستان، شش و نپال، یازده پایین‌تر از ایران قرار دارند.

۱ - تنها امضا یا عدم امضای مقابله‌نامه‌های مربوط به حقوق کار نشان‌گر بالا بودن استانداردهای حقوق کار در یک کشور نیست. وجود اتحادیه‌های قدرتمند کارگری، فضای باز سیاسی و... در این امر دخیل هستند. برای مثال آمریکا با آن که تنها چهارده مقابله‌نامه را امضا کرده به‌خاطر وجود اتحادیه‌های قدرتمند کارگری و... از استاندارد نسبتاً بالایی در زمینه‌ی حقوق کار در مقایسه با دیگر کشورها برخوردار است.

مروری بر تاریخچه‌ی تصویب قوانین مربوط به حقوق کار در ایران

اگرچه چرخه‌ی صنعتی شدن کشور از دوران قاجار و به ویژه دوره‌ی صدارت میرزاتقی خان امیر کبیر شروع شده بود، اما به علت نبود نهادهای صنفی و اتحادیه‌های کارگری، حرکتی در ارتباط با تصویب قانون مربوط به حقوق کار صورت نگرفت^۱. مواد ۲۰ و ۲۱ قانون اساسی مشروطیت که به ترتیب آزادی بیان و آزادی اجتماعات و انجمن‌ها را به رسمیت می‌شناخت، بنیادی قانونی برای فعالیت‌های کارگری پدید آورد. در واقع تصویب قوانین مربوط به کار، به دوران مدرن شدن و تشکیل ادارات جدید در دوران پهلوی برمی‌گردد.

نهضت جنگل (۱۳۰۱-۱۲۹۴) میرزا کوچک خان، جزو اولین گروه‌هایی در ایران بود که به موضوع حقوق کار پرداخت. در مرام‌نامه‌ی این نهضت آمده است:

«ماده‌ی هشتم - کار:

- ۲۷- ممنوع بودن کار و مزدوری برای اطفالی که سن شان به چهارده سال نرسیده است.
- ۲۸- برانداختن اصول بی‌کاری و مفت‌خواری به وسیله‌ی ایجاد موسسات و تشکیلاتی که

۱- اتفاقاً نخستین اقدام حکومت درباره‌ی اوضاع کارگران با صبغه‌ی مذهب کشور، اسلام آمیخته بود. در مردادماه ۱۲۸۳ به فرمان مظفرالدین شاه وزارت امور خارجه به سفارت‌خانه‌های خارجی آگاهی داد که پس از یک مهلت دو هفته‌ای هیچ زن مسلمانی اجازه ندارد در کارخانه‌هایی که مالکان آنها خارجی هستند (یعنی نامسلمان‌اند) کار کنند. و به جای زنان پسرکان ده تا دوازده ساله را استخدام کنند. بایگانی هلند، لاهه، سفارت ایران، بسته ۲۲. به نقل از اتحادیه‌ی کارگری و قانون کار در ایران.

تولیدکار و شغل می‌نمایند.

۲۹- ایجاد و تکثیر کارخانجات با رعایت حفظ‌الصحه‌ی کارگران.

۳۰- تحدید ساعات کار در شبانه‌روز منتها به‌هشت ساعت - استراحت عمومی و اجباری در هفته یک روز.^۱

نخستین اقدام برای ایجاد قانون کار در ایران در آذرماه ۱۳۰۱ صورت گرفت. در این تاریخ، مجلس هنگام طرح لایحه‌ی اعطای حقوق امتیازی به برادران خوئی جهت ساخت کارخانه‌ی کبریت‌سازی در آذربایجان به‌بحث در باره‌ی رفاه کارگران پرداخت. ماده‌ی ۱۰ لایحه، کارفرما را ناگزیر می‌کرد در صورت اثبات این‌که در اثر غفلت یا خطای او خسارتی به کارگر رسیده است، تاوان خسارات را به کارگر بپردازد. این لایحه در دی‌ماه ۱۳۰۲ به‌تصویب مجلس رسید.^۲

در آذر ۱۳۰۲ شمسی، والی کرمان در پی تحقیق سازمان بین‌المللی کار و پژوهش کنسول‌های انگلیس و تلاش‌های ویژه‌ی اسقف لینتن (Linton)، از اعضای هیأت مبلغان انجمن کلیسای انگلیس به دستور دولت ایران، مقرراتی را در حمایت از کارگران قالی‌باف صادر کرد. در این فرمان به موارد زیر اشاره شده بود:^۳

۱. مدت کار روزانه نباید بیش‌تر از هشت ساعت شود.
۲. در روزهای آدینه و تعطیل‌های عمومی کار تعطیل است و کارگران دستمزد دریافت خواهند کرد.
۳. پسران کم‌تر از هشت سال و دختران کم‌تر از ۱۸ سال استخدام نخواهند شد.
۴. پسران و دختران باید در کارگاه‌های جداگانه کار کنند، کارگاه‌های مختلط براتلاق قدغن است.
۵. استادکارهای مرد نباید در کارگاه‌های دختران داخل شوند. برای دختران استادکار زن استخدام شود.
۶. کارفرمایان نباید کسی را که به‌بیماری مسری مبتلا است، استخدام کنند.
۷. کارگاه‌ها، زیرزمینی یا نم‌ناک نباشد و پنجره‌هایی به‌سمت جنوب داشته باشد.
۸. کارگاه بافندگی تا سطح زمین یک متر فاصله داشته باشد و نیمکت به‌اندازه‌ی کافی

۱- سردار جنگل، ابراهیم فخرایی، صفحه‌ی ۵۸، انتشارات جاویدان، چاپ سوم، اسفند ۴۸.

۲- اتحادیه‌های کارگری و قانون کار در ایران، ویلم فلور، ترجمه‌ی ابوالقاسم سری، انتشارات طوس، صفحه‌ی ۱۱۰

۳- پیشین. صفحه‌های ۱۱۳ و ۱۱۴.

بلند باشد تا کودکان راحت باشند.

۹. رئیس خدمات‌های عمومی بهداشتی اداره‌ی شهرداری، ماهی یکبار هر کارخانه را بازرسی خواهد کرد چنان که مطابق دستور نباشد گزارش می‌دهد و اقدام مقتضی به عمل خواهد آمد.

۱۰. در ازای هر تخلف یا نقص، جریمه‌ای از یک صد تا پانصد قران گرفته می‌شود یا آن که متخلف از یک تا بیست روز به زندان خواهد رفت.

۱۱. پلیس موظف است در اجرای این مقررات نظارت کند.

۱۳۰۷: نخستین مقررات قانونی مربوط به قرارداد کار، در دو ماده‌ی قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ بیان گردید. در این قانون به تعریف اجاره‌ی خدمه و کارگران و موضوع اجاره‌ی اشخاص اشاره شده بود.

۱۳۰۹: احداث شبکه‌ی راه‌آهن در ایران و مسائل و مشکلاتی که در نتیجه راه‌سازی و استفاده از ماشین‌آلات برای کارگران پیش آمد، دولت را واداشت تا در سال ۱۳۰۹ نظام‌نامه‌ی صندوق احتیاط کارگران طرق و شوارع را به تصویب برساند. نظام‌نامه‌ی فوق برای اولین بار، حداکثر و حداقل میزان پرداخت غرامت نقص عضو منجر به از کارافتادگی دائمی را تعیین کرد.

۱۳۱۱: مقررات صندوق احتیاط کارگران طرق و شوارع به موجب متمم بودجه‌ی ۱۳۱۱ به سایر کارگران ساختمانی دولت تسری یافت. بر اساس این قانون دولت موظف شد برای جبران خسارات مالی ناشی از صدمات جانی یا حوادثی که موجب از کارافتادگی موقت یا دائم کارگرانی که به امور ساختمانی دولت و کارهای مشابه آن اشتغال دارند، می‌شود مبلغ حداقل ده روز و حداکثر یک سال دستمزد پرداخت کند.

۱۳۱۲: مقررات نظام‌نامه‌ی صندوق احتیاط طرق و شوارع، طی تصویب‌نامه‌ای به کارگران و مستخدمان قراردادی و روزمزد کارخانه‌ها و مؤسسات صنعتی و معدنی تابع اداره‌ی کل صنعت و فلاحت نیز تعمیم داده شد.

هم‌چنین شهرداری تهران طی حکمی شرایط کار در نانوایی‌های تهران را تعیین کرد.

در دی‌ماه ۱۳۱۲ سلسله مقرراتی وضع شد که شرایط کار همه‌ی کارمندان مدرسه‌های ابتدایی را تعریف می‌کرد و در اسفندماه ۱۳۱۲ قانونی تصویب شد که شرایط کار معلمان را در دانش‌سراهای آموزگاران تعیین می‌کرد.

۱۳۱۵: اداره‌ی کل صنعت و معادن، آئین‌نامه‌ی را مشتمل بر ۹ فصل، ۶۹ ماده و ۱۱ تبصره به تصویب دولت وقت رساند. این مصوبه به حفاظت و بهداشت کار، روابط کار و تکالیف کارفرما، وظایف کارگران، بازرسی کار، ترتیب تشکیل پست‌های امدادی و «صندوق احتیاط» برای معالجه و پرداخت پاداش به آسیب‌دیدگان و سایر مقررات مربوط به تأمین اجتماعی پرداخته بود. به موجب این نظام‌نامه، گام‌های نخستین نظام بیمه‌ای ایران برداشته شد. این نظام‌نامه مقرر می‌داشت که کارخانه‌ها در هنگام استخدام کارگر، وسایل بهداشت را تأمین و معالجه‌ی کارگران حادثه‌دیده را بپذیرند.

موارد مشمول این قانون:

۱. کارخانه‌هایی که لااقل ده نفر در آن مشغول به کار هستند.
۲. کارخانه‌های موتوردار که پنج نفر در آن مشغول به کار باشند.
۳. کارگاه‌های بدون موتور باید یازده نفر کارگر داشته باشند که منبع هزینه‌ی بیمه کارگران بودند و کارفرما مؤظف شد دو درصد از مزد کارگران را کسر و به حساب بانکی ملی بریزند.

در اردیبهشت ۱۳۱۵ قانون دیگری به تصویب رسید که وضع کارمندان دولت را مشخص می‌کرد. این قانون به کارمندان حق می‌داد که تعطیل‌های سالانه با استفاده از حقوق داشته باشند و در صورت بیمار شدن از مرخصی غیبت استفاده کنند.

۱۳۱۶: استخدام زندانیان در مؤسسه‌های صنعتی و کشاورزی مجاز اعلام شد. طبق این قانون به زندانیان کارگر می‌بایست مزدی هم‌سان کارگران آزاد، داده می‌شد. اما زندانیان سیاسی و کسانی که به کار با اعمال شاقه محکوم بودند مشمول این قانون نمی‌شدند.

۱۳۲۳: در آبان سال ۱۳۲۳ قانون بیمه‌ی اجباری کارگران تصویب شد و در سال ۱۳۲۶ آئین‌نامه آن به تصویب رسید. به موجب این قانون کارگران در مقابل فوت، نقص عضو، از

کار افتادن اعضای بدن و غرامت دستمزد در ایام بیماری و حوادث ناشی از کار و هزینه‌ی معالجه بیمه شدند.

۱۳۲۳: در پی تشکیل اتحادیه‌های کارگری و وقوع اعتصابات کارگری پس از پایان جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط متفقین، اداره‌ی کل کار در وزرات بازرگانی و پیشه و هنر تشکیل شد.

۱۳۲۵: اولین طرح قانون کار در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۵ بر حسب پیشنهاد شورای عالی کار و تأیید وزارت بازرگانی و پیشه و هنر مشتمل بر چهل و هشت ماده، به تصویب هیأت دولت رسید و به مجلس شورای ملی تقدیم شد؛ اما به علت هرج و مرج سیاسی به تصویب مجلس نرسید.

۱۳۲۵: به تصویب هیأت دولت در ۱۳ مرداد ۱۳۲۵ وزارت خانه‌ی جدیدی به نام وزارت کار و تبلیغات از ادغام اداره‌ی کل کار، اداره‌ی کل انتشارات و تبلیغات و اداره‌ی عمران و اصلاحات وزارت کشور تشکیل و مأمور اجرای قانون کار گردید. و مظفر فیروز به عنوان اولین وزیر کار و تبلیغات معرفی شد.

۱۳۲۵: به موجب تصویب نامه‌ی هیأت وزیران، اخراج کارگران اضافی موکول به کسب اجازه از مقامات اداره‌ی کار و تبلیغات شد.

۱۳۲۸: به منظور تنظیم قانون کار به درخواست دولت، هیأتی از کارشناسان دفتر بین‌المللی کار به ایران آمدند و پس از مشورت با کارشناسان داخلی، طرح قانون کار ریخته شد و به دنبال آن اولین لایحه‌ی قانون کار تدوین شد. لایحه‌ی تقدیمی دولت در کمیسیون پیشه و هنر و بازرگانی و دادگستری مجلس، با اصلاحاتی به تصویب رسید و به موجب ماده‌ی واحده‌ی مصوب ۱۷ خردادماه ۱۳۲۸ مجلس شورای ملی، تحت عنوان قانون اجازه‌ی اجرای گزارش کمیسیون پیشه و هنر و بازرگانی و دادگستری مربوط به کارگران و کارفرمایان که شامل بیست و یک ماده و پانزده تبصره بود، به تصویب مجلس رسید. این قانون در مقایسه با قانون قبل، مضمون حمایتی کمتری برای کارگران داشت. اگرچه مدت اعتبار این قانون یک سال و به صورت آزمایشی بود، با این حال تا سال ۱۳۳۷

اجرا شد.

در این قانون ساعات کار چهل و هشت ساعت در هفته، مرخصی پانزده روز در سال، تعطیلی یک روز در هفته به ازای شش روز کار، حداقل سن کارگری دوازده سال و کارآموزی ده سال، مرخصی زایمان، مهلت شیر دادن به نوزادان، تأسیس شیرخوارگاه و اجرای آئین‌نامه‌ی بهداشتی برای کارفرمایان در نظر گرفته شده بود. همچنین در این قانون، تشکیل هیأت‌های حل اختلاف برای رسیدگی به اختلافات کارگری و کارفرمایی، مجاز بودن تشکیل اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایی، تعیین حداقل دستمزد سالانه و به‌صورت منطقه‌ای، تساوی مزد کارگر زن و مرد پیش‌بینی شده بود.

۱۳۳۱: لایحه‌ی قانونی بیمه‌های اجتماعی توسط دکتر مصدق در ۹۴ ماده و ۱۴ تبصره تصویب و بر اساس آن سازمان بیمه‌های اجتماعی جانشین صندوق تعاون کارگران شد. مرحله‌ی ایجاد بیمه‌های کارگری با ارائه‌ی مستمری‌های از کارافتادگی ناشی از کار و فوت از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۱ است. لایحه‌ی قانونی مرحله‌ی پیدایش بیمه‌های اجتماعی کارگری و ارائه‌ی مستمری‌های بازنشستگی و از کارافتادگی بی‌ارتباط با کار با تصویب قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران در سال ۱۳۳۹ آغاز شد.

۱۳۳۴: به‌منظور جلوگیری از وقوع خطرات و خسارات احتمالی و برای آن‌که در دستگاه‌های صنعتی موجود و ساختن و به‌کار انداختن ماشین‌ها و لوازم صنعتی اعم از مصنوعات خارجی یا داخلی از قبیل دستگاه‌های مولد، بخار، حرارت، ظروف تحت فشار ماشین‌های الکتریکی، جرثقیل و غیره و همچنین در امور ساختمانی و تأسیسات معادن، قواعد و شرایط فنی رعایت گردد، در وزارت کار هیأتی به نام شورای عالی حفاظت فنی متشکل از نه نفر به‌منظور بررسی و تهیه مقررات و آئین‌نامه‌های حفاظت فنی و بهداشتی تشکیل شد.

۱۳۳۶: دولت ایران مقاوله‌نامه کار اجباری را به تصویب رساند.

۱۳۳۷: منوچهر اقبال با مشاوره‌ی سازمان بین‌المللی کار، قانون جدید کار را تصویب و به مجلس فرستاد. این قانون در ۲۶ اسفند ۱۳۳۷ در دو مجلس شورای ملی و سنا

تصویب و تا دو سال به صورت آزمایشی جایگزین قانون قبلی شد. اما با اصلاحاتی که بعدها در آن به عمل آمد به مدت سی و دو سال بر روابط کار و کارگر در ایران حاکم بود. در غیاب تشکل‌های مستقل کارگری، بسیاری از حقوق به دست آمده‌ی کارگران در مقررات سابق، در این قانون به دست فراموشی سپرده شد.

نکته‌ی مهم در این قانون، ماده‌ی ۳۳ آن بود که طبق آن، کارفرما مجاز بود به طور یک‌جانبه با اخطار کتبی پانزده روزه، کارگر دائم را اخراج کند.

در سال‌های بعد از جمله سال‌های ۱۳۴۱، ۱۳۴۳، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ تغییرات کوچکی در مفاد این قانون اعمال شد.

از دیگر موارد حذف شده از قانون کار می‌توان به حق اعتصاب یا بیمه‌ی بی‌کاری و تقلیل سن شروع به کار و ایام استراحت زنان باردار اشاره کرد.

در سال ۱۳۵۵ دولت مطالعاتی را پیرامون طرح قانون جدید کار آغاز کرد که در نهایت، این طرح در مهرماه سال ۱۳۵۷ در یک‌صد و بیست و نه ماده و پنجاه و هفت تبصره تنظیم شد؛ اما با وقوع انقلاب، کنار گذاشته شد.

۱۳۳۸: دولت ایران مقاوله‌نامه‌ی لغو کار اجباری و استراحت هفتگی را پذیرفت.

۱۳۴۴: تأسیس مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای.

۱۳۴۷: دولت ایران میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی را امضا کرد و این قانون در سال ۱۳۵۴ به تصویب مجلس رسید که مفاد آن از منابع جدی حقوق کار در ایران است.

۱۳۵۱: دولت ایران مقاوله‌نامه‌های برابری رفتار در زمینه‌ی حوادث ناشی از کار، تعطیلات هفتگی، حفاظت از دستمزد، برابری دستمزدها، و سیاست استخدام را پذیرفت.

۱۳۵۸: وزارت کار و امور اجتماعی برای تهیه‌ی قانون کار اسلامی، از گروه‌های مختلفی که در مسائل کار و امور اجتماعی و اقتصادی ذینفع بودند، نظرخواهی کرد. نتیجه‌ی این نظرخواهی، به تهیه‌ی طرح پیش‌نویس قانون کار در ۱۳۶۰ منجر شد.

۱۳۶۲: احمد توکلی وزیر کار با کمک جمعی از فقهای جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، حقوق کار را بر اساس مفاهیم سنتی فقهی تنظیم کرد. در پیش‌نویس قانون کار تهیه‌شده توسط جمع مربوطه، رابطه‌ی کارگر و کارفرما در چارچوب رابطه‌ی اجیر و مستأجر تعریف شده بود و حقوق کار براساس احکام اولیه‌ی فقه اسلامی در چارچوب قرارداد خصوصی بین طرفین مشخص شده بود. در این پیش‌نویس دخالت دولت در روابط کار و الزام کارفرما به تبعیت از شرایط قانونی، موافق موازین شرعی شناخته نشده بود.

تمامی مسائل در رابطه با کارگر و کارفرما نظیر ساعات کار، دستمزدها، مرخصی‌ها و... که در این پیش‌نویس مورد بررسی قرار گرفته بود به توافق طرفین محول شده بود. هم‌چنین کارگران از حق بیمه‌ی درمانی و بازنشستگی برخوردار نبودند. این پیش‌نویس با مخالفت وسیع کارگران و بخش‌هایی از رژیم رد، و وزیر کار ناچار به استعفا شد.

۱۳۶۳: قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار به تصویب هیأت دولت رسید و امکان تشکیل سندیکاهای کارگری مستقل از بین رفت.

۱۳۶۴: پیش‌نویس دوم قانون کار توسط نه نفر از وزرا تهیه شد. برای مقابله با موازین شرعی مطرح شده از سوی فقهای اسلامی، این تمهید اندیشیده شده بود که کارفرمایان بخش خصوصی باید ظرف دو ماه پس از تصویب قانون کار، به وزارت کار و امور اجتماعی مراجعه کنند و تعهد نمایند که مفاد قانون کار و آئین‌نامه‌های اجرایی آن را رعایت خواهند کرد و به صورت شرط ضمن عقد، دولت هم متقابلاً استفاده از امکانات دولتی از قبیل ارز دولتی، استفاده از آب، برق، گاز، تلفن و سایر امکانات چون بنادر، فرودگاه و غیره را برای آن‌ها مجاز خواهد کرد.

لایحه‌ی مزبور پس از تصویب در دولت در کمیسیون کار و امور اداری و استخدای مجلس مورد بازنگری قرار گرفت. نهایتاً لایحه پس از یک‌سال کار در کمیسیون، در شهریورماه ۶۵ به مجلس ارائه شد و در تاریخ ۲۸ آبان ۶۶ به تصویب رسید و برای اظهارنظر به شورای نگهبان فرستاده شد. اما بر خلاف نظر صریح خمینی، در ۱۹ آذر ۶۶ شورای نگهبان، هفتاد و چهار ایراد بر قانون کار وارد کرد.

مناقشه میان مجلس و شورای نگهبان زمینه‌ی تأسیس مجمع تشخیص مصلحت را بر اساس فرمان خمینی در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۶۶ به وجود آورد.

قانون کار در آذرماه ۶۷ در مجمع مطرح شد و پس از رفت و برگشت به مجلس و شورای نگهبان و مشخص کردن یک‌صد و سی اشکال شرعی و موارد متناقض با قانون اساسی، مجدداً به مجمع تشخیص مصلحت نظام عودت داده شد و مورد بررسی قرار گرفت و نهایتاً در تاریخ ۲۹ آبان ۱۳۶۹ قانون کار با اصلاح و متمم شصت ماده از آن و کل فصل مجازات‌ها مشتمل بر دویست و سه ماده و یک‌صد و بیست و یک تبصره، به تصویب مجمع تشخیص مصلحت رسید.

۱۳۷۱: هاشمی رفسنجانی، در تابستان سال ۱۳۷۱ و سومین سال ریاست جمهوری‌اش که هم‌زمان با دومین سال تصویب قانون کار بود، خواستار تغییر این قانون شد.

۱۳۷۲: پس از بروز شورش‌های شهری، «ممنوعیت هرگونه اعتصاب و تظاهرات» مورد تصویب قرار گرفت و به قانون کار اضافه شد.

۱۳۷۸: اتاق بازرگانی موضوع خارج کردن کارگاه‌های زیر ده نفر را از شمول قانون کار مطرح کرده بود. معنای این اقدام آن بود که صدها هزار کارگر از مزایای قانون کار مانند بیمه‌ی درمانی، بازنشستگی، سی روز مرخصی سالانه و حداقل دستمزد محروم شدند.

۱۳۸۵: وزارت کار در تیر ماه ۱۳۸۵ با ارائه‌ی پیش‌نویس، اصلاح برخی از مواد قانون کار را خواستار شد.

۱۳۸۸: پیش‌نویس اصلاح قانون کار در مردادماه توسط وزارت کار و امور اجتماعی تهیه شد. در آخرین پیش‌نویس اصلاح قانون کار پیشنهادهایی در مورد ماده‌های ۷، ۱۰، ۲۱، ۲۴ و ۲۷ (مربوط به قراردادهای کار و شرایط و نحوه‌ی فسخ قرارداد)، ماده‌ی ۳۰ (مربوط به بیمه‌ی بی‌کاری)، ماده‌ی ۴۱ (مربوط به تعیین میزان افزایش دستمزد کارگران)، ماده‌ی ۹۶ (مربوط به حفاظت فنی، بهداشت کار) و اصلاحاتی هم در ماده‌های ۱۱۹، ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۹۲ در مورد وظایف وزارت کار در حیطه‌های مختلف مطرح بود.

مهم‌ترین اصلاح موردنظر وزارت کار، اصلاح ماده‌ی ۲۷ و تبصره‌های آن بر مبنای ماده‌ی ۳۳ قانون کار مصوب ۱۳۳۷ و اصلاحیه‌های مورخ ۱۳۵۲/۹/۲۶ است که در زمینه‌ی اخراج نیروی کار تدوین شده. گفته می‌شود پیش‌نویس تصویب‌شده در هیأت دولت در مورد اصلاح قانون کار، شامل ۲۸ ماده است.

پیش‌تر مجمع تشخیص مصلحت، بند «ز» را به ماده‌ی ۲۱ قانون کار که مربوط به نحوه‌ی لغو قرارداد کار است، الحاق کرد.^۱ طبق این بند، کارفرمایان با کاهش تولید و تغییرات ساختاری در اثر شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، می‌توانند قراردادهای کار کارگران را خاتمه دهند. تصویب این موضوع نیز هرچند واکنش‌های بسیاری از کارگران را در پی داشت، اما نماینده‌های کارگری راه به جایی نبردند و در فرم‌های جدید قرارداد کار این بند جدید ماده‌ی ۲۱ قانون کار مورد نظر قرار گرفت. این موضوع از سوی فعالان کارگری به‌عنوان احیای ماده‌ی ۳۳ قانون کار پیش از انقلاب سال ۵۷ تعبیر شد که حق اخراج کارگران را به کارفرمایان می‌داد.

در طرح اصلاحی وزارت کار نیز بند «ز» اضافه شده است که به‌مواردی مانند کاهش تولید، تغییرات ساختاری و... که منجر به تعطیلی تمام یا بخشی از کارگاه می‌گردد، اشاره می‌کند. بدیهی‌ست، در چنین مواردی قرارداد فسخ می‌شود و کارفرما از حق اخراج کارگر برخوردار می‌شود.

ماده‌ی ۲۷ و تبصره‌های آن به شرح زیر تغییر می‌یابد:

هرگاه کارگر در انجام وظایف قصور ورزد و یا آئین‌نامه‌های انضباطی کارگاه را نقض نماید کارفرما می‌تواند پس از ابلاغ حداقل دو بار تذکر کتبی که فاصله‌ی میان آن‌ها کم‌تر از پانزده روز نباشد با جایگزین نمودن کارگر جدید و پرداخت مطالبات و حقوق معوقه و هم‌چنین پرداخت سنوات به‌نسبت هر سال سابقه معادل به یک ماه آخرین حقوق به کارگر، تحت نظارت واحد کار و امور اجتماعی محل، نسبت به فسخ قرارداد اقدام نماید.

۱- ایسنا ۷ شهریور ۱۳۸۸ به نقل از جهرمی وزیر کار گزارش داد: «آن چیزی که مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسانده است، قبلاً در دوره‌های ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی برای اصلاح ساختار صنایع وجود داشته است، لذا این مصوبه‌ای که مجمع در قانون کار لحاظ کرده، قانون جدیدی نیست.»

کارگر اخراجی ظرف یک هفته می‌تواند به مراجع مذکور در فصل حل اختلاف شکایت نماید و مراجع مذکور موظفاند خارج از نوبت به شکایت رسیدگی نموده در صورتی که کارگر مقصر تشخیص داده نشود، هیات حل اختلاف می‌تواند با توجه به مدت کار و میزان مزد و سن و عائله‌ی کارگر و سایر شرایط و اوضاع و احوال، اضافه بر وجوه مذکور در فوق، مبلغی که از جمع مزد دو ساله‌ی کارگر تجاوز نکند به‌عنوان خسارت تعیین نمایند. کارفرما مخیر به پرداخت این خسارت به نسبت دو سوم به کارگر و یک سوم به صندوق بیمه‌ی بی‌کاری و یا بازگرداندن کارگر به کار خواهد بود. رای هیات مذکور قطعی و لازم‌الاجرا می‌باشد.

در مورد ماده‌ی ۴۱ قانون کار که در مورد میزان افزایش حداقل دستمزد سالانه‌ی کارگران است، نیز در این پیش‌نویس عنوان شده بود که علاوه بر توجه به درصد تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و تأمین معیشت زندگی یک خانواده به‌تعداد متوسط که در حال حاضر در قانون کار وجود دارد، دو موضوع شرایط اقتصادی کشور و بخش‌های مختلف اقتصادی و همچنین بهره‌وری مدنظر قرار بگیرد.

مأموریت سازمان بین‌المللی کار و نقش کمیته‌ی آزادی انجمن^۱

۱. وظایف سازمان بین‌المللی کار در تأمین آزادی تشکل‌ها و حفاظت از اشخاص، نظارت و همکاری در اجرای مؤثر اصول عمومی آزادی انجمن که در زمره‌ی پروتکل‌های بنیادین صلح و عدالت اجتماعی است، خلاصه می‌شود. سازمان بین‌المللی کار در سطح بین‌المللی با پی‌گیری و جدیت به بحث و گفتگو در جهت رسیدن به هدف‌هایی که در اساس‌نامه‌ی سازمان بین‌المللی کار، اعلامیه‌ی فیلادلفیا و دیگر مقاوله‌نامه‌های مربوط به آزادی انجمن تصریح شده است، می‌پردازد.

۲. سازمان بین‌المللی کار با هدف بهبود بخشیدن به شرایط کاری و ارتقای آزادی تشکل‌های صنفی در کشورهای مختلف جهان تشکیل شد. مواردی که از سوی این سازمان مورد رسیدگی قرار می‌گیرند، خارج از دخالت انحصاری دولت‌ها قرار دارد و اقدامات این سازمان تا زمانی که در چارچوب هدف‌های تعریف شده در اساس‌نامه و وظایف محوله از سوی اعضای آن سازمان قرار داشته باشد، دخالت در امور داخلی کشورها محسوب نمی‌شود.

۱-گزیده‌ی اصول و احکام داوری کمیته‌ی آزادی انجمن سازمان بین‌المللی کار، از صفحه‌ی ۹ تا ۹، چاپ انگلیسی ویرایش پنجم سال ۲۰۰۶

۳. روش‌های پیش‌بینی شده مربوط به کمیته‌ی آزادی انجمن، احترام هر چه بیش‌تر به حقوق تشکل‌های کارگری و کارفرمایی در قانون و در عمل است.
۴. روش‌های ویژه‌ی پیش‌بینی شده در مورد آزادی انجمن نه فقط تنبیه و یا مجازات افراد، بلکه جلب مشارکت آنان در گفتگوهای سه‌جانبه‌ی سازنده به منظور حرمت‌گذاردن به تشکل‌های کارگری و کارفرمایی در قانون و در عمل است.
۵. طرح شکایت نزد کمیته‌ی آزادی انجمن، صرف‌نظر از پذیرش و تصویب، یا عدم تصویب مقاله‌نامه‌های مربوط به آزادی انجمن از سوی کشورهای مربوطه قابل اجرا است.
۶. وظیفه‌ی کمیته‌ی آزادی انجمن، تعیین هم‌خوانی و انطباق قوانین، یا اعمال صورت‌گرفته، با اصول آزادی انجمن، یا مفاهیم به‌کار برده شده در مقاله‌نامه‌های مربوطه است.
۷. براساس شرایط مندرج در حوزه‌ی وظایف کمیته‌ی آزادی انجمن، این کمیته می‌تواند آثار ناهنجار نقض آزادی‌های مدنی را بر حقوق تشکل‌های کارگری و کارفرمایی مورد ارزیابی قرار دهد و تأثیرات آن را در موارد طرح ادعاهای مربوط به این امر بررسی کند.
۸. وظایف مربوط به کمیته‌ی آزادی انجمن به اعلامیه‌ی اصول و حقوق بنیادین کار مصوب ۱۹۹۸ سازمان بین‌المللی کار منحصر نمی‌شود و فقط در چارچوب راه‌کارهای تقویتی و پی‌گیری‌های مربوط به آن اعلامیه قرار نمی‌گیرد، بلکه مستقیماً از اهداف و مقاصد بنیادین تصریح شده در اساس‌نامه‌ی سازمان بین‌المللی کار ناشی می‌شود و از آن پشتیبانی می‌کند.
۹. کمیته، موظف است مدارک ارائه شده در مورد ادعاهای مطروحه را بررسی و اعتبار آن‌ها را تأیید کند.

۱۰. کمیته، ضمن در نظر گرفتن شرایط ملی هر کشور، از قبیل تاریخ، روابط کاری و زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی آن، بر لزوم کاربرد یک‌پارچه و مستمر اصول مربوط به آزادی انجمن در میان کشورها تأکید ورزد.
۱۱. در موارد نقض اصول آزادی تشکل‌ها توسط قوانین ملی و دادگاه‌های عالی کشورها، براساس موارد تصریح شده در اساس‌نامه‌ی سازمان بین‌المللی کار و همچنین مقاله‌نامه‌های مربوطه کمیته، بررسی قوانین، ارائه‌ی راه‌کارها و مساعدت‌های فنی به‌منظور مطابقت قوانین کشورها با اصول آزادی انجمن، از جمله وظایف این کمیته است.
۱۲. تصمیم‌گیری درباره‌ی موضوعات مربوط به اشغال و یا نحوه‌ی اداره‌ی قلمرو کشورها برعهده‌ی کمیته نیست، اما هر دولت اشغال‌گر، به‌عنوان عضوی از سازمان بین‌المللی کار، موظف است اصل آزادی انجمن در قلمروهای اشغال شده را رعایت کند، بدون توجه به این واقعیت که قوانین ملی آن‌ها ماهیت کاربردی خود را از دست داده و در نتیجه تصویب قبلی مقاله‌نامه‌های بین‌المللی مربوط به آزادی انجمن، توسط قوانین ملی مذکور به‌خودی خود تعهدی را در قبال سازمان بین‌المللی کار ایجاد نمی‌کند. در این خصوص کمیته متذکر می‌شود که در چنین مواقعی صلاحیت آن مستقل و فراتر از تصویب قبلی قوانین ملی فوق‌الذکر خواهد بود.
۱۳. کمیته، فاقد صلاحیت رسیدگی به ادعاهای سیاسی است؛ با وجود این می‌تواند نسبت به بررسی آن دسته از تدابیر دولت‌ها که برخوردار از جنبه‌های سیاسی است و در حقوق مربوط به تشکل‌های صنفی مؤثرند، مداخله کند.
۱۴. ایفای نقش نمایندگی در کنفرانس بین‌المللی کار در حوزه‌ی وظایف کمیته‌ی اعتبارنامه‌های کنفرانس قرار دارد.

مروری بر تشکل‌های کارگری در جمهوری اسلامی و مغایرت آن‌ها با مقاوله‌نامه‌های «آزادی انجمن»

پس از به وجود آمدن صنایع کشور و شکل‌گیری طبقه‌ی کارگر به‌ویژه با آغاز دوران سلطنت رضاشاه و از ابتدای قرن بیستم، ایجاد تشکیلات و آزادی فعالیت‌های سندیکایی و اتحادیه‌ای مستقل، اصلی‌ترین مطالبه‌ی جنبش کارگران و مزدبگیران ایرانی بوده است.^۱ هرچند این جنبش در مقاطع مختلف با سرکوب‌های خونینی نیز مواجه بود، اما با مبارزات خستگی‌ناپذیر کارگران و تلاش‌های بی‌دریغ پیش‌گامان جنبش کارگری در طول این سال‌ها، با پیروزی‌هایی نیز توأم بوده است. قانون کار مصوب ۱۳۳۷ خورشیدی، علیرغم نارسایی‌های عمده، یکی از این دست‌آوردها بود که در نهایت سندیکاها را به لحاظ قانونی پذیرفته بود.

ماده‌ی ۲۵ این قانون، از سندیکاها به‌عنوان تشکل‌های صنفی نام برده و در تعریف آن‌ها گفته بود:

۱- اولین اعتصاب کارگری در صنایع نفت در سال ۱۳۰۸ به‌رهبری یوسف افتخاری شکل گرفت. وی یکی از پایه‌گذاران فعالیت‌های سندیکایی در ایران بود اما به‌خاطر مخالفتش با حزب توده و ناخرسندی مقام‌های روسی مورد آزار و اذیت بسیاری از سوی وابستگان حزب توده قرار گرفت. در ادبیات کارگری منتشرشده از سوی حزب توده تلاش می‌شود نقش او در تاریخ فعالیت‌های سندیکایی ایران انکار شود. وی به‌همراهی جمعی از کارگران در اوایل سال ۱۳۲۱ اتحادیه‌ی کارگران و برزگران ایران را تشکیل دادند.

«سندیکا سازمانی است که به منظور حفظ منافع حرفه‌ای و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی، به وسیله‌ی کارگران یک حرفه یا صنعت... تشکیل می‌شود. ائتلاف چند سندیکا تشکیل یک اتحادیه، و ائتلاف چند اتحادیه تشکیل یک کنفدراسیون را می‌دهد».

بر طبق ماده‌ی ۲۹ همین قانون، «سندیکاها، اتحادیه‌ها و کنفدراسیون‌ها می‌توانند نسبت به احزاب سیاسی اظهار تمایل کرده یا با آنها همکاری نمایند» (هر چند چنین چیزی جامعه‌ی عمل به خود نپوشید).

با تصویب قانون مربوط به «تشکیل شوراهای اسلامی کار» در سال ۱۳۶۳ و «قانون کار» در سال ۱۳۶۹، و همچنین سایر مقررات مربوط به حقوق کار، توسط «مجلس شورای اسلامی»، متأسفانه شکل‌های مستقل کارگری و حقوق سندیکایی به رسمیت شناخته شده در قانون کار سال ۱۳۳۷، با یک عقب‌گرد تاریخی، به کلی از بین رفتند. رژیم جمهوری اسلامی پس از سرکوب خونین سازمان‌های سیاسی و فعالان کارگری در سال‌های اولیه‌ی دهه‌ی ۶۰ شمسی، اقدام به ایجاد نهادهای ایدئولوژیکی نمود که نه تنها هیچ هم‌خوانی با استانداردهای شناخته‌شده‌ی بین‌المللی مربوط به حقوق کار در زمینه‌ی فعالیت‌های سندیکایی ندارند، بلکه نقش اصلی آنها هم چیزی جز اعمال کنترل و مراقبت دولتی بر روابط و مناسبات حاکم بر محیط کار نیست.

در واقع اولین شکل‌های سندیکایی ایران در دوران انقلاب مشروطیت، توسط کارگرانی که مدتی در باکو و عشق‌آباد کار کرده و سپس به وطن بازگشته بودند، بنا نهاده شد و سپس در دوران شکوفایی خود در سندیکاها و وابسته به حزب توده، وسعت و قدرت شگفتی یافتند. اما پس از طی فراز و نشیب‌های مختلف، سندیکاها و کارگری قدرتمند از بین رفتند و تبدیل به زائده‌های احزاب سیاسی حاکم مثل حزب مردم و سپس رستاخیز شدند و در نهایت از شوراهای اسلامی کار وابسته به حزب جمهوری اسلامی و خانه‌ی کارگر سر در آوردند.

مقدمه:

سابقه‌ی تشکیل شوراهای اسلامی کار به نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب بهمن

۵۷ باز می‌گردد. در حالی که سیاست رسمی وزارت کار تحت مدیریت زنده‌یاد داریوش فروهر، حمایت از ایجاد و تقویت جنبش کارگری و سندیکایی بود، بخشی از شورای انقلاب و حزب جمهوری اسلامی با رهبری آیت‌الله سیدمحمد بهشتی و کارگزاری عواملش در صدد تضعیف این جنبش و مهار آن بودند. اقدام اولیه‌ی آن‌ها تشکیل شوراهای وابسته به خود، با هدف کنترل کارخانجات و سرکوب کارگران مترقی و فعالان کارگری بود. به این ترتیب آن‌ها تنها نیل به مقاصد سیاسی، کنترل قدرت و از صحنه بیرون کردن رقیب را در نظر داشتند. برای پیش‌برد چنین اهدافی، اولین شوراهای اسلامی در کارخانه‌ی جنرال موتورز تهران و با هدایت علی ربیعی شکل گرفت. در واقع این شوراها به‌عنوان جانشین کمیته‌های کارگری اولیه تشکیل شدند.

در همین دوران بهشتی با تیزبینی و آینده‌نگری که داشت، مسئولیت ایجاد فعالیت شاخه‌ی کارگری حزب جمهوری اسلامی را به‌عهده علی ربیعی و علیرضا محجوب دو مهره‌ی مورد علاقه خود گذاشت و این دو، گسترش فعالیت شاخه‌ی کارگری این حزب را از طریق ایجاد شوراهای اسلامی کار وابسته به حزب جمهوری اسلامی دنبال کردند. در تیرماه سال ۵۹ لایحه‌ی قانونی راجع به تشکیل شوراهای اسلامی کار با هدایت و صحنه‌گردانی بهشتی تدوین شد. تشکیل انجمن‌های اسلامی و بسیج کارگری نیز به موازات شورای اسلامی کار در همین دوران آغاز شد. یورش عوامل حزب جمهوری اسلامی و بهشتی با حمایت نیروهای شبه‌نظامی به «خانه‌ی کارگر» (که در آن دوران در تسلط نیروهای چپ بود) در سال ۵۸ و تصاحب آن، اقدام بعدی واحد کارگری حزب جمهوری اسلامی و عوامل آن یعنی علیرضا محجوب و علی ربیعی برای در کنترل گرفتن مقدرات جنبش کارگری ایران بود.

هرچند پس از سرکوب خونین جنبش ترقی خواه و اعمال سلطه‌ی دیکتاتوری مذهبی پس از خرداد ۶۰، خانه‌ی کارگر در دوران وزارت احمد توکلی و ابوالقاسم سرحدی‌زاده به‌عنوان یکی از بازوهای سرکوب در کارخانجات به کار گرفته شد، اما سرانجام در دی‌ماه سال ۶۳ با تصویب قانون تشکیل شوراهای اسلامی در مجلس و شورای نگهبان، این تشکل رسمیت قانونی پیدا کرد.

تعداد شوراهای تشکیل یافته در سال ۶۶ و به‌هنگام برگزاری نخستین کنگره‌ی خانه‌ی کارگر به یک‌هزار و صد، و در دوران وزارت حسین کمالی (۷۶-۶۸ شمسی) به سه‌هزار و دویست و هشتاد شورا رسید. تعداد این شوراها پس از آن رو به کاهش نهاد.

تشکل‌های کارگری در جمهوری اسلامی و مغایرت آن‌ها با مقاوله‌نامه‌ی ۸۷

تشکل‌های موجود کارگری به رسمیت شناخته‌شده از سوی قانون‌گذار در جمهوری اسلامی در سه دسته تقسیم‌بندی می‌شوند. در زیر به بررسی کوتاه تشکل‌های مورد اشاره در قوانین مربوط به روابط کار و حقوق و اختیارات آن‌ها و مغایرت‌شان با مقاوله‌نامه‌ی ۸۷ سازمان بین‌المللی کار می‌پردازیم:

شوراهای اسلامی کار

شوراهای اسلامی کار در واقع نه شورا هستند و نه انجمن صنفی یا سندیکا، اما مسئولیت هر دو نهاد را یک‌جا به‌عهده گرفته‌اند! چنان‌چه از نامش پیداست برخلاف روح و مفاد مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی، تشکلی است ایدئولوژیک در خدمت هیأت حاکمه برای مهار، کنترل و سرکوب کارگران.

- ماده‌ی ۱ از قانون تشکیل «شورای اسلامی کار» در ارتباط با اهداف و چگونگی تشکیل این شوراها مقرر می‌دارد «به‌منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه‌ی برنامه‌ها و ایجاد هم‌آهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی، کشاورزی و خدمات، شورایی مرکب از نمایندگان کارگران و کارکنان، به‌انتخاب مجمع عمومی و نماینده‌ی مدیریت، به‌نام «شورای اسلامی کار» تشکیل می‌گردد».

- طبق ماده‌ی ۲ «قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار» کسانی که کاندیدای عضویت در «شورای اسلامی کار» می‌شوند، می‌بایستی «اعتقاد و التزام عملی به‌اسلام و ولایت فقیه و وفاداری به‌قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» داشته و گرایش به «احزاب و سازمان‌ها و گروه‌های غیرقانونی و گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی» نداشته باشند.

تأکید روی عبارت «تأمین قسط اسلامی» و شرایط مندرج در قانون در ارتباط با

کسانی که به عضویت این شوراها در می آیند، به ویژه عدم وابستگی آنها به گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران، به روشنی نشان‌دهنده ماهیت و کارکرد ایدئولوژیک این شوراها و مغایرت آنها با مقوله‌نامه‌ی آزادی‌های سندیکایی (۸۷) می‌باشد. هم‌چنین دخالت نماینده‌ی مدیریت (کارفرما) در انتخاب اعضای «شورای اسلامی کار» خود ناقض استقلال شورا و آزاد بودن کارگران در ایجاد تشکل‌های کارگری و اداره‌ی آنهاست.

- ماده‌ی ۲ مقوله‌نامه مقرر می‌دارد که «کارگران و کارفرمایان بدون هیچ گونه تبعیض می‌توانند آزادانه و بدون اجازه‌ی قبلی، سازمان‌های خود را تشکیل داده و یا به سازمان‌های موجود بپیوندند» و بند ۲ ماده‌ی ۳ تصریح می‌کند که «مقام‌های دولتی بایستی از هرگونه مداخله‌ای که حق کارگران برای سازمان‌دهی فعالیت‌ها و تدوین برنامه، عمل آنها را محدود نماید یا اعمال قانونی این حق را به مخاطره اندازد، امتناع نمایند»، اما ماده‌ی ۱۵ «قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار» مقرر می‌دارد که «وزارت کار موظف است در واحدهایی که بیش از ۳۵ شاغل دائم دارند، به تشکیل شوراهای اسلامی کار اقدام نماید».

چنان‌چه ملاحظه می‌شود سازمان‌دهی کارگران، جزو وظایف و اختیارات دولت تلقی شده و کارگران حقی در سازمان‌دهی امور مربوط به خود را ندارند.

- ماده‌ی ۴ مقوله‌نامه‌ی حقوق و آزادی‌های سندیکایی (مقوله‌نامه‌ی ۸۷) مقرر می‌کند «سازمان‌های کارگری و کارفرمایی را نمی‌توان با احکام اداری منحل یا توقیف کرد.»

این در حالی است که طبق ماده ۴ قانون «شوراهای اسلامی کار» چنان‌چه شوراهای اسلامی کار از وظایف مندرج در قانون منحرف شوند، منحل خواهند شد.

از جمله وظایف شوراهای اسلامی کار بر اساس مفاد قانون مربوط به تشکیل «شوراهای اسلامی کار» و به ویژه ماده‌ی ۲۰ آن، کنترل کارگران است. این ماده مقرر می‌دارد «شورا باید در زمینه‌های اجتماعی بروز حوادث، مراجع ذی‌صلاح را مطلع و همکاری‌های لازم را معمول دارد». ذکر عبارت‌های اطلاع به «مراجع ذی‌صلاح» و «همکاری‌های لازم» آن‌هم

در قانون، به‌خوبی نشان‌دهنده‌ی سمت و سو و کارکرد این‌گونه شوراهاست. از دیگر وظایف این شوراها که حیات و ممت‌شان به‌دست دولت است و حتا آئین‌نامه‌های اجرایی‌شان نیز می‌بایستی به‌تصویب هیأت وزیران برسد، بر طبق ماده‌ی ۶ قانون شوراها، اسلامی کار، «همکاری با انجمن اسلامی در بالا بردن آگاهی کارگران، همکاری با مدیریت و پیشنهاد تشویق عناصر فعال است».

بدون‌شک وظیفه‌ی شناسایی افراد غیرفعال و یا مضر به‌حال محیط کار نیز در زمره‌ی وظایف نانوشته‌ی این‌گونه نهادهاست.

نکته‌ی بسیار مهم آن‌که طبق تبصره‌ی ماده‌ی ۱۵ قانون شوراها، اسلامی کار، زمان تشکیل شوراها در شرکت‌های بزرگ دولتی، از قبیل شرکت‌های تابعه‌ی وزارت نفت (پالایشگاه‌ها، صنایع پتروشیمی، صنایع گاز)، شرکت ملی فولاد ایران، شرکت ملی صنایع مس ایران، کارخانجات بزرگ ذوب آهن و صنایع سنگین...، به‌تشخیص شورای عالی کار که طبق ماده‌ی ۱۶۷ قانون کار، ریاست آن با وزیر کار و امور اجتماعی می‌باشد، خواهد بود.

ظاهراً بعد از گذشت بیست و پنج سال از تصویب قانون، هنوز موعد تشکیل شوراها، اسلامی کار در بزرگ‌ترین شرکت‌های دولتی فرا نرسیده است. این در حالی‌ست که در حکومت ملوک‌الطوایفی جمهوری اسلامی، ایجاد نهادهای کارگری در بخش نیرو نیز می‌بایستی با نظارت وزیر مربوطه باشد که به‌اعتراف حسن صادقی دبیرکل سابق قانون عالی شوراها، اسلامی کار و معاون فعلی امور استان‌های خانه‌ی کارگر، با کم‌ترین توفیق مواجه شده‌اند.^۱

بر اساس همین ماده، شورای ۹ نفره‌ی عالی کار را سه نفر به پیشنهاد وزیر کار و تصویب هیأت دولت، سه نفر نماینده‌ی کارفرمایان و سه نفر نماینده‌ی کارگران تشکیل می‌دهند. نکته‌ی قابل ذکر آن‌که در صورت ایجاد چنان تشکلهایی، نمایندگان کارگران از سوی «شورای عالی کار» که تحت کنترل دولت و کارفرمایان است معرفی می‌شوند. این در حالی‌ست که طبق مقاله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ کارگران می‌توانند آزادانه و بدون تبعیض، سازمان‌های خود را تشکیل دهند.

۱- مصاحبه با سایت متال ایران.

مشخص نیست به چه دلیل نمایندگان کارگران را «شورای عالی کار»ی باید تأیید کند که نماینده‌ی کارفرما نیز عضو آن است (موضوع تبصره‌ی ۵ ماده‌ی ۱۳۱ قانون کار). آئین‌نامه‌ی موضوع تبصره‌ی شماره‌ی ۵ ماده‌ی ۱۳۱ قانون کار، عملاً انجمن صنفی کارگران را به کارفرما و وزارت کار وابسته می‌کند.

انجمن‌های اسلامی

حزب جمهوری اسلامی به منظور اشاعه‌ی فرهنگ اسلامی و تحکیم پایه‌های حکومت نوین در کارخانه‌ها و هم‌چنین جلوگیری از رشد دیدگاه‌های چپ و غیراسلامی، اقدام به تأسیس انجمن‌های اسلامی در کارخانه‌ها نمود که بعدها به‌عنوان یکی از سه شکل کارگری پیش‌بینی شده در قانون کار شناخته شدند.

این قانون، در ماده‌ی ۱۳۰ مقرر داشته است که به «منظور تبلیغ و گسترش فرهنگ اسلامی و دفاع از دست‌آوردهای انقلاب اسلامی، و در اجرای اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کارگران واحدهای تولیدی، صنعتی، کشاورزی، خدماتی و صنفی می‌توانند نسبت به تشکیل انجمن‌های اسلامی اقدام نمایند». این در حالی‌ست که قانون‌گذار در پایان ماده‌ی ۱۳۰ تصریح کرده است که «آئین‌نامه‌ی چگونگی تشکیل و حدود وظایف و اختیارات و نحوه‌ی عمل کرد انجمن‌های اسلامی موضوع این ماده، باید توسط وزارت‌های کشور، کار و امور اجتماعی و سازمان تبلیغات اسلامی تهیه و به تصویب هیأت وزیران برسد».

چنان‌چه ملاحظه می‌شود هدف اصلی تشکیل چنین تشکلی حتا در حرف نیز دفاع از حقوق کارگران و یا تلاش برای بهبود وضعیت معیشتی و... آن‌ها نیست. چنان‌چه از مفاد قانون بر می‌آید این شکل شعبه‌ای است از سازمان تبلیغات اسلامی، که علاوه بر ماهیت کاملاً ایدئولوژیک آن، آئین‌نامه‌ی چگونگی تشکیل و حدود وظایف و اختیارات و نحوه‌ی عمل‌کردش نیز توسط وزارت‌خانه‌های دولتی تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

این در حالی‌ست که طبق ماده‌ی ۳ مقاوله‌نامه‌ی ۸۷ این گونه وظایف از ابتدایی‌ترین حقوق تشکلی‌های کارگری است. چنان‌چه ملاحظه می‌شود انجمن‌های اسلامی نیز تحت هیچ شرایطی نمی‌توانند مشمول تعریف سندیکا یا اتحادیه‌های کارگری شوند.

انجمن‌های اسلامی علاوه بر شناسایی و لو دادن کارگران مترقی و مبارز و اشاعه‌ی جو سرکوب و اختناق در کارخانه‌ها، نقش مؤثری در اعزام نیرو برای جبهه‌های جنگ و هم‌چنین برگزاری راه‌پیمایی‌ها و تجمعات حکومتی داشته و دارند.

انجمن‌های صنفی

ماده‌ی ۱۳۱ قانون کار جمهوری اسلامی به‌تشکل دیگری تحت عنوان «انجمن‌های صنفی» اشاره می‌کند. بر اساس این ماده و «در اجرای اصل ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی»، «کارگران مشمول قانون کار و کارفرمایان یک حرفه یا صنعت می‌توانند مبادرت به تشکیل انجمن‌های صنفی نمایند».

با توجه به اختیارات گسترده‌ای که قانون‌گذار برای «شوراهای اسلامی کار» تعیین کرده است این «انجمن‌های صنفی» تحت قیومیت «شورای اسلامی کار» قرار دارند. غلامرضا توکلی، مسئول واحد انجمن‌های صنفی کارگری سراسر کشور در دیدار با نمایندگان سازمان بین‌المللی کار در خانه‌ی کارگر، ضمن اعتراف به این حقیقت گفت: «در حال حاضر انجمن‌های صنفی برای طرح مسائل خود، وابسته به شوراهای اسلامی کار بوده و از طریق شوراها خواسته‌های خود را مطرح می‌کنند». او هم‌چنین اضافه کرد «به‌دلیل موانع آئین‌نامه‌ای هنوز انجمن‌های صنفی نتوانسته‌اند هسته‌های استانی خود را تشکیل دهند».

دبیر انجمن صنفی کارگران میدان‌های میوه و تره بار تهران نیز در زمینه‌ی عدم استقلال انجمن‌های صنفی تصریح کرد: «متأسفانه در سطحی نیستیم که خودمان بتوانیم در مورد پی‌گیری خواسته‌های مان عمل کنیم و این، تضعیف‌تشان را در عمل نشان می‌دهد». با این حال تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۱۳۱ قانون کار مقرر داشته است «به‌منظور هم‌آهنگی در انجام وظایف محوله و قانونی، انجمن‌های صنفی می‌توانند نسبت به تشکیل کانون انجمن‌های صنفی در استان و کانون انجمن‌های صنفی در کل کشور اقدام نمایند». تبصره‌ی ۴ ماده‌ی ۱۳۱ قانون کار مقرر می‌دارد که «کارگران یک واحد، فقط می‌توانند یکی از سه شورای اسلامی کار، انجمن صنفی یا نماینده‌ی کارگران را داشته باشند».

۱- خبرگزاری کار جمهوری اسلامی (ایلنا) ۱۳ مهر ۱۳۸۳.

۲- پیشین.

با توجه به وظایف انجمن‌های اسلامی که قانون‌گذار فلسفه‌ی وجودی آن‌ها را تنها «تبلیغ و گسترش فرهنگ اسلامی و دفاع از دست‌آوردهای انقلاب اسلامی» قرار داده و با در نظر داشتن تبصره‌ی ۴ ماده‌ی ۱۳۱ قانون کار که مقرر می‌دارد کارگران یک واحد، فقط می‌توانند یکی از سه شکل پیش‌بینی شده در قانون کار را داشته باشند، هدف یک‌سان همگی آن‌ها مشخص می‌شود. به این ترتیب در جاهایی که انجمن‌های اسلامی حضور ندارند، وظیفه‌ی آن‌ها که در واقع شاخه‌ای از «سازمان تبلیغات اسلامی» هستند، به‌عهده‌ی شورای اسلامی کار و انجمن صنفی خواهد بود.

نکته‌ی مهم آن که طبق ماده‌ی ۱۳۷ قانون کار «به‌منظور هم‌آهنگی و حسن انجام وظایف مربوطه، تشکلهای کارفرمایی و کارگری موضوع این فصل از قانون، می‌توانند به‌طور مجزا نسبت به ایجاد تشکیلات مرکزی اقدام نمایند».

تبصره‌ی این ماده برخلاف مقاوله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ مقرر می‌دارد که آئین‌نامه‌های انتخابات شورای مرکزی و اساس‌نامه‌ی تشکیلات مرکزی کارفرمایان و هم‌چنین کارگران، جداگانه توسط کمیسیونی مرکب از نمایندگان شورای عالی کار، وزارت کشور و وزارت کار و امور اجتماعی تهیه و به‌تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

هم‌چنین ماده‌ی ۱۳۸ قانون کار مقرر می‌دارد «مقام ولایت فقیه در صورت مصلحت می‌تواند در هر یک از تشکلهای مذکور نماینده داشته باشند».

تکلیف تشکلی که «آئین‌نامه‌ی انتخابات» و «اساس‌نامه‌ی تشکیلات مرکزی» اش توسط وزارت کشور و کار امور اجتماعی تهیه و به‌تصویب هیأت دولت رسیده و مقام «ولایت فقیه» در صورت تشخیص «مصلحت» در آن نماینده داشته باشند، با توجه به ماهیت قرون وسطایی دولت جمهوری اسلامی پیشاپیش مشخص است.

خانه‌ی کارگر جمهوری اسلامی

«خانه‌ی کارگر جمهوری اسلامی» یکی دیگر از تشکلهای رسمی ایجاد شده توسط مقامات جمهوری اسلامی است که در قانون کار نامی از آن برده نشده است. این تشکل که بیش‌تر به‌یک حزب سیاسی شبیه است تا یک تشکل کارگری، پوششی است برای هم‌آهنگی ارگان‌های مختلف تشکیل شده توسط جمهوری اسلامی برای کنترل و سرکوب کارگران.

از لحاظ تاریخی خانه‌ی کارگر در اوایل دهه‌ی ۱۳۵۰ به منظور اعمال کنترل بر سندیکاها‌ی کارگری پایه‌گذاری شد. بعد از تشکیل حزب رستاخیز در سال ۱۳۵۳ خانه‌ی کارگر به‌عنوان بازوی بخش کارگری حزب، تحت عنوان «سازمان کارگران ایران» به‌فعالیت خود ادامه داد. در جریان انقلاب در اثر مبارزات کارگران و نیروهای مترقی و پیشرو، بار دیگر نام خانه‌ی کارگر اعاده شد و این نهاد در اختیار اپوزیسیون جمهوری اسلامی قرار گرفت.

«علیرضا محجوب»^۱ و «علی ربیعی»^۲ سران اعتصاب شهرک اکباتان و جنرال‌موتورز پس از پیوستن به حزب جمهوری اسلامی، از سوی بهشتی رئیس و گرداننده‌ی این حزب، مأموریت راه‌اندازی و گسترش فعالیت شاخه‌ی کارگری حزب جمهوری اسلامی را به‌عهده گرفتند. پس از انجام این مأموریت در بهار ۵۸ این دو نفر با هدایت صدها نیروی حزب‌اللهی و شبه‌نظامی و با حمایت رسمی نظام و پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی با حمله به «خانه‌ی کارگر» که در تسلط نیروهای چپ و مبارز بود، آن‌را به اشغال خود درآوردند. این یورش مقدمه‌ای شد برای یورش و اشغال دفاتر سازمان‌های مترقی و پیشرو در مرداد ۵۸ و دانشگاه‌ها در اردیبهشت ۵۹.

بدین شکل، این نهاد در سال ۵۸ برای هم‌آهنگی فعالیت‌های ضد کارگری نیروهای رژیم و به منظور سرکوب کارگران پیشرو و مترقی در کارخانجات سراسر کشور تشکیل شد.

۱- محجوب یکی از معجزات نظام جمهوری اسلامی است. وی به مدت سه دهه هم‌نمایدگی دولت و هم کارگران و هم مردم را به عهده داشته است! از سال ۱۳۵۸ تا کنون عضو شورای مرکزی خانه‌ی کارگر و در حال حاضر دبیر کل این نهاد می باشد. وی در سال ۱۳۵۸ به عضویت شورای مرکزی و یک سال بعد به عضویت دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی درآمد. در سال ۶۰ به‌عنوان مشاور و بازرسی ویژه‌ی نخست‌وزیر به همکاری با دولت میرحسین موسوی پرداخت و در سال ۱۳۶۱ به عضویت هیئت پی‌گیری فرمان هشت ماده‌ای «امام» درآمد.

وی در سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۲ نماینده‌ی کارگران در شورای عالی کار و از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۰ نماینده‌ی دولت در شورای عالی کار بود. وی همچنین رئیس هیئت امنای دانشگاه اسلامی کار است.

وی بعد از انتخاب هاشمی‌رفسنجانی به ریاست جمهوری در سال ۶۸ در سمت مشاورت و بازرسی ویژه‌ی رئیس‌جمهور در امور کارگری به‌فعالیت خود ادامه داد. در همین حال وی نمایندگی چندین دوره از مجلس شورای اسلامی را نیز برعهده داشته است.

۲- ربیعی پیش از انقلاب ۵۷ تکنیسین شرکت جنرال‌موتورز بود و در سال ۵۸ به عضویت حزب جمهوری اسلامی درآمد و سپس به اطلاعات سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات پیوست و با نام مستعار عباد در بازجویی و شکنجه‌ی زندانیان سیاسی شرکت کرد. او بین سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۲ معاونت وزارت اطلاعات را به‌عهده داشت و در همان دوران از اعضای رهبری خانه‌ی کارگر به‌شمار می‌رفت و بعدها مسئولیت روزنامه‌ی کار و کارگر را برعهده داشت. وی سپس در پست معاونت پارلمانی وزارت اطلاعات و پیش از آن مدیرکل اطلاعات آذربایجان غربی خدمت کرد. در دوران ریاست حسن روحانی بر شورای عالی امنیت ملی ریاست کمیته‌ی سیاست‌گذاری تبلیغات شورای عالی امنیت ملی را عهده‌دار بود در دانشگاه امام محمدباقر وابسته به وزارت اطلاعات به‌عنوان استاد عملیات روانی تدریس می‌کرد. وی در دوران خاتمی مشاور اجتماعی او شد و کتاب‌هایی در زمینه‌ی جامعه‌شناسی و چند شماره نشریه‌ی کارگری اندیشه کار را انتشار داد.

از ابتدای تشکیل تا دور دوم ریاست جمهوری خاتمی، این نهاد، نقش اصلی و اساسی در انتخاب وزیر کار و امور اجتماعی را به عهده داشته و به عنوان یک حزب سیاسی دارای سهمیه در «مجلس شورای اسلامی» (علی محمد عرب، حسین کمالی، علیرضا محجوب، سهیلا جلودارزاده، ابوالقاسم سرحدی زاده، عبدالرحمان تاج‌الدینی و...) و اولین شورای شهر تهران (مرتضی لطفی) بوده است. نقش این تشکل در پیش‌برد سیاست‌های رژیم در کارخانجات و محیط‌های کارگری طی دهه‌ی سیاه ۶۰ همانند نقش «دفتر تحکیم وحدت» در دانشگاه‌ها بود.

در دوران جنگ هشت‌ساله با عراق، خانه‌ی کارگر به همراه انجمن‌های اسلامی، علاوه بر نقش مهمی که در سازمان‌دهی کارگران برای اعزام به مناطق جنگی داشتند، در موارد دیگری هم‌چون تولید ملزومات جنگی و هم‌گامی و همکاری با مدیران و کارفرمایان، در جلوگیری از وقوع رکود در کارخانجات از طریق پایین‌آوردن سطح توقع کارگران فعالیت داشتند.

این تشکل سیاسی که تحت عنوان یک نهاد کارگری فعالیت می‌کند، مانند دیگر تشکل‌های سیاسی کشور، در وزارت کشور ثبت شده و اساس‌نامه و اعضای شورای مرکزی و مسئولین آن به وزارت کشور معرفی شده‌اند. این واقعیت حتا در گزارش هیأت مشاوره‌ی سازمان بین‌المللی کار نیز آمده است.^۱

دبیر کل این نهاد به اصطلاح کارگری مانند یک شخصیت سیاسی برخلاف قطعنامه‌ی مورخ ۱۹۵۲ در خصوص «استقلال نهضت تشکل صنفی» عمل می‌کند. قانون فوق صراحتاً فعالیت‌های سیاسی رهبران اتحادیه‌های کارگری را ممنوع کرده است و بند ۱۹ گزارش هیأت مشاوره سازمان بین‌المللی کار که از تاریخ ۲۷ سپتامبر تا ۳ اکتبر سال ۲۰۰۲ از ایران دیدن کردند، به صراحت روی مورد فوق تأکید کرده است.

از آن جایی که فلسفه وجودی و هدف اصلی تمامی نهادهای فعال در جمهوری اسلامی، «دفاع از دست‌آوردهای انقلاب اسلامی» است، نقش «خانه‌ی کارگر» را نیز می‌بایستی در همین راستا دید. در اساس‌نامه‌ی این نهاد آمده «پشتیبانی از مبارزه‌ی ملت‌های مستضعف جهان که در راه حق و آزادی مبارزه می‌کنند» و «مبارزه علیه... نژادپرستی و

۱- در گزارش این هیأت آمده است: «خانه‌ی کارگر در ظاهر امر هم دارای ارکان کاملاً سیاسی به لحاظ تشکیل یک حزب سیاسی و ثبت آن در وزارت کشور است و هم دارای ارکان مشروع مرتبط با دفاع از منافع شغلی نیروی کار است».

صهیونیسم...» از جمله اهداف «خانه‌ی کارگر» است. عبارات فوق بیان‌گر مخدوش شدن مرز بین تشکل سیاسی-ایدئولوژیک و صنفی است.

در بند چهار مرام‌نامه‌ی این تشکیلات آمده است:

«تقویت هرچه بیش‌تر نهادهای جمهوری اسلامی و همکاری صمیمانه با آن‌ها در جهت تحقق اهداف انقلاب شکوهمند اسلامی و ریشه‌کن کردن بقایای فساد و فحشا و مادی‌گرایی به‌جا مانده از فرهنگ طاغوت، استعمار و مبارزه‌ی پی‌گیر با هر نوع گرایش شرک‌آلود و ایجاد زمینه‌ی رشد ارزش‌های معنوی در جامعه و شکوفایی استعدادهای نسل جوان در زمینه‌های اخلاقی، فرهنگی، علمی و فنی از طریق امر به معروف و نهی از منکر.»

«تقویت هرچه بیش‌تر و همکاری صمیمانه با نهادهای جمهوری اسلامی» هم‌چون سپاه پاسداران، کمیته‌های انقلاب، نیروی انتظامی، وزارت اطلاعات و دادستانی انقلاب و... بدون شک هیچ ارتباطی با فعالیت‌های کارگری و دفاع از منافع کارگران ندارد و به‌نقش این نهاد در سرکوبی کارگران اشاره می‌کند.

در بند هفت مرام‌نامه‌ی این تشکیلات از «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» حمایت به عمل آمده است.

حتا عضوگیری این تشکیلات نیز به احزاب و گروه‌های سیاسی شبیه‌تر است تا یک تشکیلات کارگری. در ماده‌ی ۴ اساس‌نامه‌ی این تشکیلات صحبت از «هوادار» شده و آن‌را یکی از ارکان تشکیلاتی خانه‌ی کارگر معرفی کرده است.

و مطابق تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۵ اساس‌نامه‌ی خانه‌ی کارگر:

اعضا به مدت دو سال به‌عنوان عضو آزمایشی آموزش‌های لازم را دریافت نموده و سپس به‌عنوان عضو فعال در کانون‌ها و اتحادیه‌ها و سایر بخش‌ها و ارکان تشکیلات شرکت و یا مسئولیت خواهند پذیرفت.

به‌خاطر پیچیدگی و حساس بودن مسائل کارگری و نقش اساسی کارگران در پیش‌برد امر تولید از یک طرف، و کمرشکن کردن دولت از طرف دیگر (نمونه‌ی اعتصاب کارگران صنعت نفت در دوران انقلاب ۵۷) «خانه‌ی کارگر» دارای وظایف پیچیده و در عین حال حساسی است. به‌همین دلیل از ابتدای تشکیل این نهاد، در یک تقسیم کار داخلی،

علیرضا محجوب نقش دبیر کلی و چهره‌ی علنی آن و علی ربیعی یکی از مهره‌های اطلاعاتی مهم رژیم، نقش پشت‌صحنه و هدایت‌گر آن را به عهده گرفتند.

علی ربیعی که مدت‌ها پست معاونت وزارت اطلاعات را به عهده داشت در دولت محمد خاتمی علاوه بر اداره‌ی دبیرخانه‌ی «شورای امنیت ملی»، پست معاونت و مشاورت اجتماعی محمد خاتمی را نیز عهده‌دار بود.

خانه‌ی کارگر به همه چیز شبیه است الا یک تشکل کارگری، هرگونه متاعی در این تشکل سیاسی - کارگری پیدا می‌شود، از روزنامه و خبرگزاری گرفته تا «دانشگاه اسلامی کار».

خبرگزاری ایلنا یکی از ارگان‌های وابسته به این نهاد است که در رقابت‌های درون‌جناحی رژیم تشکیل یافته و تحت عنوان خبرگزاری کارگری، منافع جناحی از رژیم را تأمین می‌کند.

روزنامه‌ی کار و کارگر به عنوان ارگان رسمی این نهاد در دهه‌ی ۶۰، فعالیت خود را تحت عنوان هفته‌نامه آغاز کرد و در سال ۶۹ به عنوان روزنامه به فعالیت ادامه داد. مسئولیت این روزنامه در ابتدا به عهده سیدتقی علی حسینی گذارده شد و بعدها علی ربیعی که خود از اعضای شورای مرکزی خانه‌ی کارگر بود، در نیمه‌ی دوم دهه‌ی هفتاد سکان‌دار هدایت روزنامه تا پایان این دهه بود. مرتضی لطفی عضو سابق شورای شهر تهران سومین مدیر مسئول این روزنامه است که تا امروز این سمت را داراست.

راه‌اندازی دانشگاه و تولید مدرک برای وابستگان رژیم و گردانندگان شوراهای اسلامی کار و ... از یک طرف، و ایجاد یک مرکز عمده درآمد از طرف دیگر، یکی دیگر از فعالیت‌های این نهاد سیاسی بوده است. به عنوان مثال «مرکز آموزش علمی کاربردی خانه‌ی کارگر» که شاخه‌ای از «دانشگاه اسلامی کار» وابسته به این به اصطلاح تشکل کارگری است، در بیست و دو شهر بزرگ و کوچک کشور با راه‌اندازی مراکزی با دریافت صدها هزار تومان در ماه، مدارکی را در زمینه‌های مختلف از زبان انگلیسی، خبرنگاری، حسابداری، گرافیک، روابط عمومی، علوم سیاسی گرفته تا ماشین‌آلات، تعمیرات مکانیک، و نرم‌افزار و سخت‌افزار، ارائه می‌دهد.^۱

حسن صادقی رئیس سابق شورای اسلامی کار و یکی از گردانندگان خانه‌ی کارگر طی دو دهه‌ی گذشته یکی از کسانی است که دارای مدرک لیسانس علوم سیاسی «دانشگاه

اسلامی کار» است.

در اختیار گرفتن «اتحادیه‌ی امکان» بزرگ‌ترین تعاونی مصرف کشور در سال ۱۳۶۸، ورود خانه‌ی کارگر به عرصه‌ی پر سود ساخت و ساز (اتحادیه امکان متولی ساخت مسکن کارگران است) به‌ویژه در دوران پس از جنگ و «سازندگی» را امکان‌پذیر ساخت. با در اختیار گرفتن این اتحادیه، خانه‌ی کارگر از یک پشتوانه‌ی مالی عظیم میلیاردی برخوردار شد.

از سوی دیگر با مالکیت اتحادیه‌ی امکان، توزیع اجناسی که بر اساس بن‌های کارگری به کارگران تعلق می‌گیرد، در تیول گردانندگان «خانه‌ی کارگر» است. در گردهمایی این نهاد در سال گذشته، کارگران شرکت کننده مدعی شدند که اجناس فروخته شده به آن‌ها گران‌تر از بازار آزاد بوده است.

رقابت با جناح‌های داخلی

رقابت با جبهه‌ی مشارکت اسلامی در دوران ریاست‌جمهوری خاتمی برای در دست گرفتن مقدرات جنبش کارگری ایران، از فعالیت‌های اصلی «خانه‌ی کارگر» بوده است. خانه‌ی کارگر به‌خاطر داشتن دست بالا در شوراهای اسلامی کار، به‌شدت با تشکیل انجمن‌های صنفی که از حمایت جبهه‌ی مشارکت برخوردار بودند، مخالفت می‌ورزید. هم‌چنین این دو جریان، رقابت سختی را برای شناخته شدن از سوی ارگان‌های بین‌المللی به‌عنوان یک تشکل کارگری که منافع کارگران را نمایندگی می‌کند، دارند.

خانه‌ی کارگر برای در دست داشتن مهار جنبش کارگری و هم‌چنین برتری در حاکمیت، و در مقاطعی حتا برای تحت فشار قرار دادن رقیب و گرفتن امتیاز، به‌بعضی از اعتصابات کارگری هدایت شده دامن می‌زند. به‌عنوان مثال در اکتبر ۲۰۰۳ به‌هنگام حضور هیأت ویژه‌ی سازمان بین‌المللی کار در ایران و به‌خاطر آن که احساس می‌کرد با ترفندهای وزارت کار و جبهه‌ی مشارکت در حاشیه قرار گرفته است، برای قدرت‌نمایی و نشان دادن چنگ و دندان به رقیب، اعتصابات کنترل‌شده‌ای را سازمان داد.

نمایندگان سازمان بین‌المللی کار در گزارش خود روی این موضوع دست گذاشته و آورده‌اند: «در جریان دیدار، هیأت سازمان بین‌المللی کار از برخی اعتصابات که به‌وقوع پیوست مطلع شد، هر چند که به‌نظر نمی‌رسد این اعتصابات خیلی عادی باشد. در هر صورت، مشخص شد که نهایتاً اختلافات از طریق یک نوع داوری اجباری حل و فصل

شده است».

بخشی از اعتراضات هدایت‌شده‌ی «خانه‌ی کارگر» که برای تحت فشار قرار دادن دولت خاتمی انجام می‌گرفت، به گزارش سایت «متال ایران» منجر به دستگیری حسن صادقی رئیس وقت شورای اسلامی کار و ده تن دیگر، توسط وزارت اطلاعات و ارجاع موضوع به وزارت کشور و دفتر خامنه‌ای شد. به خاطر نفوذ رؤسای این جریان در حاکمیت، صادقی بدون پی‌گیری قضایی آزاد شد و موضوع بستن جاده‌ی کرج توسط کارگران اعتصابی، که متداول شده بود، پایان یافت.

فریب کارگران

و تلاش برای هدایت فعالیت‌های اعتراضی آن‌ها در مسیر دل‌خواه

در دهه‌ی هفتاد و به‌ویژه در هشت سال دوران ریاست‌جمهوری خاتمی با پیچیده شدن دستگاه‌های امنیتی رژیم و استفاده از روش‌های نوین در به‌انحراف کشاندن مبارزات اجتماعی و کارگری، «خانه‌ی کارگر» دارای نقش مهم‌تری شد. نارضایتی‌های شدید اجتماعی ناشی از فقر، بی‌کاری، گرانی، اعتیاد، فحشا و... از یک طرف، و رشد یک نیروی جوان مخالف، با پتانسیل بالای اعتراضی از سوی دیگر، احتمال بروز شورش، حرکت‌ها و قیام‌های اجتماعی را قوت می‌بخشد. با توجه به نبود احزاب و جریان‌های مستقل سیاسی در داخل کشور، در نگرش جدید، سیستم امنیتی تلاش می‌کند رهبری جنبش‌های اعتراضی، کارگری، اجتماعی را خود در دست داشته باشد، تا به‌موقع آن‌را به‌پایان رساند و یا در مسیرهای از قبل پیش‌بینی شده به‌هرز دهد. به این ترتیب خانه‌ی کارگر به‌عنوان اهرم ارتجاع در رویارویی با جنبش اعتراضی زحمت‌کشان، وظیفه دارد این جنبش را کنترل کند و به‌انحراف بکشد و برای پیش‌برد چنین سیاستی می‌کوشد در مقاطع مختلف، خود را با خواست‌های کارگران و زحمت‌کشان هم‌آهنگ ساخته و رهبری جنبش‌های اعتراضی را در دست بگیرد. هدف اصلی خانه‌ی کارگر در این دوران جهت‌انحرافی دادن به جنبش‌های کارگری، و خواست‌ها و مطالبات آن است.

حسن صادقی رئیس وقت شوراهای اسلامی کار و از گردانندگان خانه‌ی کارگر در گزارشی که توسط خبرگزاری ایلنا گزارش شد گفت:

اگر تشکل‌های کارگری [خانه‌ی کارگر و شورای اسلامی کار] و قوانینی که از جیب کارگران

تصویب می‌شود، نبود، تا کنون خیابان‌های تهران زیر پای کارگران گرسنه می‌لرزید.^۱ از دیگر تلاش‌های این ارگان وابسته به نهادهای قدرت رژیم، کشاندن تظاهرات و تجمعات کارگری روز اول ماه به استادیوم‌های ورزشی و مکان‌های سرپوشیده است تا کارگران دردمند هر قدر دل‌شان می‌خواهد در میان چهاردیواری و فضای بسته فریاد کنند و صدای‌شان به گوش کسی نرسد.

این نهاد هم‌چنین تلاش می‌کند انفعال و رکود را به جنبش کارگری تزریق کرده و کارگران و زحمت‌کشان را به زائده‌ی نظام تبدیل کند. خبرگزاری ایلنا به نقل از حسن صادقی می‌نویسد:

اگر به راستی کارگران قصد دستیابی به مطالبات خود را دارند، بهتر است به جای خط و نشان کشیدن، فرصتی به دولت داده تا به مشکلات ما رسیدگی کند.^۲

وی هم‌چنین در مقام رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار که با خشم روزافزون کارگران روبرو است، برای مهار خشم آنان چنین رهنمود می‌دهد:

بهتر است کارگران در اعتراض به نحوه افزایش دستمزدها پس از طی مهلت مقرر، به نشان اعتراض، اعتصاب کرده و یک ساعت زودتر دست از کار بکشند.^۳

نگاهی به قطعنامه‌ی پایانی کنگره‌ی سالیانه‌ی خانه‌ی کارگر که زمستان ۸۳ در ۱۲ ماده به تصویب رسید به خوبی بیان‌گر واقعیت فوق است. از یک طرف بیانیه به‌ویژه در بندهای ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۰ برای عقب‌نماندن از قافله با دست گذاشتن روی برخی از خواست‌های جنبش کارگری چون افزایش دستمزدها، پایان دادن به عقد قراردادهای موقت، به رسمیت شناختن حق اعتصاب، رعایت سه جانبه‌گرایی به‌هنگام تدوین یا تغییر و اصلاح قوانین مربوط کار و تأمین اجتماعی، خود را همراه نشان می‌دهد و از طرف دیگر و به‌ویژه در بند ۱ قطعنامه، آن‌جا که می‌آورد: «تابعیت جامعه‌ی کارگری از مقام عظمای ولایت فقیه را اعلام و به پیمان دیرینه‌ی خود یعنی پشتیبانی از اصل مترقی ولایت فقیه، پای فشرده و اعتقاد راسخ دارند که زعامت معظم‌له، راه‌گشای تمامی مشکلات جامعه‌ی اسلامی و ایران خواهد بود»، موضع‌گیری واقعی خود را نشان می‌دهد.

این بیانیه هم‌چنین در بندهای ۲ و ۳ با تأکید مجدد بر تبعیت از «رهنمودهای مقام

۱- خبرگزاری ایلنا ۷ اردیبهشت ۱۳۸۴.

۲- پیشین

۳- پیشین

معظم رهبری، مبنی بر حضور حداکثر مردم» در پای صندوق‌های رأی، برای «زدودن کاستی‌ها، برقراری عدالت اجتماعی، رفع فقر و بی‌کاری و سرعت بخشیدن به اصل سازندگی و تقویت شأن جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی» هاشمی رفسنجانی را کاندیدای ریاست‌جمهوری می‌کند. و در بند ۴ قطع‌نامه از کارگران دعوت می‌کند در انتخابات میان دوره‌ای مجلس هفتم به علیرضا محجوب دبیرکل خانه‌ی کارگر رأی دهند.

تلاش خانه‌ی کارگر

برای عضویت در کنفدراسیون‌های بین‌المللی کارگری

خانه‌ی کارگر همواره در تلاش بوده خود را به‌عنوان یک نهاد مستقل کارگری، به‌سازمان بین‌المللی کار، اتحادیه‌های بین‌المللی کارگری و کنفدراسیون‌های بین‌المللی کارگری، بشناساند

در راستای این سیاست در طول سالیان گذشته این نهاد ضد کارگری تلاش زیادی به‌خرج داده تا موفق شود به‌عضویت کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری آزاد ICFTU در آید و از این طریق مشروعیتی در سطح بین‌المللی برای خود دست و پا کند. اما با توجه به‌ماهیت غیرمستقل آن و روشنگری‌های فعالان کارگری و سیاسی، این پروژه تاکنون با شکست روبرو شده است.

کنفدراسیون جهانی کار WCL قدیمی‌ترین کنفدراسیون کارگری جهان است که از یک‌صد و چهل و چهار اتحادیه‌ی کارگری از یک‌صد و شانزده کشور جهان ترکیب یافته. با این وصف، مقامات خانه‌ی کارگر به‌خاطر عضویت یک انجمن کارگری در تبعید که هوادار «شورای ملی مقاومت ایران» است، تاکنون تلاشی برای عضویت در این کنفدراسیون معتبر جهانی نداشته است.

عناصر رژیم در خانه‌ی کارگر، که از عضویت در کنفدراسیون جهانی کار و کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری آزاد، ناامید شده بودند در آخرین تلاش‌شان سعی کردند راه نفوذ خود به ICFTU را از طریق دیگری بیازمایند که آن نیز با شکست مواجه شد.

در بهار ۲۰۰۴ و پیش از تشکیل نود و دومین کنفرانس جهانی کار، چند اتحادیه‌ی کارگری آسیایی عضو ICFTU به‌تشویق رژیم، قطع‌نامه‌ای را به‌نشست هیأت مدیره ارائه دادند که طی آن از خانه‌ی کارگر دعوت به‌عمل می‌آمد که به‌عنوان میهمان ناظر

در کنگره‌ی کنفدراسیون شرکت کند. در صورت موفقیت چنین طرحی، راه‌شناسایی خانه‌ی کارگر به‌عنوان تشکل مستقل برای عضویت در ICFTU هموار می‌شد. خوشبختانه با مخالفت اتحادیه‌های کارگری انگلیس، کانادا، سوئد و چند کشور دیگر و با شناخت و درایت «گای رایدِر» دبیر کل کنفدراسیون، که از دیرباز و در خلال برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی کار، با ترفندهای رژیم و ماهیت خانه‌ی کارگر آشنا بود، طرح رژیم با شکست مواجه شده و تصمیم قطعی برای ممانعت از خانه‌ی کارگر گرفته شد.

با این حال خانه‌ی کارگر با «فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری» WFTU که خود را «چپ» و «ضدامپریالیسم» معرفی می‌کند، دارای روابط نزدیکی است.

تنها در هفت سال گذشته، سه بار هیأت‌های عالی‌رتبه‌ی این «فدراسیون جهانی کارگری» به ایران سفر کرده و کوشش نموده‌اند موقعیت «خانه‌ی کارگر» اهرم اصلی دولت جمهوری اسلامی برای سرکوب کارگران ایرانی را به‌عنوان نمایندگان واقعی کارگران ایرانی تثبیت کنند.

در پانزدهمین کنگره فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری که در دسامبر ۲۰۰۵ در هاوانا برگزار شد، علیرضا محجوب نماینده‌ی مجلس و دبیر کل خانه‌ی کارگر شرکت داشت.

خانه‌ی کارگر

و شورای اسلامی کار عامل سرکوب فعالان سندیکایی

از ابتدای تلاش فعالان کارگری برای بازگشایی سندیکای مستقل کارگران شرکت واحد، خانه‌ی کارگر به‌عنوان بازوی دستگاه امنیتی همه‌ی حرکات آن‌ها را بررسی می‌کرد و علاوه بر کنترل رفت و آمدها، ارتباطات آنان را نیز زیر نظر داشت. رابطه‌ی نزدیک خانه‌ی کارگر با دستگاه‌های امنیتی، این نهاد را قادر ساخته بود که سوابق و زندگی گذشته‌ی فعالان سندیکایی را نیز شناسایی کند تا به این ترتیب بتواند در شرایط مناسب آن‌ها را از صحنه خارج سازد.

در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۴ هنگامی که اعضای کمیته‌ی مالی سندیکای شرکت واحد در دفتر انجمن کارگران خباز گردهم آمده بودند، مورد حمله و هجوم سیصد نفر از اعضای بسیج‌شده‌ی خانه‌ی کارگر و شورای اسلامی کار قرار گرفتند.

در این حمله‌ی خشونت‌آمیز، مهاجمان علاوه بر ضرب و شتم اعضای سندیکا مبادرت به شکستن در و پنجره‌ی ساختمان و انهدام اسناد و مدارک انجمن کردند. در این یورش

ده نفر از اعضای کمیته‌ی مالی سندیکا نیز شدیداً مضروب شدند. رهبری مهاجمان با حسن صادقی رئیس وقت کانون عالی شوراهای اسلامی کار و علی‌اکبر عیوضی^۱ نماینده‌ی اعزامی این نهاد به کنفرانس سالانه‌ی سازمان بین‌المللی کار بود. آن‌ها ده نفر از اعضای کمیته‌ی مالی سندیکا را هم مورد حمله قرار دادند. در این حمله منصور اسالو^۲ با چاقو مورد حمله قرار گرفت و از ناحیه گلو و زبان زخمی شد. نیروهای امنیتی حاضر در محل هیچ دخالتی نکردند و تنها از حوادث فیلم‌برداری کردند. آن‌ها هم‌چنین دوربین‌ها و فیلم‌های خبرنگاران را توقیف کردند.^۳

علیرضا محجوب نماینده‌ی مجلس و رئیس خانه‌ی کارگر در مصاحبه با ماهنامه‌ی تولید به دفاع از این اقدام می‌پردازد. در زیر چکیده‌ای از آن را ملاحظه کنید:

ژانویه ۲۰۰۶ - دی ۱۳۸۴

مصاحبه‌ی ماهنامه‌ی تولید

با علیرضا محجوب نماینده‌ی حزب اسلامی کار

و رئیس تشکیلات حزبی «خانه‌ی کارگر»:

- راجع به درگیری پیش آمده در ۱۹ اردیبهشت ماه انجمن صنفی خبازان تهران که با جمعی از سندیکالیست‌ها انجام شده چه تحلیلی ارائه می‌دهید؟

* برابر قانون یا شورا، یا انجمن صنفی، یا نماینده‌ی کارگر باید در یک واحد، نمایندگی کارگران را به‌عهده گیرند. هر سه با هم نمی‌توانند، قانون می‌گوید یکی از این‌ها، کارگر نگفته ما شورا نمی‌خواهیم، هنوز انتخاباتی نشده، آمدند شورا را منحل کنند، ... بارها به آن‌ها تذکر داده‌اند که قانونی نیستند، فعالیت نکنید. این

۱- عیوضی در مصاحبه با ایرنا ۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۴ فعالیت سندیکای مستقل کارگران شرکت واحد را غیرقانونی خوانده و اعضای آن را به «فعالیت گروهکی» علیه «نظام» متهم ساخت. او اعضای سندیکا را متهم ساخت که «در سخنرانی‌های خود، به انتقاد مخرب از دستگاه‌های دولتی، قضایی و سایر ارگان‌های دیگر می‌پردازند.» وی ضمن تهدید کارگران عضو سندیکا گفت: «هر فعالیتی تحت عنوان کلمه‌ی سندیکا براساس اعلام صریح وزارت کار غیرقانونی بوده و بهتر است متخلفان، قبل از بروز هر گونه مشکلی از این گروهک غیرقانونی خارج شوند.»

۲- در بسیاری از متون و از جمله اسناد سازمان بین‌المللی کار نام خانوادگی وی به غلط اسالو آمده است.

۳- این نوع سیاست‌ها برای اولین بار در ایران به کار گرفته نمی‌شوند. اتحادیه‌ی کارگران و برزگران ایران در تاریخ ۲۱ اسفند ۱۳۲۴ در نامه‌ای به مقام‌ها و جراید کشور می‌نویسد: ... حدود دویست نفر از اعضای حزب توده و شورای متحده‌ی وابسته به حزب مزبور با چوب و چماق و اسلحه‌ی سرد و دسته‌جمعی با نبودن پاسبان و ژاندارم به اتحادیه‌ی کارگران و برزگران واقع در لاله‌زار ریخته و یوسف افتخاری صدر اتحادیه و پنج شش نفر از کارگران را شدیداً مضروب و مجروح [کرده] و با خود به جای نامعلومی برده‌اند و کلیه‌ی اثاثیه‌ی اتحادیه از قبیل میز و صندلی و چمدان و رختخواب و غیره را هرچه بود غارت کرده‌اند. رجوع کنید به «خاطرات دوران سپری‌شده» خاطرات و اسناد یوسف افتخاری.

افراد به جای این که فعالیت خود را تعطیل کنند شرایط انحلال شورای اسلامی کار را فراهم کرده‌اند...

- سندیکایی‌ها می‌گویند ما شش‌هزار امضا در حمایت از راه اندازی سندیکا جمع کرده‌ایم، چه پاسخ دارید؟

* این‌ها اگر هفده هزار امضا هم جمع بکنند تا زمانی که شورا امتیاز دارد (طبق انتخابات برگزار شده پیشین) کاری از پیش نمی‌رود.

- نفس خشونت را شما تأیید می‌کنید یا خیر؟

* این‌جا خشونت واقع نشده بلکه خودزنی انجام شده مگر می‌شود کسی خلاف قانون کاری انجام دهد و کسی هم معترض نشود در واقع قبلاً به‌همه‌ی مراجع قانونی و خود این‌ها تذکر داده شده است.

- اعتراض می‌تواند به‌صورت قانونی در پوشش رسانه‌ای و... باشد؟

* جواب نداده کسی مثل این که گوشش بدهکار نیست. اداره‌ی کار، نامه داده‌اند، این‌ها نمی‌توانند فعالیت کنند؛ وقتی فعالیت می‌کنند معنایش این است که در این باب تعریف ندارد، بخش‌های قانونی هم کدام‌یک به‌وظیفه‌شان عمل می‌کنند؟

- از طریق قوه قضاییه نمی‌شد طرح شکایت کرد؟

* آنچه که هست این‌ها اگر نشسته بودند و بی‌کار بودند بله می‌شد ولی این‌ها هر روز فتنه‌ی جدیدی می‌چیدند، چند هزار اعلامیه تکثیر کرده بودند که توزیع کنند در شرکت واحد، فتنه روزمره بوده با پول دولت اعلامیه‌ها تکثیر می‌شد.

شوراهای اسلامی کار، غیر از این عمل چه کاری می‌توانستند انجام بدهند؟ اگر کسی بیاید در خانه‌ی شما بگوید شما مالک نیستید چه کار می‌کنید؟ می‌روید دادگستری؟

- می‌رویم کلانتری و طرح شکایت می‌کنیم...

نگهبان آن‌جا [محل برگزاری نشست سندیکای کارگران شرکت واحد] می‌گوید من در را قفل کردم تا شعار بدهند و بروند اما در را شکستند و وارد ساختمان شدند.

* ...تأکید می‌کنم ساختمان نگهبان نداشته است.

- نامش آقای بیگلری است.

* آن ساختمان نگهبان ندارد.

- این که می‌گوئید [اسالو] خودزنی کرده چگونه است که می‌گوید وسط زبانش تیغ کشیدند؟

* با سر می آید در شیشه پشت سرش که داد و فریاد می کرده زبانش کشیده می شود به آن شیشه که خودش شکسته بود.

- یعنی موقع فریاد زدن زبانش گرفته به شیشه؟

* کسی نه زبان وی را بریده و نه گردنش را و نه کسی به دستش زده. ما مدعی هستیم که ایشان خودزنی کرده و کسانی که برای او تبلیغ می کنند بدانند که از آن‌ها شکایت می کنیم.

- آقای صادقی آن جا چه کار می کرد؟

* آقای صادقی صاحب شورا است یعنی چی چه کار می کرد؟

- می گویند ایشان در تخریب نقش داشته است این که می فرمایند ایشان تخریب نکرده اسالو با کله اش چگونه شیشه را شکسته است؟

وی گفته آقای چگینی از پشت سر روی پله او را که در حال فرار بوده هل داده و باعث شده با سر به شیشه پنجره برخورد کند.

* چگینی نزدیک به هشتاد سالش است اگر می گفت عیوضی هلم داد من باور می کردم.

- وی گفته عیوضی گلویش را گرفته و فشار می داده.

* اگر می گفت صادقی باز توان جسمی اش قوی ست.

می گوید آقای صادقی با کلت زده به دهنش.

- * (با خنده و تعجب): با کلت؟ چگینی با کلت؟

- آقای محجوب، حسن صادقی نه چگینی؟

* صادقی کلتش کجا بوده؟ ایشان نشسته و قصه پرداخته، اینقدر شلوغ می کند

که اگر دادگاه علیه او حکم داد مظلوم نمایی کند. ...

- می گوید زمانی که فرار می کرده از پشت سر حاجی چگینی وی را هل داده که با سر به شیشه خورد و با ضربه ای که خورده گیج شده و دستش به شیشه دوم خورده که شکسته است؟

* چگینی پانزده سال پیش بازنشسته شد. چگینی رفته آن جا و گفته دوباره پیدایت

شد من هیچ کمونیستی را نمی گذارم بیاید. چگینی بیش تر از این ازش بر نمی آید

چه برسد به این که هل بدهد. چگینی پدر دو شهید است و اگر آن قدر زور دارد

می گفتم او را به مسابقات کشتی ببرند.

- چنین حرکتی آیا هزینه‌ی بالایی در بر نداشته است؟

* خیر، ما اینقدر دمکرات نیستیم، حرف ما این است که ما در این باب اعتقاد نداریم کسی حق اعتراض ندارد، اعتراض کردن حق ما یا حق هرکس دیگری است، اگر این طور است از آمران به معروف و ناهیان از منکر هم بروید شکایت کنید که خلاف قانون را تذکر داده‌اند. بعد اسالو خودش را زده به دیوار باید او را بگیرند بگویند چرا خودت را به در و دیوار زده‌ای؟

- کلی از مدارک و پول‌شان را مدعی هستند به سرقت برده‌اند چه پاسخی دارید؟
* این‌ها پول دارند که پول‌شان گم شود؟

- مدعی هستند پول حق عضویت سندیکایی‌ها بوده که به سرقت رفته است؟
* این‌ها دویست نفر عضو دارند که دویست هزار تومان حق عضویت داشته باشند. یعنی روزی دویست نفر به این‌ها مراجعه می‌کردند که پول نقد نگه دارند، این‌ها دروغ گفته‌اند. ...

- آن‌ها مدعی هستند که در اصل چون خانه‌ی کارگر یک سری مشکلات درونی دارد، برای فائق آمدن به این مشکلات آب را گل‌آلود کرده تا خودش را تثبیت کند.
* برای چه کسی؟

- برای خود و آینده‌اش (خانه‌ی کارگر).

* کجا خودم را تثبیت کنم؟ مگر من مشهور بودم به ضدانقلاب که خودم را انقلابی جلوه دهم؟ ... بیرون قانون، ما برای هیچ کسی امنیت قائل نیستیم. این را هم بدانید که آن‌ها ناامن‌اند؛ مگر این که بیایند در قانون عمل بکنند، بارها به ایشان تذکر داده شده... مگر در جمهوری اسلامی امنیت برای کسانی است که پا را فراتر از قانون می‌گذارند؟ نه خیر امنیت برای کسانی است که در حریم قانون قرار دارند، کسانی که در حریم قانون هستند نباید امنیت داشته باشند؟ چرا دستگاه‌ها که مسئول امنیت هستند برای این مساله تصمیم نگرفتند که صاحب حق به ناچار برای اعتراض خود اقدام کند؟

- چشم‌انداز این حرکت را چگونه تحلیل می‌کنید؟

* اگر کسانی آمدند خلاف قانون عمل کردند، این کار را بپذیریم؟ این چشم‌انداز را نه تنها برای شخص مان ترسیم نمی‌کنیم که برای تشکیلات هم ترسیم نمی‌کنیم کسی که قانون را هدف می‌گیرد برویم و بگذاریم خلاف قانون عمل کند؟ ما می‌گوییم اعتراض به خلاف قانون وظیفه‌ی هر فردی است...

- بالاخره این حرکت خودجوش بوده یا شوراها سازمان داده‌اند؟
* یعنی چه مگر شوراها نماینده‌ی دولت هستند؟

- عیوضی می‌گوید خودجوش بوده اما عده‌ای دیگر می‌گویند خیر این طور...
* خودجوش یعنی حرکت غیردولتی، یعنی حرکتی که از کانال‌های رسمی سازمان نگرفته باشد، ولی شورا یکی از همان خودی‌هاست، اگر بجوشاند که ایرادی ندارد.

- می‌گویند با اتوبوس شرکت واحد که سازمانی دولتی...
* شورا صاحب حق است، اگر صاحب حق نرود چه کسی باید برود؟ این‌ها از دیوار بغلی رفتند بالا، یعنی اگر منزل کسی آمدند دزدی مردم می‌نشینند و تماشا می‌کنند؟ این در هیچ منطقی پذیرفته نیست، یعنی اگر سارق را هنگام بالا رفتن از دیوار پایین بکشند به لحاظ قانونی هیچ اتهامی بر آن‌ها وارد نیست، چون حریم قانونی کسی مورد تجاوز قرار گرفته است.
- خب آن آدم می‌تواند شکایت بکند.

* نه شکایت نمی‌کند اول مجازات می‌کند بعد شکایت می‌کند.
هنگام بالا رفتن دزد از دیوار اگر با اسلحه هم کشته شود، قتل نیست بلکه حمل اسلحه‌ی غیرمجاز است. این‌ها می‌خواهند به ما بگویند از این به بعد در جمهوری اسلامی به متخلف حق اعتراض نمی‌دهیم...
- در آخر شما به عنوان دبیرکل خانه‌ی کارگر نتیجه را چگونه تحلیل و ارزیابی می‌کنید؟

* با کسی که خودزنی کرده باید برخورد کرد. کسی می‌خواهد اعتراض عده‌ای را خشونت جلوه دهد باید با او برخورد کرد.

- چه تضمینی وجود دارد که دفعه دیگر در تشکل دیگر چنین اتفاقی پیش نیاید و باز خودزنی مطرح شود؟

* شما بگویید این‌ها تشکل هستند تا من حرف شما را قبول کنم؟

- تشکل، خیر، چهار نفر انسان. چه تضمینی وجود دارد؟

* چهار نفر آدم با عنوان غیرقانونی قطعاً هرکجا که باشند ما برخورد می‌کنیم، از این به بعد برخورد می‌کنیم. بنویسید از این به بعد خود خانه‌ی کارگر رسماً برخورد می‌کند

... اگر می‌دانستم خودم شخصاً می‌رفتم. مگر من ابایی دارم با یک جریان

خلاف قانون برخوردکنم؟ این حرف کاملاً روشن است... من با عامل تفرقه حتماً برخورد می‌کنم. برای همین است که خانواده‌ام پابرجا مانده والا این‌ها مرا از داخل می‌تکاندند. من با قاطعیت می‌گویم ما نباید به کسی پاسخ دهیم دیگران باید به ما پاسخ دهند...

- نظر شما راجع به ادعای سندیکالیست‌ها در رابطه با این که خانه‌ی کارگر می‌خواهد جریان کارگری ما را زیر سلطه خودش بگیرد، چیست؟

* ما چه منفعتی در این قضیه داریم؟ کارگریا مستقیم یا غیرمستقیم عضو ماست. با فعالیت خانه‌ی کارگر در آن جا شرکت واحد شورا تشکیل شده و خانه‌ی کارگر حق دارد به زور و تلاش بسیار آن را حفظ کند...

- بحث بیش‌تر روی حسن صادقی و اکبر عیوضی است.

* اسالو مهلت نداده که حسن صادقی بتواند قدرت‌نمایی کند، سرش را می‌زند به دیوار کله‌اش را زده به شیشه شکسته و بیرون کرده بعدگردنش بریده یا احتمالاً زبانش هم بریده شد. داد و بیداد راه انداخته که مسجد خدا را فلان کردند، قرآن خدا را فلان کردند، عکس‌های امام را پاره کردند...

هم‌چنین جدا از علی‌اکبر عیوضی، حاج‌علی مهدوی‌خواه، حسن بهرامی و حسین خدایی‌ها از شوراهای اسلامی کار، مناطق ۱ و ۵ و ۶ در سرکوب کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران مشارکت فعال داشتند.

افول خانه‌ی کارگر در دوران احمدی‌نژاد

از آن جایی که خانه‌ی کارگر در تسلط جناح رقیب بود، دولت احمدی‌نژاد از ابتدای به قدرت رسیدن تلاش نمود یک تشکل مادون ارتجاعی نزدیک به انجمن اسلامی بازار به نام جامعه‌ی اسلامی کارگران^۱ را جانشین آن کند. بهانه‌ی دولت برای به حاشیه راندن خانه‌ی کارگر ارتباط بین شوراهای اسلامی کار با تشکیلات این نهاد بود. جهرمی وزیر کار و امور اجتماعی روز ۲۱ آبان ۱۳۸۵ صراحتاً اعلام کرد «در صورتی که اساس‌نامه‌ی تشکل‌های صنفی کارگری در وابستگی به خانه‌ی کارگر اصلاح نشود اعتبارنامه‌ی آن‌ها تمدید نمی‌شود»^۲.

در واکنش به اقدامات دولت، خانه‌ی کارگر اعلام کرد که «تصمیمات خلاف قانون وزارت

۱- این تشکل در بخشی از اطلاعیه‌ی خود به مناسبت اعلام پیروزی احمدی‌نژاد در انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ نوشت: «شکر و سپاس بر آستان حضرت احدیت که بار دیگر پرتو الطاف خفیه‌اش ملت آگاه و فهیم ایران اسلامی را در خلق حماسه‌ای تاریخی و ماندگار مدد فرمود و استمداد و استعانت از درگاه رحمت بی‌کرانش را بار دیگر با همت و عزم جزم مردمان این مرز و بوم در عبور از گردنه‌های دشوار همراه ساخت، درود و تحیت بر روح پرفتوح امام شهیدان و ابراهیم زمان حضرت امام خمینی(ره) که انفاس قدسی او به مثابه‌ی نسیم امیدآفرین و حیات‌بخش فضای میهن را معطر نگاه داشته است، سلام و صلوات بر شهیدان تاریخ‌ساز این میهن که خون سرخ آن‌ها هر آینه آرمان سبز این مردم اسطوره‌ای را تا سپیدی صبح پیروزی همراهی کرده است.»

2- <http://www.irna.ir/View/FullStory/?NewsId=545331>

<http://www.sepehrnews.ir/?p.1616>

کار و امور اجتماعی در خصوص اعلام انحلال کانون عالی شوراهای اسلامی کار، کانون عالی کارفرمایان، انتصاب افراد وابسته در شورای عالی کار و تامین اجتماعی و حذف نمایندگان کارگران در شوراهای مذکور بیش از پیش شائبه‌ی برخورد سیاسی با تشکلات مستقل کارگری را متصور می‌سازد.^۱

دولت هم‌چنین با استناد به ماده‌ی ۱۳۶ قانون کار از ثبت قانونی انتخاب کانون عالی شوراهای جلوگیری کرد و کانون عالی شوراهای را با این ادعا که این کانون‌ها «تشکیل نشده»، منحل اعلام کرد.^۲

حسن صادقی معاون دبیر کل خانه کارگر و رئیس سابق کانون عالی شوراهای اسلامی کار در این ارتباط با محکوم کردن برنامه‌های وزیر کار گفت: «کانون عالی شوراهای اسلامی مغز متفکر و سر جامعه کارگری است، وزارت کار با کارشکنی و اشکال تراشی‌های مختلف تلاش دارد که این مغز را از کار بیاندازند و تشکیلات را دچار مرگ مغزی نماید. اما کانون‌های استانی باید هوشیار باشند و ایستادگی کنند تا بحران فعلی پایان یابد و کانون عالی شوراهای بار دیگر روی پای خود بایستد و جنبش کارگری را هدایت نماید.»

اقدام بعدی دولت احمدی‌نژاد قطع بن‌های کارگری و نقدی کردن یارانه‌ها بود. با حذف بن کارگری و تضعیف اتحادیه تعاونی‌های مصرف کارگران ایران «امکان» دولت تلاش کرد، پایه‌های قدرت خانه‌ی کارگر یعنی ارگان وابسته به جناح رقیب خود در حاکمیت را متزلزل کند.

دولت احمدی‌نژاد معتقد بود که خانه‌ی کارگر و شورای اسلامی مبالغه‌نگفتی از بودجه‌ی اتحادیه امکان را به‌سود جناح‌های معینی در انتخابات هزینه می‌کنند و با تسلط بر تعاونی‌های مصرف و اتحادیه امکان و بودجه دولتی موقعیت خود را تقویت و استحکام بخشیده‌اند.

آخرین اقدام دولت احمدی‌نژاد حذف نمایندگان خانه‌ی کارگر از لیست کارگران اعزامی به اجلاس سالانه کنفرانس بین‌المللی کار در ژنو بود.

۱- پیشین

۲- پیشین

تعهدات بنیادین کشورهای عضو در خصوص حقوق بشر و حقوق تشکل‌های کارگری و کارفرمایی

بخشی از اصول و احکام داوری کمیته‌ی «آزادی انجمن» سازمان بین‌المللی کار به تعهدات بنیادین کشورهای عضو در خصوص حقوق بشر و حقوق تشکل‌ها اختصاص دارد؛ مهم‌ترین این اصول به شرح زیر هستند:

۱. در صورت تصمیم‌گیری یک کشور جهت الحاق به سازمان بین‌المللی کار، آن کشور موظف به پذیرش اصول اساسی تجسم یافته در اساس‌نامه‌ی آن سازمان و اعلامیه‌ی فیلادلفیا که اصول آزادی انجمن نیز شامل آن می‌شود، است.

۲. الحاق یک کشور به سازمان بین‌المللی کار همواره آن کشور را که با آزادی کامل نسبت به پذیرش اصول آزادی انجمن و مقابله‌نامه‌های مربوطه اقدام کرده است، متعهد به اجرای کامل اصول مزبور می‌کند.

۳. مسئولیت نهایی جهت تضمین و احترام به اصول مربوط به آزادی انجمن بر عهده‌ی دولت‌ها است.

۴. مسئولیت دولت عبارت است از تضمین به کارگیری مقوله‌های بین‌المللی کار در مورد آزادی انجمن که دولت‌ها در آزادی کامل نسبت به تصویب آن‌ها اقدام نموده و باید توسط کلیه‌ی مقام‌های کشوری از جمله مقام‌های قضایی، محترم شمرده شوند.
۵. حقوق مربوط به تشکل‌های کارگری و کارفرمایی، همانند سایر حقوق بنیادین بشری، باید صرف‌نظر از سطح توسعه‌ی هر کشور، محترم شمرده شوند.
۶. کشورها مختار نیستند با استناد به مباحث انحرافی نسبت به انجام تعهدات خود در قبال اجرای موافقت‌نامه‌ها و مقوله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار اقدام کنند.^۱

۱- گزیده‌ی اصول و احکام داوری کمیته‌ی آزادی انجمن سازمان بین‌المللی کار، صفحه‌های ۹ و ۱۰ چاپ انگلیسی؛ ویرایش پنجم سال ۲۰۰۶.

وظایف دولت

در حفاظت از حقوق تشکل‌ها و...

کمیته‌ی «آزادی انجمن» شورای حکام سازمان بین‌المللی کار در ارتباط با حقوق تشکل‌های کارگری و کارفرمایی و آزادی‌های مدنی، و هم‌چنین حق زندگی، برخورداری از امنیت و صیانت جسمی و اخلاقی فعالان کارگری احکام مهمی را صادر کرده و وظایف دولت‌ها را مشخص کرده است که برخی از موارد مهم آن در این‌جا آورده می‌شود:

حقوق تشکل‌های صنفی و آزادی‌های مدنی

۱. کمیته بر وجود یک نظام سیاسی مبتنی بر دموکراسی به‌عنوان پایه و اساس اعمال آزاد حقوق تشکل‌های صنفی کارگری و کارفرمایی تأکید می‌کند.

۲. دولت موردنظر موظف است نسبت به‌دفاع از فضای اجتماعی که در آن، اعمال قانون، تنها راه تضمین احترام به‌حقوق افراد و حفاظت از آن‌ها محسوب می‌شود اقدام کند.

۳. صرف‌نظر از گرایش تشکل‌های صنفی، اتخاذ تدابیر مناسب به‌منظور تضمین حقوق تشکل‌ها در شرایط عادی بر اساس رعایت حقوق بنیادین بشر و در فضایی عاری از

- هرگونه خشونت، فشار، ارباب و تهدید، ضروری است.
۴. ظهور نهضت‌های کارگری تنها در یک نظام سیاسی که متضمن حقوق بنیادین از جمله: حق اعضای تشکل‌های کارگری جهت تشکیل اجتماعات در مکان‌های متعلق به خود، آزادی ابراز عقیده از طریق سخنرانی و انعکاس آن در رسانه‌های گروهی و نیز حق اعضای بازداشت‌شده تشکل‌ها در برخورداری از تضمین‌های مربوط به اعمال روش‌های قضایی در کوتاه‌ترین زمان ممکن، قابل تحقق است.
۵. کنفرانس بین‌المللی کار بر حق تشکیل اجتماعات، آزادی بیان و ابراز عقاید بدون دخالت دیگری و پی‌گیری، دریافت و پخش اطلاعات و نظرات از طریق رسانه‌ها صرف‌نظر از مرزبندی‌های مربوط به حقوق مدنی که برای اعمال عادی حقوق تشکل‌های صنفی کارگری و کارفرمایی امری ضروری قلمداد می‌شوند، تأکید می‌کند.^۱

حق زندگی، برخورداری از امنیت و صیانت جسمی و اخلاقی

۱. تحقق حقوق تشکل‌های صنفی تنها در فضایی عاری از خشونت، فشار و هرگونه تهدید علیه رهبران و اعضای این سازمان‌ها امکان‌پذیر بوده و این وظیفه‌ی دولت‌هاست تا نهایت تلاش خود را به منظور حراست از این اصل به عمل آورند.
۲. ظهور جنبش اتحادیه‌های کارگری مستقل و کاملاً آزاد در فضایی آغشته به خشونت و ناامنی امکان‌پذیر نیست.
۳. حاکم شدن فضای خشونت از قبیل فضای نشأت‌گرفته از قتل و یا ناپدید شدن رهبران تشکل‌های کارگری و کارفرمایی، یا حمله به مکان‌ها، یا دارایی‌های متعلق به کارگران و کارفرمایان، مانعی جدی بر سر راه اعمال حقوق تشکل‌های کارگری و کارفرمایی محسوب می‌شود؛ حاکم شدن چنین وضعیتی به اتخاذ تدابیر جدی از سوی مقامات دولت مربوطه نیازمند است.

۱- گزیده‌ی اصول و احکام داوری کمیته‌ی آزادی انجمن سازمان بین‌المللی کار، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴ چاپ انگلیسی، ویرایش پنجم سال ۲۰۰۶.

۴. قتل، ناپدید شدن، یا ایراد جرح جدی به رهبران تشکل‌های صنفی کارگری و کارفرمایی و اعضای آنها لزوم انجام تحقیقات مستقل قضایی را در کوتاه‌ترین فرصت و به‌بهترین نحو ممکن جهت آشکار نمودن واقعیات و شرایطی که بروز چنین حوادثی را باعث می‌گردند مشخص می‌سازد. در این خصوص بر اساس وظایف مشخص‌شده، مجازات مجرمین و پیش‌گیری از تکرار حوادث مشابه قابل تحقق خواهد بود.
۵. در مواردی که متفرق کردن شرکت‌کنندگان در اجتماعات عمومی توسط نیروی پلیس، قتل، یا صدمات جدی به‌همراه داشته باشد. کمیته اهمیت ویژه‌ای نسبت به انجام فوری تحقیقات مربوطه، با بررسی‌های مستقل بر اساس مقررات قضایی جاری و متعاقب آن تعیین صحت توجیهات به‌عمل آمده در خصوص اقدامات انجام شده از سوی پلیس و نهایتاً تعیین مسئولیت افراد دخیل قائل است.
۶. در صورت عدم رعایت حرمت‌های اخلاقی و حملات فیزیکی (جسمی) به افراد، کمیته، اجرای تحقیقات قضایی مستقل را در کوتاه‌ترین فرصت ممکن پیش‌بینی نموده است. هدف از انجام این اقدام روشن ساختن واقعیات و مسئولیت‌های مربوطه و نهایتاً مجازات افراد مسئول و پیش‌گیری از وقوع اقدامات مشابه در آینده است.
۷. فضای آمیخته به‌خشونت، فشار و تهدید از هر نوع، بر علیه رهبران تشکل‌های صنفی کارگری و کارفرمایی و اعضای خانواده‌ی آنها تأثیری منفی بر اعمال آزاد و برخورداری کامل از حقوق و آزادی‌های مقرر در مقاله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ بر قانون، خواهد بود. تنها راه قابل تصور جهت تضمین احترام به حفاظت از زندگی افراد، برخورداری کامل از این حقوق و آزادی‌هاست.
۸. انجام حملات علیه‌اعضای تشکل‌های صنفی کارگری، کارفرمایی، مکان‌ها و دارایی‌های مربوط به آنها نقض جدی حقوق تشکل‌های کارگری و کارفرمایی محسوب می‌گردد. اقدامات مجرمانه‌ای از این دست ایجاد فضای رعب و وحشت که در تناقض شدید با فعالیت‌های تشکل‌های کارگری و کارفرمایی می‌باشد را فراهم می‌آورد.

۹. فضای همراه با ارباب و وحشت که حاصل تهدیدات صورت گرفته علیه جان اعضای تشکل‌های کارگری و کارفرمایی است اقداماتی اجتناب‌ناپذیر را بر اعمال حقوق مربوط به فعالیت تشکل‌های صنفی کارگری و کارفرمایی موجب می‌شود. فعالیت‌هایی که تنها به واسطه احترام به حقوق اساسی بشر و در محیطی عاری از خشونت، فشار و تهدید از هر نوع، قابل اجرا هستند.^۱

۱- پیشین، صفحه‌های ۱۵ تا ۱۷ چاپ انگلیسی، ویرایش پنجم سال ۲۰۰۶.

سرکوب سندیکاهای مستقل کارگری در ایران

در حالی که رهبران و گردانندگان نهادهای کارگری دولتی از مزایای بی‌شماری بهره‌مند شدند و به پست‌های بالای سیاسی و مدیریتی دست یافتند، رهبران و اعضای سندیکاهای مستقل کارگری در ایران با محدودیت‌های بسیاری مواجه شده و جز ضرب و شتم، بازداشت، زندان، شلاق، محرومیت از شغل و حقوق چیزی نصیب‌شان نشده است. این واقعیت به خوبی نشان‌گر ماهیت مستقل و وابسته‌ی نهادهای کارگری در ایران است. از آنجایی که تشکیل سندیکاهای آزاد کارگری تنها در نظام‌های سیاسی مبتنی بر دموکراسی امکان‌پذیر است، دولت جمهوری اسلامی و دستگاه امنیتی آن وجود چنین سندیکاهایی را تهدیدی امنیتی و در راستای براندازی می‌بیند.

در این قسمت به صورت کوتاه و گذرا به سرکوبی سندیکاهای مستقل و فعالان کارگری در چند سال اخیر پرداخته و به مواردی چند از دستگیری‌ها و آزارها و فشارها اشاره می‌شود. مطمئناً این تحقیق جامع نیست و تنها نوک کوه یخ را نشان می‌دهد.

سندیکای کارگران کارخانه‌ی نیشکر هفت‌تپه

کارخانه‌ی نیشکر هفت‌تپه در دهه‌ی ۱۳۴۰ تأسیس شد و سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه در سال ۱۳۵۳ تشکیل شد اما پس از به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی از فعالیت باز ماند. در آبان ماه سال ۸۶ بیش از دو هزار و پانصد کارگر این کارخانه طی نامه‌ای به مدیرکل کار استان خوزستان، خواستار بازگشایی این سندیکا شدند. چند روز

پس از ارسال این نامه، افرادی که نام‌شان به‌عنوان اعضای هیأت بازگشایی ذکر شده بود، همراه با خبرنگاری که اعتصاب کارگران را پوشش داده بود، توسط مأموران وزارت اطلاعات بازداشت شدند.

پس از این دستگیری‌ها، کارگران و نمایندگان‌شان بارها برای تشکیل سندیکای کارگری به‌مراجع دولتی مراجعه و رایزنی کردند، ولی همواره با پاسخ منفی روبرو شدند. وزارت اطلاعات و شورای تأمین استان از جمله مخالفان اصلی تشکیل سندیکا بودند.

دلیل عمده‌ی مخالفت این دو نهاد امنیتی با تشکیل سندیکا در کارخانه نیشکر هفت‌تپه، شمار زیاد کارگران این شرکت و تأثیر احتمالی آن بر دیگر بخش‌های صنعتی جنوب ایران و از جمله کارگران صنعت نفت و عسلویه است.

با وجود مخالفت نهادهای امنیتی و دولتی، اولین گام برای بازگشایی سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، در روز دوشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۸۷ برداشته شد. در این روز هفتصد نفر از کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه، در حالی اعضای هیأت مؤسس نخستین سندیکای کارگری خود را انتخاب کردند که چهل و دو روز از اعتصاب کارگران این کارخانه می‌گذشت. کارگرانی که طی این مدت بارها توسط نیروهای انتظامی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و تعدادی از آنان دستگیر شده بودند.

در اول آبان ماه سال ۸۷ به‌رغم مخالفت‌های انجام شده و صدور بخشنامه از سوی مسئولین کارخانه که کارگران را از شرکت در انتخابات منع و برگزاری آن را منوط به‌دستور و اجازه‌ی اداره کار می‌دانست، سندیکای کارگران هفت‌تپه با رأی‌گیری عمومی کارگران، اعلام موجودیت کرد و نه نفر از کارگران به‌سمت اعضای هیأت مدیره سندیکا انتخاب شدند.

در ۲۹ بهمن و ۵ اسفند ۸۷ رئیس و چهار تن از اعضای هیأت مدیره‌ی سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه پس از چندین بار احضار و بازپرسی در دادگاه انقلاب دزفول به‌اتهام تبلیغ علیه نظام، محاکمه شدند.

دادگاه برای پنج تن از رهبران سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه، حکم یک سال زندان صادر کرد. طبق این حکم، شش ماه از محکومیت احمدی، نیکوفرد، نجاتی و علی‌پور، و هشت ماه از محکومیت حیدری‌مهر به‌مدت پنج سال تعلیق شده است.

هم‌چنین رهبران کارگران هفت‌تپه، به‌مدت سه سال از حضور در تمامی فعالیت‌ها و انتخابات صنفی کارگران محروم شده‌اند.^۱

رحیم بسحاق و رضا رخشان، دو عضو دیگر هیأت مدیره‌ی سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه که به حکم قاضی دادگاه احضار شده بودند، هم‌چنان در زندان به‌سر می‌بردند.

چند روز پس از این تاریخ ابتدا علی نجاتی رئیس هیأت مدیره را به وزارت اطلاعات فراخواندند و پس از چند ساعت بازجویی او را آزاد کردند. سپس دیگر اعضای هیأت مدیره را برای بازپرسی فراخواندند و چند روز آن‌ها را در بازداشت نگه داشتند. بعد از آزادی اعضای هیأت مدیره‌ی سندیکا، مأموران امنیتی در روز ۱۸ اسفند با ورود به منزل علی نجاتی او را دستگیر و پس از سی و هفت روز بازداشت در سلول انفرادی و بازجویی‌های هفت، هشت ساعته همراه با چشم‌پند آزاد کردند.

روز شنبه ۲ خردادماه ۸۸ طی احضاریه‌ای از دادگاه انقلاب شوش، علی نجاتی را به دادگاه انقلاب فراخواندند. طبق این احضاریه، او می‌بایست روز سه‌شنبه ۵ خردادماه در دادگاه انقلاب شوش حاضر شود. علی نجاتی در ۱۸ اسفندماه گذشته، بازداشت شده بود و بازجویان وزارت اطلاعات پرونده‌ی جدیدی علیه او گشوده‌اند.

علی نجاتی رئیس هیأت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه از ۸ فروردین ماه طی حکم صادره از سوی مددی مدیرعامل طرح نیشکر هفت‌تپه از کار اخراج شد. علت اخراج او را غیبت بیش از چهارده روز ذکر کرده‌اند، در حالی که وی در دوره‌ی مذکور، در بازداشت مأمورین وزارت اطلاعات به‌سر می‌برد. هم‌چنین از ۸ فروردین ماه حقوق و مزایای او را به‌طور کامل قطع کرده و وی را در شرایط سخت معیشتی قرار داده‌اند. وزارت اطلاعات با اخراج او از کار سعی در ارباب سایر کارگران دارد تا آنان را وادار به عقب‌نشینی از سندیکای انتخابی خود کند.

در نامه‌ی سرگشاده‌ی افراد فوق به‌سازمان بین‌المللی کار از جمله آمده است:

۱- براساس احکام تأیید شده توسط دادگاه تجدید نظر، علی نجاتی، فریدون نیکوفرد، قربان علی‌پور و جلیل احمدی به‌اتهام «اقدام علیه امنیت ملی از طریق ایجاد سندیکای خارج از قانون» به تحمل شش ماه حبس تعزیری و شش ماه حبس تعلیقی، و محمد حیدری مهر به چهار ماه حبس تعزیری و هشت ماه حبس تعلیقی محکوم شده‌اند. آخرین اخبار حاکی از آن است که فریدون نیکوفرد، قربان علی‌پور، محمدحیدری مهر و جلیل احمدی که در حال حاضر در زندان به‌سر می‌برند، با تصمیم هیأت مدیره شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه به دلیل غیبت بیش از پانزده روز از کار اخراج شده‌اند.

اسامی ما به عنوان افراد خاطی بر سر در ورودی شرکت نیشکر هفت‌تپه درج شده است و اجازه‌ی ورود به محل کارمان را نداریم. اگر به محل کارمان مراجعه کنیم توسط پلیس دستگیر می‌شویم و از این طریق بهانه نیز کسب می‌کنند که ما از محل کار خود غیبت کرده‌ایم! عجبا که اگر برویم دستگیر می‌شویم و زندانی و سپس اخراج؛ و اگر نرویم غایب محسوب می‌شویم و سپس اخراج و بعد در کوچه و خیابان، دستگیر و روانه‌ی زندان می‌شویم! در هر صورت این بازی شوم را برای ما به نحوی چیده‌اند که هم اخراج‌مان کنند و هم محبوس!

سندیکای شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه در سال ۱۳۴۷ تأسیس شد. فعالیت آن پس از سقوط رژیم سلطنتی ادامه یافت اما در سال ۱۳۶۲ با توسل به شیوه‌های غیرقانونی از فعالیت باز ماند و شورای اسلامی کار جای آن را گرفت. در دهه‌ی ۸۰ فعالان سندیکایی تلاش کردند از مجاری قانونی و با تکیه بر قوانین موجود، به بازگشایی دوباره‌ی سندیکا پردازند.

طبق قانون کار مصوب ۱۳۶۹ برای تشکیل سندیکا نیاز به انحلال شورای اسلامی کار بود. به دعوت فعالان سندیکایی بیش از نه‌هزار نفر از مجموع هفده هزار کارگر شرکت واحد با امضای طوماری خواستار انحلال شورای اسلامی کار و جایگزینی سندیکا شدند. در اردیبهشت ماه ۱۳۸۴ این سندیکا فعالیت دوباره‌ی خود را آغاز کرد.

عوامل خانه‌ی کارگر در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۴ چهار روز قبل از انتخابات اعضای هیأت مدیره سندیکا به محل دفتر سندیکا حمله کرده و علاوه بر ضرب و شتم اعضای حاضر در محل دفتر سندیکا، تمامی اموال سندیکا را به غارت بردند. شکایت اعضای سندیکا به مقامات قضایی، نه تنها مؤثر واقع نشد بلکه خود مورد پی‌گرد قرار گرفتند.

چند روز پیش از برگزاری مجمع عمومی این سندیکا در تاریخ ۱۳ خرداد ۱۳۸۴ مکان در نظر گرفته شده برای برگزاری مجمع عمومی توسط افراد ناشناس، شبانه با بمب‌های دستی مورد حمله قرار گرفت.

دستگیری‌ها، بازداشت‌ها و احکام صادره

از زمان تشکیل این سندیکا تاکنون بیش از هزار تن از اعضای آن به دلایل گوناگون توسط مقامات امنیتی دستگیر و تحت بازجویی و آزار قرار گرفته‌اند. تعدادی از اعضای هیأت مدیره‌ی این سندیکا به حبس‌های شش ماه تا پنج سال محکوم شده‌اند. رئیس و نایب رئیس آن علیرغم اعتراضات بین‌المللی همچنان در زندان به سر می‌برند. فعالان سندیکا از کار اخراج و از دریافت حقوق و مزایای شغلی خود نیز محروم شده‌اند. در مواردی سرکوب نیروهای امنیتی، اعضای خانواده و حتی کودکان فعالان سندیکایی را نیز شامل شده است.

برای اولین بار، روز ۱۳ خرداد ۱۳۸۴ سه نفر از اعضای سندیکا، به دلیل برگزاری نخستین مجمع عمومی سندیکا و انتخابات اعضای هیأت مدیره دستگیر شدند. هفت نفر از اعضای سندیکا در تاریخ ۱۸ شهریور ۱۳۸۴ به دلیل روشن نگاه داشتن چراغ‌های اتوبوس‌ها در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد بازداشت شدند.

در اعتصاب دوم سندیکا در ۴ دی‌ماه ۱۳۸۴، چهارده نفر از اعضای سندیکا دستگیر و به زندان اوین منتقل شدند.

۶ بهمن ۱۳۸۴، نه نفر از اعضای سندیکا به دلیل اعلام اعتصاب سوم دستگیر شدند. از این تاریخ تا ۱۰ بهمن ۱۳۸۴ بیش از هزار نفر از اعضای سندیکا دستگیر و روانه‌ی زندان اوین شدند که بازداشت تعدادی از آنها تا دو ماه بعد هم ادامه داشت.

بیش از دویست نفر از آنها از ادامه‌ی کار و دریافت دستمزد محروم شدند. پس از اعتراضات متعدد سندیکا و فشارهای بین‌المللی در ۲۴ تیرماه ۱۳۸۵ یک گروه شصت نفری از کارگران برای بازگشت بر سرکار خود، پس از احضار به دفتر حراست شرکت واحد، در محیطی آکنده از رعب و وحشت، وادار به نوشتن تعهدنامه علیه سندیکا و به نفع شورای اسلامی کار شدند.

۱۱ اردیبهشت (روز اول ماه مه) سال ۱۳۸۵، هفت نفر از اعضای سندیکا بازداشت شدند.

چهار نفر از اعضای سندیکا در تیر ماه سال ۱۳۸۵ دستگیر شدند. یک نفر از اعضای سندیکا در آذر ماه ۱۳۸۵ دستگیر شد.

چهار نفر از اعضای سندیکا به دلیل تجمع در مقابل وزارت کار در خرداد ماه سال ۱۳۸۶ دستگیر شدند.

منصور اسالو در ۱۹ تیرماه ۱۳۸۶ دستگیر و روانه‌ی زندان شد و چندی بعد مقامات قضائی اعلام کردند که در مورد ایشان حکم پنج سال زندان تعزیری وجود دارد و به‌همین دلیل اسالو از تاریخ فوق در زندان به‌سر می‌برد.

۲۳ مردادماه ۸۷ سندیکای شرکت واحد اعلام کرد که دیوان عدالت اداری احکام اخراج نه عضو دیگر این تشکل را تأیید کرده است. این افراد پیش‌تر از سوی هیأت‌های حل اختلاف ادارات کار استان تهران به‌اخراج محکوم شده بودند. اخراج شدگان همگی از رانندگانی بودند که در جریان اعتصاب زمستان ۸۴ کارگران شرکت واحد اخراج شدند و حتا مدتی را نیز در حبس سپری کردند.

در آبان ماه ۱۳۸۷، حکم حبس تعلیقی چهار نفر از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد به‌اتهام تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی از سوی دادگاه انقلاب صادر شد. افراد فوق به شش تا چهارده ماه حبس محکوم شدند.

ابراهیم مددی نایب رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در ۷ دی‌ماه ۱۳۸۷ برای اجرای حکم چهل و دو ماه زندان دستگیر شد و هم‌اکنون در زندان اوین به‌سر می‌برد.

سندیکای کارگران خباز سقز

در سال ۱۳۵۴ جمعی از فعالان کارگری اقدام به تشکیل سندیکای کارگران خباز می‌کنند که در نتیجه‌ی فشار ساواک بر فعالان کارگری، سندیکا عملاً منحل می‌شود. با وقوع انقلاب ضدسلطنتی، کارگران خباز یکی از اتاق‌های ساختمان ساواک را به‌دفتر سندیکا تبدیل کرده و تشکل خود را دوباره احیا می‌کنند.

یکی از اقدامات موفقیت آمیز سندیکای کارگران خباز راه‌اندازی اعتصاب موفق بود که کاهش ساعات کار و افزایش دستمزد از جمله خواسته‌های آن بودند.

با توجه به حمله‌ی نیروهای دولتی به شهرهای کردستان در سال‌های ۵۹ تا ۶۲ اکثر فعالان کارگری مجبور به ترک شهر شدند و به‌این ترتیب فعالیت سندیکا متوقف شد.

این سندیکا در سال ۱۳۷۳ با تأیید و حضور نماینده‌ی کار با برگزاری انتخابات فعالیت دوباره خود را آغاز کرد. در این انتخابات محمود صالحی علیرغم مخالفت اولیه‌ی وزارت

کار^۱، به نمایندگی از سوی کارگران انتخاب شد. تلاش این سندیکا برای بیمه کردن کارگران خباز و کاهش ساعات کار، افزایش دستمزد، برگزاری مراسم مختلف در اول ماه مه، دایر کردن کتابخانه، ایجاد کلاس‌های نهضت سوادآموزی و صندوق مالی، باعث برانگیخته شدن حساسیت مقامات دولتی می‌شود.

در مراسم روز اول ماه مه ۱۳۸۳ محمود صالحی، برهان دیوارگر، محمد عبدی‌پور، جلال حسینی دستگیر و به مجازات زندان و شلاق محکوم شدند.

محمود صالحی با توجه به وضعیت وخیم جسمی که داشت دوران یک‌ساله‌ی زندان را به سختی پشت سر گذاشت و به خاطر عدم رسیدگی درمانی بیماری‌های وی تشدید شد. وی هم‌چنین دارای یک حکم سه ساله‌ی تعلیقی است.

به دنبال محکومیت محمود صالحی در سال ۲۰۰۵ به همراه جلال حسینی، برهان دیوارگر و محمد عبدی‌پور که همگی از اعضای اتحادیه‌ی کارگران خباز سقز به‌شمار می‌روند، نام‌بردگان، در سال ۲۰۰۶، دادرسی‌های طولانی و ناعادلانه‌ای را از سوی مسئولان جمهوری اسلامی گذراندند. پس از این که دادگاه تجدیدنظر استان کردستان حکم‌های صادره را ملغی اعلام کرد، دادگاه انقلاب سقز مجدداً آن‌ها را، علاوه بر سازمان‌دهی مراسم اول ماه مه در سقز، به «گردهمایی و توطئه برضد امنیت ملی» متهم کرد. از میان آنان، تنها محمد عبدی‌پور تبرئه شد.

نیروهای امنیتی در روز ۱۶ آوریل ۲۰۰۷، گردهمایی را که توسط ده‌ها فعال سندیکایی در دفتر صالحی و در حمایت از او برگزار شده بود، به شکلی خشونت‌بار سرکوب کردند. براساس گزارش‌های منتشرشده، مأموران لباس شخصی به وسیله‌ی باتوم و اسپری این فعالان را مورد حمله قرار دادند؛ هم‌چنین براساس این گزارش‌ها، چندین فعال کارگری مجروح شدند.

اتحادیه‌ی آزاد کارگران ایران

۲۴ فروردین ۱۳۸۶ مجمع عمومی اتحادیه‌ی سراسری کارگران اخراجی و بی‌کار با حضور صد و چهل و نه نفر از کارگران اخراجی، تعلیقی، بی‌کار و موقت در شهر سنندج

۱- وزارت کار اعلام کرده بود که محمود صالحی از آن‌جایی که زندانی سیاسی بوده است حق انتخاب شدن ندارد. صالحی در اواسط سال‌های ۱۹۸۰ به دلیل فعالیت‌های سندیکایی خود بیش از پنج سال را در زندان گذراند. او هم‌چنین در سال‌های ۱۹۸۶، ۱۹۹۵، ۱۹۹۹، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ به زندان افتاده است.

برگزار شد. در این مجمع اعضای هیأت رئیسه، اعضای هیأت مدیره و بازرسان انتخاب شدند و اساس‌نامه‌ی اتحادیه به تصویب رسید.

در ۳۰ فروردین ۱۳۸۷ دومین مجمع عمومی اتحادیه با شرکت کارگران عضو اتحادیه از شهرهای تهران، سنندج، کرمانشاه، عسلویه، شهر صنعتی قم، مهاباد و برخی نقاط دیگر، در شهر سنندج برگزار شد. در این مجمع از آنجایی که کارگران شاغل بیش از پیش به این اتحادیه روی آورده بودند، نام خود را به اتحادیه‌ی آزاد کارگران ایران تغییر داد!

در مرداد ماه ۸۸، سه نفر از کارگران بازداشت‌شده در مراسم اول ماه مه سنندج به نام‌های فایق کیخسروی (از اعضای اتحادیه‌ی آزاد کارگران)، شیوا سبحانی و منصور کریمیان از سوی دادگاه شعبه‌ی ۱۰۵ جزایی دادرای عمومی سنندج هر کدام به شش ماه حبس تعزیری و چهل ضربه‌ی شلاق تعزیری محکوم شدند.

در متن این حکم آمده است که احکام فوق قابل تبدیل به حبس تعلیقی به مدت سه سال است. بر اساس این حکم بابک باجالانی و شب‌بو خلیلی از بازداشت شدگان مراسم روز جهانی کارگر در سنندج از اتهامات خود تبرئه شده‌اند.

طه آزادی؛ عضو علی‌البدل هیئت مدیره اتحادیه‌ی آزاد کارگران و جوانمیر مرادی در دی‌ماه ۸۷ در عسلویه بازداشت و به‌اداره‌ی اطلاعات بوشهر منتقل شدند. طه آزادی و جوانمیر مرادی، چهل و هفت روز در بازداشت بودند و با وثیقه‌ی ده میلیون تومانی آزاد شد.

طه آزادی در ۲۷ بهمن ماه ۱۳۸۷ در دادگاه انقلاب کنگان به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام متهم شد. سعید حضرتی به‌اتهام شرکت در تظاهرات اول ماه مه در عسلویه دستگیر و در ۱۴ اردیبهشت ۸۷ با قرار وثیقه آزاد شد.

طیب ملایی؛ عضو هیئت‌مدیره و سخنگوی اتحادیه‌ی آزاد کارگران ایران در روز ۱۸ آبان ماه ۱۳۸۷ در سنندج بازداشت شد. وی روز ۲۵ آذر ۱۳۸۷ با قرار وثیقه‌ی ده میلیون تومانی آزاد شد. طیب ملایی از جمله سیزده کارگری است که روز اول ماه می سال ۱۳۸۶ در سنندج بازداشت و به نود و یک روز زندان و ده ضربه شلاق محکوم شد.

شیت‌امانی کارگر کارخانه‌ی نساجی کردستان و یکی از بنیان‌گذاران «اتحادیه‌ی سراسری کارگران ایران» و نماینده‌ی کارگران در هیأت حل اختلاف در مراجع اداری و قضایی

استان کردستان در اردیبهشت ۸۷ به خاطر شرکت در اعتراضات کارگری و برگزاری روز اول مه روز جهانی کارگر در سال ۸۷ به همراه دوازده نفر دیگر از کارگران بازداشت شد. دادگاه بدوی یازده کارگر به نام‌های خالد سواری، اقبال لطیفی، طیب ملایی، فارس گویلیان، یدالله مرادی، طیب چتانی، عباس اندریانی، صدیق امجدی، حبیب‌الله کله‌کانی، صدیق سبحانی، محی‌الدین رجبی، را به نود و یک روز زندان و ده ضربه شلاق و شیث امانی و صدیق کریمی را به دو سال و نیم زندان محکوم کرد. دادگاه تجدیدنظر استان کردستان حکم زندان یازده کارگر را به جریمه‌ی دویست هزار تومان تبدیل و احکام شلاق را هم‌چنان ابقا کرد و حکم زندان شیث امانی و صدیق کریمی را به شش ماه زندان و دویست هزار تومان جریمه نقدی و بیست ضربه شلاق تقلیل داد.

۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۷، در شهر اشنویه چهار نفر از فعالان کارگری؛ حمید اطهری و آرام ابراهیم‌خالص از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران و نسرين محمودی‌آذر بازداشت شدند.

هفت نفر از شرکت‌کنندگان در مراسم اول ماه مه ۸۷ در جلوی ساختمان سازمان تأمین خدمات اجتماعی سنندج به نام‌های صلاح زمانی، شیوا خیرآبادی، عبدالله نجار، غالب حسینی، علی حسینی، بهاء‌الدین صدوقی و سوسن رازانی دستگیر شدند.

شعبه‌ی ۱۰۱ دادگاه جزایی سنندج سوسن رازانی را به تحمل نه ماه زندان تعلیقی به مدت سه سال و هفتاد ضربه شلاق و شیوا خیرآبادی را به تحمل چهار ماه زندان تعلیقی به مدت سه سال و چهل ضربه شلاق محکوم کرد. این حکم در مرحله تجدیدنظر در مورد شیوا خیرآبادی به پانزده ضربه شلاق تقلیل یافت. احکام صادره روز ۳۰ بهمن ۸۷ در شهر سنندج به اجرا درآمد.^۱

غالب حسینی به اتهام شرکت در مراسم اول ماه مه سال ۸۷ به شش ماه حبس تعزیری و پنجاه ضربه شلاق و عبدالله خانی به اتهام مشابه به نود و یک روز حبس تعزیری و چهل ضربه شلاق محکوم شدند.

۱- شیوا خیرآبادی و سوسن رازانی، عضو شورای زنان سنندج و فعال کارگری هستند. شورای زنان تشکلی است که با برگزاری کارگاه‌های آموزشی، جلسات گفتگو و تهیه‌ی مقاله، موضوع‌های مربوط به حقوق زنان و کارگران را دنبال می‌کند. یکی از فعالیت‌های این شورا، برنامه‌ریزی برای مراسم روز جهانی زن و روز جهانی کارگر است.

کمیته‌ی هم‌آهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

این کمیته در سال ۱۳۸۵ به وجود آمد و اساس‌نامه‌ی جدید آن در فروردین ۸۷ به تصویب رسید. کمیته‌ی هم‌آهنگی، جمع‌متشکلی از کارگران و فعالان کارگری است که برای حفظ حقوق و منافع کارگران و مزدگیران تحت ستم، بهبود وضعیت زندگی و معیشت آنان، فعالیت و مبارزه می‌کند. اعضای کمیته‌ی هم‌آهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری در سال ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ به کرات مورد آزار و اذیت، احضار، بازداشت و محاکمه قرار گرفتند.^۱

۵ شهریور ماه ۸۸، چهار تن از اعضای کمیته‌ی هم‌آهنگی با نام‌های افشین ندیمی، کاوه گل‌محمدی، شعیب صابری و آزاد منیری نیا پس از دو روز بازجوئی و فشار جسمی و روانی در اداره‌ی اطلاعات، به زندان مرکزی شهر سنندج منتقل شدند.

شاهو حسین‌پناهی که در رابطه با برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال ۸۸ سنندج به دادگاه احضار شده بود، برای بار سوم در سوم شهریور ۸۸، دادگاهی شد.

در تیرماه ۸۸، هادی تنومند، حسن رسول‌نژاد و احمد اسکی‌بغدادی از اعضای کمیته به دادگاه بوکان احضار شدند.

اداره‌ی اطلاعات شهرستان بانه نیز در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۲۶، رحمان سلیمانی عضو کمیته‌ی هم‌آهنگی را احضار و بعد از دو ساعت بازجوئی وی را آزاد کردند.

۱۹ خرداد ماه ۸۸، پدرام نصراللهی و ۲۰ خرداد ماه ۸۸ مجید حمیدی و عباس اندریانی از اعضای کمیته به اداره اطلاعات سنندج احضار شدند.

۱۱ خرداد ماه ۸۸، مازیار مهرپور عضو کمیته‌ی هم‌آهنگی به اداره‌ی اطلاعات رشت احضار شد.

۹ خرداد ماه ۸۸، یوسف ابخرآباد عضو کمیته‌ی هم‌آهنگی به اداره‌ی اطلاعات شهر مهاباد احضار شد.

در پی دستگیری اعضای کمیته‌ی هم‌آهنگی در ۲۸ فروردین ۱۳۸۸، مغازه‌ی حسین پیروتی از فعالان کارگری و عضو کمیته‌ی هم‌آهنگی به خاطر عدم تعهد ثبتی در رابطه با فعالیت کارگری، توسط نیروهای امنیتی در اشنویه پلمپ شد.

۱۵ اردیبهشت ۸۸ شیوا سبحانی به حراست مخابرات استان کردستان احضار شد.

حراست مخابرات استان کردستان در مورد چگونگی برگزاری مراسم اول ماه مه، برگزارکنندگان و هم‌چنین عضویت کمیته‌ی هم‌آهنگی از شیوا سبحانی درخواست توضیح کرد.

۱۶ اردیبهشت ۸۸، سه نفر دیگر از فعالان کمیته‌ی هم‌آهنگی به نام‌های خسرو بوکانی، اسعد مولودزاده و مصطفی شریفی که به‌اداره‌ی اطلاعات نقده فراخوانده شده بودند بعد از چند ساعت بازجویی و تهدید و ارباب، آزاد شدند.

۹ اردیبهشت ۱۳۸۸، در آستانه‌ی برگزاری مراسم اول ماه مه روز جهانی کارگر، چند تن دیگر از فعالان کارگری و اعضای کمیته‌ی هم‌آهنگی مجدداً به‌اداره‌ی اطلاعات و کلانتری احضار شدند.

کریم فاتحی، علی مینائی (عمر مینایی) و هادی تنومند از اعضای کمیته‌ی هم‌آهنگی به حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی بوکان فرا خوانده شدند.

در ادامه‌ی فشارها و تهدید فعالان کارگری، ۳ اردیبهشت ۸۸، هشت نفر از اعضای کمیته‌ی هم‌آهنگی به نام‌های صدیق خسروی، خسروبوکانی، عمر اسماعیل‌پور، ابراهیم اسماعیل‌پور، اسعد مولودزاده، جلیل شریفیان، خلیل شریفیان و مصطفی شریفی به حفاظت اطلاعات نقده فراخوانده شدند.

۲۸ فروردین ۱۳۸۸ در پی نشست اعضای کمیته‌ی هم‌آهنگی با خانواده‌ی کارگر زندانی غالب حسینی در ساعت ۱۱ خانه‌ی آقای حسینی به‌محاصره‌ی پلیس و نیروهای امنیتی درآمد و کلیه‌ی اعضای کمیته‌ی هم‌آهنگی حاضر در آن محل دستگیر شدند.

مأموران با ایجاد فضای رعب و وحشت، یادآور شدند چون فعالیت‌های کمیته‌ی هم‌آهنگی برای کمک به‌ایجاد تشکل‌های کارگری غیرقانونی است، هرگونه تجمع در این رابطه جرم محسوب می‌شود. مأموران جهت آزادی دستگیرشدگان خواستار تعهد کتبی آنان مبنی بر قطع همکاری با کمیته‌ی هم‌آهنگی شدند.

اسامی دستگیرشدگان عبارت است از:

- ۱- بهروز خباز، ۲- علیرضا خباز، ۳- یوسف صفاری، ۴- بهزاد سهرابی، ۵- وفا قادری، ۶- مجید حمیدی، ۷- صدیق سبحانی، ۸- ژیان سبحانی، ۹- صدیق امجدی، ۱۰- کوروش بخشنده، ۱۱- یداله قطبی، ۱۲- خالد حسینی، ۱۳- رضا امجدی، ۱۴- عباس اندریانی، ۱۵- جلیل محمدی، ۱۶- ادیب، ۱۷- پدرام نصراللهی، ۱۸- فرامرز فطرتی، ۱۹- امیر هیروآباد،

۲۰- مهران بهروز، ۲۱- سعید مقدم، ۲۲- مازیار مهرپور، ۲۳- وحید سلیمانی، ۲۴- سیروس فتحی، ۲۵- رضا، ۲۶- افشین ندیمی، ۲۷- فرهاد ابراهیمی، ۲۸- مهرداد صبوری، ۲۹- جهانگیر محمودویسی، ۳۰- فریدون روحانی، ۳۱- آمانج نیکدل (۱۴ ساله)، ۳۲- امید محمودی، ۳۳- صلاح کریم‌پور، ۳۴- جلال حسینی، ۳۵- سیدعلی حسینی، ۳۶- محمد عبدی‌پور، ۳۷- محمد رضازاده، ۳۸- کاوه حکیمی، ۳۹- جمیل راست‌خدیو، ۴۰- محمد حسنی، ۴۱- حسین مرادی، ۴۲- رحمان کردار، ۴۳- صدیق خداداد، ۴۴- اسماعیل نیازی، ۴۵- حسام امینی، ۴۶- رحمان ابراهیم‌زاده، ۴۷- عباس هاشم‌پور، ۴۸- حسین پیروتی، ۴۹- فتاح سلیمانی، ۵۰- لقمان ابراهیم‌زاده، ۵۱- صمد احمدی‌پور، ۵۲- رحمان تنها، ۵۳- خسرو بوکانی، ۵۴- جلیل شریفیان، ۵۵- خلیل شریفیان، ۵۶- عمر اسماعیل‌پور، ۵۷- صدیق خسروی، ۵۸- مصطفی شریفی، ۵۹- اسعد مولودپور، ۶۰- خالد صوفی، ۶۱- محمد امین مهابادی، ۶۲- یوسف ابخرآباد، ۶۳- واحد سیده، ۶۴- رحمان سلیمانی، ۶۵- علی مینایی، ۶۶- حسن رسول‌نژاد، ۶۷- احمد اسکی‌بغدادی، ۶۸- هادی تنومند، ۶۹- مصطفی مدرسی، ۷۰- کریم فاتحی.

احضار و دستگیری اعضای کمیته‌ی هم‌آهنگی

برای کمک به ایجاد شکل‌های کارگری در سال ۸۷

محسن حکیمی، عضو و مسئول وب‌سایت این کمیته، و عضو کانون نویسندگان ایران، روز دوم دی ماه ۱۳۸۷ بازداشت و بیش از بیست بار مورد بازجویی و بازپرسی قرار گرفت. وی در ۳۰ بهمن ماه ۱۳۸۷ با قرار وثیقه‌ی یک صد میلیون تومانی از زندان آزاد شد. حکیمی در ۱۶ فروردین ۱۳۸۸ در شعبه‌ی دو بازپرسی ویژه‌ی امنیت، مستقر در دادسرا و دادگاه انقلاب اسلامی علاوه بر اتهامات قبلی مبنی بر «فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی» به «اجتماع و تبانی به قصد بر هم زدن امنیت کشور» نیز متهم شد. بیژن امیری، کارگر کارخانه‌ی ایران خودرو، روز دوم دی ماه ۱۳۸۷ در محل کار خود توسط حراست کارخانه به‌دنبال یک درگیری بازداشت و تحویل نیروهای امنیتی شد. و روز ۹ بهمن ماه ۱۳۸۷ پس از سپری کردن چهل روز در سلول انفرادی بند ۲۰۹ زندان اوین، با وثیقه‌ی یک صد میلیون تومانی آزاد شد.

بهزاد سهرابی، عضو کمیته‌ی هم‌آهنگی روز ۱۲ بهمن ماه دستگیر شد. وی روز ۱۳ بهمن ماه به‌دادگاه منتقل شد و اتهام شرکت در تجمع غیرقانونی کارگری و شرکت در محافل کارگری به‌وی تفهیم شد.

محمد جراحی، عضو کمیته اوایل تیرماه ۱۳۸۷ به دنبال احضار تلفنی از سوی اجرای احکام دادگاه انقلاب تبریز به این محل مراجعه می‌کند و چهار روز بازداشت می‌شود. دادگاه انقلاب شعبه ۱۱ در شهر تبریز محاکمه‌ی غیابی انجام داد و بدون هیچ حق دفاعی، او را به چهار ماه زندان قطعی محکوم کرد. دادگاه تجدیدنظر حکم او را لغو کرد و وی در ۱۸ تیرماه از زندان آزاد شد.

سلام قادری و خالد اسدی اعضای کمیته روز ۱۹ بهمن‌ماه سال ۱۳۸۷، توسط ماموران امنیتی در منزل خود در مریوان بازداشت شدند. روز ۱۶ فروردین ماه سلام قادری و خالد اسدی به دادگاه منتقل شدند و برای اتهاماتی هم‌چون داشتن ماهواره محاکمه شده و دوباره به زندان برگردانده شدند.

آزاد حسینی، از فعالان کارگری در مریوان در همین روز ۱۹ بهمن‌ماه بازداشت شد. آزاد حسینی در تاریخ ۱۵ اسفند ماه با وثیقه‌ی بیست میلیون تومانی آزاد شد. افشین شمس قهفرخی، از اعضای کمیته در تاریخ ۱۳ تیرماه ۱۳۸۷ به خاطر فعالیت‌های کارگری در محل کارش در شهرستان الیگودرز دستگیر و به زندان دستگرد اصفهان منتقل شد. در ۱۱ آبان ماه ۸۷ حکم یک‌سال زندان به او ابلاغ شد؛ و در ۲۶ بهمن‌ماه ۱۳۸۷ بطور مشروط از زندان آزاد شد.

نه به ز (پدرام) نصراللهی، عضو کمیته‌ی هم‌آهنگی روز ۴ دی ماه ۱۳۸۷ توسط نیروهای امنیتی و لباس شخصی دستگیر شد. وی روز ۱۷ فروردین ماه ۱۳۸۷، با قرار وثیقه‌ی بیست میلیون تومانی از زندان مرکزی سنندج آزاد شد.

کوروش بخشنده، عضو کمیته روز ۱۹ اسفندماه در خیابان شهدای سنندج بازداشت شد. روز ۲۱ اسفند ماه با وثیقه‌ی سی میلیون تومانی آزاد شد.

امید (اقبال) شجاعی، عضو کمیته‌ی هم‌آهنگی روز ۲۲ اسفند ماه ۱۳۸۷ پس از مراجعه به اداره‌ی اطلاعات شهرستان سقز بازداشت شد و روز ۲۸ اسفند ماه با وثیقه‌ی سی میلیون تومانی آزاد شد.

حامد فیروزنیا، از اعضای کمیته روز ۲۳ اسفندماه به اداره اطلاعات سقز احضار شد و روز ۲۴ اسفندماه پس از حضور در اداره‌ی اطلاعات بازداشت شد.

بختیار رحیمی، عضو کمیته‌ی هم‌آهنگی به اتهام سازمان‌دهی اول ماه می در سال ۱۳۸۶ در مریوان بازداشت شد، بعد از دو هفته به زندان اوین منتقل شد. بختیار رحیمی به مدت ۱۱ ماه در زندان اوین بود و در تاریخ ۲۰ خرداد ماه ۱۳۸۷ با وثیقه‌ی یک‌صد میلیون

تومانی آزاد شد. دادگاه بختیار رحیمی در روز ۱۰ دی‌ماه ۱۳۸۷ در مریوان برگزار شد. جمال کریم زاده، از اعضای کمیته‌ی هم‌آهنگی در تاریخ ۱۷ فروردین ماه ۸۸ به اداره‌ی اطلاعات شهرستان سقز احضار شد.

داستان غم‌انگیز سندیکاهای مستقل کارگری در جمهوری اسلامی تنها در سرنوشت فعالان سندیکایی فوق خلاصه نمی‌شود. در طول سی سال حاکمیت جمهوری اسلامی و به‌ویژه در روزهای سیاه پس از سرکوبی خونین سی خرداد ۱۳۶۰ صدها فعال کارگری به جوخه‌ی اعدام سپرده شده و تعداد بیش‌تری به‌زیر و حشیانه‌ترین شکنجه‌ها برده شدند، یا آواره‌ی کشورهای مختلف شدند. به‌منظور نشان دادن عمق فاجعه تنها به‌سرنوشت یکی از ده‌ها سندیکای مستقلی که به‌نابودی کشیده شد اشاره می‌شود:

سندیکای پروژه‌های (فصلی) آبادان و حومه

ایده‌ی تشکیل این سندیکا در اوایل سال ۵۷ در میان جمعی از کارگران پیشرو در آبادان نضج گرفت و در فروردین ۱۳۵۸ سندیکا به‌طور رسمی تأسیس و مسئولین آن با رأی مستقیم کارگران انتخاب شدند. این نهاد به‌سرعت مورد استقبال کارگران و زحمت‌کشان قرار گرفت و دارای هزاران عضو شد و در جریان برگزاری تظاهرات‌های اول ماه سال‌های ۵۸ و ۵۹ ده‌ها هزار نفر را سازمان‌دهی کرد، و از جانب دیگر با همان سرعت مورد غضب نیروهای سرکوبگر رژیم قرار گرفت و آماج حملات نیروهای چماق‌دار آن شد؛ تا آن‌جا که برای جلوگیری از حمله‌ی عناصر چماق‌دار حزب‌اللهی به‌محل سندیکا و دفاع از آن، کارگران عضو سندیکا دست به‌یک تحصن صد روزه زدند.

این سندیکا هم‌چنین تظاهرات وسیعی را در آذر ۱۳۵۸ شکل داد و با انتشار بیانیه‌هایی بر خواست‌های صنفی کارگران پروژه‌های تأکید کرد. پس از شروع جنگ ایران و عراق که چون هدیه‌ای آسمانی برای جمهوری اسلامی به‌شمار می‌رفت، در مهرماه ۱۳۵۹ فعالیت این سندیکا پایان یافت و محل آن توسط عوامل رژیم با بلدوزر ویران شد. دیری نگذشت که پایه‌گذاران سندیکا هر یک به‌سرنوشتی دردناک جان خود را از دست دادند.

علی چهارم‌حالی کائیدی در سال ۶۲ دستگیر و در ۱۱ اردیبهشت ۶۳ مصادف با اول ماه

مه در اوین اعدام شد.

ابراهیم غریب‌زاده در سال ۶۲-۶۳ در زندان شیراز به‌جوخه‌ی اعدام سپرده شد. محمدعلی ابرندی سخنگوی سندیکای پروژه‌ای در خرداد ۶۲ دستگیر و به‌زیر شدیدترین شکنجه‌ها برده شد. وی در اثر حمله‌ی قلبی و عدم مراقبت پزشکی در آبان ۶۶ در زندان گوهردشت جان باخت. پاهای وی به‌خاطر شکنجه‌های طاقت‌فرسایی که تحمل کرده بود دو بار مورد جراحی پیوند پوست قرار گرفته بود.

مصطفی آبکاشک در تصادفی در آمریکا در سال ۱۳۶۸ جان باخت.

کریم ساعی یکی دیگر از فعالین سندیکا در دوران بازداشت در ۵ مرداد ۱۳۶۰ در زندان تبریز جان باخت.

تشکل‌های کارگری دولتی جمهوری اسلامی از نگاه سازمان بین‌المللی کار

گزارش هیأت «شاخه‌ی آزادی انجمن»

و امضای تفاهم‌نامه بین دولت ایران و سازمان بین‌المللی کار

پیرو مذاکرات مقامات دولت جمهوری اسلامی با سازمان بین‌المللی کار در حاشیه‌ی اجلاس هیأت‌مدیره‌ی سازمان و کنفرانس بین‌المللی کار در ژوئن سال ۲۰۰۲، دولت جمهوری اسلامی از «شاخه‌ی آزادی انجمن» (آزادی‌های سندیکایی) درخواست کرد تا قانون کار جاری ایران را به‌لحاظ انطباق آن با اصول و استانداردهای آزادی انجمن، مورد بررسی قرار دهد.

تمهیدات انجام‌گرفته با هدف جلوگیری از ذکر نام جمهوری اسلامی در لیست بدترین ناقضین حقوق کار صورت گرفت. در پی این مذاکرات، هیأت مشاوره سازمان بین‌المللی کار متشکل از آقای برنارد جرنیگان، رئیس «شاخه‌ی آزادی انجمن» و خانم کرن کرتیس، رئیس «اداره‌ی آزادی انجمن» از تاریخ ۲۷ سپتامبر تا سوم اکتبر ۲۰۰۳ از ایران دیداری به‌عمل آورد و در پی آن گزارشی را منتشر ساخت.

در این سفر هیأت مزبور دیدارهایی را در سطح دولتی با معاون روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی، معاون هم‌آهنگی و امور بین‌الملل وزارت کار و اعضای کمیسیون امور اجتماعی مجلس به‌عمل آورد.

هیأت هم‌چنین در ارتباط با گروه کارگری نیز دیدارهایی را با «رئیس و اعضای کانون عالی شوراهای اسلامی کار از جمله اعضای که در خانه‌ی کارگر نیز مسئولیت‌هایی داشتند و برخی رؤسای شوراهای اسلامی کار شهرستان‌ها به انجام رساند»

هیأت سازمان بین‌المللی کار هم‌چنین «با اعضای برخی انجمن‌های صنفی تازه تاسیس، مثل انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، هنرمندان، موسیقی‌دانان، و رانندگان، دیدار و گفت‌وگو کرد.»

هیأت مزبور در گزارش خود خاطرنشان کرد که در دیدارهای مزبور تلاش داشته که «تمام نقطه‌نظرهای مربوط به اجرای ماده‌ی ۱۳۱، تبصره‌ی ۴، قانون کار را (که طبق آن کارگران هر واحد می‌توانند یک «شورای اسلامی کار»، یک تشکل صنفی یا نمایندگی‌های کارگری تشکیل دهند)، بشنود.»

هیأت در بند ۶ گزارش به‌طور مشخص اظهار عقیده کرد که: «تمام افرادی که از گروه نمایندگی کارگری با آن‌ها گفت‌وگو شد، مشخصاً اعلام کردند که شرایط کنونی به‌اندازه‌ی کافی در برگیرنده‌ی اصول نمایندگی کارگری در کشور نیست.»

طبق بند ۶ گزارش مزبور در این دیدارها اعضای شوراهای اسلامی کار در رقابت با جناح رقیب مدعی شده بودند: «قانون، نقش بسیار بزرگی برای دولت در تشخیص صلاحیت کاندیداهای شورای اسلامی کار، در تمامی سطوح، مقرر کرده. به‌علاوه به‌کارفرما نیز این حق را داده است که در خلال نشست‌های شورا شرکت کرده و رای دهد». طبق گزارش هیأت سازمان بین‌المللی کار اعضای خانه‌ی کارگر و انجمن‌های صنفی به‌ثابت رسیده نیز از این جریان شاکی بوده و بر این عقیده بودند که «قدرت هیأت‌های سه‌جانبه‌ی تشخیص و حل اختلاف برای انحلال یک شورا، معرف یک مداخله‌ی آشکار و غیرقابل قبول بود. به‌ویژه آن‌که این هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف، عمدتاً به‌یافتن راه‌حل‌هایی علیه شوراها تمایل داشته تا علیه کارفرماها، حتا اگر دستورکار آن هیأت‌ها بررسی سوءرفتار مدیریت و کارفرما بوده باشد.»

بند ۷ گزارش هیأت مزبور نشان‌دهنده‌ی آن است که آش شوراهای کارگری رژیم آن‌قدر شور است که صدای کارفرمایان را نیز در آورده است. نمایندگان سازمان بین‌المللی کار می‌نویسند: «عقیده‌ی کارفرمایی نیز که توسط کانون عالی انجمن‌های صنفی ایران ابراز

شد، بر این اساس بود که نمایندگی‌های کارگری، در چارچوب شرایط کنونی، به قدر کافی آزاد و مستقل نیستند».

حتا بنا به بند ۹ گزارش هیأت «نمایندگان خانه‌ی کارگر نیز به موانع قانونی برای فعالیت و عمل کرد آزاد شوراهای اسلامی کار، هم به لحاظ مداخله‌ی مدیریت در امور روزانه و هم مداخله‌ی دولت در رابطه با تعیین صلاحیت کاندیداها، اشاره کردند».

هم‌چنین بنا به بند ۱۰ گزارش هیأت مزبور «از سوی هر دو جناح «انجمن‌های صنفی نوبنیاد» و هم‌چنین «نمایندگان شوراهای اسلامی کار استانی» ابراز نگرانی شدید شد که حاکمیت و سلطه‌گری خانه‌ی کارگر در ساختار کنونی نامطلوب و ناموجه است. این نمایندگان ابراز داشتند که خود خانه‌ی کارگر و تشکیلات درونی آن را نمی‌توان یک تشکیل صنفی قلمداد کرد، زیرا که عمدتاً دارای جهت‌گیری‌های سیاسی هستند. آن‌ها اشاره کردند که خانه‌ی کارگر به جای ثبت در وزارت کار، در وزارت کشور که مسئولیت ثبت احزاب سیاسی را عهده‌دار است، به ثبت رسیده است. و نیز ابراز داشتند دبیرکل خانه‌ی کارگر، خود رهبر یک جناح سیاسی است.

تمامی گروه‌هایی که نمایندگی کارگران را داشتند، بجز افرادی که تشکیلات خانه‌ی کارگر رأساً با آنان ملاقات کرد، جملگی بر این اعتقاد بودند که این حاکمیت و سلطه به طور کلی به نفع کارگران نیست. آن‌ها شکایت از آن داشتند که برای سال‌های متمادی، خانه‌ی کارگر همواره به عنوان تنها ارگان کارگزار کارگری برای شرکت در کنفرانس‌ها، سمینارها و کارگاه‌های مرتبط با کار در سازمان بین‌المللی کار انتخاب شده است، در حالی که به باور آنان، خانه‌ی کارگر نماینده‌ی واقعی و راستین گروه‌های کارگری نبوده است.

در این سفر دیدار رسمی با دبیرکل خانه‌ی کارگر انجام نگرفت و موضوع چنان‌چه در بند ۱۱ گزارش هیأت آمده، با شکواییه‌ی خانه‌ی کارگر روبرو شد که چرا «برنامه‌ی تنظیمی ملاقات‌ها، فاقد نشست با خانه‌ی کارگر و از جمله با دبیرکل آن بوده است».

گزارش هیأت با آن که در بند ۸ خود ضمن استقبال از تشکیل «انجمن‌های صنفی نوبنیاد

(تازه تاسیس یافته) که به موجب ماده‌ی ۱۳۱ در وزارت کار به ثبت رسیده‌اند» و هم‌چنین در بخش نتیجه‌گیری‌ها و پیشنهادهای تأکید می‌کند «در عین حال که برای همه‌ی طرف‌های ذیربط مشخص است که قوانین و مقررات مربوط به تشکل‌ها و انجمن‌های صنفی، به آن‌ها آزادی بیش‌تری در انتخاب نمایندگان خود و فعالیت روزمره‌شان می‌دهد»، اما به‌صراحت اعلام می‌کند «لیکن وضعیت جاری در سطح واحدکار، ناقض مفهوم واقعی آزادی انجمن، مندرج در مقاله‌نامه‌ی شماره‌ی ۸۷ برای تشکل‌های کارگری است» و تأکید می‌کند «هیچ‌کس نمونه‌ای از یک توافق واقعی دسته‌جمعی در محیط کار یا در سطح آن بخش ارائه نمی‌دهد، در عین حال که تنها توافقی که اظهار می‌شود تاکنون به عنوان توافق ملی به امضا رسیده است، توافق حاصله میان «شوراهای اسلامی کار» و «کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران» در خصوص شرایط اشتغال به کارکارگران شاغل در واحدهای زیر پنج نفر است (که به واقع اشاره‌ای به نمایندگی جمعی و کلی کارگران در این واحدهای کوچک که خارج از شمول قانون کار هستند، نمی‌کند)»^۱.

هم‌چنین هیأت در بند ۱۵ گزارش خود اظهار نظر می‌کند که «تشکیلات انجمن صنفی در تمام سطوح (واحدکار، صنعت، منطقه و ملی)، بهترین نمونه، برای تحصیل آزادی تشکل‌ها و استقلال آن‌هاست».

از سوی دیگر در ارتباط با شوراهای اسلامی کار اظهار عقیده می‌کند که «شوراها بدون انجام اصلاحات اساسی در قوانین حاکم بر تأسیس و فعالیت آن‌ها، نمی‌توانند کاملاً نقش آزاد و مستقل نمایندگی کارگری را ایفا کنند». هیأت هم‌چنین ساده‌ترین اقدام «برای ارتقای یک نهضت آزاد و مستقل انجمن و تشکل صنفی در ایران را اصلاح ماده‌ی ۱۳۱، تبصره‌ی ۴، قانون کار می‌داند».

۱- در گزارش هیأت از انجمن صنفی مطبوعات به‌عنوان یک تشکل نمونه نام برده شده که متأسفانه چنین چیزی حقیقت ندارد و سه نفر از پنج نفر اعضای هیأت مدیره‌ی آن به‌هنگام گزارش هیأت، نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی و چهار نفر بقیه، عضو جبهه‌ی مشارکت اسلامی بوده‌اند. بنابراین روشن است که این تشکل ساخته‌ی احزاب و جریان‌های سیاسی بوده و با اهداف مقاله‌نامه‌ی ۸۷ در تضاد هستند.

۲- توافق‌نامه‌ی مزبور از اساس غیرقانونی است. چرا که طبق ماده‌ی ۱۵ قانون تشکل‌های اسلامی کار مصوبه‌ی ۶۳/۱۰/۳۰ و ماده‌ی یک آیین‌نامه‌ی انتخابات قانون شوراهای اسلامی کار مصوبه‌ی ۱۳۶۴/۴/۳۰ هیأت وزیران، در کارگاه‌های سی و پنج نفر و بیش‌تر می‌توان شوراهای اسلامی تشکیل داد، بنابراین شوراهای اسلامی کار نمی‌توانند اصولاً در کارگاه‌های ده نفر و کم‌تر تشکیل شوند و از این‌رو نماینده‌ی شوراهای اسلامی کار، حق امضای قرارداد برای این قبیل کارگاه‌ها را دارا نیست.

هیأت مزبور چاره‌ی کار را در این می‌بیند که یک قانون جدید تصویب شود و در بند ۱۸ گزارش خود می‌آورد: «هیأت سازمان بین‌المللی کار بر این اعتقاد است که بخش اعظم مشکلاتی که از سوی شرکای اجتماعی و به‌واقع از سوی خود دولت، در رابطه با فعالیت‌های سیاسی نهادهای کارگری ابراز شد، می‌تواند از طریق تدوین و تصویب یک قانون یا مقررات مربوط به تشکل صنفی با تعریف مشخصی از مسئولیت‌های تشکل صنفی و ضرورت ثبت تمامی تشکلات صنفی در تمامی سطوح در وزارت کار، رفع و حل شود».

در ۱۱ مهرماه ۱۳۸۳ یک سال پس از دیدار هیأت مزبور از ایران و انتشار گزارش آن، به نقل از خبرگزاری ایلنا، ابتدا محسن خواجه‌نوری معاون وقت روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی در دیدار با واندرا لان مدیر منطقه‌ای سازمان بین‌المللی کار، از گزارش این سازمان در خصوص فعالیت تشکل‌های کارگری و کارفرمایی در ایران قدردانی کرد و اظهار داشت: «ما نیز معتقدیم باید تشکل‌های کارگری و کارفرمایی مطابق با استانداردهای جهانی تشکیل شده و فعالیت کنند».

نکته‌ی مهم در اظهارات خواجه‌نوری این‌جاست که برخلاف سیاست‌های گذشته، یک مقام رسمی دولتی پذیرفته است که تشکل‌های آزاد و مستقل کارگری در ایران وجود ندارد و می‌بایستی در این راه کوشش کنند.

او هم‌چنین اعلام کرد: «وزارت کار و امور اجتماعی آمادگی دارد پس از رفع ابهامات تشکل‌های کارگری در خصوص این بیانیه، آنرا به‌صورت لایحه‌ای در خصوص مقررات جدید تشکل‌ها در ایران، تقدیم دولت کند».

بر اساس گزارش ایلنا در همین دیدار، آقای واندرا لان با اشاره به استانداردهای بین‌المللی حقوق کار می‌افزاید: «این استانداردها جزء اصول حقوق بشر است که برای سازمان بین‌المللی کار مهم محسوب می‌شوند».

... «وی ساختار موجود تشکل‌های کارگری را مطابق با استانداردهای سازمان بین‌المللی کار ندانست و گفت: تلاش ما تطبیق ساختار فعلی با استانداردهای جهانی است».

موضوعی که واندرا لان روی آن دست گذاشته کماکان نشان‌دهنده‌ی عدم انطباق تشکل‌های کارگری دولتی، با استانداردهای بین‌المللی است. موضوع تطبیق ساختارهای موجود با استانداردهای بین‌المللی نیز سیاستی است که از دیرباز در مجامع بین‌المللی معمول بوده است و فلسفه‌ی وجودی آن‌ها بر این پایه قرار گرفته است.

بنا به خبر سرویس کارگری ایلنا در روز سیزدهم مهرماه ۱۳۸۳ «یادداشت تفاهم سه‌جانبه‌ای با حضور محسن خواجه‌نوری، معاون روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی، کاری تاپیولا، معاون اجرایی دبیرکل سازمان بین‌المللی کار در امور استانداردها و اصول و حقوق بنیادین کار و آقای هرمان واندرلان، مدیر دفتر زیر منطقه‌ای جنوب آسیا به امضاء رسید، طرفین موافقت خود را با نیاز به بازنگری در فصل ششم قانون کار، در نشست سه‌جانبه‌ی مورخ ۸۳/۷/۱۳ و در راستای تقویت و توسعه‌ی انجمن‌های صنفی (سندیکاها) اعلام کردند».

مقامات دولتی تنها «موافقت خود را با بازنگری در فصل ششم قانون کار» اعلام کرده‌اند. پس از گذشت پنج سال از این موافقت، هیچ اقدام عملی صورت نگرفته است. بازنگری در این خصوص اولین قدم محسوب می‌شود و برای گذر از هفت‌خوان تهبیه‌ی لایحه توسط وزارت کار، تصویب هیأت دولت، کمیسیون‌های مجلس، شورهای اول و دوم مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام، راه درازی در پیش است.

هم‌چنین به‌نقل از خبرگزاری ایلنا روز ۱۳ مهرماه ۱۳۸۳ «در بند ۲ این تفاهم‌نامه، با تهیه و تنظیم پیش‌نویس اصلاحیه‌ی مواد مربوطه در فصل ششم قانون کار مطابق با اصول شناخته شده بین‌المللی در زمینه‌ی حق تشکل و لزوم نهایی کردن متن مذکور از طریق مشورت سه‌جانبه، موافقت شد که در این زمینه دفتر بین‌المللی کار مساعدت لازم را خواهد کرد».

چنان‌چه ملاحظه می‌شود در این تفاهم‌نامه آمده است که فصل ششم قانون کار با «مساعدت» دفتر بین‌المللی کار اصلاح شود. این که این اصلاحات در عمل می‌تواند معیارهای بین‌المللی کار را تحقق بخشد یا خیر، بحث دیگری است^۱. اما نبایستی از نظر دور داشت که متخصصان و کارشناسان سازمان بین‌المللی کار، کارگزاران مجلس شورای اسلامی نیستند که بر هر مصوبه‌ای مهر تأیید بزنند.

هم‌چنین «در بند ۳ نیز با لزوم اصلاح آئین‌نامه‌ها و مقررات موجود مربوط به انجمن‌های صنفی در اسرع وقت مشتمل بر آئین‌نامه‌ی تشکیل، فعالیت و حدود اختیارات انجمن‌های

۱- دولت احمدی‌نژاد اقدام‌های ضد کارگری خود و تلاش برای دولتی کردن نمایندگان کارگران و راندن رقبا از صحنه را اصلاح مواد مربوط به فصل ششم قانون کار و در راستای توصیه‌های دفتر بین‌المللی کار اعلام می‌کند!

صنفی، آئین‌نامه‌ی ناظر بر تهیه‌ی اساس‌نامه‌ی انجمن‌های صنفی و آئین‌نامه‌ی ذیل ماده‌ی ۱۳۶ قانون کار موافقت گردید، نمایندگان سه طرف هم‌چنین موافقت خود را مبنی بر نیاز به تجدیدنظر در قانون تاسیس شوراهای اسلامی کار با هدف تقویت کارکرد صنفی این تشکل در زمان مقتضی و مطابق با مقاوله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین‌المللی کار اعلام کنند. گفتنی است؛ مواد مربوط به شوراها در فصل ششم قانون کار بطور هم‌زمان بازنگری خواهد شد».

این بند حاکی از آن است که سازمان بین‌المللی کار برخلاف تبلیغات رایج از سوی نهادهای کارگری وابسته به دولت، «خانه‌ی کارگر» و «شوراهای اسلامی کار» را به‌عنوان «تشکل کارگری» نپذیرفته و چنین برنامه‌ای را نیز در دستور کار ندارد.

در گزارش سال ۲۰۰۲، هیأت بازدیدکننده در ارتباط با خانه‌ی کارگر از عبارات دوپهلویی که در سازمان‌های بین‌المللی معمول است، استفاده کرده بود و خانه‌ی کارگر را چنین معرفی کرده بود: «از بحث با خانه‌ی کارگر، هیأت دریافت، ضمن آن که ممکن است این تشکل ابعاد سیاسی داشته باشد، ولی در دفاع از منافع مرتبط با کار نیروی کارگر، ایفای نقش می‌کند».

و از شوراهای اسلامی کار نیز چنین یاد کرده بود: «شوراهای اسلامی کار نقش مهمی در روابط کار ایران در طول دو دهه‌ی اخیر، ایفا کرده‌اند، لیکن هیأت براین عقیده است که شوراها بدون انجام اصلاحات اساسی در قوانین حاکم بر تاسیس و فعالیت آن‌ها، نمی‌توانند کاملاً نقش آزاد و مستقل نمایندگی کارگری را ایفا کنند».

گزارش هیأت سازمان بین‌المللی کار هر دو تشکیلات یاد شده را نیازمند اصلاحات اساسی دیده بود. روح حاکم بر متن تفاهم‌نامه‌ی امضا شده نیز غیر از گزارش هیأت مزبور نیست. به‌هنگام برخورد با اسناد سازمان بین‌المللی کار و دیگر متون حقوقی که از سوی سازمان‌های بین‌المللی انتشار می‌یابند، می‌بایستی زبان فنی، روح حاکم بر این سازمان‌ها، عرف بین‌المللی و... را در نظر گرفته و سپس نسبت به محتوای گزارش‌ها، بیانیه‌ها و... اظهار نظر کرد.

مغایرت روابط موجود در محیط کار با مقاوله‌نامه‌ی حق تشکل و قراردادهای دسته‌جمعی (مقاوله‌نامه‌ی ۹۸)

کارگران، بدون پشتوانه‌ی تشکل‌های منسجم و بدون فشار و اقدام دسته‌جمعی همواره در معرض انواع و اقسام تنگناها و فشارهای کارفرمایان قرار می‌گیرند که خود از قدرت و حمایت دولت‌ها و محافظ قدرت نیز برخوردارند. مقاوله‌نامه‌ی ۹۸ «سازمان بین‌المللی کار» تلاش می‌کند در زمینه‌ی کار و امور مربوط به اشتغال، تسهیلات و مقرراتی را به‌نفع کارگران وضع کند.

در این جا به‌بخشی از مقاوله‌نامه‌ی شماره‌ی ۹۸ اشاره می‌کنیم:

در بند ۱ ماده‌ی ۱ این مقاوله‌نامه آمده است:

«کارگران می‌بایستی در برابر اقدامات ضدسندیکایی و تبعیض‌آمیز در خصوص اشتغال از حمایت کافی برخوردار باشند».

بند ۲ ماده‌ی ۱ مقرر داشته است که حمایت‌های مورد نظر می‌بایستی در زمینه‌ی «ممنوعیت اخراج کارگران یا ایجاد مزاحمت برای آنان به هر وسیله به‌علت عضویت در تشکل‌های کارگری یا به‌علت شرکت در فعالیت‌های تشکیلاتی در ارتباط با تشکل در غیرساعت‌های کار» اعمال گردد.

نیاز به‌توصیف نیست که روابط موجود در محیط کار در جمهوری اسلامی و به‌ویژه نقش دولت در نادیده گرفتن مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی تا کجاست. وقتی دولت، عامل اصلی

فعالیت ضدسندیکایی است چگونه می‌توان توقع داشت که در برابر اقدامات ضدسندیکایی از کارگران حمایت کافی به عمل آورد.

بند ۱ ماده‌ی ۱ مقاوله‌ی مزبور را مقایسه کنید با آن چه که پرسشگر از حسن صادقی رئیس وقت شورای عالی کار به‌عنوان «مشت نمونه‌ی خروار»، می‌پرسد:

«به‌عنوان مشت نمونه‌ی خروار عرض می‌کنم در همان زمان کمالی من به‌یاد دارم که یکی از اعضای شورای آبیگ را چشم‌بسته بردند و با تهدید و مسایل دیگر به‌زور او را وادار به استعفا کردند و بعد از شش ماه که دوستان به‌خانه‌ی آن عضو شورا رفته بودند، وی هنوز در حالت روانی و غیرطبیعی به‌سر می‌برد، یا به‌فرض شما می‌فرمایید کسانی که در پالایشگاه‌های تهران و آبادان تشکیل شورا دادند، بازداشت گردیده و روانه زندان شدند، خوب این اتفاقات و موارد ذکر شده را چگونه پاسخ می‌دهید؟»

آن چه در بالا اشاره شد، مربوط به وضعیت کارگرانی است که در شوراهای اسلامی کار مورد پذیرش حکومت عضویت دارند؛ از همین جا می‌توان به‌میزان فشارهای وارده به کارگرانی که در سندیکاهای مستقل و غیردولتی عضویت دارند و بدتر از آن، کسانی که هدایت این سندیکاها را به عهده دارند، پی برد.

ماده‌ی ۳ مقاوله‌نامه‌ی مزبور مقرر می‌دارد که «در صورت لزوم بر اساس شرایط ملی می‌بایستی تدابیری اتخاذ گردد تا کارفرمایان و تشکل کارفرمایی از یک سو و تشکل‌های کارگری از سوی دیگر تشویق شوند که از طریق گفتگوهای داوطلبانه در جهت ایجاد قراردادهای دسته‌جمعی بکوشند و بدین وسیله مقررات و استانداردها و شرایط کار را بین خود تنظیم کنند»

چنان چه ملاحظه می‌شود در مقاوله‌نامه‌ی بهبود شرایط کار و وضع مقررات و استانداردهای معقول را موکول به انعقاد قراردادهای دسته‌جمعی بین تشکل‌های کارگری و کارفرمایی می‌کند. در جوامع رو به‌رشد و صنعتی، گسترش این پیمان‌ها ضمن برقراری و ایجاد شرایط بهتر برای کارگران، به‌افزایش و پیشرفت کیفیت و کمیت تولید کمک می‌کند. روند رو به‌نزول و وخامت وضعیت کارگران و زحمت‌کشان میهن‌مان به‌لحاظ حقوقی، جایی برای کم‌ترین خشنودی و امید برای نزدیک شدن به استانداردهای بین‌المللی باقی نمی‌گذارد. در حالی که مقاوله‌نامه‌ی مربوطه از سمت‌گیری کوشش‌ها برای انعقاد هر چه

بیش‌تر قراردادهای دسته‌جمعی سخن به‌میان می‌آورد، کارگران شاغل در واحدهای زیر پنج و ده نفر با وضع قوانین جدید از سوی مجلس‌های پنجم و ششم شورای اسلامی حتا از شمول قانون کار و بیمه‌های اجتماعی مصوب این رژیم نیز محروم می‌شوند، چه برسد به برخورداری از حقوق مقرر شده در مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی.

قراردادهای موقت

بر خلاف تعهدات بین‌المللی جمهوری اسلامی که دولت موظف به اجرای آنهاست، آنچه که معمول شده، رشد و توسعه‌ی «قرارداد موقت» به‌جای قرارداد دسته‌جمعی است. به‌این ترتیب دست کارفرمایان دولتی و خصوصی برای انعقاد قراردادهای موقت که در برگیرنده‌ی هیچ حقوقی برای کارگران زحمت‌کش و التزام هیچ تعهدی در برابر آنان نیست، هم‌چنان باز است.

قراردادهای موقت غالباً به‌مدت سه ماه منعقد می‌شوند و امکان تجدید قرارداد و یا فصل آن از سوی دو طرف هست. به‌این ترتیب سابقه‌ی خدمت کارگر محاسبه نمی‌شود و وی به‌علت نداشتن سابقه از هیچ‌یک از مواهب قانون کار و قوانین اجتماعی از جمله بیمه‌ی درمانی، بازنشستگی، از کارافتادگی، بی‌کاری و... برخوردار نمی‌شود.

منشأ قراردادهای موقت، تبصره‌ی دوم ماده‌ی ۷ از قانون کار است که براساس تفسیری عجیب در سال‌های ابتدایی دهه‌ی ۷۰ به‌این نوع قراردادهای غیرموجه جنبه‌ی قانونی داد. تبصره‌ی دوم ماده‌ی ۷ قانون کار می‌گوید: «در کارهایی که طبیعت آنها جنبه‌ی مستمر دارد، در صورتی که مدتی در قرارداد ذکر نشود، قرارداد دائمی تلقی می‌شود». پس از گذشت چند سال از اجرای این قانون، کانون کارفرمایان از وزیر کار وقت در خصوص این تبصره، تفسیری به این مضمون خواست. «در کارهایی که طبیعت آنها جنبه‌ی مستمر دارد، در صورتی که مدتی در قرارداد ذکر شود، قرارداد دائمی تلقی نمی‌شود».

و پاسخ وزارت کار به‌این تفسیر عجیب و مغایر با روح و مفاد قانون، مثبت بود. در اثر این تغییر، قرارداد کاری غالب کارگران از حالت دائم به‌موقت تبدیل شد و امنیت شغلی آنان از بین رفت و آنها از بخش عمده‌ی موارد حمایتی قانون کار محروم شدند. در اثر اجرای این تفسیر بیش از هشتاد و پنج درصد از کارگران کشور را کارگرانی تشکیل می‌دهند که با قرارداد موقت به‌کار مشغول‌اند و در پایان یک سال، شش ماه، سه ماه و حتا یک ماه،

اخراج‌شده تلقی می‌شوند. و چنان‌چه کارفرما مایل به کار کردن با آنها باشد، باید از نو قراردادی دیگر منعقد کنند.

چنان‌چه ملاحظه می‌شود در حالی که مقاوله نامه‌ی ۹۸ از تلاش برای ایجاد شرایط لازم جهت عقد قراردادهای دسته‌جمعی سخن می‌گوید، مبارزه‌ی کارگر ایرانی، رها شدن از شر «قرارداد موقت» و برخورداری از حقوق قانون کار است. از همین جا می‌توان به‌بیگانه بودن حاکمان جمهوری اسلامی با استانداردها و قوانین بین‌المللی پی برد. در این جا قصد ندارم در ارتباط با وضعیت اسفبار صدها هزار کارگر که در بخش‌های ساختمانی، قالی‌بافی، کشاورزی^۱ و... مشغول به‌کارند، سخن به‌میان آورم که تقریباً از هیچ حقی برخوردار نیستند.

۱- با آن که اولین گزارش‌ها و توصیه‌های سازمان بین‌المللی کار و هم‌چنین دولت‌های حامی آن به‌دولت ایران در ارتباط با وضعیت کارگران قالی‌باف و به‌ویژه کودکان و زنان بوده است، اما در هفتاد سال گذشته هیچ گزارشی از وضعیت این کارگران انتشار نیافته و در بازدیدهای هیئت‌های سازمان بین‌المللی کار از ایران، هیچ اشاره‌ای به‌این‌گونه کارگران که بخش اعظم نیروی کار در ایران را تشکیل می‌دهند، نشده است.

هیأت‌های کارگری شرکت‌کننده از سوی جمهوری اسلامی در کنفرانس بین‌المللی کار

موضوع شرکت نمایندگان کارگران ایران در سازمان بین‌المللی کار در شصت و پنج سال گذشته مورد مناقشه بوده است. جز برهه‌ی کوتاهی در دهه‌ی ۲۰ خورشیدی هیچ‌گاه نمایندگان واقعی کارگران ایرانی، یا مدافعان آنها در این اجلاس شرکت نکرده‌اند. حتا در همان دهه‌ی ۲۰ خورشیدی هم مخالفت‌هایی از سوی کارگران با شرکت‌کنندگان در اجلاس صورت گرفته است.^۱

دولت جمهوری اسلامی هر ساله تعداد زیادی از عوامل خود را تحت عنوان نمایندگان کارگران ایرانی به اجلاس بهاره‌ی کنفرانس بین‌المللی کار در ژنو اعزام می‌کند. غالب این افراد توریست‌هایی هستند که تلاش می‌کنند سفر اروپایی به شهر زیبای ژنو در بهترین ماه سال را از دست ندهند و در کنار دریاچه‌ی زیبای آن تمدد اعصابی کنند و از

۱- در سال ۱۳۲۴ شمسی اعضای هیأت کارگران ایرانی در کنفرانس بین‌المللی کار را افراد زیر تشکیل می‌دادند: شمس صدری، عتیقه‌چی، محمدحسین تاج‌بخش؛ مشاورین یوسف افتخاری، امیر کیوان، مهدی دولت‌آبادی. از جانب حزب توده ایرج اسکندری به اجلاس اعزام شد. هیأتی که افتخاری با آنان به پاریس رفت به خاطر مانع‌تراشی‌های دولت دیرتر از موعد به جلسات کنفرانس رسید و به‌همین دلیل اتحادیه‌ی کارگری حزب توده در آن‌جا به نمایندگی از سوی کارگران ایران شناخته شد. یوسف افتخاری، ایرج اسکندری را شاهزاده قاجار و عتیقه‌چی را کارفرما معرفی می‌کرد. رجوع کنید به خاطرات دوران سپری‌شده (خاطرات و اسناد یوسف افتخاری) به کوشش: کاوه بیات، مجید تفرشی. انتشارات فردوس، چاپ اول، ۱۳۷۰

مزایا و امتیازات ویژه‌ی ماموریت‌های خارج از کشور نیز بهره‌مند شوند. تقریباً اکثریت افرادی که تحت عنوان هیأت کارگران ایرانی در این اجلاس شرکت می‌کنند، به‌هیچ‌زبان خارجی مسلط نیستند و از آن‌جایی که زبان فارسی جزو زبان‌های رسمی سازمان‌های بین‌المللی به حساب نمی‌آید و گفتگوها به فارسی ترجمه نمی‌شوند، شرکت آن‌ها در کنفرانس بین‌المللی کار از اساس زیر سؤال است. حضور این افراد جدای از مسئله‌ی گردش و تفریح و نوعی دستخوش به عوامل دولتی، برآورده کردن توقعات بین‌المللی مبنی بر حضور نمایندگان کارگران ایرانی در اجلاس است.^۱

از آن‌جایی که مسافرت به اروپا و سوئیس مشتاقان زیادی دارد در طول سال‌های گذشته سفر به ژنو یکی از دعوای باندهای حکومتی در خانه‌ی کارگر و وزارت کار بوده است. علیرضا محجوب نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی و دبیر کل خانه‌ی کارگر در مورد شرایط اعزام افراد به اجلاس سازمان بین‌المللی کار می‌گوید:

از آن‌جا که این سفرها تخصصی است، کسانی که بتوانند از اطلاعات عرضه‌شده به‌نفع کارگران بهره‌ی بیش‌تری ببرند، فرستاده می‌شوند. ملاک هم دانش قابل قبول در مورد حقوق و تسلط زبان خارجی است... احياناً اگر من یا خانم جلو دارزاده هم در این مجامع شرکت می‌کنیم، به‌عنوان مشاور هستیم.

در دهه‌ی ۹۰ و تا سال ۲۰۰۴ میلادی محجوب به‌همراه سهیلا جلو دارزاده که از قضا هر دو نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی بودند، به‌عنوان نماینده‌ی کارگران ایرانی در این اجلاس شرکت می‌کردند. محجوب به‌هیچ‌زبان خارجی مسلط نیست و جلو دارزاده به‌سختی می‌تواند چند جمله انگلیسی صحبت کند و بدون شک از بحث‌های تخصصی سر در نمی‌آورد.

هیأت نمایندگی کارگران ایرانی

در نود و دومین اجلاس سال - ۲۰۰۴

نماینده‌ی کارگران: جبار سلیمیان^۲ رئیس شورای هم‌آهنگی شوراهای اسلامی کار، استان

۱- برخلاف دوران پهلوی غالب نمایندگان دولتی نیز به‌هیچ‌زبانی خارجی مسلط نیستند و حکم توریست را دارند.

۲- جبار سلیمیان نماینده کارگران رژیم که از قضا بیش از پانزده سال نمایندگی آن در کمیسیون بررسی استانداردها را نیز به عهده داشت، در سال ۲۰۰۳ به‌هنگام حضور هیأت «کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری آزاد» در ایران نقش اساسی برای کنترل هیأت و جلوگیری از تماس آن‌ها با کارگران و نمایندگان‌شان

یزد؛ عضو علی‌البدل و مشاور: محمد حمزه‌ای، دبیر روابط بین‌المللی خانه‌ی کارگر؛ مشاوران: علیرضا محجوب، دبیر کل خانه‌ی کارگر؛ سهیلا جلودارزاده، رئیس بخش زنان خانه‌ی کارگر؛ قدیر سواعدی، رئیس شورای اسلامی کار خوزستان - کارخانه لوله‌سازی؛ حسن صادقی، رئیس کانون هم‌آهنگی شوراهای اسلامی کار و عضو هیأت اجرایی خانه‌ی کارگر؛ صدیقه دهقان دهنوی، رئیس بخش زنان خانه کارگر یزد؛ مریم گیلان پور، بدون عنوان.

هیأت نمایندگی کارگران ایرانی

در نود و سومین اجلاس - سال ۲۰۰۵

نماینده‌ی کارگران: جبار سلیمیان رئیس شورای هم‌آهنگی شوراهای اسلامی کار استان یزد؛ عضو علی‌البدل و مشاور: حسن صادقی رئیس کانون هم‌آهنگی شوراهای اسلامی کار؛ مشاوران: محمد حمزه‌ای دبیر روابط بین‌المللی خانه‌ی کارگر، سمیر انصاری، مشاور روابط بین‌المللی خانه‌ی کارگر، پرویز احمدی پنجکی، رئیس کانون هم‌آهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران، اما ارشد، مشاور شاخه‌ی زنان خانه‌ی کارگر استان مازندران. به جز جبار سلیمیان که تا حدودی انگلیسی بلد است هیچ کدام از شرکت‌کنندگان به زبان‌های خارجی مسلط نیستند.

حسن صادقی عضو علی‌البدل و مشاور هیأت، به همراه علی‌اکبر عیوضی رهبری مهاجمانی که اعضای هیأت مدیره‌ی سندیکای کارگران شرکت واحد را مورد ضرب و شتم شدید قرار دادند، به عهده داشت.

هیأت نمایندگی کارگران ایرانی

در نود و پنجمین اجلاس - سال ۲۰۰۶

نماینده‌ی کارگران: علی‌اکبر عیوضی برچلوپی، رئیس هیأت مدیره‌ی کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران؛ عضو علی‌البدل و مشاور: ناهید جلالی عضو شورای عالی کار

را به عهده داشت. وی در دوران حضور هجده ساله‌اش در نشست‌های سازمان بین‌المللی کار به ندرت در بحث‌ها شرکت می‌کرد و تنها به روخوانی متنی که از قبل تهیه شده بوده بسنده می‌کرد. یکی از مأموریت‌های وی در کنفرانس بین‌المللی کار تهدید و آزار و اذیت مخالفان نظام و تلاش برای جلوگیری از افشای نقض حقوق بنیادین کار در ایران بود. اقدامات وی و همراهانش در سال ۱۹۹۶ باعث اعتراض شدید هیئت‌های کارگری و کارفرمایی در کنفرانس بین‌المللی کار شد. نتیجه‌ی این اقدامات ارسال نامه‌ی رسمی و اعتراض آمیز از سوی مایکل هانسن دبیر کل وقت سازمان بین‌المللی کار به دولت جمهوری اسلامی شد. اقدامات سلیمیان و همراهانش یکی از دلایل قرارگرفتن نام دولت جمهوری اسلامی در ردیف بدترین کشورهای ناقض حقوق بنیادین کار در آن سال بود.

استان تهران؛ مشاوران: ولی‌الله صالحی عضو شورای مرکزی انجمن‌های اسلامی کار و عضو شورای عالی کار استان تهران؛ سیدمحمد خلیل بهرامی، عضو شورای عالی کار استان مازندران؛ قدیر سواعدی، عبدالاحد علی‌قلیان، آکادمی مرکز تشویق تجارت، داوود قادری، عضو شورای مرکزی انجمن‌های اسلامی کار و عضو شورای عالی کار. پس از به‌قدرت رسیدن دولت احمدی‌نژاد و تلاش او برای کوتاه کردن دست رقیب و خانه‌ی کارگر، وزارت کار افراد جدیدی را به‌عنوان نمایندگان کارگران به‌ژنو فرستاد و این موضوع با مخالفت مسافران همیشگی ژنو مانند جبار سلیمیان و... مواجه شد.

سلیمیان در مصاحبه با ایلنا در مورد هیأت اعزامی به کنفرانس جهانی کار می‌گوید: هیأت نمایندگان کارگری ایران برای شرکت در اجلاس سالیانه در حالی شش روز زودتر برای شرکت در افتتاحیه‌ی اجلاس سازمان بین‌المللی کار عازم ژنو شده‌اند که منتخب کارگران نبوده بلکه منتصب وزیر هستند و در میان آن‌ها کارمند دولت و کارفرما نیز به‌عنوان نماینده‌ی کارگران ایرانی جا زده شده است... علی‌اکبر عیوضی، داوود قاسمی، ولی‌الله صالحی، بهرامی و علی‌قلیان و خانم ناهید جلالی در حالی از سوی وزارت کار به‌عنوان نمایندگان انتصابی کارگران عازم ژنو شدند که هیچ‌کدام از آن‌ها از تسلط کافی به‌زبان‌های خارجی برای بحث و گفتگو در اجلاس برخوردار نیستند.^۱

به جز عبدالاحد علی‌قلیان که مترجم کتاب‌های متعددی در زمینه «جهانی شدن» است هیچ‌یک از افراد فوق با زبان خارجی آشنا نیستند.

علی‌اکبر عیوضی برچلوپی که از سوی وزارت کار به‌عنوان نماینده‌ی کارگران ایرانی معرفی شده بود، یکی از ضارب‌ان منصور اسالو دبیر و سارق موتورسیکلت و اموال کارگران سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی بود که با شکایت هیأت موسس سندیکا از عوامل حمله، مجرم شناخته و محکوم شده بود و در دوران مذکور به‌قید وثیقه در خارج از زندان بود.

هیأت نمایندگی کارگران ایرانی

در نود و ششمین اجلاس - سال ۲۰۰۷

نماینده‌ی کارگران: ناصر برهانی رئیس کانون هم‌آهنگی شوراهای اسلامی کار تهران؛ عضو علی‌البدل و مشاور: نبی‌رسولی لارمایی، عضو هیأت عالی مرکز شورای اسلامی کار؛

مشاوران: داوود قادری، غفور عبدی، اعضای کانون هم‌آهنگی شوراهای اسلامی کار، گیو رفعتیان بدون عنوان.

محمد حمزه‌ای مسئول امور بین‌الملل خانه‌ی کارگر که پیش از این یکی از مسافران ژنو بود اعلام کرد:

کارمند وزارت کار به‌عنوان نماینده‌ی کارگران معرفی شده و به نود و ششمین اجلاس بین‌المللی کار در ژنو سوئیس اعزام شده است!

در این دوره نیز هیچ‌یک از کارگرانی که به ژنو گسیل شده‌اند، زبان خارجی نمی‌دانند.

هیأت نمایندگی کارگران ایرانی

در نود و هفتمین اجلاس - سال ۲۰۰۸

هوشنگ درویشی کانون عالی هم‌آهنگی شوراهای اسلامی کار، نماینده‌ی کارگران؛ عبدالحمید محمدی کانون عالی هم‌آهنگی شوراهای اسلامی کار مشاور و عضو علی‌البدل؛ مشاوران: محمد پارسا، کانون عالی هم‌آهنگی شوراهای اسلامی کار؛ اولیا علی‌بیگی، کانون عالی هم‌آهنگی شورای اسلامی کار؛ امیرعلی طیبه، بدون عنوان.^۲

هیأت نمایندگی کارگران ایرانی

در نود و هشتمین اجلاس - سال ۲۰۰۹

نماینده‌ی کارگران: محمد پارسا کانون عالی هم‌آهنگی شوراهای اسلامی کار؛ عضو علی‌البدل و مشاور: ولی‌الله صالحی، کانون عالی هم‌آهنگی شوراهای اسلامی کار؛ مشاوران: احمدرضا معینی کانون عالی هم‌آهنگی شوراهای اسلامی کار؛ هوشنگ حجتی کانون عالی هم‌آهنگی نمایندگی کارگران، مجید فیروزآبادی کانون عالی هم‌آهنگی نمایندگی کارگران، بهزاد علی پورتهرانی، بدون عنوان.

در این اجلاس نمایندگان خانه‌ی کارگر که از اعزام به‌عنوان نمایندگان کارگران ایرانی ناامید شده بودند به‌نماینده‌ی از سوی خانه‌ی کارگر در اجلاس سازمان بین‌المللی کار حضور خواهند یافت.^۳

۱- ایلنا ۲۲ خرداد ۸۶.

2-http://www.ilo.org/global/What_we_do/Officialmeetings/ilc/lang--en/index.htm

3-<http://iscanews.ir/fa/PrintableNewsItem.aspx?NewsItemID=287927>

سازمان بین‌المللی کار

و اولین بررسی‌های وضعیت کارگران در ایران

سازمان بین‌المللی کار برای اولین بار پس از دریافت گزارش‌هایی درباره‌ی وضع فلاکت‌بار کارگران زن و کودک در کارگاه‌های قالی‌بافی کرمان، مسئله را در سال ۱۹۲۰ (۱۲۹۹ خورشیدی) در جلسه‌ی شورای حکام مورد بحث و بررسی قرار داد و تصمیم گرفته شد که مدیر این سازمان «عرض حال دوستانه‌ای درباره‌ی وضع کارگران قالی‌باف ایران به حکومت ایران تسلیم کند.»^۱ متعاقب این تصمیم در آغاز سال ۱۹۲۱ (۱۲۹۹ خورشیدی) سازمان بین‌المللی کار که از سوی دولت انگلستان حمایت می‌شد با حکومت ایران تماس گرفت. در ماه مه ۱۹۲۱ (اردیبهشت ۱۳۰۰) معزالدوله وزیر امور خارجه به سفارت انگلیس اطلاع داد که دستورهای لازم به «مقام‌های محلی ولایت کرمان و مقام‌های جاهای دیگری که دارای کارگاه‌های قالی‌بافی است» ابلاغ شده است. در اکتبر ۱۹۲۱ (مهرماه ۱۳۰۰) حکومت ایران به سازمان بین‌المللی کار اطلاع داد که «بهبود بخشیدن به اوضاع کارگران بر روی هم در برنامه‌ی حکومت دارای اولویت است و احتمال می‌رود که به‌زودی نتیجه‌های مثبت به دست آید.»^۲

۱- شاکری، ۱۹۷۸، ۲۰۲ به نقل از اسناد وزارت خارجه انگلیس ۳۷۱/۹۰۳۰، برگ ۱۹۷.

۲- رجوع کنید به اتحادیه‌های کارگری و قانون کار در ایران، نوشته دکتر ویلم فلور، ترجمه‌ی دکتر ابوالقاسم سری، انتشارات توس، صفحه‌های ۱۱۱ تا ۱۱۷.

در دسامبر ۱۹۲۱ (آذر ۱۳۰۰) وزیر امور خارجه به سفارت انگلیس اطلاع داد که تا گرفتن تصمیم نهایی به مقام‌های محلی کرمان دستور داده شده اقدام‌هایی را در جهت بهبود وضعیت کارگران قالی‌باف انجام دهند. عاقبت در آذرماه ۱۳۰۲ به والی کرمان دستور داده شد که فرمان ۱۱ ماده‌ای را برای بهبود وضعیت کارگران قالی‌باف صادر کند. در این اثنا سازمان بین‌المللی کار و حکومت انگلیس هر دو از نتیجه‌های فعالیت‌های خود خشنود بودند.

وزیر انگلیسی مسئول کارهای سازمان بین‌المللی کار در مجلس اعیان اعلام داشت که وضع کارگران بهبود یافته اما خاطرنشان کرد که این بهبود تنها در کرمان حاصل شده است. پس از انتشار این قانون در کتاب قانون سازمان بین‌المللی کار، علاقه‌ی چندانی در جهت اجرای آن نشان داده نشد. در آغاز ۱۹۲۴ (زمستان ۱۳۰۲) تلاش حاکم کرمان برای اجرای مقررات مربوطه با مخالفت کارفرمایان روبرو شد و پس از مدت کوتاهی فرمان سال ۱۳۰۲ با دستوری از سوی حکومت تهران منسوخ شد.^۱ در سال ۱۹۲۸ (۱۳۰۷ خورشیدی) سازمان بین‌المللی کار نسبت به ارزیابی نخستین که از اوضاع کارگران کارگاه‌های فرش ایران به عمل آمده بود تردیدهایی را آغاز کرد.

در سال ۱۹۳۲ (۱۳۱۱ خورشیدی) هیأتی که از سوی سازمان بین‌المللی کار از کارخانه‌های ایران دیدار می‌کرد گزارش داد که در کارخانه‌ی مدرن کارگران مرد پنج ریال، کارگران زن دو ریال و کارگران کودک از یک عباسی تا دو ریال روزانه مزد می‌گیرند و در کارخانه‌ی دیگری که مزد بر اساس مقاطعه‌کاری پرداخت می‌شود زنان و کودکان کارگر روزانه به‌سختی بیش از دو ریال مزد می‌گیرند.^۲

در سال ۱۹۳۴ (۱۳۱۳ خورشیدی) بار دیگر یک هیأت از سوی سازمان بین‌المللی کار به ایران آمد ولی از کارگاه‌های سنتی دیداری به عمل نیاورد و تنها از نمونه‌ی کارخانه‌های نوبنیاد بازدید انجام گرفت.^۳

۱- پیشین

۲- اتحادیه‌های کارگری و قانون کار در ایران، نوشته دکتر ویلم فلور، ترجمه دکتر ابوالقاسم سری، انتشارات توس، صفحه ۱۳۵.

۳- پیشین. صفحه ۱۱۹.

نگاهی به تاریخچه‌ی شکایت علیه نقض حقوق سندیکایی و آزادی انجمن‌ها توسط دولت‌های ایران

سابقه‌ی شکایت علیه دولت ایران در سازمان بین‌المللی کار در ارتباط با نقض حقوق سندیکایی و آزادی انجمن‌ها به شصت سال پیش بر می‌گردد. در طول شش دهه‌ی گذشته بیست بار^۱ موضوع شکایت علیه دولت‌های ایران در ارتباط با نقض حقوق سندیکایی در کمیته‌ی آزادی انجمن سازمان بین‌المللی کار مطرح شده است. در این بخش به‌طور گذرا به تاریخچه و ماهیت این شکایت‌ها پرداخته و ضمن مشخص کردن سمت و سوی سیاسی آن‌ها، گریزی هم به میزان موفقیت این شکایت‌ها خواهیم زد.

برای سهولت کار، این بررسی در دو بخش پیش از انقلاب (دولت شاهنشاهی ۱۹۷۹-۱۹۴۹) و پس از انقلاب (دولت جمهوری اسلامی ۲۰۰۹-۱۹۷۹) انجام می‌گیرد. هر بخش یک دوره‌ی سی ساله را پوشش خواهد داد.

شکایت‌های مطرح شده علیه دولت ایران در ارتباط با نقض حقوق سندیکایی و آزادی انجمن‌ها و تنگناهایی که برای فعالان حقوق سندیکایی پیش آمده، در دو مرحله، پیش از انقلاب توسط فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری WFTU و سندیکا‌های متحد آن

۱- لیست این شکایت‌ها و مفاد آن‌ها را در آدرس زیر می‌توان جستجو کرد.
<http://www.ilo.org/ilolex/english/casframeE.htm>

و پس از انقلاب توسط کنفدراسیون اتحادیه‌های آزاد کارگری ICFTU و سندیکاهای هم‌سو با آن در سطح بین‌المللی صورت گرفته است.

شکایت علیه

نقض حقوق سندیکایی و آزادی انجمن‌ها

توسط دولت شاهنشاهی ایران

سرکوب جنبش سندیکایی و اتحادیه‌ای با ممنوعیت «شورای مرکزی اتحادیه‌های حرفه‌ای کارگران» در سال ۱۳۰۴ آغاز شد و تا سال ۱۳۱۰ ادامه یافت. این جنبش اعتصابات بزرگی هم‌چون اعتصاب کارگران نفت در جنوب در سال‌های ۱۳۰۸ و ۱۳۱۰، که به محدود کردن ساعت کار روزانه به نه ساعت منجر شد؛ تشکیل اتحادیه‌ی مخفی کارگران راه‌آهن در سال ۱۳۰۷ در شمال؛ و برگزاری اعتصاب کارگران راه‌آهن در سال ۱۳۱۱ را سامان داد، اما برخلاف تصور، انعکاسی در سطح بین‌المللی و سازمان بین‌المللی کار نیافت و شکایتی علیه دولت ایران صورت نگرفت. در واقع شکایت نسبت به عدم رعایت حقوق بنیادی کار در ایران پس از تأسیس «فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری» و تصویب مقاله‌نامه‌های بنیادین ۸۷ و ۹۸ مربوط به تشکیل سندیکاهای آزاد کارگری و دیگر مقاله‌نامه‌های بنیادین حقوق کار تحقق یافت.

اولین شکایت علیه دولت ایران در سازمان بین‌المللی کار توسط فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری^۱ و کنفدراسیون عمومی کار^۲ صورت گرفت. در این شکایت که گزارش آن در سال ۱۹۵۲ انتشار یافت دولت ایران به نقض دو مورد در ارتباط با فعالیت‌های سندیکایی متهم شده بود.

در شکایت فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری WFTU به دو مورد زیر اشاره شده بود:

- الف: دفاتر اصلی شورای متحده‌ی مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمت‌کشان ایران^۳ در سال ۱۹۴۹ توسط مقامات دولتی اشغال، اموال آن مصادره، و اتحادیه

1-The World Federation of Trade Unions

2-Confédération générale du travail- CGT. The French General Confederation of Labour .

۳- شورای متحده مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمت‌کشان ایران وابسته به حزب توده ایران در اول ماه مه ۱۳۲۳ با ادغام چهار مرکز سندیکایی تأسیس گردید. سندیکای کارگران نفت خوزستان پس از تشکیل، الحاق خود را به شورای متحده مرکزی اعلام داشت. در دوره‌ی مذکور شصت اتحادیه‌ی کارگری وابسته به شورای متحده بودند و این شورا با بیش از سیصد هزار عضو به‌عنوان مهم‌ترین سازمان سندیکایی ایران و خاورمیانه شناخته می‌شد.

منحل شده است.

- ب: صدها فعال کارگری دستگیر و در دادگاه نظامی به حبس سه تا ده سال محکوم شده‌اند. هیچ اتهام مشخصی علیه دستگیرشدگان به جز فعالیت‌های سندیکایی‌شان اقامه نشده است. رضا روستا دبیر شورای متحده مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمت‌کشان علیرغم این که اتهام مشخصی علیه او اقامه نشده، غیاباً به مرگ محکوم شده است.

شکایت کنفدراسیون عمومی کار فرانسه حاوی نکات زیر بود:

مقامات ایرانی با دستگیری خودسرانه‌ی بیست و یک نفر از رهبران سندیکایی از جمله دو دبیر شورای متحده‌ی اتحادیه‌های کارگران ایران و تبعید آن‌ها به جزایر بد آب و هوا مرتکب نقض حقوق سندیکایی شده‌اند.

پس از توضیحات دولت ایران و ارائه‌ی مدارکی دال بر این نکته که رضا روستا به علت فعالیت‌های سیاسی در ارتباط با حزب توده و حزب دمکرات آذربایجان و تلاش غیرقانونی برای سرنگونی سلطنت مشروطه و برقراری حکومت کمونیستی و ایجاد رابطه‌ی اطلاعاتی با ارتش خارجی و فعالیت در راستای منافع آن، تشکیل گروه‌های تروریستی، ارتکاب قتل و... توسط دادگاه نظامی به مرگ محکوم شده؛ و نه فعالیت صنفی کارگری و هم‌چنین اقدامات انجام گرفته علیه فعالیت‌های سندیکایی به منظور اعاده‌ی نظم بوده و نه محدودیت علیه فعالیت‌های سندیکایی، سازمان بین‌المللی کار لزومی به دنبال کردن پرونده نمی‌بیند.

در این پرونده اطلاعات ارائه‌شده از سوی شکایت‌کنندگان ناقص بوده و در مقابل توضیحات ارائه شده از سوی دولت ایران، به صورت انفعالی برخورد شده است.

در تنظیم شکایت هم دقت لازم به عمل نیامده است. در حالی که رضا روستا از سوی دستگاه قضایی ایران به اتهامات گوناگون از قتل تا ترور و توطئه‌ی براندازی و رابطه با ارتش خارجی و... متهم شده بود، مبنای شکایت بر این قرار گرفته بود که «هیچ اتهام مشخصی علیه دستگیرشدگان به جز فعالیت سندیکایی‌شان اقامه نشده است». با توصیه‌هایی که سازمان بین‌المللی کار و کمیته‌ی آزادی انجمن ارائه دادند در واقع استدلال‌های دولت ایران پذیرفته شده و موارد مطرح شده به عنوان نقض حقوق کار شناخته نشده است.

دومین شکایت علیه دولت ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد در سال ۱۹۵۴ توسط

فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری WFTU صورت می‌گیرد. در این شکایت آمده است که متعاقب وقایع ۲۷ آگوست ۱۹۵۳ (۲۸ مرداد ۱۳۳۲) دولت ایران مرتکب نقض فاحش حقوق کار و ابتدایی‌ترین حقوق بشر شده است. بیش از چهارهزار وطن‌پرست از جمله صدها کارگر، فعال سندیکایی، چهره‌های سیاسی، اساتید دانشگاه، دانشجویان و غیره دستگیر و بدون برخورداری از هیچ محکمه‌ای در اردوگاه‌های مرگ Concentration Camps مورد شکنجه قرار گرفته‌اند. تعداد کثیری از این افراد در اردوگاه‌هایی در جزیره‌ی خارک یکی از غیربهداشتی‌ترین مناطق دنیا زندانی شده‌اند در حالی که بقیه در زندان‌ها و پادگان‌ها محبوس شده‌اند.

اعتصاب، به‌عنوان «اقدام به‌شورش» ممنوع تلقی شده و با مجازات مرگ همراه است. دفاتر سندیکاها، کارخانجات و مراکز صنعتی و تمامی سازمان‌های دمکراتیک توسط نیروهای نظامی اشغال شده‌اند. اتحادیه‌های کارگری و مطبوعات دمکرات سرکوب شده‌اند. تمامی میتینگ‌ها و تظاهرات با توسل به چند قانون ممنوع شده‌اند. با توسل به ترور و وحشیانه و خونین، دولت ایران امیدوار است مخالفت مردم ایران علیه مداخله‌ی دولت‌های آمریکا و انگلیس در امور داخلی ایران خود را در هم بشکند و ... شاکیان درخواست می‌کنند سازمان ملل به‌منظور آزادی زندانیان دربند، پایان دادن به تعقیب میهن‌پرستان، محو دادگاه‌های اضطراری، پایان دادن به حکومت نظامی و ... مداخله کند.

سازمان بین‌المللی کار صرف‌نظر از بعضی موارد مربوط به سرکوب حقوق کار، به‌علت ماهیت سیاسی شکایت و عدم ارائه‌ی شواهد از سوی شاکی در عرض یک ماه و تکذیب دولت ایران، تصمیم به عدم پی‌گیری شکایت می‌گیرد.

سازمان بین‌المللی کار و به‌ویژه کمیته‌ی آزادی انجمن توسط کارشناسان و حقوق‌دانان ماهر اداره می‌شود و برای پیش‌برد شکایت، یا موفقیت در آن به‌مانند رجوع به دادگاه و محکمه‌ی قضایی، شاکی می‌بایستی دلایل مستند و شواهد کافی به دادگاه ارائه کند. صرف مطرح کردن اتهام هرچند درست، بدون ارائه‌ی دلایل و شواهد، کاری از پیش نمی‌برد و به‌ضد خود تبدیل می‌شود.

تردید نیست که در اثر کودتای ۲۸ مرداد و سرکوب گسترده‌ی پس از آن، ابتدایی‌ترین حقوق کار و به‌ویژه آزادی‌های سندیکایی زیر پا گذاشته شد. اما به‌علت کوتاهی حزب توده و سندیکاهای وابسته به آن در ارائه‌ی شواهد و اسناد در ارتباط با سرکوب سنگین اعمال شده از سوی فرمانداری نظامی و زمینه‌ی مناسب دولت ایران در مجامع بین‌المللی، حقوق حقه‌ی کارگران ایرانی و فعالان سندیکایی زیر پا گذاشته شد و آن‌ها در سطح بین‌المللی هم فریادرسی نیافتند.

سومین شکایت علیه دولت ایران باز هم توسط فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری WFTU در سال ۱۹۵۴ و بعد از کودتای ۲۸ مرداد صورت می‌گیرد. این شکایت حاوی دو سند است. اولی شکایت اصلی به تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۵۴ خطاب به دبیر کل سازمان ملل است که توسط او به سازمان بین‌المللی کار احاله شده و دیگری به تاریخ ۲۴ جولای ۱۹۵۴ حاوی اطلاعات تکمیلی است که به دست سازمان بین‌المللی کار رسیده است. شکایت حاوی موارد زیر است:

از زمان کودتای ۲۸ مرداد، دولت ایران سرکوب فعالیت‌های سندیکایی را در پیش گرفته و برخلاف قانون اساسی و قوانین دیگر حقوق شناخته‌شده‌ی کارگری را زیر پا گذاشته است.

به‌طور مشخص نیروهای نظامی کارخانجات را اشغال کرده و با تهدید مسلحانه، کارگران را مجبور به چهارده ساعت کار در قبال حقوقی که برای هشت سال کار پرداخت می‌شود، کرده‌اند.

نیروهای نظامی کنترل راه‌آهن را به‌عهده گرفته و کارگران راه‌آهن و تکنسین را برخلاف شرایط مندرج در قرارداد کارشان مجبور به کار کرده‌اند.

حکومت نظامی تمدید شده است. در نتیجه تمامی جلسات اتحادیه‌های کارگری ممنوع شده و خطا کاران تهدید به اخراج، زندان و تبعید می‌شوند. به‌هیچ اجتماع کارگری بیش از دو نفر اجازه‌ی تشکیل داده نمی‌شود. دولت با صدور فرمانی هرگونه اعتصابی را ممنوع اعلام کرده است. دستور داده شده که نشریات کارگری منتشر نشوند. نوید آزادی، عصر پیروزی (ارگان فدراسیون کارگران راه‌آهن ایران) و ظفر (ارگان اصلی شورای متحده‌ی مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمت‌کشان) از جمله نشریاتی هستند که فعالیت‌شان متوقف شده است.

فعالان سندیکایی بدون دادگاه، زندانی شده‌اند. چهارصد کارگر زندانی شده و یا به خاطر فعالیت سندیکایی‌شان پس از کودتای ۲۸ مرداد تبعید شده‌اند.

صدها کارگر در اردوگاه‌های مرگ Concentration Camps به‌ویژه قلعه‌ی فلک‌الافلاک و «جزیره‌ی مرگ خارک» در خلیج فارس زندانی، یا تبعید شده‌اند.

یک‌صد و بیست معدنچی در معدن زیران که توسط دولت اداره می‌شود دستگیر و تبعید شده‌اند و پرداخت حقوق و مزایای آنان متوقف شده است.

صدها کارگر، معلم و حقوق‌بگیر به‌خاطر فعالیت‌های سندیکایی‌شان اخراج شده‌اند. شش کارگر دخانیات به‌خاطر سرپیچی از دستور مقامات برای اضافه کاری از کار اخراج شده‌اند.

در شاهی، به‌شهر و ساری خانه‌های کارگران توسط غارت‌گرانی که به‌وسیله‌ی دولت استخدام شده بودند، چپاول شده است.

در چالوس کارگران کارخانه‌ی نساجی و ابریشم به‌خاطر فعالیت‌های سندیکایی دستگیر و شکنجه و با دستور دولت نظامی در شهر شلاق زده شده‌اند.

یک کارگر در کارخانه‌ی چیت‌سازی تهران دستگیر و شلاق زده شد و به‌خاطر محرومیت از غذا و برخورد وحشیانه، دو روز بعد جان خود را از دست داد.

فعالان کارگری در زندان رشت با زندانیان عادی و جنایتکار در یک بند محبوس شدند. در روزهای ۱۲ و ۱۳ مه ۱۹۵۴ عوامل دولتی به‌زندان حمله کردند و فعالان کارگری و دمکرات را با چماق و چاقو مورد ضرب و شتم قرار دادند.

سربازان با مسلسل به‌حمله‌کنندگان پیوستند. در این حمله شش زندانی به نام‌های هرمز نیک‌خواه (چای‌کار) محمدتقی محبت‌خواه (کارمند دولت) محمدتقی اقدام‌دوست (عضو جنبش دهقانی) علی بولاندی (کارگر ساختمان) سبزه‌علی محمدنژاد و فریدون پارسادوست (دانشجو) کشته و صد نفر زخمی شدند.

هرچند سازمان بین‌المللی کار ماهیت این شکایت را مشابه شکایت قبلی علیه دولت ایران ارزیابی می‌کند، اما از آن‌جایی که بر روی موارد مشخصی تکیه شده توصیه‌های زیر را به‌عمل می‌آورد:

باتوجه به این که اتهامات، کلی بیان شده از شاکی درخواست می‌شود برای بررسی بیش‌تر طی یک ماه اطلاعات مکفی را در اختیار سازمان بین‌المللی کار قرار دهد.

هم‌چنین کمیته‌ی آزادی انجمن، واقعه‌ی زندان رشت را مربوط به حقوق کار ندانسته و از پی‌گیری آن صرف‌نظر می‌کند.

کمیته‌ی آزادی انجمن سازمان بین‌المللی کار در ارتباط با اظهارنظر در مورد اتهاماتی از جمله ممنوعیت جلسات سندیکایی، ممنوعیت حق اعتصاب، ممنوعیت انتشار نشریات کاری، دستگیری و تبعید و اخراج به‌خاطر فعالیت‌های سندیکایی تصمیم می‌گیرد تا پاسخ نهایی دولت ایران منتظر بماند و در گزارش بعدی به این موضوع بپردازد.

در شکایت مزبور، موارد غالباً بدون ارائه‌ی اسناد مطرح شده است. اشکال اصلی همان عدم دسترسی کافی به‌اخبار و اطلاعات است. صرف این که مطرح شود کارگران راه‌آهن برخلاف شرایط مندرج در قراردادشان به‌کار گمارده شدند، به‌لحاظ حقوقی حقانیتی ندارد. موضوع باید مستند باشد. جزئیات مربوطه بایستی در اختیار کمیته‌ی آزادی انجمن قرار بگیرد. اسامی صدو بیست معدن‌چی یا حداقل بخشی از آن‌ها بایستی ارائه شود. اسامی چهارصد کارگر دستگیر شده و تبعیدی با تفکیک موضوع بایستی مشخص شود و... تاریخ و چگونگی دستگیری، یا سیر پرونده‌ی قضایی باید به‌اطلاع کمیته برسد. اسامی کارخانجاتی که توسط نیروی نظامی اشغال شده‌اند، با ذکر جزئیات مربوطه باید مشخص شود. دولت برآمده از کودتا که ابتدایی‌ترین حقوق کار و آزادی‌های فردی را نقض کرده، به‌علت عدم ارائه‌ی شواهد و اسناد لازم از سوی شاکی با توضیحاتی که می‌دهد و با دست گذاشتن روی نقاط ضعف اساسی شکایت، از محکومیت بین‌المللی معاف می‌شود.

چهارمین شکایت علیه دولت ایران در دسامبر ۱۹۵۴ توسط شورای متحده‌ی مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمت‌کشان در نامه‌ای به‌دبیر کل سازمان ملل صورت گرفته است. این شکایت در ژانویه ۱۹۵۵ توسط دبیر کل، به‌سازمان بین‌المللی کار احاله داده شده است.

در این نامه شورای متحده، دولت را متهم می‌کند که قانون «ملی کردن صنعت نفت» را نقض کرده و به‌طور کلی مانع انجام فعالیت‌های سندیکایی شده است.

هم‌چنین در ۱۰ فوریه‌ی ۱۹۵۵ دبیر کل سازمان ملل شکایت مورخه‌ی ۲۲ دسامبر

۱۹۵۴ فدراسیون اتحادیه‌های کارگری آزاد جمهوری دموکراتیک آلمان شرقی در مورد نقض حقوق فعالیت‌های سندیکایی در ایران را به سازمان بین‌المللی کار احاله می‌دهد. دبیر کل ملل متحد از شاکی درخواست می‌کند که در یک دوره‌ی یک ماهه جزئیات بیشتری را در اختیار این سازمان قرار دهد. متأسفانه هیچ اقدامی از سوی شاکیان صورت نمی‌گیرد و سازمان بین‌المللی کار نتیجه‌گیری می‌کند که نقض «قانون ملی شدن صنعت نفت» ربطی به فعالیت‌های سندیکایی ندارد. این سازمان هم‌چنین اتهامات وارد شده در شکایت جدید در ارتباط با آزادی‌های سندیکایی را علیرغم فرصت داده شده برای ارائه‌ی جزئیات به شاکیان، مبهم دانسته و از پی‌گیری بررسی شکایت صرف‌نظر می‌کند. کمیته‌ی آزادی انجمن اظهار عقیده می‌کند که هیچ آگاهی جدیدی نسبت به اتهامات قبلی داده نشده است.

از آنجایی که تنها نسخه‌ی شکایت اتحادیه‌ی کارگران صنعت نفت بمبئی خطاب به سفیر ایران در هند به‌عنوان طرف سوم، به‌دست سازمان بین‌المللی کار رسیده، این سازمان اقدامی در پی‌گیری آن به‌عمل نمی‌آورد.

ماهیت سیاسی شکایت روشن است. شورای مزبور با وجود ده‌ها نمونه روشن از نقض حقوق کار و آزادی سندیکایی برای خالی نبودن عریضه و نشان دادن فعالیت خود، شکایتی غیرمنطقی را مطرح می‌کند که از ابتدا مشخص است پایان خوشی نخواهد داشت.

شورای متحده‌ی مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمت‌کشان می‌توانست با ارائه‌ی اسناد و شواهد مشخص در ارتباط با سرکوب نهادهای کارگری پس از کودتای ۲۸ مرداد و دستگیری و محاکمه و زندانی کردن فعالان کارگری، دولت شاهنشاهی را در سطح بین‌المللی در تنگنا قرار دهد. کاری که از انجام خودداری می‌کند، یا اهمیتی به آن نمی‌دهد.

پنجمین شکایت نیز توسط فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری در سال ۱۹۵۶ صورت می‌گیرد.

در نامه‌ی ۲۵ مارس ۱۹۵۵ خطاب به دبیر کل سازمان ملل، که توسط وی به سازمان بین‌المللی کار احاله شده، WFTU اظهار می‌دارد که روزنامه‌ی رسمی ایرانی اطلاعات هوایی در مارس ۱۹۵۵ اطلاعیه‌ی فرمانداری نظامی تهران را انتشار داده و در آن دستگیری

سی و یک نفر از رهبران و فعالان سندیکایی را ادعا کرده است. در میان اسامی داده شده مشخصاً به نام محبوب عظیمی، دبیر شورای سندیکاهای تهران و عضو علی‌البدل شورای عمومی فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری WFTU اشاره می‌شود.

شکایت دیگر که در تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۵۵ وصول شده مربوط است به فدراسیون اتحادیه‌های کارگران راه آهن مراکش و دیگری که در ۱۹ آوریل، مربوط است به اتحادیه‌ی سندیکاهای متحده‌ی کارگری مراکش. در این دو شکایت نیز به دستگیری‌های فوق اشاره شده است.

علاوه بر موضوع دستگیری‌های فوق در این شکایت نیز اتهاماتی که در شکایت‌های قبلی مطرح شده بود، مورد تأکید قرار می‌گیرند. دولت ایران در دو مرحله به‌طور مبسوط به اتهامات مطرح شده پاسخ می‌دهد و از آنجایی که شاکیان مدرک و یا اطلاعات جدیدی مبنی بر اثبات ادعاهای‌شان ارائه نمی‌دهند، کمیته‌ی بررسی آزادی انجمن سازمان بین‌المللی کار تصمیم می‌گیرد اتهامات مطرح شده را پی‌گیری نکند. اما به‌دولت ایران اهمیت حق آزادی بیان از طریق انتشار نشریات، حق برگزاری آزادانه‌ی جلسات و حمایت از حقوق کارگران در ارتباط با انتقال و یا اخراج از کار را به‌عنوان عناصر اصلی حقوق سندیکاها یادآوری می‌کند.

ششمین شکایت که در واقع پی‌گیری شکایت قبلی مبنی بر دستگیری سی و یک نفر از فعالان سندیکایی توسط فرمانداری نظامی است نیز از طریق فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری در سال ۱۹۵۸ صورت گرفته است.

دولت ایران در پاسخ خود علت دستگیری را نه فعالیت سندیکایی افراد فوق، بلکه ارتباط‌شان با حزب توده و فعالیت‌های مخفی غیرقانونی برای سرنگونی دولت شاهنشاهی ذکر می‌کند.

در اطلاعیه‌ی دولت ایران آمده است که سه نفر از متهمان به نام‌های اکبر عبدی، علی‌عباس پورزنجان‌ی و رضا پوجوتن در مراحل اول رسیدگی آزاد شدند.

در اطلاعیه‌ی بعدی دولت ایران مدعی شد که تحقیقات نشان می‌دهد که ده نفر از دستگیرشدگان مرتکب جرائم جدی در ارتباط با امنیت عمومی و استقلال کشور شده‌اند. دولت اطلاع داد که آقای نصیری‌یزدی و آقای خیرالله شفیع‌زاده آزاد شده

و آقای جهان دیده پور به بیست ماه زندان محکوم شده است. آقای محبوب عظیمی به هفت سال، آقای فرجامی آزاد به پانزده سال و آقای سادات اوغلی به دو سال زندان محکوم شده‌اند. هم‌چنین دادگاه هنوز حکمی در ارتباط با آقایان خسرو عیوضیان، ایرج زندی پور، میراثی و بحرینی اعلام نکرده است.

سازمان بین‌المللی کار خواهان دریافت دلایل محکومیت این افراد شده و نسخه‌ای از حکم را طلب می‌کند.

دولت ایران در گزارش بعدی اطلاع می‌دهد که آقایان زندی پور و میراثی به‌طور مشروط آزاد شده‌اند. هم‌چنین اعلام می‌کند که آقای زندی پور دبیر دبیرستان هستند و هیچ‌گاه فعال کارگری نبوده است. دولت ایران علیرغم تکذیب فعالیت سندیکایی آقای زندی پور اعلام می‌کند که وی آزاد شده است و به کار خود در دبیرستان بازگشته است. هم‌چنین دولت اعلام می‌کند که آقای بحرینی نیز به سی ماه حبس محکوم شده است.

کمیته‌ی آزادی انجمن بر اساس پاسخ‌های متعدد دولت ایران نتیجه‌گیری می‌کند که بیست و شش نفر از افراد یاد شده بدون آن که کیفرخواستی برای‌شان مطرح شود آزاد شده‌اند و از پنج نفر باقی‌مانده، سه نفر به بیست ماه و دو سال زندان محکوم شده‌اند و تنها دو نفر به هفت سال و پانزده سال زندان محکوم شده‌اند.

کمیته‌ی آزادی انجمن، پاسخ‌های دولت ایران را پذیرفته و به علت عدم ارائه‌ی اطلاعات کافی، اتهامات وارده را نمی‌پذیرد.

هفتمین شکایت علیه دولت ایران توسط شورای مرکزی اتحادیه‌ی کارگری جمهوری خلق بلغارستان، کنفدراسیون عمومی کار جمهوری دمکراتیک ویتنام و چندین اتحادیه‌ی کارگری در لبنان و فدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری در سال ۱۹۶۰ صورت گرفته است.

از آنجایی که تنها شکایت‌هایی در سطح سازمان بین‌المللی کار مورد رسیدگی قرار می‌گیرند که از سوی ارگان‌های محلی و ملی و یا سازمان‌های بین‌المللی کارگری و کارفرمایی با رتبه‌ی مشورتی سازمان بین‌المللی کار، مطرح شده باشند شکایت این سه نهاد که واجد شرایط فوق نیستند، پذیرفته نشد و موضوع مورد رسیدگی قرار نگرفت.

کاملاً مشخص است که موضوع شکایت‌های بالا بر می‌گردد به فعل و انفعالات پیش و پس از کودتای ۲۸ مرداد. شاکیان، متحدین حزب توده در سطح بین‌المللی هستند. در

این دوره علیرغم نقض فاحش حقوق کار در زمینه‌ی بین‌المللی، موفقیتی نصیب فعالان کارگری در ایران نمی‌شود.

هشتمین شکایت در ۶ ماه مه ۱۹۶۱ توسط فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری WFTU صورت گرفته است.

موضوع برمی‌گردد به سرکوب اعتصاب معلمان در ۲ ماه مه ۱۹۶۱. در شکایت شاکی آمده بود هنگامی که سیزده هزار معلم خواهان دریافت حقوق بیش‌تر شدند، در روز ۲ ماه مه پلیس به‌سوی چهار هزار معلمی که در مقابل پارلمان دست به اعتصاب زده بودند آتش گشود که منجر به زخمی شدن تعدادی از اعتصابیون و کشته شدن عبدالحسین خانعلی شد.

در پاسخ، دولت ایران مدعی شد که اعتصابی که شاکی به آن اشاره کرده است یک حرکت سندیکایی نبوده است و تقاضاهای کادر آموزشی پذیرفته شده و رهبر اعتصاب هم‌اکنون وزیر آموزش و پرورش کشور است.

سازمان بین‌المللی کار اظهار می‌دارد اگر چه دولت ایران مدعی شده است که اعتصاب ربطی به فعالیت‌های سندیکایی نداشته است اما مشخص نمی‌کند که ماهیت اصلی این جنبش چه بوده است. به‌ویژه که دولت اظهارنظری در رابطه با شلیک به اعتصاب‌کننده‌ها که منجر به زخمی شدن عده‌ای و کشته شدن یک نفر شده، نمی‌کند.

سازمان بین‌المللی کار خواهان این می‌شود که دولت ایران بخاطر اهمیت موضوع به‌موارد مطرح‌شده پاسخ مناسب بدهد.

هم‌چنین در شکایت آمده است که نقض حقوق سندیکایی در ایران ادامه دارد و در ژانویه ۱۹۶۱ کارگران کارخانجات شهباز، وطن و پشم‌باف در اصفهان و کارگران دیگر نقاط، دستگیر و به‌خاطر فعالیت‌های سندیکایی‌شان مورد شکنجه واقع شده‌اند.

دولت ایران تمامی موارد یادشده را تکذیب می‌کند و از این که شاکی نتوانسته حتا نام یک نفر را ذکر کند، انتقاد به عمل می‌آورد.

از آن جایی که شاکی نتوانسته اطلاعات مکفی که ادعاهایش را ثابت کند در اختیار کمیته‌ی بررسی آزادی انجمن سازمان بین‌المللی کار قرار دهد، این اتهامات مورد

رسیدگی قرار نمی‌گیرند. شاکی هم‌چنین مدعی‌ست که در سال ۱۹۶۰ ده نفر از فعالان کارگری و دانشجویان دستگیر و به‌مرگ محکوم می‌شوند که حکم اعدام در مورد پنج نفر به‌مورد اجرا گذاشته می‌شود.

دولت ایران پاسخ می‌دهد که پیش‌تر چنین اتهاماتی مطرح شده بود و از سازمان بین‌المللی کار می‌خواهد که از بررسی آن‌ها خودداری کند. کمیته‌ی آزادی انجمن ضمن تأیید ادعای دولت ایران مبنی بر مطرح شدن اتهامات در گذشته و عدم ارائه‌ی اسناد و اطلاعات از سوی شاکی، در ارتباط با تأیید و اثبات ادعاهای دولت ایران اعلام می‌دارد که چون مورد جدیدی به اتهامات قبلی افزوده نشده، دلیلی برای بررسی مجدد آن نمی‌بینید.

برای نهمین بار در سال ۱۹۶۲ موضوع آتش گشودن بر روی اعتصاب معلمین که بر اساس شکایت قبلی کنفدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری در سطح سازمان بین‌المللی کار مطرح شده بود، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

دولت ایران یک بار دیگر بر روی ماهیت غیرسندیکایی تظاهرات معلمین تأکید کرده و مدعی می‌شود که این تظاهرات به‌وسیله هیچ سندیکایی سازمان‌دهی نشده بود. هم‌چنین دولت مدعی می‌شود که اسلحه‌ی یک افسر پلیس به‌صورت تصادفی شلیک و منجر به کشته شدن عبدالحسین خانعلی می‌شود. افسر فوق تحت تعقیب قضایی قرار گرفته و پرونده‌ی او در دادگاه نظامی در حال بررسی است.

در پاسخ دولت ایران اضافه شده است که این دولت هیچ دستورالعملی مبنی بر جلوگیری و یا مخالفت با تظاهرات صادر نکرده است و توضیح می‌دهد چنان‌چه ملاحظه می‌شود شکایت‌ها تنها مربوط به وقایع پیش و بعد از کودتای ۲۸ مرداد و تضادهای حزب توده و اردوگاه شرق با دولت شاهنشاهی است.

آخرین شکایت مربوط است به کشته شدن دکتر خانعلی در سال ۱۳۴۰. بعد از «انقلاب سفید» و طرح اصلاحات ارضی، رفرم در دولت شاهنشاهی و استقبال اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق و بالطبع حزب توده از این اصلاحات، مشاهده می‌شود

که دیگر هیچ شکایتی از دولت ایران و سرکوب کارگران و نقض حقوق بنیادین کار و آزادی‌های سندیکایی در سطح بین‌المللی از سوی مدعیان حمایت از حقوق کارگران و زحمت‌کشان صورت نگرفته است.

گاه‌شمار شکایت‌های مطرح‌شده از دولت ایران در سازمان بین‌المللی کار به‌خوبی ماهیت صرفاً سیاسی این شکایت‌ها را که در پوشش حمایت از حقوق کارگران و زحمت‌کشان ایرانی مطرح شده، نشان می‌دهد. خبر سرکوب کارگران در دهه‌ی ۴۰ و ۵۰ خورشیدی^۱، دستگیری و زندانی شدن فعالان کارگری هیچ‌گاه به‌آگاهی مجامع بین‌المللی نمی‌رسد چرا که کشتی‌بان را که «برادر بزرگ» باشد، سیاستی دگر آمده است.

ذکر این نکته لازم است که دلیل اصلی عدم موفقیت شکایت‌های مطرح‌شده در سطح بین‌المللی در این دوره، جدی نبودن شاکیان و عدم ارائه‌ی شواهد و مدارک مستند و حقوقی و از هم پاشیده شدن شیرازه‌ی تشکیلات حزب توده در ایران و نیز نبود سیستم‌های اطلاع‌رسانی است.

۱- در اردیبهشت ۱۳۵۰ مأموران ژاندارمری به‌روی کارگران جهان‌چیت که از محل کارخانه در کرج به‌سمت وزارت کار راهپیمایی می‌کردند در محل کاروان سراسنگی آتش گشودند که منجر به کشته و زخمی شدن تعدادی از کارگران شد. این جنایت مانند دیگر اخبار مربوط به سرکوبی کارگران ایرانی در سازمان بین‌المللی کار انعکاس نیافت.

شکایت علیه نقض حقوق سندیکایی و آزادی انجمن توسط دولت جمهوری اسلامی^۱

پس از سرنگونی نظام شاهنشاهی و به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی نه تنها تغییر مثبتی در وضعیت کارگران ایرانی به وجود نیامد بلکه با به قدرت رسیدن دولت جدید، به ویژه پس از ۳۰ خرداد ۶۰ و اعمال سرکوب لجام گسیخته، کارگران دست آوردهای قبلی شان را نیز از دست دادند. در این دوره علاوه بر سرکوب و زیر پا گذاشتن ابتدایی ترین حقوق کار، دولت جمهوری اسلامی با تشکیل «خانه‌ی کارگر»، انجمن‌های اسلامی و «شوراهای اسلامی کار» گام‌های جدیدی در بسط و توسعه‌ی سرکوب حقوق کار و فعالان سندیکایی برداشت.

در این دوره غالب شکایت‌های انجام گرفته در ارتباط با نقض حقوق سندیکایی توسط کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری ICFTU^۲ صورت گرفته است.

اولین شکایت علیه دولت جمهوری اسلامی در ماه مارس ۱۹۸۳ توسط ICFTU انجام می‌گیرد. ICFTU در شکایت خود از اخراج و دستگیری‌های گسترده در کارخانجات

۱- برای مطالعه‌ی مشروح این گزارش‌ها می‌توان در آدرس زیر آن‌ها را در بخش جمهوری اسلامی ایران پیدا کرد.

2-<http://www.ilo.org/ilolex/english/casframeE.htm>

اتومبیل‌سازی پارس، جنرال‌موتورز، خاور، مرسدس‌بنز، زامیاد، ماشین‌های ژاپنی، خودروسازان، ولوو، سایپا، کاوه و دیگر کارخانجات خبر می‌دهد. شاکی به‌عنوان مثال از کارخانه اتومبیل‌سازی پارس یاد می‌کند که یک‌هزار و هفتصد کارگر در روز ۲۲ آوریل ۱۹۸۲ در اعتراض به اقدامات انجمن اسلامی و عدم رعایت حقوق کار در آن، دست به اعتصاب می‌زنند. طبق اعلام شاکی پنج واحد از دفتر دادستانی همراه با گاردهای مسلح در حالی که پی در پی شلیک هوایی می‌کردند، وارد واحد مربوطه شده و به ضرب و شتم و دستگیری کارگران پرداختند. در میان دستگیرشدگان مدیر تولید و مسئول اداری، سرپرست لابراتور و سرپرست واحد بازرسی کارخانه نیز دیده می‌شوند. بر اساس ادعای شاکی، دستگیری‌ها تا چند روز ادامه داشته و دستگیرشدگان به زندان اوین و دفتر دادستانی در وزارت کار منتقل شده‌اند. ICFTU در شکایت خود نام چهل و چهار نفر از بازداشت‌شدگان و مسئولیت‌شان در کارخانه و قسمتی که در آن کار می‌کردند را ضمیمه می‌کند.

دومین مورد اعلام شده توسط شاکی، اعتصاب کارکنان شرکت مخابرات است که در ۱۲ ماه می ۱۹۸۲ در یک قسمت آغاز شده و به سرعت به بخش‌های دیگر سرایت کرده است. در روز ۱۶ ماه می گاردهای مسلح به ادارات حمله کرده و تعداد زیادی از کارمندان را به زندان اوین منتقل می‌کنند. سرانجام شاکی دولت ایران را متهم می‌کند که در ۲۸ جولای ۱۹۸۲ هفت سندیکای کارگری مهم تهران بزرگ را منحل کرده است.

دولت جمهوری اسلامی در پاسخ خود به کمیته‌ی بررسی‌ی آزادی انجمن سازمان بین‌المللی کار، ضمن تکذیب اعتصاب هزار و هفتصد نفر در پارس موتور، مدعی می‌شود که پانزده نفر از افراد یاد شده، به خاطر ارتباط با فعالیت‌های تروریستی دستگیر شده‌اند. و بیست و نه نفر دیگر هم‌چنان در کارخانه به کار اشتغال دارند. دولت، اعتصاب در شرکت مخابرات را تکذیب می‌کند و مدعی می‌شود هفت اتحادیه‌ی فوق به خاطر پایان یافتن مدت مأموریت هیأت‌های اجرایی و عدم برگزاری انتخابات جدید منحل اعلام شده‌اند. به دلیل اختلاف و تضاد ادعاهای دولت ایران و شاکی، کمیته‌ی بررسی آزادی انجمن سازمان بین‌المللی کار خواهان دریافت اطلاعات بیش‌تر از دو طرف می‌شود. اما به‌طور

ضمنی اقدامات دولت جمهوری اسلامی در ارتباط با اعتصاب کارگران را محکوم و اعلام می‌کند که اطلاعات داده شده از سوی دولت جمهوری اسلامی مبنی بر این که بیست و نه کارگر مزبور هم‌اکنون بر سر کار هستند، دال بر عدم دستگیری آنان در اعتصاب یادشده نیست.

سازمان بین‌المللی کار به شکل محتاطانه‌ای توصیه می‌کند که استفاده از نیروی نظامی برای اعاده‌ی نظم محدود شود. این سازمان دستگیری گسترده و اخراج کارگران اعتصابی را خطری جدی برای آزادی‌های سندیکایی اعلام می‌دارد.

در سال ۱۹۸۴ شکایت مطرح شده از سوی کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های آزاد کارگری ICFTU مجدداً مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بررسی ضمن یادآوری تصمیمات قبلی، به پاسخ‌های ارائه شده از سوی دولت جمهوری اسلامی اشاره شده است. کمیته‌ی بررسی آزادی انجمن، ادعاهای رژیم را نپذیرفته و مسئولیت‌های آن را یادآور می‌شود و یک بار دیگر دولت جمهوری اسلامی را به خاطر عدم ارائه‌ی اطلاعات کافی مورد انتقاد قرار می‌دهد.

از آن جایی که اطلاعات داده شده به‌طور نسبی جزئیات را مطرح کرده است، دست دولت جمهوری اسلامی برای تکذیب همه‌ی موارد بسته است و همین باعث می‌شود تا مورد انتقاد سازمان بین‌المللی کار قرار گیرد.

وجه تمایز این دو شکایت با شکایت‌هایی که در دهه‌ی ۳۰ خورشیدی از نظام شاهنشاهی شده بود، در این است که شکایت با اطلاعاتی که آن را اثبات می‌کند همراه است و افشاگری گسترده‌ی نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی در افکار عمومی غرب، زمینه‌های لازم برای چنین محکومیتی را ایجاد می‌کند. به‌ویژه که رسانه‌های عمومی غرب نیز دائم از نقض حقوق بشر در ایران سخن می‌گویند.

سومین شکایت علیه دولت جمهوری اسلامی نیز توسط ICFTU در ماه آوریل ۱۹۸۴ صورت می‌گیرد.

کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های آزاد کارگری در شکایت ۶ آوریل ۱۹۸۴ خود گزارش‌هایی در ارتباط با سرکوب فعالیت‌های سندیکایی در کارخانجات مختلف ایران در مارس و آوریل ۱۹۸۳ را ارائه می‌دهد.

شاکی خبر می‌دهد که در دهم فوریه ۱۹۸۳ سه هزار کارگر در کارخانه‌ی ساپیا در اعتراض به عدم پرداخت اضافه حقوق و مخالفت با مدیریت نالایق و بی‌تجربه، خبرچین‌های رژیم و... اعتصاب می‌کنند. طبق اطلاعات ICFTU مقامات به‌وسیله‌ی اعزام گاردهای مسلح و دستگیری تعدادی از کارگران، به اعتصاب پایان می‌دهند.

طبق اطلاع ICFTU سه هزار کارگر در کارخانه‌ی مخمل‌بافی کاشان در روز اول فوریه ۱۹۸۳ در اعتراض به شرایط ناگوار کار دست به اعتصاب می‌زنند.

شاکی اخباری نیز مبتنی بر اعتصاب گسترده در لاستیک‌سازی بی‌اف گودریچ، چیت‌سازی، پارس الکتریک، شیشه‌سازی قزوین، کارخانه‌ی قند ورامین، کارخانه‌ی نساجی شیراز، روغن‌نباتی قو و معدن زیرآب می‌دهد. بر اساس شکایت شاکی اعتصاب‌های فوق به‌وسیله‌ی نیروی نظامی سرکوب شده و تعدادی از کارگران اخراج و تعدادی به زندان برده شده‌اند.

دولت جمهوری اسلامی همه‌ی اتهامات را تکذیب کرده و فقط می‌پذیرد که یک کارگر به‌خاطر استفاده از خشونت از کار اخراج شده است.

کمیته‌ی بررسی آزادی انجمن‌های سازمان بین‌المللی کار به‌خاطر استفاده از خشونت در چهار اعتصابی که در کارخانه‌ها به‌وقوع پیوسته خواهان محدودیت استفاده از نیروهای نظامی برای اعاده‌ی نظم شده و به‌این ترتیب مسئولیت‌های دولت جمهوری اسلامی را یادآور می‌شود.

نکته‌ی حائز اهمیت آن است که سرکوب و وحشیانه‌ی پس از سی خرداد و کشتار کارگران و فعالان کارگری و سرکوب اتحادیه‌های کارگری آن‌چنان که باید و شاید در سطح جهانی و سازمان بین‌المللی کار انعکاس نمی‌یابد. دلایل اصلی این نقیصه برمی‌گردد به عدم حضور یک جنبش سندیکایی قوی در داخل کشور، عدم شناخت استانداردهای بین‌المللی حقوق کار، عدم تسلط فعالان کارگری به‌زبان انگلیسی، فرانسه، اسپانیایی و... عدم ارتباط لازم با نهادهای بین‌المللی و همکاری بخش مهمی از فعالان کارگری و سندیکایی ایران (وابستگان حزب توده و اکثریت) با رژیم جمهوری اسلامی و عدم توجه لازم گروه‌های سیاسی دیگر به این مهم.^۱

۱- لازم است به نقش سازنده‌ی زنده‌یاد دکتر کاظم رجوی در مطرح شدن شکایت علیه رژیم جمهوری اسلامی در سازمان بین‌المللی کار و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد اشاره کنم. او با شناخت عمیق خود از کارکرد سازمان‌های تخصصی بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی و با به‌کارگیری تخصص خود، زمینه‌ساز محکومیت‌های

متأسفانه در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۴ شکایتی بر علیه دولت ایران در زمینه‌ی نقض حقوق سندیکایی و یا آزادی انجمن صورت نمی‌گیرد. در حالی که موج زیادی از سرکوب اعتصابات و دستگیری‌ها در این دوره به‌وقوع پیوست. برای مثال حتا اعتصاب وسیع پزشکان و کادر پزشکی و درمانی که به‌دعوت سازمان نظام پزشکی ایران در سال ۱۹۸۵ به‌وقوع پیوست و منجر به دستگیری زنده‌یاد دکتر محمدعلی حفیظی رئیس سازمان نظام پزشکی ایران و بسیاری دیگر شد، انعکاسی در سازمان بین‌المللی کار پیدا نکرد.

باید توجه داشت اتحادیه‌های بین‌المللی در حکم اسلحه‌ای هستند که نیاز به‌مهمات و گلوله دارد. بدون آن، این اسلحه‌ها کاربردی ندارند. ارائه‌ی اطلاعات از سوی گروه‌ها و فعالان سیاسی، کارگری و سندیکایی دست این اتحادیه‌ها را برای حمله به‌رژیم بازمی‌گذارد.

چهارمین شکایت علیه دولت جمهوری اسلامی در ارتباط با نقض حقوق سندیکایی و آزادی انجمن‌ها نیز با دو دهه تأخیر توسط ICFTU و در ارتباط با کشتار کارگران شهر بابک، و موارد مختلف سرکوب حقوق ابتدایی کار در تاریخ‌های ۱۲ فوریه، دوم و چهارم ماه می و هفت جولای ۲۰۰۴ صورت می‌گیرد.

در این شکایت آمده است که به‌خاطر آتش گشودن پلیس ضدشورش در خاتون‌آباد شهر بابک، چهار کارگر به نام‌های مهدوی، جوادی، مؤمنی و ریاحی کشته و بیش از چهل کارگر مجروح شده‌اند. اخبار غیررسمی حاکی از کشته شدن بین هفت تا پانزده نفر و زخمی شدن سیصد نفر است. طبق اخبار رسیده ICFTU اظهار می‌دارد که کارگران درگیر در این اعتصاب شامل کارگران غیرماهر، کارگران ساختمانی و کارگران ماهری که در پروژه‌ی ساختمانی مس نازخاتون مشغول کار بوده‌اند هستند.

دولت محمد خاتمی در توجیه جنایت انجام گرفته در شهر بابک پس از چندین پاراگراف داستان‌سرایی بی‌هوده، مدعی می‌شود که در هنگام اعتصاب، با تعدادی از شورشیان

پی در پی رژیم در سازمان‌های بین‌المللی شد و به‌همین خاطر بهای آن را با بذل جان خود پرداخت و در ۲۴ آوریل ۱۹۹۰ در کوپه سوئیس هدف جوخه‌های تروریستی رژیم قرار گرفت. دکتر کاظم رجوی حق بزرگی به گردن تمامی مدافعین حقوق بشر، زندانیان سیاسی، کارگران و فعالان کارگری و هر آن کس که حق و حقوق‌اش توسط رژیم جمهوری اسلامی نقض شده بود، دارد.

ضد رژیم می که از اعتراضات، سوءاستفاده کرده و اموال عمومی را نابود کرده بودند، درگیری صورت می‌گیرد. دولت اظهار می‌دارد که نیروهای امنیتی تصمیم می‌گیرند که برای مقابله با تشنج و اعاده‌ی نظم، مردم را با شلیک گاز اشک‌آور پراکنده کنند، اما نیروهای امنیتی با مقاومت شورشیان مسلح غیرقانونی مواجه می‌شوند و چاره‌ای به‌جز استفاده از از قوه‌ی قهریه و شلیک گلوله در شرایطی که امنیت ملی و نظم به‌طور جدی مورد تهدید واقع شده بود، نداشتند.

دولت خاتمی تلاش می‌کند ضمن پذیرش موضوع اعتصاب کارگران کارخانه‌ی مس، موضوع شلیک به‌تظاهرکنندگان را جدای از آن به‌عنوان واقعه‌ای در شهر بابک و برای جلوگیری از آسیب به اموال عمومی جلوه دهد. در حالی که علیرضا محجوب دبیرکل خانه‌ی کارگر و منصور سلیمانی میمندی نماینده‌ی شهر بابک تأیید کرده بودند که نیروی پلیس در هنگام اعتصاب، به اعتصاب‌کنندگان شلیک کرده بود و در گزارش مزبور روی این نکات تکیه شده است.

ICFTU در شکایت خود به‌دستگیری‌های اول ماه مه ۲۰۰۴ شهر سقز به‌طور مبسوط و با ارائه‌ی جزئیات دقیق و کامل اشاره کرده است. در این شکایت آمده است که محمود صالحی، جلال حسینی، برهان دیوارگر و محمد عبدی‌پور به‌اتهام ارتباط با گروه سیاسی چپ کومله در دادگاه محاکمه خواهند شد. این چهار نفر جزو پنجاه نفری بودند که در جریان برگزاری اول ماه مه در سقز دستگیر شدند.

ICFTU در شکایت خود، به نبود حق تشکل آزاد در کارخانجات ایران خودرو اشاره و تأکید کرده که ایران خودرو با داشتن بیش از سی و چهار هزار کارگر حتا از داشتن شورای اسلامی کار نیز محروم است.

هم‌چنین به دادگاه غیرعلنی محسن حکیمی که در جریان تظاهرات اول ماه مه سقز دستگیر شده بود و نیز به‌دستگیری معلمان از جمله محمود بهشتی لنگرودی و علی اصغر ذاتی اشاره شده است.

به‌طور کلی در این شکایت به‌محرومیت تعداد زیادی از کارگران، از شمول قانون کار با صراحت اشاره شده است.

کمیته‌ی آزادی انجمن به‌طور تلویحی ادعاهای رژیم را رد کرده و ضمن یادآوری

مسئولیت‌های رژیم تأکید می‌کند در مواقعی که تلاش پلیس برای اعاده‌ی نظم منجر به کشته و یا مجروح شدن افراد می‌شود، لازم است تحقیقات مستقلی صورت بگیرد و مسئولین واقعه را مشخص سازد. کمیته اظهار تأسف خود را نسبت به نداشتن اطلاعات کافی راجع به موضوع استفاده از قوه قهریه در سرکوب کارگران مجتمع مس خاتون‌آباد اعلام، و اظهار می‌دارد که مشخص نیست کشته‌شدگان کارگرانی بوده‌اند که در اعتراض به خواسته‌های اجتماعی کشته شده‌اند، یا چنانچه دولت ادعا کرده درگیر در یک اعتراض سیاسی بوده‌اند. کمیته از دولت جمهوری اسلامی می‌خواهد که در ارتباط با دستگیری هشتاد نفری که در جریان این اعتصاب و اعتراضات دستگیر شده‌اند، توضیحات کافی بدهد.

در ماه مارس ۲۰۰۶ اطلاعات تکمیلی از سوی ICFTU در ارتباط با کشتار کارگران مجتمع مس خاتون‌آباد و سرکوب و دستگیری کارگران سقز در اختیار کمیته‌ی بررسی آزادی انجمن سازمان بین‌المللی کار قرار می‌گیرد. اطلاعات تکمیلی شامل اطلاعیه‌ی مرکز عالی شوراهای اسلامی کار می‌شود که ضمن آن کشته شدن چهار کارگر در وقایع خاتون‌آباد تأیید شده است.

کمیته‌ی آزادی انجمن اظهار نظر می‌دارد که بر اساس تحقیقات انجام گرفته چهار نفر کشته شده برخلاف اظهار نظر دولت ایران، کارگر بوده‌اند و درگیر در اعتراضات سیاسی نبوده‌اند. کمیته، عمیقاً نسبت به کشته شدن افراد بی‌گناه اظهار تأسف و از نحوه‌ی برخورد دولت و استفاده از نیروی نظامی برای کنترل تظاهرات و اعتصاب کارگران انتقاد می‌کند.

موضوع دستگیری فعالان کارگری در سقز، اعتصابات و اعتراضات کارگری و روند قضایی صورت گرفته علیه فعالان کارگری در شهرستان سقز در این شکایت مطرح شده و سازمان بین‌المللی کار ضمن پی‌گیری شکایت از عدم همکاری دولت ایران انتقاد می‌کند.

پنجمین شکایت توسط ICFTU و فدراسیون بین‌المللی کارگران حمل و نقل در ۲۵ جولای ۲۰۰۶ در ارتباط با وضعیت منصور اسالو و دستگیری گسترده‌ی کارگران اعتصابی شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه صورت می‌گیرد.

در این شکایت تأکید می‌شود که دولت از سال ۱۹۷۹ به بعد اجازه‌ی فعالیت آزاد سندیکایی را نداده است و خانه‌ی کارگر، نهاد کارگری شناخته‌شده از سوی دولت است.

در شکایت آمده است که قانون کار تأکید کرده کارگران حق دارند در محل‌های کار خود انجمن اسلامی، و در مراکز صنعتی و کشاورزی و خدماتی که بیش از سی و پنج کارگر دارند شورای اسلامی کار تشکیل دهند. در این شکایت ICFTU اظهار می‌دارد که خانه‌ی کارگر اگر چه در ارتباط با مسائل جانبی از قبیل بالابردن دستمزد کارگران گاهی به‌میدان می‌آید، اما در حقیقت کانال دولت برای کنترل کارگران است.

در این شکایت هم‌چنین به زیرپا گذارده شدن حقوق اولیه‌ی کار از جمله حق تشکل، و برخورداری از حق داشتن قراردادهای جمعی اشاره و تأکید شده است که هیچ نشانه‌ای از اعتراض خانه‌ی کارگر نسبت به دستگیری کارگران شرکت واحد در دست نیست و هیچ مدرکی دال بر تلاش آنان برای انعقاد قراردادهای جمعی کار وجود ندارد.

این شکایت ضمن مطرح کردن نقض حقوق سندیکایی توسط جمهوری اسلامی، به‌افشای ماهیت خانه‌ی کارگر، شورای اسلامی کار و انجمن‌های اسلامی می‌پردازد. شکایت هم‌چنین به‌حمله نیروهای خانه‌ی کارگر و شورای اسلامی کار به‌جلسه‌ی افتتاحیه‌ی سندیکای شرکت واحد به شرح زیر اشاره کرده است:

در تاریخ نهم ماه می فراخوان برگزاری جلسه‌ی بازگشایی رسمی اتحادیه‌ی مستقل در شرکت واحد اتوبوسرانی در محل ساختمان انجمن کارگران نانویی داده شد. انجمن صنفی نانویان یک سازمان مستقل کارگری است که ساختمانش را در اختیار کارگران شرکت واحد قرارداد داده بود. جلسه با خشونت توسط تعداد زیادی از اعضای سازمان‌های رسمی کارگران، خانه‌ی کارگر، و شورای اسلامی شرکت واحد به‌هم خورد.

این حمله در ساعت ۲ بعد از ظهر با ورود حدود سیصد چماق‌دار به‌محل ساختمان انجمن صنفی نانویان اتفاق افتاد. در این حمله مهاجمین به شکستن در و پنجره‌ها، پاره کردن اسناد و نابود کردن کتاب‌های کتابخانه پرداختند. آن‌ها هم‌چنین به ده نفر از اعضای کمیته‌ی افتتاح‌کننده حمله‌ور شدند. در این حمله، منصور اسالو مورد ضربات چاقو قرار گرفت. برخی منابع مدعی شده‌اند که جلال سیدمنش عضو شورای اسلامی شرکت واحد که گفته بود قصد بریدن زبان و جدا کردن سر از بدن اسالو را دارد مقصر اصلی است. طبق گزارش‌ها دست‌های اسالو توسط حسن صادقی رئیس شورای عالی هم‌آهنگ‌کننده‌ی شوراهای اسلامی از پشت بسته شده بود. در اثر این حمله، منصور اسالو برای بخیه‌ی زبان و پشت کردن در بیمارستان بستری شد. ابراهیم مددی کارگر فنی که با اقدامات تنبیهی مواجه شده

بود به همراه چند نفر دیگر از فعالان سندیکا در این حمله کتک خوردند.

نیروهای امنیتی حاضر در صحنه، هیچ مداخله‌ای نکردند و تنها به ثبت حوادث پرداختند. آن‌ها دوربین‌ها و نوارهای ضبط‌شده آژانس‌های خبری و گزارش‌گران روزنامه‌ها را مصادره کردند.

در هفتم سپتامبر، نیروهای امنیتی تعدادی از اعضای اتحادیه را در جریان اعتراض به دستمزدهای معوقه بازداشت کردند. دستگیرشدگان منصور اسالو، ابراهیم مددی، نایب رئیس هیئت مدیره اتحادیه، عباس نژدی کودکی، ناصر غلامی، داوود نوروزی، حسن حاج‌علی‌وند و نعمت امیرخانی بودند. در روز هشتم سپتامبر آن‌ها به دادگاه برده شدند و به اتهام «برهم زدن نظم عمومی» دستگیر و به‌طور موقت در روزهای بعد آزاد شدند.

در بیست و دوم ماه دسامبر، سیزده تن از رهبران اتحادیه توسط عاملین وزارت اطلاعات دستگیر شده و به زندان اوین در تهران، زندانی که به محل بازداشت و شکنجه‌ی زندانیان سیاسی معروف است برده شدند. اتهام آن‌ها «فعالیت‌های اتحادیه‌ی کارگری غیرقانونی» بود. بازداشت‌شدگان عبارت بودند از: منصور حیات‌غیبی، عباس نژدی کودکی، عبدالرضا ترازوی، علی‌زاد حسینی؛ غلامرضا میرزایی، اکبر یعقوبی، رضا بوربور، حمیدرضا رضایی‌فر، سید جواد سیدانی و مرتضی کامساری.

شانزده نفر از فعالان اتحادیه در این زمان بازداشت شدند که ناصر غلامی، داوود رضوی، سعید ترابیان و یعقوب سلیمی از اعضای هیئت مدیره و بقیه از اعضای اتحادیه بودند به نام‌های: رضا شهابی، امیر تاخیری، صادق قندان، علی ابراهیمی، صادق ممدی، حمید زندی، علی قربانیان، ارسلان زربارنیا، حسین مهدی‌خانی، حسین جوادی، مجید طلایی و اکبری. به‌دنبال اعتصاب عمومی توسط رانندگان شرکت اتوبوسرانی تهران در ۲۵ دسامبر همه‌ی بازداشت‌شدگان آزاد شدند بجز منصور اسالو.

در پایان سال ۲۰۰۵ شش تن از بازداشت‌شدگان به نام‌های منصور حیات‌غیبی، ابراهیم مددی، عبدالرضا ترازوی، غلامرضا میرزایی، عباس نژدی کودکی و علی‌زاد حسینی به دادگاه فراخوانده و در ژانویه ۲۰۰۶ متهم به «اختلال در نظم عمومی» شدند. منصور اسالو متهم به تحریک برای شورش مسلحانه شد.

در این گزارش به تاریخچه‌ی تشکیل سندیکای شرکت واحد اشاره شده و پرونده‌ی منصور اسالو همراه با اطلاعات مستند و کافی در اختیار سازمان بین‌المللی کار گذاشته شده است. وقایع مربوط به اعتصاب شرکت واحد به صورت کرونولوژی از ژانویه ۲۰۰۶ به بعد در این شکایت آورده شده است و به دستگیری‌های چند باره‌ی اعضای هیأت مدیره و فعالان سندیکای کارگران شرکت واحد اشاره شده است.

این گزارش اسامی کارگران اخراجی شرکت واحد را به شرح زیر آورده است: محمد ابراهیم نوروزی گهر، حسن کریمی، غلامرضا خوش‌مرام، هادی کبیری، محمد اسلامیان، غلامرضا فضلی، عباس نژدی کودکی، مسعود علی بابایی نهماوندی، حسن میرزایی، سید بهروز حسینی، عبدالرضا ترازوی، غلامرضا میرزایی، نعمت‌الله امیرخانی، حسین کریمی سبزواری، یعقوب سلیمی، حبیب شمعی نژاد، حسن محمدی، حسن کریمی، محمد نعمتی پور، سلطان‌علی شکری، عطا باباخانی، فیض‌اله مظاهری، احمد مرادوند، علی اکبر پیرهادی، وهاب محمدی زارنکش، داوود نوروزی، سعید ترابیان، امیر قانع، محمد هژبری، آیت جدیدی، علی زادحسینی، غلامرضا غلامحسینی، سیدرضا نعمتی پور، غلامرضا خانی، امیر تاخیری، ابراهیم غلامی، سید داوود رضوی، سید محمد حسین دادخواه، مسعود فروغی نژاد، محمدصادق خندان، جمیل بهادری، منصور حیات‌غیبی، ابراهیم مددی، سید حسین رخت، ناصر غلامی، رضا شهابی دکاربار.

موضوع آنقدر مستدل و مستند است که امکان تکذیب آن وجود ندارد. کمیته‌ی آزادی انجمن کلیه‌ی دعاوی رژیم را رد کرده و در بیش از پانزده پارگراف از اقدامات رژیم اظهار تأسف کرده و مراتب نگرانی خود نسبت به زی‌پا گذاشته شدن ابتدایی‌ترین حقوق کار توسط رژیم را اعلام می‌دارد. پیشرفت تکنولوژی و به‌ویژه وجود اینترنت، ماهواره و تلفن‌دستی و بهبود وضعیت ارتباطی، به فعالان کارگری و اتحادیه‌های بین‌المللی کمک می‌کند که در اسرع وقت به اطلاعات جامع و کاملی در ارتباط با نقض حقوق کار توسط دولت دسترسی پیدا کنند و این بیش از هر چیز دست دولت را برای فریب سازمان بین‌المللی کار می‌بندد.

در تاریخ ۶ دسامبر ۲۰۰۶ کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری ITUC اطلاعات تکمیلی در ارتباط با شکایت‌های قبلی در مورد سرکوب کارگران سقز و از جمله پرونده‌ی

دادگاه و محکومیت محمود صالحی و... پرونده‌ی کارگران نساجی سنندج و دستگیری شیث رضایی و... و تهدید سایر نمایندگان کارگران، از جمله آقایان هادی زارعی، اقبال مرادی، حسن شریعتی، فرشید بهشتی‌زاد و احمد فتحی و تضییقات به وجود آمده برای فعالان کانون صنفی معلمان را در اختیار کمیته آزادی انجمن می‌گذارد.

کمیته‌ی مزبور در تمامی زمینه‌ها اقدامات دولت جمهوری اسلامی را نقض حقوق کار تلقی کرده و خواهان رعایت این حقوق از سوی دولت ایران شده و نسبت به عدم همکاری دولت انتقاد می‌کند.

ششمین شکایت علیه دولت جمهوری اسلامی توسط سازمان بین‌المللی کارفرمایان^۱ در تاریخ ۲۴ می ۲۰۰۷ صورت می‌گیرد که با شکایت ۱۹ ماه می ۲۰۰۸ تکمیل می‌شود. موضوع شکایت برمی‌گردد به انحلال «کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران» توسط دولت و ارجاع موضوع به دیوان عدالت اداری. این شکایت حاوی مداخله‌ی دولت جمهوری اسلامی در انتخابات انجمن‌های کارفرمایی است. سازمان بین‌المللی کارفرمایان در شکایت به سازمان بین‌المللی کار اعلام می‌کند که نماینده‌ی کارفرمایان در کنفرانس سازمان بین‌المللی کار که طبق مفاد ماده‌ی «۳» و بند ۵ قانون بین‌المللی کار باید با مشورت کانونی که بیش‌ترین اعضا را در اختیار دارد، انتخاب شود، معرفی نشده است. کمیته‌ی اعتبارنامه‌های سازمان بین‌المللی کار نیز این شکایت را مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای از سوی دولت ایران به سازمان بین‌المللی کار ارسال نشده است که کانون عالی کارفرمایان (قدیم) نماینده‌ی واقعی کارفرمایان نیست. در این رابطه کمیته‌ی آزادی انجمن نیز توصیه‌های زیر را در مورد دولت جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد:

و داشتن دولت ایران به خودداری از دخالت در امور داخلی تشکل‌های کارفرمایی و نیز عدم مداخله در انتخاب آزادانه‌ی نمایندگان‌شان و جلوگیری از مواردی که مغایر با اصول آزادی انجمن باشد. هم‌چنین خودداری دولت از نگاه جانب‌دارانه نسبت به یکی از تشکل‌های کارفرمایی در مقابل دیگر تشکل‌های کارفرمایی. ترغیب دولت ایران به اقدامات لازم جهت اصلاح قوانین و مقررات موجود به طوری که حق انتخاب نمایندگان تشکل‌های کارفرمایی و کارگری به شکلی آزاد و بدون امکان ممانعت مسئولان دولتی تضمین شود.

1- International Organisation of Employers (IOE)

کمیته‌ی آزادی انجمن در این اجلاس از دولت ایران تقاضا کرد اقدامات فوری برای اصلاح قانون کار را به‌گونه‌ای فراهم آورد که اصول آزادی انجمن برای همه‌ی کارفرمایان و کارگران به‌شکل حقوق شناخته‌شده تضمین شود.

در ژوئن ۲۰۰۹ آنتونیو پنالوزا دبیر کل گروه کارفرمایان، از طرف این گروه در اجلاس ۹۸ کنفرانس بین‌المللی کار در نامه‌ای به خوان سوماویا، اعتراضیه‌ای علیه هیأت کارفرمایی منتخب دولت جمهوری اسلامی ایران اقامه کرد.^۱

در ۱۱ جولای ۲۰۰۷ کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری^۲ و فدراسیون بین‌المللی کارگران حمل و نقل^۳ اتهاماتی جدیدی را علیه دولت ایران در ارتباط با احضار، دستگیری و سیر پرونده قضایی اسالو و دیگر اعضای هیئت مدیره شرکت واحد مطرح می‌کنند. کمیته‌ی آزادی انجمن، پاسخ‌های دولت ایران را به‌هیچ‌وجه نپذیرفته و بر روی نقض حقوق کار، آزادی انجمن‌ها و زیرپا گذاشته شدن حقوق فردی و اولیه‌ی اعضای سندیکا تأکید می‌کند. و به‌خاطر وخامت اوضاع و نقض گسترده‌ی حقوق کار از دولت ایران می‌خواهد که یک هیأت تماس مستقیم را بپذیرد.

ITUC اطلاعات تکمیلی خود در ارتباط با شکایت مورخ جولای و آگوست سال ۲۰۰۷ را در اختیار کمیته‌ی آزادی انجمن می‌گذارد و این کمیته پس از دریافت پاسخ‌های دولت جمهوری اسلامی دوباره بر تصمیمات قبلی خود پافشاری می‌کند.

به‌علت سرکوب شدید فعالیت‌های سندیکایی مستقل، جمهوری اسلامی ایران در کنار ونزوئلا از سوی کمیته‌ی آزادی انجمن‌های سازمان بین‌المللی کار به‌عنوان کشورهای که وضعیت آن‌ها جدی و فوری است و شورای حکام سازمان بین‌المللی کار باید به‌پرونده‌های مفتوحه علیه این دو کشور توجه ویژه داشته باشد، معرفی شدند.

در ۲۹ ژانویه و ۲۸ فوریه ۲۰۰۸ ITUC با ارائه‌ی شکایتی خبر از تداوم سرکوب معلمان و ممانعت از انجام فعالیت‌های سندیکایی آن‌ها می‌دهد. در این شکایت به‌تاریخچه‌ی تشکیل تشکل معلمان اشاره شده و موارد متعدد دستگیری و تهدید با ارائه‌ی جزئیات

۱- در حالی که مهندس عطاردیان دبیرکل کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران که در رقابت‌های داخلی توسط وزارت کار حذف شده، به عنوان عضو علی‌البدل هیأت مدیره‌ی سازمان بین‌المللی کار می‌بایست در نود و هشتمین کنفرانس بین‌المللی کار حضور می‌یافت.

2- International Trade Union Confederation (ITUC)

3- International Transport Workers' Federation (ITF)

مربوط به اعتصاب‌ها و واکنش‌های دولت در شهرهای مختلف ایران مطرح شده است. این گزارش از دستگیری سیصد معلم و آکادمیک در جریان برگزاری تظاهرات معلمان خبر می‌دهد. در شکایت مربوطه اسامی معلمانی که به خاطر فعالیت‌های سندیکایی دستگیر و به زندان محکوم شده‌اند، آمده و به‌مواردی که منجر به آزادی با وثیقه، یا دیگر تضییقات حقوقی بوده اشاره شده است.

کمیته‌ی آزادی انجمن به‌تلاش‌های اتحادیه‌های بین‌المللی برای گفتگو بین دولت و سندیکاها اشاره کرده و می‌گوید سازمان بین‌المللی تعلیم و تربیت^۱ و «کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری» ITUC بسیاری در چند ماه گذشته کوشش به‌خرج داده‌اند تا به دولت جمهوری اسلامی ایران یادآوری کنند که معلمان حق دارند در فعالیت‌های کارگری مداخله کنند.

در شکایت یاد شده به وضعیت فرزند کمانگر و محکومیت او به‌اعدام نیز پرداخته شده است. کمیته‌ی آزادی انجمن پاسخ‌های ارائه شده از سوی دولت ایران را نپذیرفته و در بیش از ده پاراگراف، تأسف شدید خود را نسبت به‌زیرپا گذاشتن حقوق معلمان و حقوق کار اعلام و نسبت به‌وضعیت موجود اظهار نگرانی کرده و مصرانه از دولت ایران خواسته است که به تعهدات خود عمل کند.

به‌ضمیمه این شکایت اسامی بیش از صد و بیست و پنج نفر از معلمان ایرانی که بازندان، جریمه و انفصال از خدمت مواجه شده‌اند، آمده است.

- برخلاف شکایت‌های دهه‌ی سی خورشیدی علیه نقض حقوق سندیکایی توسط دولت شاهنشاهی که با هیچ‌گونه موفقیتی همراه نبود، کلیه‌ی شکایت‌های صورت گرفته به‌ویژه در پنج سال گذشته با موفقیت همراه بوده و دولت جمهوری اسلامی در تمامی موارد محکوم شناخته شده است. دلیل عمده‌ی این تفاوت برمی‌گردد به‌چگونگی تنظیم شکایت‌ها و اطلاعات و اخبار و اسنادی که توسط شاکی در اختیار سازمان بین‌المللی کار گذاشته شده است. در این رابطه می‌بایستی روی نقش بی‌تردید پیشرفت تکنولوژی ارتباطی تأکید کرد.

- حجم شکایت‌های صورت گرفته از سال ۲۰۰۴ به‌بعد، رشد حرکت‌های سندیکایی در ایران و لحن شدید، قاطع و بی‌سابقه‌ی سازمان بین‌المللی کار در محکومیت

نقض حقوق سندیکایی توسط دولت جمهوری اسلامی و تعیین مهلت (۲۰۱۰) برای تغییر قوانین و رعایت مقابله‌نامه‌های کار توسط آن دولت، نشان‌دهنده‌ی شرایط سخت ایران در این نهاد بین‌المللی است که می‌بایستی آن را به‌فال نیک گرفت و تلاش کرد این فشار هرچه افزوده‌تر شود.

- جمهوری اسلامی در سازمان بین‌المللی کار در موقعیت خطیری قرار گرفته است. تلاش‌های کمیته‌های هم‌آهنگی برای تشکیل سندیکاهای آزاد و مستقل کارگری در ایران و به‌ویژه تلاش‌های کارگران عضو سندیکاهای مستقل شرکت واحد، نیشکر هفت‌تپه و اتحادیه‌ی آزاد کارگران را بایستی ارج نهاد و از آن‌ها پشتیبانی کرد. رژیم در موقعیتی قرار گرفته است که ناگزیر به‌دادن امتیاز است. چنان‌چه هشیاری به‌خرج داده شود، بیرون آمدن از مخمصه‌ای که در آن قرار گرفته به‌سادگی امکان‌پذیر نیست.

- موقعیت وخیم دولت جمهوری اسلامی در سازمان بین‌المللی کار باعث شده است که این دولت نتواند از سهمیه منطقه‌ای آسیا استفاده کرده و کرسی ریاست سازمان بین‌المللی کار را که در دسترس داشت، به دست بیاورد و ناگزیر است خود را کنار کشیده و نتواند از این موقعیت بین‌المللی استفاده کند.

نکات مهم توصیه‌های کمیته‌ی آزادی انجمن

در جریان نود و هشتمین کنفرانس بین‌المللی کار

کمیته یک‌بار دیگر با صراحت به‌دولت اعلام می‌دارد که از دخالت در حق آزادی کامل سازمان‌های کارفرمایی جهت انتخاب نمایندگان‌شان خودداری کرده و اقدامات لازم را جهت اصلاح قوانین موجود، شامل قانون کار و «آئین‌نامه‌ی چگونگی تشکیل، حدود وظایف و اختیارات و چگونگی عمل‌کرد انجمن‌های صنفی و کانون‌های مربوط، مصوب هیأت وزیران»، انجام داده و اطمینان حاصل کند که سازمان‌های کارگری و کارفرمایی به‌طور کامل و بدون دخالت مقامات دولتی از حقوق خود در انتخاب آزادانه‌ی نمایندگان‌شان برخوردار می‌باشند.

کمیته انتظار دارد دولت از ادامه‌ی هر گونه جانب‌داری دست برداشته و رفتار تبعیض‌آمیز

گذشته را که در حمایت از کانون عالی کارفرمایان ICEA انجام داده جبران نماید و چنین اقداماتی را در آینده تکرار نکند.

کمیته، یکبار دیگر به صراحت از دولت می‌خواهد که اقداماتی اضطراری را در جهت اصلاح قانون کار انجام دهد، به نحوی که اطمینان حاصل شود نه تنها حقوق آزادی تشکل‌های کلیه کارگران بلکه حق آزادی تشکل کلیه کارفرمایان نیز برآورده گشته و به خصوص، حق کارگران و کارفرمایان برای تأسیس بیش از یک سازمان، چه در سطح بنگاه اقتصادی یا بخش‌های اقتصادی و یا سطح ملی تأمین گردد. هم‌چنین انتظار می‌رود که این مسئله به نحوی انجام گیرد که از وارد آمدن خسارت به حقوقی که کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران ICEA قبلاً از آن برخوردار بوده جلوگیری شود.

کمیته مصرانه می‌خواهد که دولت، عدم دخالت و بی‌طرفی کامل را در اجرای حق آزادی تشکل‌های کارفرمایان در رابطه با عضویت در کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران ICEA اتخاذ نماید و هیچ‌گونه دخالت و یا جانبداری رسمی و یا غیررسمی از سازمان‌های دیگر ننماید و همواره کمیته را از اقدامات انجام گرفته در این رابطه مطلع سازد. کمیته از هیأت حکام سازمان بین‌المللی کار می‌خواهد که به موقعیت خطیر فضای موجود تشکل‌های صنفی در جمهوری اسلامی ایران توجه و رسیدگی نماید.

پرونده‌های مورد رسیدگی قرار گرفته در کمیته‌ی متخصصین اجرای مقاوله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌ها

پرونده‌ی دولت جمهوری اسلامی بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۹ سی بار در کمیته‌ی متخصصین اجرای استانداردهای سازمان بین‌المللی کار مورد بررسی قرار گرفته است. این بررسی‌ها سه بار در سال ۱۹۹۰، ۱۹۹۳ و ۲۰۰۰ در ارتباط با مقاوله‌نامه‌ی کار اجباری (۲۹)؛ هفت بار در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ همه ساله در ارتباط با مقاوله‌نامه‌ی دستمزد (۹۵)؛ و ۴ بار در سال‌های ۲۰۰۵، ۲۰۰۶، ۲۰۰۷ و ۲۰۰۹ در ارتباط با مقاوله‌نامه‌ی سیاست استخدامی (۱۲۲)؛ پانزده بار در ارتباط با مقاوله‌نامه‌ی منع تبعیض در استخدام و اشتغال (۱۱۱) صورت گرفته است.^۱

پرونده‌های مورد رسیدگی

در کمیته‌ی کنفرانس اجرای استانداردهای سازمان بین‌المللی کار

پرونده‌ی دولت جمهوری اسلامی بین سال‌های ۱۹۸۷ تا ۲۰۰۹ در کنفرانس بررسی اجرای استانداردهای سازمان بین‌المللی کار مرکب از هیأت‌های سه جانبه‌ی کارگری، کارفرمایی و دولتی که هر ساله در ماه ژوئن در ژنو برگزار می‌شود، شانزده بار در بخش «بررسی‌های انفرادی»^۲ در میان بیست و پنج کشور عضو مطرح شده است. این بررسی‌ها

1- www.ilo.org/ilolex/english/newcountryframeE.htm

2- Individual Observations

یک بار در سال ۱۹۸۷ در ارتباط با کنوانسیون کار اجباری (مقوله‌نامه‌ی ۲۹)؛ دو بار در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷ در ارتباط با مقوله‌نامه‌ی دستمزد (مقوله‌نامه‌ی ۹۵) و سیزده بار در ارتباط با مقوله‌نامه‌ی منع تبعیض در محیط کار (مقوله‌نامه‌ی ۱۱۱) صورت گرفته است.

لازم به ذکر است که از سال ۱۹۸۹ تا سال ۲۰۰۹ کمیته‌ی بررسی اجرای استانداردهای سازمان بین‌المللی کار شصت و هفت بار از دولت جمهوری اسلامی خواستار ارائه‌ی توضیحات در مورد قوانین و مقررات مصوب و ارائه‌ی اطلاعات در مورد مقوله‌نامه‌های بین‌المللی که دولت ایران موظف به رعایت آن‌هاست، شده است.

درخواست‌های این کمیته علاوه بر مقوله‌نامه‌های ۱۱۱ و ۹۸، ۸۷ در مورد نحوه‌ی اجرای مقوله‌نامه‌های کار اجباری ۲۹؛ استراحت هفتگی (بازرگانی و دفاتر) مقوله‌نامه‌ی ۱۰۶؛ استراحت هفتگی (صنایع) مقوله‌نامه‌ی ۱۴؛ دیه حوادث مقوله‌نامه‌ی ۱۹؛ حمایت از دستمزد مقوله‌نامه‌ی ۹۵ و سیاست استخدامی مقوله‌نامه‌ی ۱۲۲ بوده است.

در سال‌های دهه‌ی ۹۰ چندین شکایت از سوی کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های آزاد کارگری ICFTU و کنفدراسیون جهانی کار WCL در ارتباط با تبعیض در استخدام و کار نقض مقوله‌نامه‌ی ۱۱۱ صورت گرفته است که منجر به ذکر نام دولت جمهوری اسلامی در لیست کشورهای ناقض حقوق کار شد. هم‌چنین به خاطر شکایت مستدل و همراه با شواهد و مدارک غیرقابل تردید این دو اتحادیه، دو پاراگراف ویژه از سوی سازمان جهانی کار در ارتباط با نقض حقوق بنیادین کار توسط دولت جمهوری اسلامی تصویب شد. این دو پاراگراف مقدمه‌ای شد برای مشکلات دولت جمهوری اسلامی با سازمان بین‌المللی کار.^۱

در سال‌های اخیر و از جمله سال جاری و سال گذشته نیز ICFTU و ITUC با ارائه‌ی اطلاعات خود در ارتباط با نقض مقوله‌نامه‌ی ۱۱۱ توسط رژیم، توجه کمیته‌ی بررسی

۱- شکایت این دو سازمان بر اساس مدارک و مستندات ارائه شده از سوی DUIW «اتحادیه دموکراتیک کارگران ایرانی - در تبعید» وابسته به شورای ملی مقاومت که عضویت WCL را هم داشت تهیه شده بود. ضربه وارده به رژیم آن چنان شدید و تأثیر گذار بود که با شکایت‌های مختلف در سال‌های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ به کمیته سازمان‌های غیردولتی سازمان ملل و طرح دعاوی و اتهامات غیرواقعی تلاش کرد از حضور افراد وابسته به این نهاد در مجامع بین‌المللی که به منظور محکومیت نقض حقوق بنیادین کار توسط رژیم صورت می‌گرفت جلوگیری کند تا بلکه یکی از عوامل اصلی محکومیت رژیم از بین برود.

اجرای استانداردها را نسبت به نقض حقوق پایه‌ای کار در ایران جلب کرده‌اند.^۱

در طول این سال‌ها چندین شکایت در ارتباط با نقض مقاوله‌نامه‌ی ۱۲۲ (سیاست‌های استخدامی) و نیز نقض مقاوله‌نامه‌ی ۹۵ (دستمزدها) از سوی ICFTU و کنفدراسیون جهانی کار WCL صورت گرفته است که نتایج آن‌ها در کتاب‌های سبز و گزارش سالانه‌ی کمیته‌ی بررسی اجرای استانداردها آمده است.

پرونده‌های مربوط به نقض مقاله‌نامه‌ی ۱۱۱ توسط دولت جمهوری اسلامی در سازمان بین‌المللی کار

با آن که موارد متعددی از تبعیض جنسی در دوران پهلوی نیز وجود داشت، اما در این دوران شکایت و یا گزارشی در مورد نقض مقاله‌نامه‌ی ۱۱۱ به سازمان بین‌المللی کار ارائه نمی‌شود. برای مثال با آن که ماده‌ی ۱۱۱۷^۱ قانون مدنی در سال ۱۳۱۴ تصویب شد اما در دوران جمهوری اسلامی باعث بروز مشکلات زیادی برای دولت شده است.

از سال ۱۹۹۰ هر ساله موارد گوناگونی از نقض مقاله‌نامه‌ی ۱۱۱ توسط دولت جمهوری اسلامی در سازمان بین‌المللی کار مطرح و پرونده‌های متعددی گشوده شده است. بیش‌ترین موارد نقض مقاله‌نامه مربوط به تبعیض‌های جنسی و مذهبی است. زنان و اقلیت‌های مذهبی، به‌ویژه بهایی‌ها، قربانیان اصلی این گونه تبعیضات بوده‌اند.

دولت جمهوری اسلامی در حالی متعهد به رفع هرگونه تبعیض نسبت به زنان است که

۱- ماده‌ی ۱۱۱۷ قانون مدنی: شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند. در این بخش خلاصه‌ای از گزارش‌ها آمده است برای ملاحظه متن اصلی به آدرس زیر رجوع کنید:

تاکنون علیرغم تلاش‌های فعالان سیاسی و به‌ویژه زنان، مقاوله‌نامه‌ی منع هرگونه تبعیض علیه زنان را که در سال ۱۹۷۹ میلادی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شده، نپذیرفته است.

این مقاوله‌نامه از سوی یک‌صد و هشتاد و پنج کشور به‌مورد اجرا گذاشته شده است و کشورهای نظیر ایران، سودان، سومالی و قطر تا کنون آن را امضا نکرده‌اند.

بررسی اختصاصی در ارتباط با مقاوله‌نامه‌ی ۱۱۱

تبعیض (در استخدام و اشتغال) ۱۹۹۰^۱

کمیته‌ی اجرای استانداردها خاطر نشان می‌کند که در مواضع اعلام‌شده از سوی دولت ایران در کمیته‌ی بررسی استانداردهای کنفرانس، و گزارش دولت، نه تنها هیچ نشانی از تغییر در سیاست و روش‌های اتخاذ شده، قانون‌گذاری و یا اجرای مواردی که بررسی‌های قبلی خواستار آن شده بود، مشاهده نمی‌شود، بلکه دولت به‌دنبال آن است که سؤال‌های مشخصی را در ارتباط با معنی عبارات به‌کار برده شده در مقاوله‌نامه‌ی ۱۱۱ مطرح کند. به‌این ترتیب کمیته‌ی اجرای استانداردها مخالفت خود را با شیوه‌ی به‌کار برده شده از سوی دولت جمهوری اسلامی اعلام می‌کند.

بخش اعظم این بررسی اختصاص دارد به وضعیت بهایی‌هایی که از کار اخراج شده و امکان برگشت به‌کار را نیافته‌اند؛ کشاورزانی که امکان شرکت در تعاونی‌های کشاورزی را ندارند؛ بهایی‌هایی که از دریافت حقوق بازنشستگی خود محروم هستند.

گزارش تأکید می‌کند که از سال ۶۷ بهایی‌ها امکان تحصیل در مدارس ابتدایی و متوسطه را به‌دست آورده‌اند، اما کماکان از رفتن به‌دانشگاه محروم هستند و اشاره می‌کند به‌تعدادی از مغازه‌داران بهایی که اجازه یافته‌اند فروشگاه‌های‌شان را بازگشایی کنند.

۱- ماده‌ی ۲ قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار

ج - اعتقاد و التزام عملی به اسلام و ولایت فقیه و وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تبصره: در اقلیت‌های کلیمی، مسیحی، زرتشتی وفاداری به قانون اساسی کافی است.

د - عدم گرایش به احزاب و سازمان‌ها و گروه‌های غیرقانونی و گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی. ه - دارا بودن سواد خواندن و نوشتن و داشتن آگاهی به امور محوله. و - تابعیت ایران.

ز - برخورداری از صداقت و امانت و عدم اشتها به فساد اخلاق.

ح - عدم وابستگی به رژیم سابق و نداشتن سابقه‌ی محکومیت کیفری که به حکم دادگاه موجب محرومیت از حقوق اجتماعی شده باشد.

کمیته‌ی در مورد بازگشت به کار احتمالی افرادی که به فراماسونری وابسته بوده‌اند، سؤال کرده و هم‌چنین در مقابل ادعاهای دولت، مبنی بر این که زنان می‌توانند در دادگاه‌های خانواده، و وابستگان اقلیت‌های رسمی مذهبی می‌توانند در دادگاه‌های مربوط به دین‌شان به‌عنوان قاضی کار کنند، اظهار می‌دارد بر اساس قانون ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۱ که ماده‌ی ۱۶۳ قانون اساسی را منعکس می‌کند، قضات از میان رجالی که دارای اجتهاد هستند، توسط شورای عالی قضایی انتخاب می‌شوند. سپس کمیته از دولت می‌خواهد قوانینی را که بر اساس آن زنان می‌توانند در دادگاه‌های یادشده قضاوت کنند، ارائه کند. کمیته هم‌چنین بار دیگر درخواست می‌کند که دولت آماری از زنان و افراد وابسته به اقلیت‌های مذهبی که در پست قضایی کار می‌کنند، ارائه دهد.

کمیته اشاره می‌کند که در قانون شوراهای اسلامی کار مصوب ۱۳۶۳ آمده است افرادی که برای انتخاب شدن در شوراهای اسلامی کار کاندیدا می‌شوند، بایستی معتقد و ملزم به اجرای احکام اسلام بوده و به ولایت فقیه اعتقاد داشته باشند و یا از اقلیت‌های به رسمیت شناخته شده‌ی مذهبی باشند.

کمیته خواهان آن می‌شود که دولت اطلاعاتی در مورد دلایل حذف افرادی که شرایط بالا را ندارند و تأثیر عملی شرط اعتقاد به ولایت فقیه برای کاندیداها و دلایل خود برای مقرر داشتن این شرایط را در اختیارش قرار دهد.

کمیته یک بار دیگر خواهان آن می‌شود که دولت اطلاعاتی در مورد گام‌هایی که برای حذف انواع تبعیض جنسی، مذهبی، عقاید سیاسی، وابستگی قومی و یا اجتماعی برداشته و نیز نتایج و دست‌آوردهای آن را در اختیارش قرار دهد.

بررسی اختصاصی در ارتباط با مقاله‌نامه‌ی ۱۱۱

تبعیض (در استخدام و اشتغال) ۱۹۹۱

در این بررسی کمیته‌ی اجرای استانداردها ضمن تأکید دوباره بر مواردی که در ارتباط با وضعیت بهایی‌ها و فراماسون‌ها در گزارش قبلی آورده بود، بار دیگر در مورد موضوع زنان قاضی و موقعیت غیرمسلمانان در پست‌های قضایی پرسش می‌کند. تأکید دوباره روی موارد قبلی حاکی از آن است که دولت جمهوری اسلامی اقدامی در این امور به عمل نیاورده است.

کمیته از دولت می‌خواهد که مشخصاً اطلاعاتی در ارتباط با فرصت‌های شغلی که

در بخش عمومی و خصوصی در اختیار بهاییان قرار داده شده و برخورداری آن‌ها از بازنشستگی و تأمین اجتماعی ارائه دهد. هم‌چنین خواهان اطلاعاتی در مورد امکان برخورداری بهایی‌ها از آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت در همه‌ی سطوح از جمله آموزش عالی می‌شود.

دولت ملزم به ارائه‌ی اطلاعاتی در مورد چگونگی کار مغازه‌ها، مزارع و دیگر مشاغل آزاد بهایی‌ها می‌شود. کمیته از دولت می‌خواهد اطلاعاتی در مورد وضعیت شغلی افرادی که به هیچ دینی معتقد نیستند، بدهد.

در نهایت اشاره می‌کند به بخش‌نامه‌ای که وزارت کار در ۸ دسامبر ۱۹۸۱ صادر کرده بود. در این بخش‌نامه، وزارت کار از دادگاه‌ها خواسته بود که از صدور هرگونه حکم قضایی به نفع بهایی‌ها و اعضای هر سازمانی که اساس‌نامه و احکامش منکر ادیان آسمانی است، خودداری کنند. دولت ایران در کنفرانس سال ۱۹۸۸ مدعی شده بود که بخش‌نامه‌ی فوق دیگر اجرا نمی‌شود. کمیته از دولت می‌خواهد متن دستوری که بخش‌نامه‌ی فوق را منسوخ کرده ارائه دهد.

بررسی اختصاصی در ارتباط با مقاله‌نامه‌ی ۱۱۱

تبعیض (در استخدام و اشتغال) ۱۹۹۳

کمیته با توجه به قطعنامه‌های کمیسیون حقوق بشر و دیگر دستگاه‌های نظارتی سازمان ملل نتیجه‌گیری می‌کند که استخدام بهایی‌ها طبق قانون ممنوع است. بهایی‌هایی که از کار اخراج شده‌اند، امکان بازگشت به کار را پیدا نکرده‌اند و در بعضی موارد مجبور به بازپس دادن حقوق دریافتی نیز شده‌اند. به بهایی‌ها دستور داده شده که مشاغل‌شان را تعطیل کنند؛ از شرکت کشاورزان بهایی در تعاونی‌ها ممانعت می‌شود؛ بهایی‌ها از دسترسی به آموزش عالی محروم هستند؛ کلاس‌های کودکان بهایی بسته شده‌اند.

بنا به دستورالعمل مورخه ۲۵ فوریه ۱۹۹۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی که سیاست برخورد با بهایی‌ها را مشخص می‌کند، آن‌ها بدون دلیل بازداشت، زندانی، تنبیه و یا از کشور اخراج نمی‌شوند، بلکه جلوی پیشرفت‌شان گرفته می‌شود. آن‌ها از دانشگاه اخراج می‌شوند، به آن‌ها اجازه داده می‌شود زندگی در سطح عموم مردم را داشته باشند و به صورت محدودی می‌توانند پاسپورت گرفته و یا اجازه‌ی اشتغال دریافت کنند، اما از دادن شغل به کسانی که خود را بهایی معرفی می‌کنند، امتناع می‌شود و از دادن

پست‌هایی که دارای نفوذ می‌باشد برای مثال در بخش تعلیم و تربیت به‌آنان خودداری می‌شود.

زرتشتی‌ها که وابستگان یکی از چهار دین شناخته شده در قانون اساسی ایران هستند در مواردی مجبور به تعطیل مشاغل‌شان شده و یا از استخدام‌شان خودداری شده است. کمیته ضمن آن که خواستار دریافت یک کپی از دستورالعمل شورای انقلاب فرهنگی می‌شود، کلیه‌ی دعاوی مطرح‌شده در گزارش‌های قبلی در ارتباط با قاضی‌های زن و به‌کارگیری قضات غیرمسلمان در دادگاه‌های مربوط به مسائل دینی‌شان را نیز تکرار کرده و خواهان پاسخ دولت می‌شود. کمیته بار دیگر خواهان دریافت متن دستوری می‌شود که بخش‌نامه‌ی سال ۱۹۸۱ را منسوخ کرده است.

کمیته بر اساس گزارش‌های سازمان ملل در ارتباط با وضعیت زنان کارگر اظهار می‌دارد که زنان هم‌چنان قادر به‌ادامه‌ی تحصیل در رشته‌های کشاورزی، مهندسی، معدن و متالوژی نیستند و نمی‌توانند قاضی شوند. و نرخ اشتغال زنان از سیزده درصد به‌شش و نیم درصد کاهش یافته است.

کمیته خواهان دریافت متن قانونی است که به‌زنان اجازه می‌دهد قاضی شوند و از دولت می‌خواهد تعداد زنانی که در پست‌های قضایی شاغل هستند را مشخص کند. کمیته هم‌چنین از دولت می‌خواهد مشاغلی را که طبق قانون کار برای زنان ممنوع تشخیص داده شده، مشخص کند.

بررسی اختصاصی در ارتباط با مقاوله‌نامه‌ی ۱۱۱

تبعیض (در استخدام و اشتغال) ۱۹۹۶

کمیته اظهار می‌دارد با توجه به گزارش‌ها و قطعنامه‌های صادر شده از سوی نهادهای سازمان ملل در وضعیت بهایی‌ها بهبودی حاصل نشده است و به‌مواردی که در گزارش قبلی آمده بود دوباره اشاره می‌شود.

کمیته در برابر ادعای نماینده‌ی دولت در کمیته‌ی کنفرانس، مبنی بر این که فراماسونری به‌فعالیت خود در ایران پایان داده و تبعیضی علیه زرتشتی‌ها به‌عمل نمی‌آید، خواستار آن شد که در گزارش آتی خود به کمیته‌ی اجرای استانداردها، اطلاعاتی مبنی بر رعایت حقوق مساوی برای وابستگان این دو گروه هنگام استخدام، ارائه دهد.

نماینده‌ی دولت ایران در سخنانی خود در کمیته‌ی کنفرانس، عضویت در شوراهای اسلامی کار را حرفه قلمداد نکرده و از این بابت شرط اعتقاد به ولایت‌فقیه و اجرای دستورات اسلام و یا دیگر ادیان رسمی برای کاندیداهای خواهان عضویت در شورای اسلامی کار را نقض مقوله‌ها ندانسته بود. کمیته‌ی اجرای مقوله‌نامه‌ها در این گزارش توجیحات دولت ایران را رد کرده و آن را از موارد مشخص تبعیض و برخلاف بند ۲ ماده‌ی ۱ مقوله‌نامه‌ی ۱۱۱ معرفی می‌کند و از دولت می‌خواهد که قانون شوراهای اسلامی کار را مورد بررسی دوباره قرار دهد.

کمیته هم‌چنین بر اساس گزارش‌ها و قطعنامه‌های سازمان ملل، به‌موارد تبعیض جنسی پرداخته و تأکید می‌کند که بر اساس گزارش نماینده‌ی ویژه‌ی دبیر کل سازمان ملل وضعیت زنان تغییری نکرده است.

کمیته‌ی اجرای استانداردها خاطر نشان می‌کند که بر اساس گزارش کمیته‌ی حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی سازمان ملل، نگرانی ویژه‌ای در ارتباط با نابرابری بین زنان و مردان در برخورداری از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وجود دارد. این نگرانی به‌ویژه از آن‌جا ناشی می‌شود که زنان اجازه‌ی تحصیل در رشته‌های مهندسی، کشاورزی، معدن و متالوژی را نداشته و از حق قاضی شدن محروم بوده و برای کار کردن و یا مسافرت به‌خارج نیاز به‌اجازه‌ی همسر خود دارند.

بررسی اختصاصی در ارتباط با مقوله‌نامه‌ی ۱۱۱

تبعیض (در استخدام و اشتغال) ۱۹۹۷

کمیته اظهار می‌دارد که دولت ایران در کمیته‌ی کنفرانس اعلام داشته است که آماده‌ی پذیرش انواع همکاری‌های فنی از سوی دفتر سازمان بین‌المللی کار در جهت تقویت سیاست ملی در ارتباط با زنان و فراهم کردن دستگاه لازم برای اجرای مقوله‌نامه و تبادل نظر با اعضای کمیسیون کار مجلس شورای اسلامی است. کمیته هم‌چنین یادآوری می‌کند دولت ایران معتقد است هیأت تماس مستقیم در شرایط ویژه‌ای تعیین می‌شود و نقض حقوق کار در ایران آن‌قدر بد نیست که نیاز به‌هیأت تماس مستقیم باشد؛ و بنا بر این توجیه از پذیرش آن خودداری می‌کند. دولت ایران یادآوری می‌کند که بررسی اطلاعات ارائه شده از سوی دولت به کمیته اجرای استانداردها شرایطی را که در آن پیشنهاد پذیرش هیأت تماس مستقیم داده شده بود، از بین می‌برد.

گزارش کمیته به شکایت کنفدراسیون جهانی کار WCL از تبعیض گسترده در بازار کار و پاسخ‌های دولت جمهوری اسلامی به آن اشاره می‌کند. در شکایت این کنفدراسیون به موارد متعدد مستندی از تبعیض بر پایه‌ی جنسیت، مذهب و عقاید سیاسی، با ارائه‌ی آمارهای متفاوت اشاره شده است.

در این گزارش بار دیگر به موارد قبلی در ارتباط با تبعیض بر پایه‌ی مذهب و جنسیت اشاره شده و از دولت جمهوری اسلامی اطلاعات بیش‌تری درخواست شده است. کمیته، پاسخ‌های دولت ایران نسبت به رعایت حقوق اقلیت‌های مذهبی از جمله بهایی‌ها را نپذیرفته و تأکید کرده است که گزارش‌های ارائه شده از سوی گزارش‌گر ویژه عدم بردباری مذهبی که پس از دیدارش از ایران انتشار یافت، نگرانی‌های این کمیته نسبت به شدت و حدت تبعیض علیه بهایی‌ها به‌ویژه در بخش دولتی را تقویت کرده است. کمیته هم‌چنین گزارش می‌کند که دولت جمهوری اسلامی اطلاع داده است که نود و هفت زن در پست‌های قضایی مشغول به کار هستند.

بررسی اختصاصی در ارتباط با مقاله‌نامه‌ی ۱۱۱

تبعیض (در استخدام و اشتغال) ۱۹۹۸

در گزارش کمیته‌ی استناداردها به بحث‌های صورت گرفته در کمیته‌ی کنفرانس و سایر موارد طرح شده از سوی کنفدراسیون جهانی کار در ارتباط با تبعیض جنسی، مذهبی و سیاسی اشاره شده و از این که پیشنهاد پذیرش هیأت تماس مستقیم از سوی دولت ایران پذیرفته نشده، اظهار نگرانی شده است.

در این گزارش آمده است که دولت ایران اطلاعات ارائه شده توسط کنفدراسیون جهانی کار را اتهامات بی‌اساس با انگیزه‌های سیاسی ارزیابی کرده است. دولت هم‌چنین از همکاری‌های خود با بخش همکاری‌های تکنیکی سخن به‌میان آورده است.

در مورد «هیأت تماس مستقیم» دولت بار دیگر توضیح داده است که اطلاعات ارائه شده مسئله‌ی کمبود اطلاعات را حل کرده و نیازی به دعوت از هیأت نمی‌بیند. و معتقد است که همکاری‌های فنی بهتر می‌تواند به اجرای مقاله‌نامه کمک کند.

دولت ایران ادعا کرده است که اسناد ارائه شده به کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های

کارگری آزاد ICFTU، اعلامیه‌ی تبلیغاتی و سرشار از اطلاعات نادرست و زیر سؤال بردن دین مقدسی چون اسلام است. دولت از این که اتحادیه‌ی معتبری چون ICFTU اطلاعات ارائه شده‌ی نادرستی را به کمیته منتقل کرده، شگفت‌زده است و چون این شکایت شبیه به شکایت کنفدراسیون جهانی کار است، همان پاسخ‌ها را تکرار می‌کند.

کمیته به آمارهای ارائه شده از سوی دولت اشاره کرده و می‌نویسد طبق ادعای دولت ایران اشتغال زنان در همه‌ی زمینه‌ها و به‌ویژه در بخش‌های تخصصی و علمی رشد داشته است. کمیته بر اساس گزارش دولت ایران، به‌فعالیت‌های دفتر امور زنان ریاست‌جمهوری اشاره می‌کند.

دولت ایران در پاسخ به شکایت ICFTU مبنی بر این که براساس ماده‌ی ۱۱۱۷ قانون مدنی مردان مجازند با حکم دادگاه مانع اشتغال زنان در مشاغل شوند که با شئون خانوادگی‌شان منافات دارد؛ مدعی شده است که زنان نیز متقابلاً چنین حقی دارند! کمیته در گزارش خود خواستار بازبینی چنین قانونی شده و از دولت خواسته است مواردی را که مردان توانسته‌اند مانع اشتغال زنان بر اساس این قانون شوند به کمیته گزارش کند.

کمیته به شکایت ICFTU در مورد قانون اجباری حجاب و لباس زنان در محیط‌های کاری و مجازات‌های مربوطه که می‌تواند تنبیهات بدنی باشد اشاره کرده و پاسخ دولت ایران را نپرداختن به موضوع اصلی ارزیابی کرده است و خواستار این شده است که دولت ایران چگونگی اجرای شرایط مندرج در قانون حجاب و لباس را به این کمیته توضیح داده و مشخص کند آیا زنان شاغل به خاطر بدحجابی در محل کار و یا هنگام رفتن به محل کار و یا عزیمت از آن هیچ‌گاه با تنبیهات بدنی و یا دیگر تنبیهات مواجه شده‌اند یا نه.

دولت ایران ادعای ICFTU مبنی بر تبعیض بر اساس مذهب را که با توجه به چند ماده‌ی قانونی و آگهی‌های استخدامی در روزنامه‌ها مطرح شده بود، رد کرده و مدعی شده است که اقلیت‌های مذهبی بر اساس سیاست ملی عدم تبعیض در استخدام و شغل از شرایط خوبی بهره‌مند هستند و در بخش‌های دولتی و غیردولتی استخدام می‌شوند. کمیته با یادآوری وظایف دولت، یک بار دیگر نگرانی عمیق خود را از این که دولت در گزارش خود در ارتباط با وضعیت بهایی‌ها سکوت کرده، اعلام می‌کند.

کمیته به شکایت ICFTU در مورد اعمال تبعیض بر اساس عقاید سیاسی به‌لیستی از

موارد قانونی و آگهی‌های استخدامی ارائه شده از سوی شاکی اشاره می‌کند و وظایف دولت در این مورد را یادآور می‌شود.

کمیته در خاتمه گزارش یادآوری می‌کند علاوه بر توصیه‌های خود به دولت ایران، همراه با کمیته‌ی کنفرانس عقیده دارد که ایران برای پیش‌برد گفتگوها «هیأت تماس مستقیم» را بپذیرد تا این هیأت اطلاعات خود را در مورد تبعیض مذهبی به‌ویژه در زمینه‌ی تحصیل و فرصت‌های شغلی بهایی‌ها و دیگر اقلیت‌های مذهبی تکمیل کند.

بررسی اختصاصی در ارتباط با مقاوله‌نامه‌ی ۱۱۱

تبعیض (در استخدام و اشتغال) ۱۹۹۹

کمیته در گزارش خود به‌آمارهای ارائه شده از سوی دولت ایران در زمینه‌ی رشد اشتغال زنان در زمینه‌های اقتصادی اشاره کرده و تأیید کرده است که نرخ اشتغال زنان در زمینه‌های شغلی و تحصیلی پیشرفت کرده است. با این حال اشاره می‌کند که هم‌چنان شرکت زنان در آموزش عالی خیلی پایین باقی مانده است و از دولت ایران خواسته است تا اطلاعاتی پیرامون تعداد زنان شاغل در قوه قضاییه ارائه دهد.

دولت در پاسخ به گزارش کمیته در مورد قانون حجاب و پوشش برای زنان شاغل در محیط کار و مجازات‌های مربوط به‌زیر پا گذاشتن این قانون ادعا می‌کند که این قانون، جنبه‌ی تبعیض‌آمیز ندارد چرا که برای مردها هم قانون پوشش وجود دارد. دولت وجود قانونی مبنی بر تنبیه افراد به‌خاطر عدم رعایت حجاب و پوشش را تکذیب می‌کند.

کمیته بار دیگر خواهان ارائه‌ی اطلاعاتی از سوی دولت در ارتباط با ماده‌ی ۱۱۱۷ قانون مدنی که به‌مردان حق می‌دهد زنان را از اشتغال در کارهایی که مغایر شئونات خانوادگی تشخیص داده می‌شود منع کنند، ارائه دهد.

دولت ایران در گزارش خود مدعی شده است که اقلیت‌های مذهبی شناخته‌شده در قانون، وضعیت بهتری در زمینه‌ی اشتغال نسبت به‌مسلمانان دارند و نرخ بی‌کاری در میان آن‌ها کم‌تر است.

کمیته بر اساس گزارش‌های بین‌المللی نقض حقوق بشر در ایران که توسط ارگان‌های ملل متحد تصویب شده، وضعیت بهایی‌ها را نامناسب تشخیص داده و از دولت می‌خواهد سیاست خود را در این مورد تغییر دهد.

دولت در گزارش خود به آزادی کارگران برای تشکیل اتحادیه‌های صنفی، شوراهای اسلامی کار و انتخاب نمایندگان کارگر اشاره کرده و مدعی شده است که اقلیت‌های مذهبی شناخته شده نیز می‌توانند در این شوراها عضو شوند و حتا اقلیت‌های مذهبی‌ای که در قانون اساسی رسماً شناخته نمی‌شوند، از تمامی حقوقی که برای دیگر شهروندان، تضمین شده برخوردارند. کمیته در پاسخ از دولت ایران خواسته است که تعداد بهایی‌هایی را که عضو نهادهای فوق هستند، مشخص کند.

دولت هم‌چنین در پاسخ خود اگرچه بهائیت را به‌عنوان دین نپذیرفته، اما مدعی شده است که چنان‌چه فردی به‌ادیان شناخته شده معتقد نباشد از هیچ یک از حقوق شهروندی محروم نمی‌شود. کمیته هیچ یک از ادعاهای دولت در این مورد را نپذیرفته و خواستار اطلاعات بیش‌تر می‌شود.

کمیته تأکید می‌کند اگرچه دولت ایران مایل به‌ادامه‌ی همکاری است و خواهان دریافت کمک‌های تکنیکی و شرکت سازمان جهانی کار در فعالیت‌های مشترک برای اجرای مقوله‌نامه است، اما کمیته ترجیح می‌دهد دولت ایران «هیأت تماس مستقیم» را بپذیرد.

بررسی اختصاصی در ارتباط با مقوله‌نامه‌ی ۱۱۱

تبعیض (در استخدام و اشتغال) ۲۰۰۰

کمیته از تلاش دولت برای همکاری و دعوت از «هیأت همکاری تکنیکی» تشکیل شده از متخصصین ارشد دفتر بین‌المللی کار برای بحث پیرامون تمامی مسائل مطرح در ارتباط با اجرای مقوله‌نامه‌ی عدم تبعیض قدردانی کرده و آن را آغازی بر حذف موانع اجرای مقوله‌نامه در کشور شمرده و از تشکیل نهادهای حقوق بشری و نظارتی و انتشار مقالات پیرامون سازمان جهانی کار استقبال کرده است.

کمیته گزارش می‌کند اگر چه در گزارش هیأت اعزامی آمده است که محدودیت‌های قانونی برای اشتغال زنان وجود دارد، اما دولت با انجام اقداماتی تلاش دارد موانع رسمی را از سر راه برداشته و بر مشکلات اجتماعی‌ای که شرکت زنان در اقتصاد را محدود می‌کند نیز فائق آید.

گزارش اضافه می‌کند نرخ اشتغال و تحصیل زنان رشد کرده است اما هم‌چنان نرخ مشارکت زنان در تحصیلات عالی خیلی پایین است.

بنا به گزارش هیأت اعزامی محدودیت تحصیل برای دختران در رشته‌های خاص برداشته شده است و سیاست دولت افزایش مشارکت دختران در سطح دبیرستان و دانشگاه است. کمیته گزارش می‌کند که نرخ مشارکت زنان در بازار کار نیز پایین است. هم‌چنین آمار ارائه شده از سوی دولت در ارتباط با اشتغال زنان در قوه قضاییه را ناچیز می‌بیند و تأکید دارد که زنان در قوه قضاییه فقط دارای نقش مشاورتی هستند و از حق صدور رای برخوردار نیستند. کمیته خواهان حذف موانع در این زمینه شده است. کمیته یک بار دیگر خواهان لغو حق شوهران برای جلوگیری از اشتغال زنان می‌شود. و نسبت به وضعیت آموزش و استخدام بهایی‌ها اظهار نگرانی کرده و وظایف دولت را متذکر می‌شود.

بررسی اختصاصی در ارتباط با مقاله‌نامه‌ی ۱۱۱

تبعیض (در استخدام و اشتغال) ۲۰۰۱

کمیته از تشکیل هیأت بررسی اجرای قانون اساسی و هم‌چنین کمیسیون حقوق بشر اسلامی استقبال می‌کند و خواهان ارائه‌ی گزارشی از فعالیت این نهاد برای اجرای مقاله‌نامه‌ی ۱۱۱ و دیگر ابزارهای حقوق بشری سازمان ملل متحد می‌شود. کمیته به وجود پیشرفت‌هایی در زمینه‌ی افزایش مشارکت زنان در اقتصاد و آموزش اشاره می‌کند ولی با وجود این مشارکت آنان در بازار کار را کم ارزیابی می‌کند. کمیته ضمن اشاره به آغاز برنامه‌ی پنج ساله‌ی جدید و تشکر از آمارهای ارائه شده، از دولت می‌خواهد آمارهای جدیدی در رابطه با بازار کار، اشتغال و بی‌کاری زنان ارائه دهد. از آنجایی که در گزارش قبلی به این مسئله اشاره شده بود که یکی از دلایل اشتغال پایین زنان این است که مردان ترجیح می‌دهند زنان را استخدام نکنند، کمیته از دولت پرسیده بود چه اقداماتی برای این که زنان از شرایط برابری برای مشارکت در بازار کار برخوردار شوند انجام داده است. کمیته اظهار می‌دارد که دولت به این سوال پاسخ مستقیم نداده است.

کمیته ادعای دولت مبنی بر عدم وجود تبعیض در مورد استخدام زنان در قوه قضاییه را رد کرده و تأکید کرده است که براساس گزارش هیأت اعزامی، نقش زنان در قوه قضاییه مشورتی است و از دولت می‌خواهد چنانچه قوانین در این مورد تغییر کرده به کمیته اطلاع دهد.

کمیته از دولت می‌خواهد که شمار زنان اقلیت‌های مذهبی را که در بخش دولتی کار می‌کنند مشخص کند. همچنین خواهان ارائه‌ی قوانین و بخش‌نامه‌ی مربوط به قانون پوشش می‌شود.

کمیته یک بار دیگر خواهان حذف ماده‌ی ۱۱۱۷ قانون مدنی می‌شود و اظهار می‌دارد که اطلاعات ارائه شده از سوی دولت در مورد وضعیت اقلیت‌های مذهبی شناخته شده حاوی اطلاعات جدیدی نیست و بار دیگر ضمن اشاره به محدودیت‌های موجود و در ارتباط با بهایی‌ها خواهان رعایت حقوق آنان و دیگر اقلیت‌های مذهبی غیررسمی می‌شود.

بررسی اختصاصی در ارتباط با مقاله نامه‌ی ۱۱۱

تبعیض (در استخدام و اشتغال) ۲۰۰۲

کمیته اظهار می‌دارد که اطلاعات ارائه شده از سوی دولت کم‌تر از حد انتظار است و به‌مسائل مطرح شده در مورد تبعیض‌های جنسی، مذهبی پاسخ نمی‌دهد.

کمیته از تشکیل «کمیته‌ی حقوق بشر مجلس» در کنار کمیسیون حقوق بشر اسلامی و «هیأت بررسی اجرای قانون اساسی» استقبال می‌کند.^۱ کمیته همچنین خبر از قصد دولت برای افزایش مدارس فنی دختران داده و از افزایش ورود دختران به دانشگاه‌ها خبر می‌دهد. کمیته ضمن قدردانی از دریافت چنین اطلاعاتی، بر اهمیت تبدیل فرصت‌های آموزشی به‌امکانات شغلی تأکید می‌کند.

کمیته یادآور می‌شود که اطلاعاتی راجع به موقعیت زنان در قوه قضاییه دریافت نکرده، اما گزارش‌هایی مبنی بر ارائه پیشنهادهایی به مجلس برای اصلاحات در قوه قضاییه دریافت کرده است و تأکید می‌کند که زنان به‌دلیل نداشتن مجوز برای صدور حکم، از برابری شغلی در قوه قضاییه برخوردار نیستند.

کمیته بار دیگر به قانون پوشش و بخش‌نامه‌های مربوطه و تنبیهات احتمالی مربوط به آن اشاره و از عدم پاسخ دولت به درخواست کمیته، اظهار تأسف می‌کند. همچنین نگرانی خود از تاثیر منفی چنین بخش‌نامه و قانونی بر روی استخدام زنان غیرمسلمان اعلام می‌کند و خواهان دریافت کپی قانون و بخش‌نامه‌های مربوطه می‌شود.

۱- کمیته‌ی حقوق بشر مجلس و هیأت بررسی اجرای قانون اساسی هر دو منحل اعلام شدند.

کمیته خاطر نشان می‌کند که هیچ اطلاعاتی در ارتباط با بررسی مجدد قوانینی که برای زنان محدودیت ایجاد می‌کند دریافت نکرده است. از جمله، به محدودیت زنان برای ترک کشور به منظور تحصیل بدون اجازه‌ی شوهر اشاره می‌کند. همچنین کمیته اشاره می‌کند که هیچ اقدامی برای حذف ماده‌ی ۱۱۱۷ قانون مدنی نکرده است. ماده‌ای که شوهر می‌تواند با توسل به آن از دادگاه بخواهد از تحصیل و یا استخدام همسرش در زمینه‌هایی که با شئون خانوادگی نمی‌خواند جلوگیری کند.

کمیته از رد قانون افزایش سن ازدواج دختران به چهارده سال و پسران هفده سال توسط شورای نگهبان که می‌توانست اثر مثبتی برای دستیابی به فرصت‌های شغلی و تحصیلی بر زنان داشته باشد، خبر می‌دهد.

گزارش از تشکیل کمیته‌ی ملی برای تقویت حقوق اقلیت‌های مذهبی با حکم رئیس‌جمهور خبر می‌دهد و تأکید می‌کند که اقلیت‌های مذهبی شناخته شده در این کمیته حضور دارند. کمیته‌ی استناداردها اظهار امیدواری می‌کند که کمیته تشکیل یافته، به مشکل اقلیت‌های مذهبی غیررسمی نیز رسیدگی کند و نمایندگان این اقلیت‌ها نیز در کمیته حضور یابند. و نیز از دولت خواسته می‌شود اطلاعات ریز و دقیق در مورد ماموریت هیأت، چگونگی عضویت و فعالیت‌های مربوط به اجرای مقاله‌نامه‌ی ۱۱۱ را ارائه بدهد.

کمیته بار دیگر به نقض حقوق اقلیت‌های غیررسمی و به ویژه بهایی‌ها اشاره و اعلام می‌کند وضعیت بهایی‌ها فراتر از محدودیت‌های دولتی، به مواضع اجتماعی در برخورد با اعضای این گروه نیز مربوط است.

کمیته بار دیگر از این که دولت در مورد بهایی‌ها و اقلیت‌های غیررسمی گزارشی ارائه نداده، اظهار تأسف می‌کند.

بررسی اختصاصی در ارتباط با مقاله‌نامه‌ی ۱۱۱

تبعیض (در استخدام و اشتغال) ۲۰۰۳

کمیته به سفر دوم هیأت که در مارس ۲۰۰۲ صورت گرفت اشاره کرده و از دریافت شکایت کنفدراسیون جهانی کار در مورد نقض مقاله‌نامه‌ی ۱۱۱ خبر می‌دهد.

کمیته به فعالیت‌های کمیسیون حقوق بشر اسلامی و تلاش و برنامه‌ی آن برای حذف

تبعیض علیه اقلیت‌های قومی و مذهبی اشاره می‌کند و خواهان دریافت گزارش کار این کمیسیون می‌شود.

کمیته از افزایش مشارکت زنان در بازار کار و همچنین افزایش حضور آن‌ها در دانشگاه‌ها استقبال می‌کند و در گزارش خود بر اساس آمارهای انتشار یافته اعلام می‌کند که زنان زرتشتی بالاترین نرخ اشتغال را دارا هستند و زنان مسیحی، مسلمان و یهودی به ترتیب در ردیف‌های بعدی قرار دارند.

کمیته از تأسیس اولین دانشکده‌ی پلیس برای زنان، قانون جدیدی که به زنان اجازه می‌دهد در نیروی انتظامی استخدام شوند، و از تصویب قوانین جدید در مورد امکان خروج دختران از کشور برای تحصیل و برخورداری زنان از حق طلاق در موارد خاص خبر می‌دهد.

کمیته یک بار دیگر بر نگرانی‌های خود در مورد قانون حجاب و پوشش، تبعیض در مورد زنان شاغل در قوه قضاییه و حق شوهران برای ممانعت از استخدام زنان تأکید می‌کند و خواهان دریافت اطلاعات آماری در مورد استخدام اقلیت‌های مذهبی شده و نگرانی خود در مورد وضعیت اقلیت‌های مذهبی به رسمیت شناخته نشده به‌ویژه بهایی‌ها اعلام می‌کند. کمیته از دولت می‌خواهد اقدامات خود در مورد اقلیت‌های قومی هم‌چون آذری‌ها و کردها را اطلاع دهد.

بررسی اختصاصی در ارتباط با مقاله‌نامه‌ی ۱۱۱

تبعیض (در استخدام و اشتغال) ۲۰۰۴

گزارش به‌نقل از شکایت کنفدراسیون جهانی کار و اطلاعات داده شده توسط این نهاد کارگری تأکید می‌کند که زنان برای کسب حقوق برابر با یک تبعیض ساختاری و اجتماعی روبرو هستند. مردان به‌عنوان رئیس نهاد خانواده پذیرفته شده‌اند و زنان تحت هدایت و قیمومیت آن‌ها هستند. اگرچه اصلاحاتی صورت گرفته است اما این اصلاحات برای برابری حقوق بین زن و مرد کاستی‌های فراوان دارد.

کمیته بار دیگر تأکید می‌کند که اگر چه در سال‌های گذشته اقدامات مثبتی در زمینه‌ی افزایش مشارکت زنان در تعلیم و تربیت و آموزش را شاهد بوده اما مجبور است که سهم

پایین زنان در بازار کار را نیز یادآور شود و در این مورد به اطلاعات ارائه شده از سوی کنفدراسیون جهانی کار مبنی بر کاهش مشارکت زنان در بازار کار اشاره می‌کند. کمیته یک بار دیگر به درخواستش مبنی بر تغییر قوانین و مقررات مغایر با مقوله‌نامه اشاره کرده و به ذکر دوباره‌ی آن‌ها می‌پردازد.

کمیته بار دیگر به اطلاعات دریافت شده از طریق کنفدراسیون جهانی کار در مورد قوانین و بخش‌نامه‌های مربوط به قانون حجاب اشاره می‌کند.

در میان اخبار دریافتی، توجه کمیته به آئین‌نامه‌ی انضباطی دانشجویان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی جلب می‌شود.^۱ در این آئین‌نامه‌ی انضباطی عدم رعایت کامل پوشش، یک جرم سیاسی و اخلاقی شناخته شده که می‌تواند به اخراج از دانشگاه و مؤسسات آموزشی منجر شود. کمیته از دولت می‌خواهد مشخص کند آیا چنین مقرراتی اجرا می‌شوند یا نه؟

اطلاعات رسیده حاکی از آن است که بخش‌نامه‌های دولتی، استخدام همسران کارمندان مرد را محدود کرده است. کمیته بر اساس اطلاعات دریافتی از کنفدراسیون جهانی کار روی محدودیت معلمان برای استخدام در وزارت آموزش و پرورش تکیه می‌کند.

۱- آئین‌نامه‌ی انضباطی دانشجویان جمهوری اسلامی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۷۴/۶/۱۴ ماده‌ی ۶ ...

ج - تخلفات سیاسی:

۱/ج - دادن اطلاعات خلاف یا کتمان واقعیات عمده نسبت به خود و یا گروهک‌های محارب یا مفسد یا افراد وابسته به آن‌ها.

۲/ج - عضویت در گروهک‌های محارب یا مفسد یا ملحد یا هواداری و انجام دادن هر عملی به نفع آن‌ها.

۳/ج - فعالیت و تبلیغ به نفع گروهک‌ها و مکاتب الحادی.

۴/ج - توهین به شعائر اسلامی یا ملی و ارتکاب اعمالی بر ضد نظام جمهوری اسلامی (مانند: شعارنویسی، پخش اعلامیه و...).

۵/ج - ایجاد بلوا و آشوب در محیط دانشگاه.

د - تخلفات اخلاقی:

۱/د - استعمال مواد مخدر یا شرب خمر یا قمار یا مداخله در خرید و فروش و توزیع این‌گونه مواد.

۲/د - استفاده از نوارهای ویدئویی یا صوتی یا لوحه‌های رایانه‌ای مستهجن یا مداخله در خرید و فروش، تکثیر، توزیع این‌گونه وسایل.

۳/د - عدم رعایت پوشش اسلامی یا استفاده از پوشش یا آرایش مبتذل.

۴/د - استفاده یا توزیع یا تکثیر کتب، مجلات، عکس‌های مستهجن و یا آلات لهو و لعب.

۵/د - عدم رعایت شئون دانشجویی.

۶/د - داشتن رابطه نامشروع.

۷/د - تشکیل یا شرکت در جلسات نامشروع.

۸/د - انجام عمل منافی عفت. <http://www.tabrizu.ac.ir/show.asp?id=61>

کمیته گزارش می‌کند که بر اساس اطلاعات دریافتی از دولت در سال ۲۰۰۱، پانصد و بیست مسیحی، سیصد و هشتاد و پنج زرتشتی و و یکصد و هفتاد و هفت زن یهودی در استخدام دولت هستند. کمیته یک بار دیگر نگرانی خود نسبت به وضعیت بهایی‌ها را اعلام می‌کند و از دولت می‌خواهد در گزارش خود اطلاعاتی در مورد پذیرفته شدن بهایی‌ها در دانشگاه و مراکز آموزشی ارائه دهد.^۱

بررسی اختصاصی در ارتباط با مقاله‌نامه‌ی ۱۱۱

تبعیض (در استخدام و اشتغال) ۲۰۰۶

کمیته یک بار دیگر به پیشرفت‌های زنان در زمینه‌ی آموزش و تعلیم و تربیت اشاره کرده و هم‌زمان پایین بودن سطح مشارکت زنان در بازار کار را یادآور شده و اظهار می‌دارد اگرچه نرخ مشارکت زنان در دانشگاه‌ها افزایش یافته اما نرخ بی‌کاری زنان نیز افزایش یافته است. کمیته نقش زنان در مدیریت و تصمیم‌گیری را پایین ارزیابی کرده و اشاره می‌کند که بیش‌تر مدیران زن در بخش آموزش و پرورش هستند و حضور کمی در قانون‌گذاری، مشاغل عالی و مدیریت دارند.

کمیته خواستار آن می‌شود که دولت اطلاعاتی در زمینه‌ی اجرای توصیه‌نامه‌های «راهبرد ملی» برای اشتغال، برابری و قدرتمندسازی زنان ارائه دهد و اطلاعات آماری به‌روز شده‌ای در ارتباط با پیشرفت‌های صورت گرفته در تقلیل تبعیض زنان در بازار کار و پیش‌برد برابری فرصت‌ها و رفتارهای شغلی و حرفه‌ای، آموزش حرفه‌ای و شرایط کاری به‌اثبات برساند.

در خصوص اصلاحات قانونی، کمیته‌ی متخصصین یادآور می‌شود که پیشرفت اندکی در این خصوص شکل گرفته است. این کمیته به‌ماده‌ی ۱۱۱۷ از قانون مدنی اشاره می‌کند که شوهر را قادر می‌سازد که با انتخاب شغل و یا حرفه‌ی زن خود، مخالفت کند؛ این کمیته خواستار الغای این قانون شد.

در خصوص محدودیت زنان در دسترسی به‌امور قضایی، کمیته از دولت می‌خواهد ترتیبی

۱- به‌گزارش سایت فردا در تاریخ ۷ آبان ۸۸، براساس آخرین جدول شاخص تبعیض جنسی سالیانه اعلام شده توسط مجمع اقتصادی جهان (برگزارکننده اجلاس داووس)، در میان ۱۳۴ کشور نام ایران با شاخص ۰.۵۸۴ در ردیف ۱۲۸ قرار گرفت. ایران در سال ۲۰۰۶ از میان ۱۱۵ کشور با شاخص ۰.۵۸۰، در رده ۱۰۸، در سال ۲۰۰۷ از میان ۱۲۸ کشور با شاخص ۰.۵۹۰، در رده ۱۱۸ و در سال ۲۰۰۸ از میان ۱۳۰ کشور با شاخص ۰.۶۰۲، در رده ۱۱۶ جدول قرار گرفت.

داده شود که قدرت قاضیان زن در صدور احکام قضایی، محدود به گروه پرونده‌های صرفاً مربوط به زنان نباشد، و از ایجاد شرایط تبعیض آمیز در انتصاب قضات پرهیز به عمل آید. در ارتباط با قانون اجباری حجاب اسلامی این کمیته خواستار جزئیات بیش‌تر در مورد نحوه‌ی اجرای عملی این قانون در آموزش و کار، از جمله تعداد تخلفات و سرپیچی از قانون حجاب و مجازات‌های در نظر گرفته می‌شود.

کمیته براساس اطلاعات دریافتی از کنفدراسیون جهانی کار خواهان توضیح دولت در مورد محدودیت اعمال شده در ارتباط با استخدام همسر کارمندان دولت می‌شود. گزارش نگرانی خود را نسبت به قوانین تأمین اجتماعی مربوط به کمک هزینه‌های کودکان که بیش‌تر به مردان تعلق می‌گیرد تا زنان، ابراز می‌دارد.

کمیته بار دیگر قوانین و مقررات موجود در ارتباط با استخدام اقلیت‌های مذهبی شناخته شده و به رسمیت شناخته‌نشده را تبعیض آمیز دانسته و از دولت می‌خواهد آن‌ها را مورد بررسی دوباره قرار دهد. در این رابطه به قانون گزینش معلمان و کارمندان وزارت آموزش و پرورش اشاره می‌کند.^۱

۱- قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش در ۱۴ شهریور ۱۳۷۴ به شرح زیر به تصویب مجلس رسید: ماده‌ی ۱ - گزینش مربیان پرورشی، معلمان و کلیه کارکنان آموزش و پرورش بر اساس فرمان مورخ ۱۳۶۱/۱۰/۱۵ حضرت امام خمینی (ره) به شرح زیر خواهد بود:
ضوابط:

ماده‌ی ۲ - ضوابط عمومی گزینش اخلاقی، اعتقادی و سیاسی کارکنان آموزش و پرورش، مدارس غیرانتفاعی، سازمان‌ها و شرکت‌های تابعه اعم از داوطلبان مراکز تربیت معلم، دانش‌سرای تربیت معلم، تعهد دبیری، متعهدین خدمت و استخدام و اشتغال، بورسیه‌های داخل و خارج، اعزام مأمورین ثابت، مأمورین و منتقلین سایر دستگاه‌ها برای مشاغل آموزشی و غیر آموزشی، علاوه بر داشتن شرایط عمومی استخدام، (صلاحیت علمی و توانایی جسمی و روانی)، به‌قرار ذیل است:

- ۱ - اعتقاد به دین مبین اسلام و یا یکی از ادیان رسمی مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- ۲ - التزام عملی به احکام اسلام.
- ۳ - اعتقاد و التزام به ولایت فقیه، نظام جمهوری اسلامی و قانونی اساسی.
- ۴ - عدم اشتها به فساد اخلاقی و تجاهر به فسق.
- ۵ - عدم سابقه‌ی وابستگی تشکیلاتی، هواداری از احزاب و سازمان‌ها و گروه‌هایی که غیر قانونی بودن آن‌ها از طرف مقامات صالحه اعلام شده و یا می‌شود مگر آن که توبه ایشان احراز شود.
- ۶ - عدم سابقه‌ی محکومیت کیفری مؤثر.
- ۷ - عدم اعتیاد به مواد مخدر.

تبصره‌ی ۱ - در خصوص بند ۲ اقلیت‌های مذهبی مصرح در قانون اساسی از نظر اعتقادی و عملی با رعایت قوانین و مقررات مربوطه تابع شرایط خاص خود می‌باشند و در هر حال نباید متجاهر به نقض احکام اسلامی باشند.

تبصره‌ی ۲ - ایثارگران در گزینش دارای اولویت می‌باشند و در موارد محدودیت ظرفیت و کثرت تقاضا، ملاک‌های تقدم (مانند مناطق محروم، فعالیت در نهادهای انقلاب، شرکت در نماز جمعه و جماعات، پوشش چادر برای خواهران) نیز نسبت به داوطلبان اعمال می‌گردد.

تبصره‌ی ۳ - تشخیص بند ۵ ضوابط عمومی به‌عهده‌ی وزارت اطلاعات و در سایر موارد به‌عهده هیأت عالی گزینش می‌باشد.

کمیته از دولت می‌خواهد مشورت در خصوص بازبینی و اصلاح قوانین مربوط به حقوق اقلیت‌های مذهبی و نقش کمیته‌ی ملی در حمایت از حقوق اقلیت‌های دینی را آغاز کند. ذکر جزئیات بیش‌تر در خصوص شمار اقلیت‌های مذهبی که به خدمت سربازی رفته‌اند و این‌که در چه سطحی پذیرفته شده‌اند، ذکر جزئیات در ارتباط با شمار اقلیت‌های دینی که از مشوق‌های مالی برخوردار شده‌اند، از دیگر موارد درخواست شده از سوی کمیته است. کمیته خواهان آن می‌شود که دولت اطلاعاتی همراه با آمار و ارقام در مورد مشکلات و موانع بهایی‌ها در آزمون‌های ورودی و تحصیل در دانشگاه‌ها و بازار کار ارائه داده و اقدامات صورت گرفته در خصوص رفع تبعیضات موجود را به اطلاع کمیته برساند. کمیته هم‌چنین خواهان دریافت آمار استخدام اقلیت‌های قومی از جمله آذری‌ها و کردها می‌شود.

کمیته‌ی کنفرانس در سال ۲۰۰۶ از این موضوع اظهار تأسف می‌کند که هیچ پیشرفتی در اصلاح و یا لغو قوانین مخالف با مقوله‌نامه‌ی تبعیض، صورت نگرفته است و خواستار آن می‌شود که دولت بی‌درنگ در صدد تطابق این قوانین برآید. کمیته‌ی کنفرانس در خصوص تبعیض بین اعضای اقلیت‌های دینی و قومی به رسمیت شناخته، و شناخته شده ابراز نگرانی کرده و یادآور می‌شود که تبعیض در ارتباط با بهایی‌ها هم‌چنان به قوت خود باقی مانده است. کمیته‌ی کنفرانس ابراز امیدواری می‌کند که دولت تمامی اقدامات لازمه را در خصوص هم‌آهنگ‌سازی قانون و عرف خود با مقوله‌نامه‌ی تبعیض تا سال ۲۰۱۰ انجام دهد.

این کمیته از دولت می‌خواهد که ارزیابی میان‌دوره‌ای از این اقدامات را در گزارش بعدی خود به کمیته‌ی متخصصین ارائه دهد.

نکات مهم گزارش هیأت اعزامی

دولت نه تنها وقتی به دغدغه‌های کمیته نمی‌گذارد بلکه قانون فوق را طی مصوبه‌ای در تاریخ ۹ اردیبهشت ۷۵ قانون تسری قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش به کارکنان سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی را به تصویب می‌رساند و اکثریت بالای کارمندان دولت جمهوری اسلامی را مشمول قانون فوق می‌کند.

«ماده‌ی واحده- به منظور اجرای کامل فرمان حضرت امام (ره) و اعمال سیاست واحد در گزینش‌های سراسر کشور، امر گزینش و اجرای ضوابط و مقررات مربوط به آن در کلیه‌ی وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی، شرکت‌های ملی نفت و گاز و پتروشیمی، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، سازمان صنایع ملی ایران، جمعیت هلال احمر، شهرداری‌ها، سازمان تأمین اجتماعی، بانک‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی که مشمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام است، مؤسسات و شرکت‌هایی که تمام یا قسمتی از بودجه‌ی آن‌ها از بودجه‌ی عمومی تأمین می‌شود و هم‌چنین گزینش کارکنانی که به دستگاه‌های مشمول قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش مأمور یا منتقل گردند و نهادهای انقلاب اسلامی تابع احکام مقرر در قانون مذکور خواهند بود.»

tarh.majlis.ir/?ShowRule&Rid=74EEBBBE-6FDE-46F7-AFD6-0F79EC1A7024

کمک فنی به جمهوری اسلامی ایران

نکات مهم گزارش هیأت اعزامی کمک فنی به جمهوری اسلامی ایران پیرامون اجرای مقاله‌نامه‌ی تبعیض (استخدام و اشتغال) مصوب ۱۹۵۸ (شماره‌ی ۱۱۱) که از ۲۶ اکتبر تا ۱ نوامبر ۲۰۰۷ از این دیدار ارائه کرد به شرح زیر است:

تبعیض بر مبنای جنسیت

افزایش نرخ استخدام زنان و حمایت از کارآفرینی آنان به‌عنوان جزئی جدائی‌ناپذیر از توسعه‌ی کشور در نظر گرفته شده است. در حالی که به‌طور سنتی از زنان انتظار نمی‌رفت که بیرون از خانه کار کنند، اکنون بسیاری از زنان کار کردن را برمی‌گزینند؛ برای گروهی دیگر از زنان شرایط اقتصادی و نیازهای مالی، این امر را اجتناب‌ناپذیر کرده است. همان‌طور که فرایند خصوصی‌سازی ادامه می‌یابد، فرصت‌های کم‌تری برای زنان در بخش دولتی باقی می‌ماند که لازم است این کمبود را از طریق ایجاد فرصت در بخش خصوصی جبران کرد.

تعداد زنانی که وارد بازار کار می‌شوند هر روز در حال افزایش است، در حالی که وظایف خانوادگی‌شان تقلیل پیدا نکرده. به‌نظر می‌رسد برای به‌کارگیری نیروی کار بعد از سن سی سال موانع قانونی وجود داشته باشد. همین امر مانع بازگشت به کار زنانی می‌شود که برای نگاه‌داری از کودکان‌شان به‌مرخصی شغلی می‌روند.

از آن‌جایی که تعداد قابل توجهی از زنان با قراردادهای موقتی مشغول به کار می‌شوند چه از نظر قانونی و چه از لحاظ عملی، نمی‌توانند از تسهیلات در نظر گرفته شده توسط دولت استفاده کنند. آگهی‌های استخدامی معمولاً با ذکر جنسیت برای متقاضیان خانم یا آقا اولویت قائل می‌شوند.

قوانین و مقررات

عموماً پذیرفته شده که قوانین و مقرراتی که ملتزم موارد تبعیض‌آمیز در ارتباط با زنان است باید فسخ شوند. ماده‌ی ۱۱۱۷ قانون مدنی و مقررات تأمین اجتماعی از جمله موارد ویژه هستند. در گذشته تلاش‌هایی برای فسخ ماده‌ی ۱۱۱۷ قانون مدنی صورت گرفته است و تلاش‌های جدیدی در مجلس آغاز گردیده است. باید منتظر ماند و دید که آیا این تلاش‌ها نتیجه‌ای خواهند داشت یا نه. تاکنون در مورد ضرورت لغو مواد مشخصی

در قوانین تأمین اجتماعی که تسلط شوهر بر همسرش را درباب مستمری و مزایای فرزندان، محق می‌داشت، توافق کلی حاصل شد. به‌نظر می‌رسد تلاش محسوسی برای اصلاح بسیاری از موانع، در حال شکل‌گیری است. و نیز هیچ آگاهی از چگونگی قوانین اجرایی که موجب محدودیت استخدام همسران کارمندان دولت شود دریافت نشد. زنان در سیستم قضائی در مناصب گوناگونی به‌ایفای نقش می‌پردازند. اطلاعاتی در مورد تعداد زنان و مردان در سیستم قضائی و نیز رتبه‌ی آن‌ها در خواست شده است. به‌موجب قرارداد ۱۹۷۹، قضات زن نمی‌توانند به‌صدور رای بپردازند. به‌نظر می‌رسد که قضات زن در پرونده‌هایی که مربوط به زنان است نقش کلیدی دارند و هم‌چنین در دادرسی‌های اولیه صاحب نظر هستند.

در رابطه با بخش‌نامه‌ی پوشش اجباری زنان و وضع جریمه در موارد عدم‌رعایت آن، و نیز قوانین انطباطی دانشجویان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، به‌نظر می‌رسد که بخش‌نامه‌ی پوشش در بخش خدمات دولتی به‌صورتی جدی و خشن اجرا می‌شود. به‌هر حال، اطلاعات ناچیزی در مورد اجرای عملی قوانین انطباطی و اجرایی به‌ویژه در مورد زنان غیرمسلمان، به‌دست آمد؛ ولی هیچ‌گونه اطلاعاتی در مورد تعداد خشونت‌ها در زمینه‌ی نوع پوشش و جریمه‌های مربوط به آن کسب نشد.

تبعیض بر پایه‌ی مذهب

تمایز بین اقلیت‌های مذهبی که به‌رسمیت شناخته شده‌اند و آن‌هایی که به‌رسمیت شناخته نشده‌اند، در عمل و در قانون به‌شکل مشخصی وجود دارد. در بند ۱۳ از قانون اساسی آمده است: «ایرانیان زرتشتی، یهودی و مسیحی تنها اقلیت‌های مذهبی هستند که به‌رسمیت شناخته می‌شوند، آن‌ها با محدودیت‌های قانونی، آزاد هستند مناسک و مراسم مذهبی خود را اجرا نمایند و در موارد شخصی و آموزش‌های مذهبی بر طبق قوانین شرعی خود رفتار کنند». اقلیت‌های مذهبی رسمی، در مجلس دارای نماینده هستند، و می‌توانند برای تصدی شغل در بخش دولتی اقدام نمایند. برای به‌خدمت گرفتن آموزگار از اقلیت‌های مذهبی، سیستم سهمیه‌بندی شکل گرفته است. شرایط کلی برای اقلیت‌های مذهبی غیررسمی، به‌ویژه برای بهایی‌ها، بسیار دشوار است.

اقلیت‌های مذهبی که به رسمیت شناخته نشده‌اند، سزاوار درخواست کار در بخش دولتی نیستند و پیرو بخش‌نامه‌ی هیأت عالی بازرسی ریاست‌جمهوری، نمی‌توانند به‌عنوان معلم مشغول به کار شوند.

در این خصوص، هیچ نشانه‌ای که حاکی از تغییر شرایط در آینده‌ی نزدیک باشد مشاهده نشد. با وجودی که دیگر از لحاظ قانونی منعی برای شرکت بهایی‌ها در کنکور دانشگاه‌ها نیست، اما در عمل دسترسی آن‌ها به دانشگاه محدود است. از سه‌میلیون و ششصد هزار جمعیت دانشگاهی، تنها بیست و سه دانشجوی بهائی شناسایی شدند که آن‌ها نیز از دسترسی به آموزش‌های حرفه‌ای تحت نظارت دولت محروم‌اند. برخی از بهایی‌ها موفق به راه‌اندازی کسب و کار خود شده‌اند، اما برخی از مردم از انجام معامله با آنان به دلیل دین‌شان خودداری می‌کنند. برخی از بهایی‌ها به دنبال اقدامات قانونی موفق به دریافت مستمری خود شدند؛ این در حالی است که بهایی‌ها هم‌چنان از دریافت مستمری محروم هستند.

تبعیض برای اقلیت‌های قومی

اقلیت‌های قومی را می‌توان از طریق محل سکونت، یا محل تولدشان شناسایی کرد. بند ۱۰۰ برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی به‌اصل «گسترش وحدت و مفاهیم مرتبط با گروه‌های اجتماعی و گروه‌های قومی مختلف در فرهنگ ملی» اشاره می‌کند. اقلیت‌های قومی دارای نمایندگانی در دولت هستند؛ با وجود این به‌تعداد آن‌ها اشاره‌ای نشده است. در مبحث امنیت ملی، برخی از اقلیت‌های قومی از تصدی مشاغل خاصی منع شده‌اند. برای ارزیابی مناسب شرایط استخدام گروه‌های اقلیت قومی، اطلاعات کافی به‌دست نیامد، و هم‌چنین مستندانی که نشان دهد برای دسترسی برابر اقلیت‌های قومی به تحصیلات، استخدام و اشتغال، تلاشی صورت یافته، کسب نشد.

مکانیزم حقوق بشر و حل اختلاف

به‌نظر می‌رسد راه‌هایی برای اقامه‌ی دعوی با موضوع تبعیض وجود داشته باشد. در زمان مأموریت هیچ‌گونه اطلاعاتی در رابطه با تعداد و نوع شکایت‌هایی که به‌افراد و دادگاه‌های مختلف ارائه شده است در دسترس نبود و هم‌چنان قرار است این اطلاعات ارائه گردند. در مجموع در مورد افراد و فرایندهای متفاوت آگاهی چندانی در دست نیست. در برخی

از پرونده‌ها وحشت افراد از ارائه‌ی شکایت به دلیل پی‌آمدهای آن، کاملاً محسوس است. موضوع قابلیت دسترسی فرایندها به‌ویژه برای اشخاصی که در مورد تبعیض مذهبی اقامه‌ی دعوی می‌کنند نیز از موارد نگرانی است.

بررسی اختصاصی در ارتباط با مقاوله‌نامه‌ی ۱۱۱

تبعیض (در استخدام و اشتغال) ۲۰۰۸

کمیته یک‌بار دیگر واقعیت تبعیض در آگهی‌های استخدام را تأیید کرد و از دولت خواست که اقدامات خود برای جلوگیری و ممنوعیت آزارهای جنسی در استخدام و شغل را گزارش کند.

کمیته به‌قانونی که شوهران را محق می‌داند با توسل به حکم دادگاه مانع از استخدام زنان شوند، اشاره کرد و آن را یکی از موانع زنان برای وارد شدن به بازار کار دانست. کمیته هم‌چنین براساس گزارش هیأت ویژه‌ی سازمان جهانی کار اعلام می‌کند که قانونی در دست تصویب است که استخدام پس از سی‌سالگی را محدود می‌کند. کمیته چنان قانونی را علیه زنان و تبعیض‌آمیز معرفی می‌کند؛ چرا که آن‌ها به‌خاطر شرایط بارداری و نگاهداری از کودک، از محدودیت سنی در امر استخدام لطمه می‌بینند. کمیته یک‌بار دیگر به حکم شماره‌ی ۵۵۰۸۰ سال ۵۸ اشاره می‌کند که بر اساس آن زنان قاضی، پُست اجرایی پیدا کردند و از حق صدور حکم محروم شدند.

کمیته بر اساس گزارش هیأت ویژه‌ی سازمان جهانی کار اعلام می‌کند که از سه میلیون و ششصد هزار دانشجوی ایرانی تنها قادر به‌شناسایی بیست و سه دانشجوی بهایی شده است. هیأت باخبر شده است چنان‌چه بهایی‌ها دین خود را اعلام کنند، از دریافت بازنشستگی محروم می‌شوند.

کمیته، بر اساس گزارش هیأت ویژه آگاهی یافته که تعدادی از افراد وابسته به اقلیت‌های قومی از پست‌های خود در ارتباط با امنیت ملی اخراج شده‌اند.

کمیته اعلام می‌کند که علی‌رغم تعهدات دولت نسبت به لغو قوانین و مقرراتی که با مقاوله‌نامه‌ی شماره‌ی ۱۱۱ مغایر است، هنوز پیشرفت چندانی در این زمینه انجام نشده و روند اصلاحات، کند است.

بنا به موارد اشاره شده، کمیته قویاً به دولت اعلام می‌دارد که بدون هیچ‌گونه تأخیری کلیه قوانین و مقررات محدودکننده‌ی اشتغال زنان را لغو، و به‌شکلی مؤثر در رفع

روش‌های تبعیض‌آمیز علیه زنان، اقدام کند.

کمیته، در رابطه با تبعیض علیه زنان و سهم اندک مشارکت آنان در بازار کار، به‌ویژه محدودیت دستیابی آنان به‌مشاغل و پست‌های ارشد مدیریتی، و نیز بالا بودن نرخ بی‌کاری زنان، نگرانی خود را ابراز می‌دارد. همچنین تلاش‌های مستمر دولت در امکان‌پذیری دستیابی بیشتر زنان به تحصیلات دانشگاهی و نیز تأیید دولت را بر این امر که در عمل یک راه طولانی برای از میان برداشتن موانع اشتغال زنان وجود دارد مورد توجه قرار می‌دهد.

در رابطه با قوانین و سیاست‌های مربوط به عدم تبعیض، کمیته از دولت می‌خواهد که به‌هر صورت ممکن، وجود این قوانین و سیاست‌ها را به‌آگاهی عمومی برساند و ضمانت اجرایی آن‌را تثبیت کند.

با توجه به افزایش مشاغل موقت و قراردادی در بین زنان، کمیته صراحتاً از دولت می‌خواهد که نسبت به پرداخت حقوق و مزایای متعلق به این گروه از کارگران زن، اطمینان حاصل نماید.

در مورد تبعیض علیه اقلیت‌های قومی و مذهبی، کمیته از ادامه‌ی سیاست‌های تبعیض‌آمیز علیه این اقلیت‌ها و عدم برنامه‌های اصلاحی در این مورد، ابراز تأسف می‌کند و از دولت می‌خواهد در این رابطه اقدامات اساسی لازم را به‌عمل آورد. کمیته از این‌که گفتگوهای هدفمند اجتماعی به‌دلیل سابقه‌ی سرکوب آزادی انجمن در کشور، در سطح ملی جریان ندارد، ابراز نگرانی کرد.

با در نظر گرفتن تعهدات دولت در سال ۲۰۰۶، مبنی بر هم‌خوانی کلیه‌ی قوانین و مقررات و رویه‌های مرتبط با مفاد مقاوله‌نامه تا سال ۲۰۱۰ میلادی، کمیته به‌صراحت از دولت می‌خواهد در این خصوص، فوراً اقدام کند و در پاسخ به‌تمامی موارد درخواست‌شده توسط این کمیته و کمیته‌ی کارشناسان، اطلاعات کامل و مشروحی را در مجمع ۲۰۰۸ به کمیته‌ی کارشناسان، ارائه نماید.

بررسی اختصاصی در ارتباط با مقاوله‌نامه‌ی ۱۱۱ تبعیض (در استخدام و اشتغال) ۲۰۰۹

کمیته اعلام می‌دارد در ارتباط با بسیاری از موارد مطرح شده طی سالیان گذشته، پیشرفتی صورت نگرفته است و از این که این پرونده هم‌چنان نیازمند بحث و رسیدگی است اظهار تأسف می‌کند.

کمیته قبلاً از دولت ایران درخواست کرده بود که اطلاعات کامل و مفصلی را در هنگام برگزاری جلسه‌ی ۲۰۰۸ کمیته‌ی متخصصین، در اختیار آن قرار دهد.

کمیته نسبت به عدم گفتمان اجتماعی حقیقی در سطح ملی و نیز شرایط سرکوب آزادی تشکل‌ها در کشور، عمیقاً ابراز نگرانی می‌کند.

کمیته به اطلاعات بیش‌تر در خصوص نظام سهمیه‌ای در دانشگاه و چگونگی اجرای عملی آن نیاز دارد و خواستار دریافت اطلاعاتی در خصوص تأثیرات قانون جدید بر اشتغال زنان است که ساعات کاری را برای زنان دارای فرزند کاهش می‌دهد.

کمیته یادآوری می‌کند که موارد مهمی در این خصوص مطرح شده که تاکنون بلاجواب مانده است. نگرانی در خصوص وضعیت اقلیت‌های قومی و مذهبی، به‌ویژه عدم دسترسی برابر آنان به کار و اشتغال، و نیز عدم توانایی دولت در تهیه‌ی اطلاعات آماری کافی در این مورد، هم‌چنان باقی‌ست. کمیته بر این باور است که اقلیت بهایی، بدون آن که دولت در سطح مسئولین اقدام خاصی را در ممانعت از نابرابری انجام دهد، در دسترسی به آموزش و کار، هم‌چنان مورد تبعیض هستند. کمیته مصرانه از دولت می‌خواهد که هم در تدوین قانون و هم در عمل، اقدامات ضروری و عاجل را در راستای تضمین اجرای کامل مقاوله‌نامه‌ی ۱۱۱، و برقراری گفتمان اجتماعی آزادانه در این زمینه انجام دهد.

کمیته از دولت می‌خواهد که در گزارش دوره‌ی بعد، اطلاعات موثق و کامل را به کمیته‌ی متخصصین، ارائه و به‌مسائل مورد پرسش، پاسخ دهد. کمیته، اظهار امیدواری کرد که چنین اطلاعاتی باید نشان دهد که در خصوص همه‌ی موارد گفتگوشده، پیشرفت محسوس صورت گرفته است.

نتیجه‌گیری کمیته بررسی استانداردهای کنفرانس جهانی کار از نقض حقوق کار در ایران^۱

کمیته بررسی استانداردهای کنفرانس جهانی کار، مانند دیگر نهادهای کنفرانس، از نمایندگان دولت‌ها، کارگران و کارفرمایان تشکیل شده و براساس گزارش کمیته‌ی متخصصین، به بررسی موارد نقض مقاوله‌نامه‌ها توسط دولت‌ها می‌پردازد. این کمیته هر ساله با پیشنهاد یکی از هیأت‌های کارگری، کارفرمایی و توافق سه‌جانبه‌ی هیأت‌ها، از میان گزارش‌هایی که در کتاب سبز کمیته‌ی متخصصین به آن‌ها اشاره شده، حداکثر بیست و پنج کشور را مورد رسیدگی ویژه قرار می‌دهد و در نهایت برای حداکثر پنج - شش کشوری که در لیست کشورهای ناقض حقوق کار قرار گرفته‌اند، یک «پاراگراف ویژه» به تصویب می‌رساند.^۲

به‌خاطر نقض حقوق اولیه‌ی کار که به‌طور گسترده در ایران صورت می‌گیرد و عدم

1- <http://www.ilo.org/ilolex/english/newcountryframeE.htm>

۲- پاراگراف ویژه، شدیدالحن‌ترین اعتراض سازمان بین‌المللی کار نسبت به وضعیت حقوق کار در یک کشور و نشان‌دهنده‌ی وخامت شرایط کار و نقض گسترده‌ی مقاوله‌نامه‌های مربوطه است. یک پاراگراف ویژه بنا به مقررات سازمان بین‌المللی کار حاوی یک درخواست فوری از دولت مورد بحث است. این پاراگراف توسط یک کمیته کنفرانس تصویب و به تأیید نهایی کنفرانس بین‌المللی کار می‌رسد. در سال‌های ۱۹۷۴ و ۱۹۷۷ دو پاراگراف ویژه‌ی تصویب‌شده در کمیته کنفرانس برای نقض آزادی‌های سندیکایی در اتحاد شوروی، به‌خاطر فشارهای سیاسی به تصویب کمیته‌ی نهایی نرسید.

رعایت مفاد مقابله‌نامه‌های امضا شده از سوی دولت‌های ایران، فعالیت این کمیته برای جمهوری اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به‌همین منظور فعل و انفعالات آن را از نزدیک زیر نظر دارد. آنچه که در این کمیته تصویب می‌شود در اجلاس نهایی به تصویب کنفرانس می‌رسد و به‌عنوان سند نهایی کنفرانس منتشر می‌شود.

وضعیت دولت جمهوری اسلامی، در دوره‌ی میرحسین موسوی در کمیته‌ی بررسی استانداردها

برای اولین بار در سال ۱۹۸۳ کمیته‌ی بررسی استانداردهای کنفرانس جهانی کار پرونده‌ی نقض مقاله‌نامه‌ی ۱۱۱ در ارتباط با تبعیض در استخدام و شغل از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران را در دستور کار قرار می‌دهد و نگرانی خود را نسبت به نقض گسترده‌ی مقاله‌نامه ابراز می‌دارد. این رسیدگی در سال‌های ۱۹۸۴، ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ بدون آن که از سطح نگرانی کمیته کاسته شود و یا تغییری در اوضاع حاصل شود، ادامه یافت.

نتیجه‌گیری کمیته‌ی کنفرانس در سال ۸۲

کمیته بنا به پیشنهاد اعضای کارفرمایان و کارگران به‌مانند سال ۱۹۸۶ نتیجه‌گیری زیر را مورد تصویب قرار می‌دهد:

همانند سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۶ کمیته بار دیگر نگرانی عمیق خود را نسبت به مشکلاتی که در ارتباط با اجرای مقاله‌نامه‌ی ۱۱۱ موجود است ابراز می‌دارد و تأکید می‌کند که

دولت می‌بایستی مشخصاً تبعیضات و نابرابری‌های جنسی، مذهبی، سیاسی و قومی و اجتماعی را که مغایر با مقوله‌نامه‌ی ۱۱۱ هستند لغو کند. کمیته تصمیم می‌گیرد که پرونده‌ی حاضر را در قسمت عمومی گزارشش با عنوان «قصور مداوم در ایفای تعهد»^۱ و در یک «پاراگراف ویژه» بیاورد.

نتیجه‌گیری کمیته‌ی کنفرانس در سال ۸۸

کمیته با تأسف اظهار می‌دارد که توضیحات کتبی و شفاهی ارائه شده توسط دولت هیچ تغییری را در موقعیت نشان نمی‌دهد. همانند سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۶ کمیته بار دیگر نگرانی عمیق خود نسبت به مشکلاتی که در ارتباط با اجرای مقوله‌نامه‌ی ۱۱۱ موجود است ابراز می‌دارد و بار دیگر تأکید می‌کند که دولت می‌بایستی مشخصاً تبعیض جنسی، مذهبی، سیاسی و قومی و اجتماعی را که مغایر با مقوله‌نامه‌ی ۱۱۱ هستند لغو کند. کمیته تصمیم می‌گیرد که پرونده‌ی حاضر را در قسمت عمومی گزارشش تحت عنوان «قصور مداوم در ایفای تعهد» بیاورد.

این دوران به لحاظ نقض مقوله‌نامه‌ی ۱۱۱ و حقوق بنیادین کار، بدترین دوران به شمار می‌رود.

وضعیت دولت جمهوری اسلامی، در دوره‌ی علی اکبر هاشمی رفسنجانی در کمیته‌ی بررسی استانداردها

روی کرد سازمان جهانی کار به دولت جمهوری اسلامی در این دوره‌ی هشت ساله را بایستی به سه بخش تقسیم کرد. در بخش اول سکوت و چشم‌پوشی بر نقض حقوق کار و مقاله‌نامه‌های مربوطه است. این سیاست را می‌توان فرصت دادن به دولت جدید تلقی کرد.

با پذیرش قطع‌نامه‌ی ۵۹۸ و پایان جنگ ایران و عراق و به قدرت رسیدن دولت رفسنجانی و به کارگیری بخشی از سیاست‌های بانک جهانی و توصیه‌های صندوق بین‌المللی پول و تلاش دولت برای نزدیکی به غرب، نگاه سازمان بین‌المللی کار نسبت به دولت جمهوری اسلامی نیز تغییر می‌کند و این روی کرد در نتیجه‌گیری‌های کمیته‌ی کنفرانس نیز خود را نشان می‌دهد. علیرغم این که تغییر محسوسی در روش دولت جمهوری اسلامی در برخورد با نهادهای بین‌المللی به وجود نمی‌آید، اما شکل و محتوای برخورد کمیته‌ی کنفرانس تغییر می‌کند و به پیشنهاد گروه کارفرمایان، نام جمهوری اسلامی از لیست

کشورهای ناقض حقوق بنیادین کار بیرون کشیده می‌شود. پس از یک دوره‌ی فترت در سال ۱۹۹۳ کنفرانس با بررسی مجدد پرونده‌ی جمهوری اسلامی هشدار می‌دهد و عاقبت در بخش سوم این دوره در سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ با تصویب دو پاراگراف ویژه نام جمهوری اسلامی را به‌لیست بدترین ناقضین حقوق کار برمی‌گرداند.

نتیجه‌گیری کمیته کنفرانس در سال ۸۹

کمیته اظهار می‌دارد که توضیحات شفاهی ارائه شده توسط نماینده‌ی دولت را دریافت کرده است و با کمال تأسف مشاهده می‌کند که هیچ تغییری در چگونگی اجرای مقاوله‌نامه دیده نمی‌شود. به‌مانند سال‌های پس از ۱۹۸۳ کمیته یک بار دیگر نگرانی جدی خود را در ارتباط با مشکلاتی که در راه اجرای مقاوله‌نامه موجود است ابراز می‌دارد. کمیته امیدوار است که دولت هرگونه تبعیض جنسی، مذهبی، سیاسی، یا قومی و اجتماعی مغایر با مقاوله‌نامه را لغو کند و در موقعیتی قرار بگیرد که سال آینده پیشرفت‌های قاطع و اساسی در ارتباط با اجرای مقاوله‌نامه را گزارش کند.

نتیجه‌گیری کمیته کنفرانس در سال ۹۰

کمیته با علاقمندی اظهار می‌دارد که اطلاعات تهیه‌شده توسط دولت را دریافت کرده است. کمیته از روی کرد سازنده‌ی نماینده‌ی دولت که باعث ایجاد یک گفتگو مطابق با روح واقعی سازمان بین‌المللی کار شده است استقبال می‌کند. کمیته هم‌چنین اقدامات ذکر شده را در نظر گرفته و برای پیشرفت‌های احتمالی بعدی فراخوان می‌دهد.

کمیته براساس اصلاحات انجام شده اظهار امیدواری می‌کند دولت در موقعیتی قرار گیرد که در گزارش، پیشرفت‌های مثبت بعدی را گزارش کند و اقدامات انجام گرفته و در دست انجام را به اطلاع کمیته برساند.

در سال‌های ۹۱ و ۹۲ مطابق سیاست کمیته‌ی کنفرانس که ناشی از نگاه سازمان بین‌المللی کار به دولت جمهوری اسلامی بود، پرونده‌ی نقض حقوق اولیه‌ی کار در کمیته‌ی کنفرانس مورد بررسی قرار نگرفت.

نتیجه‌گیری کمیته‌ی کنفرانس در سال ۹۳

کمیته، اطلاعات ارائه‌شده توسط دولت ایران را شنیده و اظهارات دولت مبنی بر وفاداری‌اش به اصول سازمان بین‌المللی کار، تأکیدش بر عدم اخراج تبعیض‌آمیز در کشور، فراگیری سیستم تأمین اجتماعی بدون تبعیض برای همه و رفتار برابر با اقلیت‌های مذهبی و سایر افراد کشور را در نظر می‌گیرد.

دولت خاطر نشان می‌کند که فراماسون بودن به‌لحاظ قانونی قابل تعقیب و تنبیه نیست. آموزش حرفه‌ای زنان به‌طور مداوم افزایش می‌یابد. با وجود این کمیته نگرانی خود را ابراز می‌دارد چرا که اختلافات موجود بین قانون و اجرای آن و مقاوله‌نامه که سابقاً به‌آن‌ها اشاره شد هم‌چنان پابرجاست.

کمیته اظهار امیدواری می‌کند که دولت شرایطی را که به رفتار تبعیض‌آمیز نسبت به بعضی از گروه‌های مذهبی در استخدام رسمیت داده تغییر دهد. این موضوع چندین بار مورد بحث قرار گرفته و پیشرفتی در آن حاصل نشده است. کمیته نگرانی خود را نسبت به وضعیت زنان کارگر به‌ویژه در برخورداری از شرایط برابر در استخدام ابراز می‌دارد؛ اگر چه زنان زیادی به‌دانشگاه می‌روند.

کمیته در نتیجه‌گیری خود اظهار امیدواری می‌کند که دولت در گزارش بعدی خود به‌طور مشخص اقدامات انجام‌شده در ارتباط با لغو دستورالعمل ۲۵ فوریه ۱۹۹۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی در ارتباط با استخدام بهایی‌ها را خاطر نشان کند. هم‌چنین از دولت خواسته می‌شود اطلاعات درخواست شده از سوی کمیته متخصصین در مورد حذف محدودیت‌هایی که در ارتباط با کار زنان اعمال می‌شود، ارائه دهد.

نتیجه‌گیری کمیته‌ی کنفرانس در سال ۹۶

کمیته بار دیگر نگرانی خود را نسبت به عدم شرایط برابر برای زنان در اجتماع و کار ابراز می‌کند. کمیته اظهار امیدواری می‌کند که دولت در آینده‌ی نزدیک نظرات خود نسبت

۱- با وجود آن که ضیایی فر رئیس کمیسیون حقوق بشر اسلامی در دیدار با هیئت سازمان بین‌المللی کار به مصوبه‌ی شماره ۱۳۲۷/م/س شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۶/۱۲/۶۹، اشاره می‌کند که به‌موجب آن «پیشرفت و گسترش» جامعه‌ی بهائی «باید ممنوع شود» و از جمله این موارد ممنوعیت آنان از استخدام و دسترسی به آموزش است، اما چنین مصوبه‌ای در سایت رسمی شورای انقلاب فرهنگی موجود نیست و محتوای آن مخفی نگاه داشته شده است.

به‌موارد مطرح شده در شکایت کنفدراسیون جهانی کار مورخه‌ی ۴ دسامبر ۱۹۹۵ و پیشرفت‌های مشخص در این زمینه را اعلام کند. کمیته در نظر می‌گیرد که دولت آماده‌ی پذیرش همکاری‌های فنی از سوی دفتر بین‌المللی کار است.

از آن‌جایی که کمیته سال‌های زیادی وضعیت ایران را مورد بحث و بررسی قرار داده و نتیجه‌ی مطلوبی حاصل نکرده است، به‌دولت پیشنهاد داده از یک «هیأت تماس مستقیم» برای دیدار از کشور دعوت به‌عمل آورد.

کمیته بر این باور است که دولت، در این مورد، خود قادر به‌اتخاذ تصمیم نیست؛ لذا در این شرایط کمیته تصمیم گرفت این نتیجه‌گیری را در یک «پاراگراف ویژه» در گزارش عمومی خود بیاورد.

متن پاراگراف ویژه‌ی کمیته‌ی کنفرانس

کمیته این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که مشکلات جدی در ارتباط با تبعیض (مقوله‌نامه‌ی ۱۱۱) به‌ویژه در ارتباط با سیاست‌های استخدامی بر علیه جامعه‌ی بهایی‌ها و دیگر جوامع مذهبی وجود دارد که باعث عدم برخورداری از برابری رفتاری در عمل شده است.

کمیته از دولت ایران خواست که اطلاعات کامل و قابل‌درکی در رابطه با تنظیم یک سیاست ملی برای ارتقای برابری بدون هیچ‌گونه تبعیض مذهبی به‌ویژه در ارتباط با پست‌های قضایی، انتخاب شوراهای اسلامی کار و دسترسی به تحصیلات دانشگاهی، فراهم کند. کمیته هم‌چنین با علاقمندی حذف محدودیت‌های ایجاد شده در دسترسی زنان به‌بعضی رشته‌های دانشگاهی را دنبال می‌کند، اما در کل نسبت به‌عدم برابری برای زنان در اجتماع و محیط کار نگران است.

کمیته نسبت به‌آمدگی دولت برای پذیرش کمک‌های فنی از دفتر بین‌المللی کار، آگاهی داشت؛ اما مجدداً پیشنهاد داد که دولت از یک «هیأت تماس مستقیم»^۱ برای بازدید از کشور دعوت به‌عمل آورد، ولی دریافت که دولت ایران در شرایطی نبود که بتواند

۱- هیأت تماس مستقیم هیأتی نظارتی است که به‌منظور بررسی و تهیه‌ی گزارش از سوی سازمان بین‌المللی کار به‌کشورهای ناقض اصول بنیادین کار اعزام می‌شود. این هیأت می‌تواند بدون امکان ایجاد محدودیتی از سوی دولت‌ها با هر شخص یا مقامی که لازم باشد ملاقات می‌کند. دولت‌ها تلاش می‌کنند هیأت تماس مستقیم را با «هیأت همکاری‌های فنی» که سخت‌گیری‌های کم‌تری دارد تعویض نمایند.

به‌تنهایی در خلال کنفرانس چنین تعهدی دهد.

نتیجه‌گیری کمیته‌ی کنفرانس در سال ۹۷

کمیته نکات یاد شده از سوی کمیته متخصصین که در چند سال گذشته فرمول‌بندی شده، به‌همراه اطلاعات شفاهی ارائه شده از سوی نماینده‌ی دولت و جزئیات بحث‌های طرح شده با کمیته‌ی کنفرانس را در نظر می‌گیرد. کمیته توضیحات ارائه شده از سوی دولت برای عدم پذیرش «هیأت تماس مستقیم» و همچنین اولویت دادن به پذیرش همکاری‌های فنی را نیز در نظر دارد. کمیته با نگرانی اظهار می‌دارد که علیرغم ابتکارات معین و زمان سپری شده، مفاد این مقاوله‌نامه و دیگر مقاوله‌نامه‌ها از طرف دولت ایران هم‌چنان مورد بی‌اعتنایی بوده و لازم است دولت، اطلاعات تکمیلی در این موارد ارائه دهد.

کمیته اظهار امیدواری می‌کند که دولت اقدامات انجام‌گرفته برای حذف هر نوع تبعیض در ارائه‌ی مشاغل و همچنین اقدامات مقامات صلاحیت‌دار برای غیرقانونی اعلام کردن بعضی گروه‌ها را به‌آگاهی اعضای کمیته برساند. کمیته اطلاعات آماری در مورد استخدام اقلیت‌های مذهبی و زنان و نیز اطلاعات مربوط به مواد قانون اساسی که مطابق آن پرسش از مردم در باره‌ی اعتقاداتشان ممنوع شده و متمم قانونی که به‌زنان اجازه می‌دهد مشاغلی را در قوه قضاییه بدست آورند، در نظر می‌گیرد.

کمیته آرزومند است که دولت به‌تکمیل داده‌های خود در ارتباط با پیشرفت‌های حاصله تا زمانی که قوانین ملی و عمل‌کردها در تطابق کامل با شرایط مندرج در مقاوله‌نامه قرار گیرند، ادامه دهد.

کمیته قویاً اصرار می‌کند که دولت به‌منظور ثبت پیشرفت‌های قابل‌ملاحظه و سریع پیشنهاد «هیأت تماس مستقیم» را که سال گذشته مطرح شد، بپذیرد. کمیته تصمیم می‌گیرد که این موضوع را در یک «پاراگراف ویژه» در گزارش نهایی خود بیاورد.

متن پارگراف ویژه‌ی کمیته‌ی کنفرانس

در مسموعات کنفرانس، جمهوری اسلامی ایران هم‌چنان متهم به ادامه‌ی اعمال تبعیض سیستماتیک در استخدام بر اساس جنس، مذهب و عقاید سیاسی است. بر پایه‌ی اهمیت اتهامات، کمیته قویاً خواستار پذیرش یک «هیأت تماس مستقیم» از سوی دولت ایران در اولین فرصت است.

پاره‌ای از مشکلات در ارتباط با ایران عبارت‌اند از: تبعیض علیه زنان، به‌ویژه در سیستم قضایی؛ مطابق با اطلاعات در دسترس، زنان فقط قادر به داشتن پست‌های مشاورتی و حمایتی در قوه قضاییه هستند و هم‌چنین اتهاماتی مبنی بر وجود تبعیض مذهبی بر سه پایه‌ی تبعیض بر علیه مذاهب رسمی و شناسایی شده، تبعیض علیه پیروان مذاهبی که مورد شناسایی واقع نشدند (به‌عنوان مثال بهایی‌ها)، تبعیض علیه مسلمانانی که مقررات اسلامی را رعایت نمی‌کنند.

وضعیت دولت جمهوری اسلامی، در دوره‌ی سیدمحمد خاتمی در کمیته‌ی بررسی استانداردها

دولت خاتمی در حالی به قدرت رسید که در دو سال آخر دوران رفسنجانی در ارتباط با نقض مقاله‌نامه‌های مربوط به حقوق کار، دو پاراگراف ویژه بر علیه جمهوری اسلامی تصویب شده بود و سازمان جهانی کار اصرار داشت که دولت دعوت از یک «هیأت تماس مستقیم» را بپذیرد.

از آن جایی که دولت‌های غربی امید زیادی به «اصلاحات» و دولت خاتمی بسته بودند، این روی کرد در سازمان جهانی کار نیز خود را نشان داد و این سازمان در برخورد خود با جمهوری اسلامی تغییراتی را به وجود آورد.

علیرغم عدم پذیرش «هیأت تماس مستقیم» که از سوی سازمان بین‌المللی کار و در جریان تصویب دو «پاراگراف ویژه» مؤکداً درخواست شده بود، و با وجود مشخص بودن نقض کامل مواد مقاله‌نامه در موارد زیر:

- طبق مصوبات مجالس پنجم و ششم، کارگاه‌های کم‌تر از ده نفر و پنج نفر از شمول

- قانون کار خارج شدند و کارگران این واحدها حتا از حقوق شناخته شده در قانون کار مصوب ۱۳۶۸ شورای تشخیص مصلحت نظام نیز برخوردار نبودند؛
- با رواج شدید «قراردادهای موقت» به جای استخدام دائم، این دسته از کارگران از حداقل حقوق استخدامی محروم می شدند؛
- - هیچ حرکت سازنده‌ای در زمینه‌ی برقراری حقوق برابر کار برای پیروان ادیان به رسمیت شناخته شده و به رسمیت شناخته نشده، صورت نگرفته بود؛
- تبعیض جنسی هم‌چنان و به شدت اعمال می شد و زنان از تصدی مشاغل قضایی، ریاست جمهوری و رهبری طبق نص صریح قانون محروم بودند. در میان دولت‌های منطقه‌ای، از افغانستان گرفته تا عراق و تاجیکستان و ازبکستان و... تنها در دولت جمهوری اسلامی زنان عضویت نداشتند؛
- هیچ یک از دهه‌ها قانون کلیدی که بر علیه زنان تصویب و اجرامی شد، به نفع زنان تغییر نیافته بود و ایجاد محیط‌های جداگانه‌ی زنانه و مردانه هم‌چنان یکی از هدف‌های دولت جمهوری اسلامی بود؛
- اعتقاد و التزام عملی به اسلام و ولایت فقیه، جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن که موارد مشخص تبعیض عقیدتی و سیاسی هستند، هم‌چنان یکی از شروط اصلی آگهی‌های استخدامی در سطح کشور بود؛
- بنا بر نص صریح قانون کار و برخلاف مقوله‌نامه‌ی بدترین انواع کار کودکان، کودکان از پانزده سالگی می‌توانند استخدام شوند و دولت هیچ تلاشی برای تغییر آن انجام نداده بود؛ حتا تغییر فرضی آن نیز، موضوع را پیچیده‌تر می‌کند؛ چرا که کودکی که حق استخدام ندارد، چگونه می‌تواند نان‌آور خانواده شده و مسئولیت تشکیل خانواده را به عهده داشته باشد (پسران از سن پانزده سالگی می‌توانند ازدواج کنند).
- برخلاف مقوله‌نامه‌ی بدترین انواع کار کودکان، هیچ تلاشی از سوی دولت جمهوری اسلامی برای بهبود وضعیت کودکان روستایی که به کار در مزارع و خانه و

صنایع قالی بافی و... مشغول اند، انجام نگرفته بود؛

• برخلاف حقوق بنیادین و اولیه‌ی کار و مقاوله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ هیچ تشکل مستقل کارگری بنا به اعتراف نمایندگان دولت و به اصطلاح مدعیان نمایندگی کارگران، در کشور وجود نداشت؛

سازمان، بر اساس وعده و وعیدهایی که دولت خاتمی در حرف می‌داد و دور از نظر سازمان بین‌المللی کار نبود، جمهوری اسلامی را در سال ۲۰۰۳ از لیست کشورهای ناقض حقوق بنیادین کار بیرون آورد.

در سال ۱۹۹۸ کمیته به این بهانه که هیأتی قرار است از ایران دیدار به عمل آورد، رسیدگی به موضوع اجرای مقاوله‌نامه‌ها را در دستور کار خود قرار نداد. در توضیحات ارائه شده از سوی نمایندگان کارگران و کارفرمایان تأکید شد که این مسئله به منزله‌ی تأیید اقدامات انجام گرفته در ایران و یا بهبود وضعیت نیست و در سال بعد موضوع پی‌گیری خواهد شد. چیزی که در سال‌های بعد به‌طور واقعی جامه‌ی عمل به خود نپوشید و سازمان بین‌المللی کار قدم به قدم عقب نشست.

در این سال کمیسیون بررسی استانداردها دو کشور برمه و سودان را هم‌چنان در لیست بدترین ناقضین کار قرار داد و برای هر کدام یک پاراگراف ویژه اختصاص داد.

نتیجه‌گیری کمیته‌ی کنفرانس در سال ۹۹

کمیته یادآوری می‌کند که بررسی نقض مقاوله‌نامه‌ی ۱۱۱ طی سال‌های گذشته غالباً در کمیته مورد بحث بوده است. در حالی که کمیته، تلاش‌های صورت گرفته برای ارتقای وضعیت استخدامی زنان و اقلیت‌های به رسمیت شناخته شده را در نظر می‌گیرد؛ اما هم‌چنان با نگرانی اظهار می‌دارد که تأثیر عملی این اقدامات نامشخص است و مشکلات قابل بررسی در اجرای مقاوله‌نامه موجود است.

کمیته، دعوت دولت از یک هیأت تکنیکی جهت بررسی مواردی که توسط کمیته‌ی متخصصین اعلام شده و نگرانی‌های کمیته حاضر در رابطه با اجرای مقاوله‌نامه‌ی ۱۱۱ را نیز شامل می‌شود، استقبال می‌کند.

کمیته، تمایل دولت برای بهبود اجرای مقوله را نیز در نظر می‌گیرد و امیدوار است که این مأموریت در اولین فرصت انجام شود تا نتایج آن در جلسه‌ی آتی کمیته‌ی متخصصین مورد بررسی قرار گیرد.

کمیته از دولت تقاضا می‌کند که به‌ارائه‌ی اطلاعات در مورد اقدامات صورت گرفته برای حذف انواع تبعیض‌هایی که در دسترسی به شغل، در قانون و اجرا، در مقوله‌نامه ممنوع شده، ادامه دهد. و در خاتمه اظهار امیدواری می‌کند که دولت به‌زودی در موقعیتی قرار گیرد تا به کمیته متخصصین اطلاع دهد که در قانون و اجرا تمامی مفاد مقوله‌نامه به مرحله‌ی عمل درآمده است.

در این سال، کنفرانس، قطعنامه‌ی شدیدالحن و غیرقابل انتظاری را علیه برمه به‌خاطر نقض قطعنامه‌ی کار اجباری و عدم پاسخ به درخواست‌های مکرر سیستم‌های نظارتی برای پایان دادن به کار اجباری تصویب کرد و پاراگراف ویژه، تنها برای کشور برمه تصویب شد.

نتیجه‌گیری کمیته‌ی کنفرانس در سال ۲۰۰۰

کمیته یادآوری می‌کند که نقض مقوله‌نامه‌ی ۱۱۱ توسط جمهوری اسلامی سال‌ها مورد بحث کمیته بوده و از شرایط مندرج در مقوله‌نامه، انحرافات جدی گزارش شده است. کمیته ادامه می‌دهد سال گذشته از دعوت یک هیأت تکنیکی توسط دولت برای بررسی مواردی که باعث ایجاد نگرانی در اجرای مقوله‌نامه شده بود، استقبال به‌عمل آورد. گزارش این هیأت، در گزارش کمیته‌ی متخصصین انعکاس یافته است.

کمیته با نگرانی اظهار داشته که محدودیت‌های قانونی در استخدام زنان همچنان باقی‌ست. زنان قاضی، قادر به صدور حکم نیستند و ماده‌ی ۱۱۱۷ قانون مدنی کماکان پابرجاست. علیرغم رشد مشارکت زنان در بازار کار، سهم آنان ناچیز و غیرقابل توجه باقی مانده است.

کمیته اظهار داشت که دولت در حال انجام اقداماتی برای برداشتن موانع قانونی در ارتباط با حق برابری زنان است؛ و نیز مترصد برگزاری یک سمینار ملی در ارتباط با حقوق اساسی کارگران قبل از پایان سال ۲۰۰۰.

اگرچه دولت قصد دارد اقداماتی در زمینه‌ی رفع موانع اجتماعی در ارتباط با برابری

حقوق اقلیت‌های مذهبی انجام دهد، معذالک کمیته امید بهتر شدن شرایط در این خصوص را لااقل در حال حاضر ندارد. کمیته مصرانه از دولت می‌خواهد در جهت بهبود اجرای مفاد مقاله‌نامه حرکت کند، با وجود این اظهار می‌دارد که سؤالات جدی در ارتباط با اجرای مقاله‌نامه هنوز باقی مانده است.

کمیته در پایان خواهان ارائه‌ی اطلاعات در مورد اقدامات انجام گرفته به کمیته‌ی متخصصین می‌شود و اظهار امیدواری می‌کند که دولت با مواردی که از سوی کمیته به‌عنوان «موضوع ضروری» قلمداد شده، برخورد جدی داشته باشد و بتواند موقعیتی را سبب گردد که تضمین لازم برای اجرای مقاله‌نامه را برای سال آینده ارائه و به‌همکاری مؤثر با سازمان بین‌المللی کار ادامه دهد.

در این سال بار دیگر یک قطعنامه‌ی شدیدالحن علیه برمه تصویب، و کنفرانس خواستار اتخاذ اقداماتی برای مجبور ساختن دولت برمه نسبت به رعایت مقاله‌نامه‌ی منع کار اجباری شد.

دولت‌های سودان به‌خاطر عدم رعایت مقاله‌نامه‌ی منع کار اجباری؛ و ونزوئلا به‌خاطر عدم رعایت مقاله‌نامه‌ی آزادی‌های سندیکایی مورد انتقاد شدید کنفرانس قرار گرفتند و به‌آن‌ها یادآوری شد در صورت عدم رعایت موارد مقاله‌نامه، طبق پروسه‌ی کاری کنفرانس یک پارگراف ویژه به‌این دو کشور اختصاص خواهد یافت.

نتیجه‌گیری کمیته‌ی کنفرانس در سال ۲۰۰۱

کمیته در ابتدای نتیجه‌گیری خود به یادآوری دوباره‌ی مواردی که در نتیجه‌گیری‌های قبلی آمده بود اشاره کرده و تأکید می‌کند که هم‌چنان نگران تفاوتی است که بین مقاصد اعلام شده‌ی دولت و اقدامات صورت گرفته برای حذف تبعیض در استخدام و شغل وجود دارد.

کمیته اظهار می‌دارد که دولت در حال بررسی اقداماتی برای حذف موانع رسمی استخدام زنان بوده و تلاش می‌کرده که بر موانع اجتماعی‌ای که مشارکت زنان در اقتصاد و بازار کار را محدود می‌کند، فائق آید.

به‌علاوه کمیته از تلاش‌های دولت در ارتباط با اقلیت‌های رسمی مذهبی باخبر شده است اما یادآوری می‌کند که اقدامات تکمیلی می‌بایستی همه‌ی اقلیت‌های مذهبی

و قومی کشور را در بر بگیرد. کمیته به دولت توصیه می‌کند که ابتکاراتی برای تبدیل اهداف و مقاصد اعلام شده‌اش به اقدامات عملی در راستای اجرای کامل مقاوله‌نامه، در قانون و در عمل داشته باشد.

کمیته نسبت به اعزام هیأت همکاری‌های فنی درخواست شده خوشنود است و این امر را باعث پیشرفت در اجرای مفاد مقاوله‌نامه ارزیابی، و با علاقمندی از توسعه‌ی گفتگو بین دولت و سازمان جهانی کار استقبال می‌کند و اعزام هیأت جدیدی برای زیر نظر گرفتن اجرای مقاوله را ضروری می‌داند.

نماینده‌ی دولت اظهار می‌دارد علیرغم این که از نتیجه‌گیری کمیته خوشحال نیست اما برای او دشوار است که نتیجه‌گیری کمیته را به چالش بگیرد. دولت، از روی کرد گروه کارگران استقبال، و از این که اعلام کرده‌اند محتوای کار هیأت برای شان مهم است و نه اسم و عنوان آن، ابراز خوشنودی می‌کند.

در گزارش نهایی کنفرانس، پارگراف ویژه برای شش کشور روسیه‌ی سفید، کلمبیا، اتیوپی، برمه، سودان و ونزوئلا صادر شد.

نتیجه‌گیری کمیته‌ی کنفرانس در سال ۲۰۰۳

کمیته یادآوری می‌کند که موضوع نقض مقاوله‌نامه از سوی جمهوری اسلامی ایران در طول بیش از بیست سال مورد بحث کمیته بوده است و آخرین بار در ژوئن ۲۰۰۱ هنگامی که کمیته با علاقمندی متوجه توسعه‌ی گفتگو میان دولت و سازمان بین‌المللی کار شد، مورد بررسی قرار گرفته است.

کمیته تقاضا کرده بود هیأتی را برای مانیتور اجرای مقاوله‌نامه در نظر گرفته شود تا با اقدامات مشترک، مقاوله‌نامه در عمل به‌مورد اجرا گذاشته شود و برای پیشرفت تصویب قوانین مربوطه مساعدت کند.

متعاقباً کمیته دریافت که دفتر بین‌المللی کار چنین هیأتی را در مارس ۲۰۰۲ مأمور کرده و گزارش آن در بررسی کمیته‌ی متخصصین آمده است. در نتیجه، کمیته از کندی پیشرفت‌های مثبت در این زمینه، با نارضایتی خبر می‌دهد و در مقابل از اقداماتی که در تقویت مشارکت زنان در بازار کار صورت گرفته و نیز روند مثبت سطح مشارکت زنان در آموزش و تعلیم و همکاری رو به‌رشد با سازمان جهانی کار استقبال می‌کند.

کمیته، دولت را به ادامه‌ی تلاش‌هایش برای تقویت برابری جنسی در بازار کار تشویق و اظهار امیدواری می‌کند که دولت در موقعیتی قرار گیرد تا هرچه زودتر گزارشی از پیشرفت رشد مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی، از جمله زنان فارغ‌التحصیل از دانشگاه ارائه دهد.

کمیته از تغییرات معینی که در قوانین صورت گرفته استقبال و اظهار امیدواری می‌کند که متممی به ماده‌ی ۱۱۱۷ قانون مدنی در آینده‌ی نزدیک افزوده شود. با توجه به این که قوانین ملی در دست بررسی دوباره است، کمیته قویاً به دولت اصرار می‌کند که موضوعات مهمی هم‌چون قانون حجاب اجباری که می‌تواند روی استخدام زنان غیرمسلمان تأثیر بگذارد و محرومیت قاضیان زن از صدور حکم که سال‌ها مورد بحث بوده، در اولویت قرار گیرد.

کمیته دریافته است که کوشش‌هایی برای تقویت اجرای مقوله‌نامه در ارتباط با اقلیت‌های مذهبی و قومی از جمله تصویب یک «برنامه‌ی ملی عمل» و فعالیت «کمیسیون حقوق بشر اسلامی»^۱ صورت گرفته است. کمیته، دولت را تشویق به پی‌گیری تقاضا از سازمان بین‌المللی کار برای ارائه‌ی همکاری فنی در حل مشکلات موجود در اجرای مقوله‌نامه می‌کند.

در ارتباط با کشورهای روسیه سفید و برمه، توجه ویژه کنفرانس جلب؛ و در ارتباط با کلمبیا، لیبی، کامرون، موریتانی و زیمبابوه اظهار نگرانی ویژه شد.

۱- با این که کمیسیون حقوق بشر اسلامی واجد شرایط یک «نهاد ملی» تعریف شده از سوی سازمان ملل نیست اما به خاطر در پیش گرفتن «سیاست استمالت» از آن استقبال می‌شود. گذشت زمان به خوبی نشان داد که این سازمان و نهادهای مشابه، عملاً ابزارهایی هستند در دست حاکمیت برای فریب سازمان‌های بین‌المللی.

وضعیت دولت جمهوری اسلامی، در دوره‌ی محمود احمدی‌نژاد در کمیته‌ی بررسی استانداردها

پس از موفقیت نهایی دولت خاتمی در حذف نام جمهوری اسلامی از لیست کشورهای ناقض حقوق بنیادین کار و یک دوره‌ی فترت سه ساله^۱ که یک سال آن در دولت خاتمی بود، به خاطر رشد روزافزون فعالیت سندیکاهای مستقل کارگری و کارفرمایی و سرکوب عریان و انحلال رسمی آن‌ها از سوی دولت و همچنین تغییر نگاه دولت در برخورد با سازمان‌های بین‌المللی و مقابله با غرب، برخورد سازمان بین‌المللی کار نیز تغییر کرد و مشکلات زیادی برای این دولت به وجود آورد.

التیماتوم سازمان بین‌المللی کار به دولت ایران مبنی بر این که تا سال ۲۰۱۰ موظف به تغییر قوانین و اجرای مقابله‌نامه‌ی ۱۱۱ است نشان‌گر روی کرد جدید این سازمان در برخورد با دولت ایران است. حتا ریاست دوره‌ی ایران بر نود و هشتمین اجلاس سالانه‌ی سازمان جهانی کار در ژوئن ۲۰۰۹ نیز به خاطر برخوردهای این دولت در آخرین روزها

۱- موضوع تبعیض و اعمال فشار روی اقلیت بهایی در این دوره تا آن جاست که خانم اسما جهانگیر گزارشگر ویژه‌ی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در امور ادیان یا عقاید، در ماه مارس ۲۰۰۶ با صدور بیانیه‌ای می‌گوید نسخه‌ای از بخش‌نامه‌ی مورخ ۲۹ اکتبر ۲۰۰۵ ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح ایران خطاب به وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران و نیروی انتظامی را به‌دست آورده است که در آن از سازمان‌های ذیربط خواسته شده است تا به‌دستور خامنه‌ای، به صورت «بسیار محرمانه» بهایی‌ها را شناسایی و اعمال آن‌ها را زیر نظر بگیرند.
www.bbc.co.uk/persian/news/story/2006/03/060326_kfw-un-press-release.shtml

منتفی می‌شود.^۱ برای اولین بار در دو دهه گذشته وزیر کار جمهوری اسلامی از حضور در اجلاس خودداری می‌کند.

نتیجه‌گیری کمیته‌ی کنفرانس در سال ۲۰۰۶

کمیته، اقدامات دولت برای افزایش زمینه‌ی مشارکت زنان در بازار کار را مورد شناسایی قرار می‌دهد. اگر چه نگرانی شدید خود را نسبت به مسائلی که در سال‌های گذشته لاینحل مانده اعلام می‌دارد.

کمیته با تأسف اظهار می‌دارد که هیچ پیشرفتی در زمینه‌ی اصلاح یا لغو قوانین مخالف مقابله‌نامه صورت نگرفته است. هم‌چنین نسبت به تبعیض علیه اقلیت‌های مذهبی رسمی، غیررسمی و اقلیت‌های قومی اظهار نگرانی می‌کند.

کمیته متوجه شده است که تبعیض علیه بهایی‌ها به‌طور جدی باقی مانده است^۲ و اظهار می‌دارد لازم است دولت برای مبارزه با مواضع کلیشه‌ای که زمینه‌ساز برخورد تبعیض‌آمیز است، اقدامات قاطع به‌عمل آورد و به‌جای تعهد شفاهی، نسبت به انجام اقدامات عملی دست زند.

کمیته از تعهد قاطع داده شده از سوی دولت برای انجام اقدامات لازم استقبال می‌کند و از دولت می‌خواهد که حداکثر تا سال ۲۰۱۰ میلادی در گزارش آتی خود، یک ارزیابی

۱- جبارعلی سلیمیان، نماینده‌ی سابق کارگران شرکت کننده از سوی جمهوری اسلامی در کنفرانس بین‌المللی کار علت انصراف جمهوری اسلامی از ریاست دوره ای کنفرانس بین‌المللی کار را مربوط به سخنرانی احمدی‌نژاد در اجلاس دوربان و شرایط سیاسی بعد از آن می‌داند و کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران اعلام می‌دارد بر اساس نامه‌ای که از سوی سازمان بین‌المللی کار فرمایان دریافت کرده دولت جمهوری اسلامی به‌دلیل فشارهایی که از سوی کارفرمایان و کارگران به سازمان بین‌المللی کار وارد شده نامزدی خود برای ریاست کنفرانس آتی بین‌المللی کار را پس گرفته است. و حتا به‌گفته‌ی نماینده‌های کارگری و کارفرمایی حاضر در اجلاس امسال، وزیر کار نیز در این اجلاس حاضر نشد.

۲- در حالی که دولت جمهوری اسلامی به‌ارائه‌ی گزارش‌های غیرواقعی به سازمان بین‌المللی کار می‌پردازد، در تاریخ ۱۹ اوت ۲۰۰۶ سید محمد رضا موالی‌زاده مدیر کل دفتر سیاسی وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران در اقدامی شوک‌آور که یادآور وضعیتی است که یهودیان در آغاز عصر نازی‌ها با آن روبرو بودند، به‌معاونان سیاسی امنیتی استانداری‌های سراسر کشور دستور داده است که با «ظرافت و حساسیت رفتارهای اجتماعی بهائیان را کنترل و مدیریت نمایند». وی در این رابطه از مقام‌های مزبور خواسته است که پرسشنامه‌ی مفصلی درباره‌ی شرایط و فعالیت‌های بهائیان، از جمله «تعداد جمعیت»، «وضع مالی»، «درآمد و شغل»، «تعامل اجتماعی»، «اختلافات اجتماعی»، «فعالیت سیاسی و اجتماعی»، «عنصر اصلی»، «ارتباط با محافل خارجی»، «محل دفن اموات» و «ملاحظات» را تکمیل نمایند.

میان مدت از اقدامات به عمل آمده در خصوص انطباق قوانین و مقررات، در تدوین و اجرا با مفاد و الزامات این مقاله نامه را به کمیته کارشناسان ارائه کند.

نتیجه گیری کمیته کنفرانس در سال ۲۰۰۸

کمیته، نگرانی های خود را نسبت به موارد متعدد، به ویژه در ارتباط با قوانین، مقررات، و روش های تبعیض آمیز، عدم امکان دستیابی به مکانیزم های رسیدگی به شکایت های مربوط به تبعیض و عدم انجام گفتگوهای اجتماعی هدفمند مرتبط با این موضوعات ابراز می دارد. کمیته، بر ناامیدی خود از به عدم پیشرفت در حل این مسائل، از آخرین باری که پرونده در سال ۲۰۰۶ مورد بررسی قرار گرفت، تأکید می کند و تأسف عمیق خود نسبت به عدم اجرای تعهدات دولت مبنی بر لغو قوانین و مقرراتی که با مقاله نامه ی شماره ی ۱۱۱ در ارتباط با رفع تبعیض از زنان مغایر است، اعلام می دارد.

در رابطه با تبعیض علیه اقلیت های قومی و مذهبی، کمیته عدم هرگونه پیشرفتی را اعلام می کند و خواهان انجام اقدامات اساسی از سوی دولت شده و موکداً به دولت گوشزد می کند که برای مقابله با تبعیض و دیدگاه های کلیشه ای، اقدامات قاطعی در جهت ترویج رفتار بردبارانه و احترام آمیز نسبت به بهایی ها به عمل آورد. کمیته هم چنین مصرانه از دولت می خواهد که کلیه ی مقررات یا سایر بخش نامه های تبعیض آمیز دولتی بر علیه اقلیت های مذهبی را بدون تعلل لغو کرده و الزاماتی را ایجاد کند که برای عامه ی مردم و تمام مقامات در هر سطحی، مشخص شود که تبعیض علیه اقلیت های مذهبی، به ویژه بهایی ها، از سوی دولت تحمل نخواهد شد.

کمیته نگرانی عمیق خود را از این که سابقه ی سرکوب آزادی انجمن در کشور، باعث توقف گفتگوهای هدفمند اجتماعی پیرامون این موضوعات در سطح ملی بوده، ابراز می دارد و با یادآوری تعهد دولت در سال ۲۰۰۶، مبنی بر تنظیم کلیه ی قوانین و مقررات و روش های مرتبط تا سال ۲۰۱۰ میلادی، با مفاد مقاله نامه، مصرانه از دولت می خواهد که اقدامات عاجل در خصوص کلیه ی موضوعات معوقه را به انجام رساند و اطلاعات کامل و مشروحه را در نشست مورخ ۲۰۰۸ به کمیته کارشناسان این کمیته، ارائه کند.

اعضای گروه کارگری در اطلاعات ارایه شده توسط دولت جمهوری اسلامی ایران، شواهدی مبنی بر وجود پیشرفت در رفع تبعیض علیه زنان یا اقلیت‌های مذهبی مشاهده نکردند. این عدم پیشرفت، تحمیل یک «پاراگراف ویژه»، برای جمهوری اسلامی ایران را از سوی سازمان جهانی کار توجیه می‌کند. اما با توجه به وجود گزارش میان‌مدت درزمینه‌ی بحث‌های مطرح‌شده، اعضای گروه کارگری راضی شدند که به دولت فرصت دهند تا تلاش‌های خود را برای رفع کامل عوامل تبعیض تا سقف زمانی سال ۲۰۱۰ میلادی افزایش داده و به‌طور جدی کلیه‌ی روش‌های تبعیض‌آمیز را که مانع مشارکت برابر زنان و اقلیت‌های مذهبی در امر تحصیلات و بازار کار است، مرتفع کند.

اعضای گروه کارفرمایی نیز از تعلل دولت و عدم پیشرفت در حل مسائل مربوط به مذاکرات سال ۲۰۰۶ عمیقاً متأسف شده و ابراز نگرانی می‌کنند که به دلیل سابقه‌ی سرکوب آزادی تشکل‌ها در کشور، گفتگوهای اجتماعی هدفمند پیرامون این موضوعات در سطح ملی عملی نبوده است.

اعضای گروه کارفرمایی نیز اعلام می‌کند که در صورت عدم حصول پیشرفت در جلسه‌ی بعدی که این پرونده مورد رسیدی قرار گیرد، از اختصاص «پاراگراف ویژه» در مورد ایران حمایت خواهند نمود.

نتیجه‌گیری کمیته‌ی کنفرانس در سال ۲۰۰۹^۱

کمیته به بیانیه‌ای اشاره می‌کند که طی آن دولت متذکر شده است اطلاعات کامل از جمله آمار و ارقام تشریحی در خصوص مواردی که توسط کمیته‌ی متخصصین در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸ درخواست شده را، به آن ارائه خواهد کرد. دولت ایران به آموزش قضات و موارد مربوط به حقوق شهروندی و پروژه‌ی مشترک خود با برنامه‌ی توسعه‌ی سازمان ملل در خصوص گسترش عدالت و پیش‌برد حقوق بشر اشاره کرده است.

دولت ایران اظهار می‌دارد که قوه قضائیه، بخشی از احکام حکومتی را باطل و فاقد اعتبار

۱- از آنجایی که در سال ۲۰۰۸ این پرونده مورد رسیدگی قرار گرفته بود و برای ارائه‌ی گزارش تا سال ۲۰۱۰ به دولت فرصت داده شده بود مقام‌های دولتی انتظار داشتند در اجلاس سال ۲۰۰۹ مقاله‌نامه‌ی ۹۵ که در مورد پرداخت نشدن دستمزدهاست مطرح شود اما به‌خاطر مخالفت گروه کارگری و کارفرمایی مجدداً پرونده‌ی جمهوری اسلامی در مورد مقاله‌نامه‌ی ۱۱۱ مطرح شد.

اعلام کرده است. هم‌چنین دولت به سهمیه‌بندی برای دختران و پسران در سه و نه رشته‌ی دانشگاهی با هدف ایجاد توازن بین دانشجویان مرد و زن اشاره کرده است. دولت اطلاعاتی درباره‌ی موارد خاص پیرامون نقض حقوق اقلیت‌ها و تبعیض علیه زنان و نیز اطلاعاتی در خصوص برنامه‌های مربوط به ارتقای جایگاه زنان در مشاغل مختلف و زنان کارآفرین فراهم کرده است.

در خصوص بهایی‌ها، دولت به یک پرونده‌ی جدید اشاره کرده است که در آن یک نهاد بهایی نسبت به غصب غیرقانونی زمینش به دادگاه شکایت برده و دادگاه نیز به نفع این نهاد بهایی، حکم صادر کرده است. دولت ایران مدعی است که بافت فرهنگی و تاریخی جامعه موجب می‌شود که پیشرفت در قانون‌مداری و اجرای قانون در چارچوب مقابله‌نامه‌ی منع تبعیض در ایران، به‌کندی پیش رود؛ اما متعهد شده است که به تلاش‌ها و پیشرفت خود در این زمینه ادامه دهد. دولت ایران خواستار همکاری و هم‌آهنگی بیش‌تر بین نهادهای دولتی و شرکای اجتماعی، و نیز خواستار کمک سازمان بین‌المللی کار شد.

کمیته با اعلام این واقعیت که در خصوص بسیاری از موارد مطرح شده طی سالیان گذشته، پیشرفتی صورت نگرفته، از این که پرونده هم‌چنان نیازمند بحث و رسیدگی است، اظهار تأسف می‌کند.

کمیته متذکر می‌شود که در آخرین بررسی‌اش در ژوئن ۲۰۰۸، از دولت خواسته است که اقدامات عاجلی برای رفع موانع مهم انجام دهد تا بتواند به وعده‌های سال ۲۰۰۶ خود عمل کرده و قوانین و روش‌های حقوقی خود در این زمینه‌ها را تا سال ۲۰۱۰ با مفاد کنوانسیون مربوطه منطبق کند.

کمیته، قبلاً از دولت ایران درخواست کرده بود که اطلاعات کامل و مفصلی را هنگام برگزاری جلسه‌ی ۲۰۰۸ کمیته‌ی متخصصین در اختیار آن قرار داده و به پرونده‌های موجود پاسخ دهد.

کمیته ضمن ابراز نگرانی، یادآور می‌شود که علی‌رغم درخواست‌های ارائه شده در خصوص بسیاری از موارد جدی، دولت ایران تاکنون اطلاعاتی به کمیته متخصصین ارائه نداده است. کمیته نسبت به عدم وجود گفتمان اجتماعی حقیقی در سطح ملی و نیز سرکوبی آزادی‌تشکل‌ها در کشور، عمیقاً ابراز نگرانی می‌کند.

کمیته، در حالی که اعتراف می‌کند در گذشته دست‌آوردهای معینی در زمینه‌ی آموزش

حرفه‌ای و شغلی زنان حاصل شده، از نبود شواهد عینی مبنی بر پیشرفت وضعیت زنان در بازار کار ابراز تردید می‌کند و اظهار می‌دارد که اطلاعات لازم در مورد تعداد زنانی که پس از آموزش، کار پیدا می‌کنند، همچنان ناقص است و نگرانی‌ها در خصوص قوانین فعلی که کار زنان را محدود می‌کند، باقی‌ست.

کمیته خواستار دریافت اطلاعات بیش‌تر در خصوص نظام سهمیه‌ای در دانشگاه و چگونگی اجرای عملی آن است. همچنین خواهان دریافت اطلاعاتی در خصوص تأثیرات قانون جدید بر اشتغال زنان، که ساعات کاری را برای زنان دارای فرزند کاهش می‌دهد می‌شود.

کمیته، چون گذشته نگرانی خود در مورد وضعیت اقلیت‌های قومی و مذهبی، به‌ویژه در زمینه‌ی دسترسی برابریان به کار و اشتغال، و نیز عدم توانایی دولت در تهیه‌ی اطلاعات آماری کافی در این خصوص را اعلام می‌کند. کمیته مصرانه از دولت می‌خواهد که هم در تدوین قانون و هم در عمل، اقدامات ضروری و عاجل را در راستای تضمین اجرای کامل مقاوله‌نامه، و استقرار گفتمان اجتماعی حقیقی در این زمینه انجام دهد. کمیته تصمیم می‌گیرد نتیجه‌گیری خود را در یک پاراگراف ویژه در گزارش نهایی بیاورد.

گزارش‌های کمیته بررسی استانداردها در خصوص نقض مقاوله‌نامه‌ی ۹۵، حفاظت از دستمزد

اولین گزارش راجع به وضعیت دستمزدها در ایران مربوط است به گزارش وابسته‌ی بازرگانی انگلیس در سال ۱۹۲۵ (۱۳۰۴ خورشیدی) که در آن دستمزدها را «همیشه ناکافی» می‌خواند. وابسته‌ی بازرگانی دیگر انگلیس در سال ۱۳۲۸ این دستمزدها را بسیار ناچیز می‌شمرد^۱. اما اولین گزارش سازمان بین‌المللی کار در مورد وضعیت دستمزدها در ایران مربوط است به دیدار هیأت این سازمان از ایران در سال ۱۹۳۲ (۱۳۱۱ خورشیدی).

پرونده‌ی مربوط به نقض مقاوله‌نامه‌ی حفاظت از دستمزد، با بالا گرفتن عدم پرداخت دستمزد به کارگران شاغل، از سال ۲۰۰۳ در دستور کار کمیته‌ی متخصصین بررسی استانداردها قرار گرفت. این کمیته از طریق شکایت دو کنفدراسیون کارگری بین‌المللی در جریان نقض مقاوله‌نامه‌ی حفاظت از دستمزد (۹۵) قرار می‌گیرد و خواهان پاسخ به موارد مطرح شده از سوی دولت می‌شود.

در این دوران کارگران با پدیده‌ای جدید و رو به گسترش، عدم دریافت حقوق و مزایا برای ماه‌های متوالی و در مقاطعی بیش از یک‌سال روبرو شدند^۲ و این پدیده گاه با دریافت

۱- اتحادیه‌های کارگری و قانون کار در ایران، ویلم فلور، ترجمه‌ی ابوالقاسم سری، انتشارات طوس، صفحه ۱۳۴.
۲- دبیر اجرایی این خانه کارگر در خصوص عدم پرداخت حقوق به کارگران، گفت: «کارگران نساجی پارس ایران ۱۵ ماه حقوق نگرفته‌اند و باید اعتراض خودشان را به جایی انعکاس دهند که اگر هم در این رابطه تجمع کنند، با آنها برخورد می‌شود.» خبرگزاری ایلنا ۳۰ فروردین ۱۳۸۴.

کالا به جای حقوق و دستمزد نیز همراه بود و در گزارش کمیته‌ی متخصصین نود و سومین کنفرانس بین‌المللی کار که در ماه ژوئن ۲۰۰۵ برگزار شد، نیز به آن اشاره شد.^۱ دستمزد دریافت‌شده از سوی کارگران بنا بر آمار منتشر شده حتا کفاف بخشی از مخارج آن‌ها را نیز نمی‌داد.^۲ و به‌اعتراف یکی از گردانندگان شورای اسلامی کار، کشور «دارای عقب‌مانده‌ترین نظام دستمزد جهان» شده است.^۳

گزارش سال ۲۰۰۳ کمیته‌ی متخصصین

در ارتباط با مقاوله‌نامه‌ی ۹۵، حفاظت از دستمزد

کمیته‌ی خاطر نشان می‌کند که شکایت صورت گرفته از سوی کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری آزاد در ارتباط با اجرای مقاوله‌نامه‌ی حمایت از دستمزد (۹۵) را در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۲ دریافت کرده و در ۱۲ نوامبر ۲۰۰۲ برای دولت ایران ارسال کرده است. کمیته، نظرات ارائه‌شده از سوی کنفدراسیون جهانی کار را که از محتوای مشابهی برخوردار است، در ۳۱ اکتبر دریافت کرده است. کمیته از دولت می‌خواهد که در گزارش بعدی خود اطلاعات کاملی در ارتباط با مسائل مطرح‌شده از سوی کنفدراسیون‌های فوق ارائه دهد.

گزارش سال ۲۰۰۴ کمیته‌ی متخصصین

در ارتباط با مقاوله‌نامه‌ی ۹۵، حفاظت از دستمزد

کمیته بار دیگر به شکایت دریافت شده از سوی کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری آزاد اشاره می‌کند و از دولت می‌خواهد که به‌مسائل عنوان‌شده در آن پاسخ دهد.

۱- نماینده کارگران سیستان و بلوچستان، با اظهار تاسف از وضعیت کارخانه‌ی «آجرو ماسه آهکی» ایرانشهر گفت: مسئولان این واحد، به‌جای دستمزد ماهیانه، به کارگران آجر و آهک می‌دهند و کارگران نیز آجر و آهک را با هزار زحمت و مشقت در مراکز فروش آهک و آجر به فروش می‌رسانند خبرگزاری ایلنا ۳۰ فروردین ۱۳۸۴.

۲- سعید کیانی، کارشناس مسائل کارگری خبر از آن داد که: «کارگران در استان‌هایی مانند بندر عباس که از قطب‌های اقتصادی کشور هستند، نه تنها سال به سال رنگ گوشت را ندیده، بلکه برای تامین تریه‌بار مصرفی خانواده‌ی خود، مجبور به جست و جو در میان زباله‌ها هستند.» خبرگزاری ایلنا ۷ فروردین ۱۳۸۴.

۳- قلی اسماعیلی، رئیس هیات مدیره کانون «شورای اسلامی کار» جاده‌ی قدیم کرج، خبرگزاری ایلنا ۲۸ بهمن ۱۳۸۳.

گزارش سال ۲۰۰۵ کمیته‌ی متخصصین در ارتباط با مقاوله‌نامه‌ی ۹۵، حفاظت از دستمزد

کمیته یادآوری می‌کند شکایت‌هایی که از کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری آزاد و کنفدراسیون جهانی کار دریافت داشته، نشان می‌دهد که مشکلات جدی و مزمن در ارتباط با عدم پرداخت دستمزد، به‌ویژه در صنایع نساجی موجود است. شکایت این دو نهاد کارگری هم‌چنین به‌واکنش کارگران و فعالیت‌های اعتراضی آن‌ها برای عدم دریافت دستمزدهای‌شان اشاره کرده است.

این دو سازمان، وضعیت پدیدآمده در سراسر کشور را فاجعه‌بار ارزیابی کرده و به‌نآرامی‌هایی به‌وجود آمده در میان کارگران و برخورد خشونت‌آمیز مقامات دولتی اشاره می‌کند.

کمیته بر اساس مستندات ارائه‌شده توسط کنفدراسیون‌های کارگری بین‌المللی، اظهار می‌دارد که کارگران بین سه تا نه ماه و گاه تا دو سال از دریافت حقوق محروم بوده‌اند. کمیته به‌نقل از اسناد سازمان ملل متحد در ارتباط با وضعیت حقوق بشر در ایران، به‌وضعیت بحرانی هزار و چهارصد کمپانی به‌ویژه در زمینه‌ی نساجی و هشتادهزار کارگر که دستمزد دریافت نکرده‌اند، اشاره می‌کند.

دولت در پاسخی که دو سال پس از ارائه‌ی اسناد دو اتحادیه‌ی بین‌المللی کارگری در زمینه‌ی عدم پرداخت دستمزد کارگران داده است، آمار دقیقی در مورد چگونگی بحران و میزان دستمزد پرداخت‌نشده‌ای که صنایع نساجی و دیگر بخش‌های اقتصاد ملی با آن روبرو است ارائه نکرده است.

کمیته از دولت می‌خواهد که در گزارش آتی خود آمار دقیق کارگرانی که دستمزدشان را دریافت نکرده‌اند، مشخص، و تعداد کارخانجات نساجی و یا صنایع وابسته‌ای که با مشکل مواجه هستند را ذکر کند. هم‌چنین میانگین مدتی که دستمزدها پرداخت نشده و میزان بدهی‌های مربوطه را معین، و تعداد بازرسی‌ها و مجازات‌های تعیین شده را اعلام نماید. کمیته از دولت می‌خواهد که در گزارش آتی خود به‌اقداماتی اشاره کند که در زمینه‌ی قانون‌گذاری و اجرایی برای تضمین مؤثر پرداخت کامل و به‌موقع دستمزد و بدهی معوقه‌ی کارگران انجام داده است.

گزارش سال ۲۰۰۶ کمیته‌ی متخصصین در ارتباط با مقاوله‌نامه‌ی ۹۵، حفاظت از دستمزد

کمیته خاطر نشان می‌کند که در کمیته بررسی استانداردهای نود و سومین اجلاس کنفرانس بین‌المللی کار، موضوع نقض مقاوله‌نامه‌ی ۹۵ مورد بحث قرار گرفته و نماینده‌ی دولت توضیحات خود را پیرامون مشکلات بی‌کاری^۱، بهره‌وری کم، سرمایه‌گذاری ناکافی بخش خصوصی که عامل ایجاد بحران در صنایع نساجی و ورشکستگی اکثر مؤسسات شده، ارائه داده است.

دولت دریافت «همکاری‌های فنی» از سوی سازمان بین‌المللی کار را درخواست کرده. کمیته آگاه است که برنامه‌ی هیأت همکاری‌های فنی برای مشاوره دادن به دولت آماده شده است و این هیأت نه تنها در زمینه‌ی پرداخت دستمزد، بلکه در مورد مسائلی هم چون بهره‌وری و رقابت^۲ در مؤسسات نیز مشاوره خواهد داد.

دولت در گزارش ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۵ خود به کمیته‌ی کارشناسان تأکید می‌کند که در دهه‌ی گذشته، مؤسسات بسیاری در نتیجه‌ی جهانی شدن و به‌ویژه بهره‌وری نازل در صنایع محلی با بحران مواجه شده‌اند.

طبق اطلاعات داده شده توسط دولت، صنایع نساجی با سخت‌ترین ضربات مواجه شده‌اند. یک‌صد و بیست کارخانه با بحران جدی روبروست و سی و پنج هزار کارگری کار شده‌اند. دیگر بخش‌ها از جمله مواد ساختمانی، صنایع غذایی، صنایع فلزی، صنایع چوب و کاغذ و صنایع الکتریکی نیز دچار مشکل شده‌اند. دولت اظهار می‌دارد که نود درصد بدهی‌های عقب‌افتاده به کارگران پرداخت شده است و بقیه‌ی مطالبات نیز مورد بحث است. کمیته از دولت آمار دقیق میزان بدهی‌های پرداختی و تعداد کارگرانی که حقوق معوقه‌شان را دریافت کرده‌اند، از دولت مطالبه می‌کند و همچنین از دولت می‌خواهد که اطلاعات دقیقی در مورد پانزده هزار کارگر شاغل در صنایع نساجی که در ازای پرداخت سه ماه حقوق در قبال هر سال خدمت، باز خرید شده‌اند، ارائه دهد.

کمیته از دریافت اظهارنظرهای جدید کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری آزاد خبر می‌دهد که در آن به تداوم نقض مقاوله‌نامه در بخش خصوصی و دولتی و به‌ویژه

1- productivity

2- competitiveness

نساجی، ارتباطات، کشاورزی، معدن و پزشکی اشاره شده است. کارخانجات فولادسازی، پلاستیک‌سازی، یخچال‌سازی، کفش، آجر، گچ و... جزء صنایعی هستند که کارگران‌شان با مشکل عدم‌پرداخت دستمزد مواجه هستند.

کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری آزاد معتقد است کثرت وجود کمپانی‌های دولتی که دستمزد کارگران‌شان را پرداخت نکرده‌اند، نشان‌دهنده بی‌احترامی و بی‌اعتنایی دولت، به قوانین خود و وظایف بین‌المللی آن است.

کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری آزاد تأکید می‌کند کمپانی‌هایی که تعطیل می‌شوند، دستمزد کارگران‌شان را نمی‌پردازند. کارگران از یک نیروی منطقی و قانونی که با توسل به آن بتوانند حقوق معوقه‌ی خود و خساراتی را که متحمل شده‌اند دریافت کنند، برخوردار نیستند. کمیته از دولت می‌خواهد پیش از آن که مشکل عدم پرداخت جدی‌تر شود دست به اقدام بزند.

گزارش سال ۲۰۰۷ کمیته‌ی متخصصین

در ارتباط با مقاوله‌نامه‌ی ۹۵، حفاظت از دستمزد

کمیته موارد مطرح شده در گزارش‌های قبلی خود در خصوص بحران دستمزد در کشور را یادآوری می‌کند. هم‌چنین خبر می‌دهد که یک نسخه از گزارش هیأت همکاری فنی که در آوریل ۲۰۰۶ به ایران سفر کرده را دریافت کرده است.

کمیته متخصصین خاطر نشان می‌کند که بر اساس گزارش هیأت اگرچه هم‌چنان مشکلاتی در زمینه‌ی پرداخت دستمزد وجود دارد، اما برخورد دولت و دستگاه قضایی نسبتاً رضایت‌مندانه بوده است.

کمیته هم‌چنین از این که بر اساس گزارش هیأت شواهدی مبنی بر این کشور با بحران گسترده دستمزد و یا فرهنگ عدم پرداخت دستمزد مواجه نیست، اظهار رضایت می‌کند. گزارش هیأت به این که آمار قابل اتکایی در زمینه در نظر داشتن وضعیت دستمزد وجود ندارد اشاره می‌کند و اطمینان می‌دهد که دولت از فرصت به دست آمده در ارتباط با خدمات مشاوره‌ای ارائه شده از سوی دفتر بین‌المللی کار استفاده کرده و اصلاحات لازم در زمینه‌ی قوانین کار را دنبال می‌کند.

کمیته از دولت می‌خواهد که اقدامات خود برای به‌اجرا گذاشتن قوانین کار در مورد پرداخت مرتب دستمزد را گزارش کند.

گزارش سال ۲۰۰۸ کمیته‌ی متخصصین

در ارتباط با مقاوله‌نامه‌ی ۹۵، حفاظت از دستمزد

کمیته خاطر نشان می‌کند که هیأت ویژه دفتر بین‌المللی کار یک سفر شش روزه از تاریخ ۲۶ اکتبر تا ۱ نوامبر ۲۰۰۷ به ایران داشته است.

در گزارش این هیأت آمده است که هدف از سفر به ایران، جمع‌آوری اطلاعات آماری راجع به مسئله‌ی عدم پرداخت و تأخیر در پرداخت دستمزدها در صنایعی بود که با مشکلات مالی مواجه هستند. این هیأت گزارش می‌کند از آن جایی که جمهوری اسلامی ایران برنامه‌ی گسترده‌ای را برای خصوصی کردن آغاز کرده است، اقتصاد ملی آن به‌روشنی در یک دوران انتقال قرار دارد. عمده‌ی مشکلاتی که کشور در حال حاضر با آن روبروست، ساختاری‌ست و انتظار نمی‌رود در آینده‌ی نزدیک از بین برود.

رقابت بین‌المللی و وضعیت جاری سیاسی، تأثیرات زیادی روی صادرات کشور دارد و بحران موجود در صنایع نساجی را عمیق‌تر می‌کند. گزارش هم‌چنین به تزریق میلیاردها دلار پول به مؤسسه‌ی که در بحران به‌سر می‌برند، از سوی دولت اشاره می‌کند.

گزارش مزبور تعداد کارگرانی را که در دوازده ماه گذشته با مشکل تأخیر حقوق مواجه شده‌اند هشتاد و پنج هزار نفر از کل هفت میلیون کارگر کشور اعلام می‌کند. بیش‌ترین شکایت با ثبت چهار هزار ونهصد و سی و شش پرونده مربوط به استان اصفهان است و کم‌ترین تعداد، مربوط به استان خراسان، با هشتاد و سه پرونده.

نکات مهم نتیجه‌گیری گزارش هیأت همکاری‌های فنی دفتر بین‌المللی کار به شرح زیر است:

براساس اطلاعات تهیه‌شده‌ی شفاهی و کتبی، هیأت نتیجه می‌گیرد که اگرچه دولت تدابیری را برای حمایت از بنگاه‌هایی که با مشکل پرداخت دستمزد مواجه هستند، اتخاذ کرده، اما مشکل هم‌چنان باقی‌ست و کارگران بسیاری را در صنایع نساجی، تحت تأثیر قرار داده است. صنایع قند و شکر نیز به احتمال زیاد مشکلات مشابهی را تجربه می‌کنند. دولت مشکلات را تأیید می‌کند، اما معتقد است که این معضل، عارضه‌ی جانبی و محدود

خصوصی‌سازی و رقابت صنایع نساجی داخلی و فاکتورهای منفی خارجی است. هیأت متوجه کوشش‌های مداوم دولت است که برای ادامه‌ی کار مؤسسات و جلوگیری از بی‌کار شدن کارگران به‌وسیله اختصاص سوبسیدهای عمده به‌بنگاه‌هایی که با مشکل مواجه هستند تلاش می‌کند.

هیأت معتقد است به‌هر حال دولت باید با کاستی‌های ساختاری اقتصاد ملی با یک برنامه‌ی جبرانی بلندمدت، به‌منظور تقویت بهره‌وری و کارایی مؤسسات خصوصی مقابله کند، به‌کوشش خود در راه خصوصی‌سازی سرعت بخشد، فضای اقتصادی برای مؤسسات ایجاد کرده و به‌تقویت نهادهای دمکراتیک مطابق با ماده‌ی ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی و ماده‌ی ۱۴۵ قانون برنامه‌ی چهارم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توسعه‌ی ایران که در سال ۲۰۰۴ تصویب شد، بپردازد.

هیأت بار دیگر اهمیت توجه به‌چگونگی حل معضل بدهی‌های معوقه به کارگران را یادآور شده و تأکید می‌کند برای انجام این امر نیاز به‌آمارهای معتبر دارد. کمیته ضمن استقبال از گزارش هیأت و مذاکراتی که صورت گرفته و با در نظر گرفتن کوشش‌های دولت برای برخورد با معضل دستمزدهای پرداخت‌نشده، هم‌چنان نگرانی خود را از این که ده‌ها هزار کارگر در بخش نساجی با مشکل دریافت دستمزد مواجه هستند، ابراز می‌دارد.

گزارش سال ۲۰۰۹ کمیته‌ی متخصصین

تکرار گزارش سال ۲۰۰۸ است

کمیته‌ی کنفرانس نیز در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷ در گزارش خود به‌موضوع نقض مقاله‌نامه‌ی ۹۵ پرداخته و به‌موارد یاد شده در گزارش کمیته‌ی متخصصین اشاره کرده است.

گزارش‌های کمیته بررسی استانداردها در خصوص نقض مقاوله‌نامه‌ی ۱۲۲، بررسی سیاست استخدامی^۱

سابقه‌ی گزارش‌های کمیته‌ی متخصصین در ارتباط با مقاوله‌نامه‌ی سیاست استخدامی، به سال ۲۰۰۵ و بروز بحران بی‌کاری در کشور برمی‌گردد. در حالی که براساس آمارهای اعلام‌شده‌ی دولتی نرخ بی‌کاری در طول اجرای قانون برنامه‌ی چهارم، روند کاهشی داشته، گزارش عمل‌کرد وزارت کار و امور اجتماعی از افزایش دریافت‌کنندگان مقرری بیمه‌ی بی‌کاری خبر می‌دهد. این تضاد و دوگانگی، بیان‌گر آن است که ارائه‌ی آمار و ارقام خلاف واقع، در همه‌ی زمینه‌ها به‌شدت ادامه دارد.^۲

1- <http://www.ilo.org/ilolex/english/newcountryframeE.htm>

۲- ایلنا ۲۲ شهریور ۱۳۸۸، پس از اجرای طرح بنگاه‌های زودبازده که بنا بر اعلام وزارت کار و امور اجتماعی بیش از دویست هزار میلیارد ریال منابع بانک‌ها به‌هفتصد و چهل و شش هزار و چهارصد و سی و یک طرح اختصاص یافت، دولت نهم از کاهش نرخ بی‌کاری به ۱۰/۴ درصد در سال ۸۶ خبر داد. اگرچه پس از این زمان به‌دلیل افزایش حجم مطالبات معوق بانک‌ها و خالی شدن منابع بانک‌ها برای تسهیلات، رییس کل وقت بانک مرکزی جلوی افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی را گرفت اما گزارش عمل‌کرد وزارت کار از افزایش مقرری‌بگیران بیمه‌ی بی‌کاری طی چهار سال گذشته خبر می‌دهد.

به‌طوری که در سال ۸۴ تعداد کل مقرری‌بگیران بیمه‌ی بی‌کاری یک‌صد و سی و سه هزار و ششصد و پنجاه و هفت نفر گزارش شده که این رقم در سال ۸۵ به یک‌صد و پنجاه و هفت هزار و سیصد و سیزده نفر، در سال ۸۶ به یک‌صد و چهل و دو هزار و دویست و هفده نفر و در سال ۸۷ به یک‌صد و پنجاه هزار و صد و چهل و هشت نفر افزایش یافته که به‌روشنی نشان می‌دهد حجم بنگاه‌های تعطیل‌شده و بی‌کاری نیروی کار افزایش یافته است.

سایت تابناک ۱ دی‌ماه ۸۷ در رابطه با سیاست دولت احمدی‌نژاد برای فریب افکار عمومی در داخل کشور و مجامع بین‌المللی، در زمینه‌ی کاهش نرخ بی‌کاری می‌نویسد: آمار منتشره از سوی بانک مرکزی و مرکز آمار ایران، در حالی کاهش نرخ بی‌کاری را نشان می‌دهد که واقعیت‌های موجود در جامعه، افزایش بی‌کاری را نمایش می‌دهد. به گزارش خبرنگار «تابناک»، بین سال‌های ۸۴ تا ۸۷ به‌طور متوسط سالانه در حدود دویست و پنجاه هزار فرصت شغلی ایجاد شده است. در صورتی که بین سال‌های ۷۵ تا ۸۴، بیش از سیصد هزار شغل در هر سال پدید آمده که با در نظر گرفتن افزایش جمعیت فعال کشور از بیست و یک میلیون و پانصد هزار نفر در پایان سال ۸۳، به‌بیش از بیست و پنج میلیون نفر در سال جاری، هر منطق آگاهی به این نتیجه می‌رسد که به‌رغم انتشار آمارهای شگفت‌انگیز، میزان بی‌کاری در جامعه افزایش یافته است.

اما راه کار جالبی که برخی نهادهای مسئول برای کاهش بی‌کاری اندیشه کرده‌اند، نیز خود شگفتی کارشناسان را برانگیخته است. در همین زمینه وزارت کار و امور اجتماعی در راستای کاهش آمار بی‌کاری، هر فردی را که هفته‌ای یک ساعت کار کند، شاغل دانسته است، حال آن که باید از مسئولان پرسید، چه کسانی و با چه درآمدهایی می‌توانند از پس هزینه‌های سرسام‌آور زندگی خود آن هم با هفته‌ای یک ساعت کار برآیند؟ با توجه به این که وزارت کار و امور اجتماعی حداقل دستمزد برای سال جاری را ماهانه دویست و بیست هزار تومان اعلام کرده، و با احتساب این که هر ماه حداکثر پنج هفته است، پس حداقل دستمزد هر نفر در ساعت باید چهل و چهار هزار تومان باشد که ناگفته پیداست این درآمد برای کم‌تر کسی در جامعه‌ی ایران قابل تصور است و با کمی تأمل و خردورزی، به‌غیرمنطقی بودن این شاخص اشتغال پی برده خواهد شد.^۱ در زیر به گزارش‌های کمیته‌ی متخصصین در ارتباط با مقاوله‌نامه‌ی سیاست استخدامی و آمارهای ارائه شده از سوی دولت جمهوری اسلامی پرداخته می‌شود:

گزارش سال ۲۰۰۵ کمیته‌ی متخصصین

در ارتباط با مقاوله‌نامه‌ی ۱۲۲، بررسی سیاست استخدامی

کمیته خاطر نشان می‌کند براساس آماري که دولت در گزارش خود ارائه داده است، نرخ

1- <http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=29962>

بی‌کاری از ۱۴/۲ درصد در سال ۲۰۰۱ به ۱۲/۸ درصد در سال ۲۰۰۲ کاهش پیدا کرده است. این کاهش، به‌ویژه در مناطق کشاورزی^۱ محسوس است.

مشخصه‌های توزیع استخدام و بی‌کاری هم‌چنان باعث نگرانی است. میزان فعالیت زنان به‌شدت پایین است و آن‌ها هم‌چنان از نرخ بی‌کاری بیش‌تری نسبت به مردان برخوردارند. تعداد کسانی که در سال ۲۰۰۲ بیش از یک سال بی‌کار بوده و در جستجوی شغل جدیدی بوده‌اند، در مقایسه‌ی با آمار سال ۲۰۰۱ با افزایش روبرو بوده و از رقم ۶۶ درصد به ۷۰/۲ درصد افزایش یافته است.

کمیته از این که دولت در پیش‌نویس برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی چهارم اقتصادی به‌فرموله کردن یک برنامه‌ی استخدامی با همکاری متخصصین دفتر بین‌المللی کار اشاره کرده، استقبال نموده است.

کمیته در نظر گرفتن گزارش کارگاه ملی برگزار شده توسط نمایندگان وزارتخانه‌های دولتی، کارگران، کارفرمایان، سازمان‌های غیردولتی، دانشگاه‌ها و محققین در ۳۰ ژوئن و ۱ ژوئیه ۲۰۰۳ را برای تقویت اهداف مقاوله‌نامه ضروری می‌داند.

گزارش این کارگاه، حاوی توصیه‌هایی در مورد اقدامات کوتاه‌مدت و استراتژی بلندمدت در ارتباط با سیاست کلان اقتصادی، بازار کار، سیاست‌های ارتباطات صنعتی، توسعه‌ی مهارت‌ها، ایجاد شغل از طریق مؤسسات کوچک و متوسط، تقویت برابری جنسی و تأمین اجتماعی است.

کمیته شرط‌های تصویب‌شده در رابطه با سرمایه‌گذاری، صادرات و کاهش انحصار دولت را به‌عنوان اقداماتی که غیرمستقیم روی استخدام تأثیر می‌گذارند، ارزیابی و یادآوری می‌کند که اقدامات صورت‌گرفته به‌منظور رسیدن به‌هدف‌های استخدامی باید تحت چهارچوب یک سیاست هم‌آهنگ‌شده‌ی اقتصادی و اجتماعی باشد.

کمیته خاطرنشان می‌کند که به‌وسیله کاهش مالیات، محرک‌های گوناگونی برای سرمایه‌گذاری در مناطق کم‌توسعه به‌منظور تولید اشتغال ایجاد شده است و از دولت می‌خواهد که نتایج حاصله از این اقدامات را گزارش کند.

هم‌چنین خاطر نشان می‌کند که دولت در حال مدرنیزه کردن خدمات استخدامی

۱- اقتصاددانان مستقل نرخ بی‌کاری در ایران را بین بیست و پنج تا سی درصد می‌دانند.

و سیستم اطلاعاتی استخدامی است. کمیته از دولت درخواست می‌کند که پیشرفت حاصله در این زمینه را نیز گزارش کند.

کمیته بر تقویت سیستم آموزشی و نیاز به هم‌آهنگی بهتر میان تعلیم و تربیت و سیاست‌های آموزشی، با هدف استخدام کامل تأکید کرده و از دولت می‌خواهد اقدامات انجام گرفته در این رابطه را تشریح کند.

در ارتباط با اجرای مقاوله‌نامه‌ی ۱۱۱، کمیته با علاقمندی اطلاعات ارائه‌شده از سوی دولت در مورد افزایش مشارکت زنان در فعالیت‌های آموزشی حرفه‌ای را خاطرنشان کرده و از دولت می‌خواهد ضمن ادامه به‌ارائه‌ی چنین اطلاعاتی، مشخص کند که آیا این پیشرفت باعث افزایش نرخ مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی شده است یا نه؟ هم‌چنین خواستار اعمال توصیه‌های سازمان بین‌المللی کار در این زمینه می‌شود.

کمیته یک بار دیگر درخواست سال‌های گذشته خود را مطرح کرده و از دولت می‌خواهد چگونگی به‌اجرا گذاشتن ماده‌ی ۳ مقاوله‌نامه را مشخص کند. کمیته تأکید می‌کند که نمایندگان کارگران و کارفرمایان در ارتباط با سیاست‌های استخدامی، باید مورد مشورت قرار گیرند.

در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ به‌علت بروز بحران اقتصادی و بی‌کار شدن کارگران، دولت احمدی‌نژاد پاسخی به درخواست‌های کنفرانس بین‌المللی کار نداد. به‌همین علت کمیته‌ی متخصصین در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ با اظهار تأسف خبر از عدم همکاری رژیم داد و گزارش قبلی خود را تکرار کرد. این کمیته در سال ۲۰۰۸ گزارشی در این رابطه منتشر نکرد.

گزارش سال ۲۰۰۹ کمیته متخصصین

در ارتباط با مقاوله‌نامه‌ی ۱۲۲، بررسی سیاست استخدامی

کمیته خاطرنشان می‌کند که گزارش دولت را در ژوئن ۲۰۰۷ دریافت کرده است که پاسخی است به‌مسائل مطرح شده از سال ۲۰۰۴. کمیته ارائه‌ی اطلاعات همراه با جزئیات آن را در مورد اقدامات انجام گرفته از سوی دولت در راستای اجرای مقاوله‌نامه و دست‌آوردهای آن مطالبه و به‌طور ویژه به اقدامات انجام گرفته برای کاهش سطح

بی‌کاری مزمن که با توجه به آمارهای قابل دسترسی کامپیوتری ۱۰ درصد اعلام شده، اشاره می‌کند.^۱

کمیته گزارش می‌دهد که دولت مدعی شده است مطابق با برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی چهارم توسعه‌ی اقتصادی، سطح مشارکت دولتی کاهش پیدا می‌کند. هم‌چنین دولت مدعی‌ست که دست به تدوین یک برنامه‌ی مشخص استخدامی زده و مقدمات اجرای آن را فراهم آورده است.

یکی از شاخه‌های اصلی این برنامه، شناسایی فرصت‌های استخدامی جدید برای جوانانی است که به‌صورت گسترده، وارد بازار کار می‌شوند. دولت قصد دارد با ارائه‌ی کمک (از طریق طرح بنگاه‌های زودبازده) به خوداشتغالی جوانان کمک کند. دولت مدعی‌ست که اجرای برنامه‌ی پنج‌ساله توسعه‌ی اقتصادی باعث می‌شود که نرخ بی‌کاری در سال ۲۰۰۹ به ۸/۳ درصد برسد.^۲

کمیته از دولت می‌خواهد در گزارش آتی خود مشخص کند که آیا در راه اجرای برنامه‌ی توسعه برای کاهش بی‌کاری و رسیدن به هدف‌های آن با موانع و مشکلاتی برخورد کرده است یا نه. کمیته در ارتباط با سیاست‌های اقتصادی برای تضمین استخدام که خود عنصر اصلی در کاهش فقر است، خواهان ارائه‌ی جزئیات از سوی دولت می‌شود. و دولت گزارش داده است بر اساس برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی توسعه، محرک‌های مالی برای تقویت استخدام ایجاد کرده است.

دولت در گزارش خود به تلاش‌هایش برای ایجاد اداره‌های کاریابی و استخدامی برای نیروهای متخصص دانشگاهی و غیردانشگاهی در بخش دولتی و غیردولتی اشاره کرده است. کمیته خواهان ارائه‌ی اطلاعات آماری کامپیوتری در رابطه با تأثیر اقدامات فوق در اشتغال زنان، کارگران جوان و کارگران مهاجر شده است.

۱- روزنامه‌ی دنیای اقتصاد ۲۴ مرداد ۱۳۸۷ گزارش داده که بر اساس آمار بانک مرکزی روند کاهشی نرخ بی‌کاری در زمستان متوقف شده و از ۹/۸ درصد در پاییز به ۱۱/۹ درصد در زمستان افزایش یافته است. آمار نرخ بی‌کاری که مستند به یافته‌های مرکز آمار ایران است در بهار ۸۶ معادل ۱۰/۷ درصد اعلام شده بود، در تابستان به ۹/۹ درصد و در پاییز به ۹/۸ درصد تنزل یافته بود، ولی در زمستان سال گذشته با افزایشی قابل توجه به مرز ۱۲ درصد بازگشته است.

۲- روزنامه‌ی ابتکار ۲۵ شهریور ۱۳۸۸ به نقل از خبرگزاری ایلنا گزارش داد که در پایان دوران وزارت وزیر کار دولت نهم، به جای ایجاد هفتصد تا هشتصد هزار شغلی که او در ابتدای تشکیل کابینه ادعایش را داشت، در پایان نه تنها فرصت‌های شغلی با افزایش مواجه نشدند، بلکه نزدیک به سیصد هزار فرصت شغلی نیز از بین رفت.

دولت مدعی‌ست با توجه به افزایش جوانانی که وارد بازار کار می‌شوند و حضور افزایش‌دهنده‌ی زنان با تحصیلات دانشگاهی در بازار کار، توجه ویژه‌ی دولت به فعالیت‌های آموزشی برای چنین افرادی جلب شده است. کمیته‌ی متخصصین خواهان ارائه‌ی اطلاعات آماری دقیق و تفکیک‌شده از نظر جنسی در این رابطه شده است.

دولت در گزارش خود به تشکیل جلسه‌ی سالانه‌ی کنفرانس ملی کار در کشور اشاره کرده است بدون آن که مشخص کند که آیا نمایندگان کارفرمایان، کارگران و کسانی که در بخش‌های روستایی کار می‌کنند، در اجلاس شرکت داشته‌اند یا نه و یا به‌طور واقعی در ارتباط با سیاست‌های استخدامی مورد مشاوره قرار گرفته‌اند یا نه.

کمیته یک‌بار دیگر اهمیت اجرای کامل ماده‌ی ۳ مقاوله‌نامه را متذکر شده است. این ماده خواهان مشاوره‌ی دولت با نمایندگان کارگران و کارفرمایان، در ارتباط با سیاست‌های استخدامی است.

عدم گزارش موارد نقض مقاوله‌نامه‌های مربوط به کار اجباری و کار کودکان

مقاوله‌نامه‌های مربوط به لغو کار اجباری و کار کودکان که از جمله مهم‌ترین مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی هستند که مفاد آن به‌طور گسترده و سیستماتیک توسط جمهوری اسلامی زیر پا گذاشته می‌شوند و متأسفانه تاکنون بازتابی در گزارش‌های سازمان بین‌المللی کار نیافته است. عدم گزارش نقض مقاوله‌نامه‌های مربوطه در اسناد بین‌المللی و به‌ویژه در اسناد منتشره از سوی سازمان بین‌المللی کار دلایل گوناگونی دارد.

دولت‌های عضو هنگامی که به مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی می‌پیوندند موظف هستند در مورد چگونگی اجرای مقاوله‌نامه و پیشرفت آن در کشور خود، به دفتر بین‌المللی کار گزارش داده و مشکلاتی را که عملاً در راه اجرای مقاوله‌نامه وجود دارد، بیان کنند. با توجه به شناختی که از دولت جمهوری اسلامی داریم، انتظار چنین کاری بیهوده است. سیاست این دولت بر پرده‌پوشی، دروغ‌گویی، کتمان و قلب واقعیت در همه‌ی زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... استوار است. در ارتباط با این رژیم حتا به‌ساده‌ترین آمار و ارقام هم نمی‌شود اعتماد کرد.

از سوی دیگر نمی‌توان انتظار داشت که نمایندگان خانه‌ی کارگر، شوراهای اسلامی کار،

جامعه‌ی اسلامی کارگران و نهادهای کارگری وابسته به رژیم اخبار و گزارش‌هایی را در زمینه‌ی نقض مقاوله‌نامه‌ها در اختیار سازمان بین‌المللی کار و نهادهای مربوطه قرار دهند.

سازمان بین‌المللی کار به‌علت نداشتن دفتر و نمایندگی در ایران و نیز عدم دسترسی به اطلاعات و آگاهی‌های دست اول نمی‌تواند رأساً مبادرت به تهیه گزارش‌هایی در این زمینه کند.

گزارش و اظهار نظر کمیته‌ی متخصصین بر اساس شکایت‌هایی که توسط اتحادیه‌های کارگری ملی و بین‌المللی صورت می‌گیرد تنظیم می‌شود.

سندیکاهای کارگری مستقل در ایران، نوپا و تحت فشار هستند، به‌همین سبب نمی‌توان از آن‌ها انتظار داشت که بتوانند در زمینه‌ی شکایت از جمهوری اسلامی برای نقض مقاوله‌نامه‌های فوق‌دخالت‌چندانی داشته باشند. حداکثر تلاشی که آن‌ها می‌توانند به‌خرج دهند، تلاشی پرهزینه برای رسمیت دادن به موجودیت خودشان است. تلاش‌هایی در همین حد هم با سرکوبی و طرح اتهامات عجیب و غریب چون جاسوسی، همکاری با دشمن و اقدام علیه امنیت ملی، انتشار اخبار و گزارش‌های کذب و... مواجه می‌شود. با این حال فعالان کارگری و فعالان حقوق کودک و زنان می‌توانند با تهیه‌ی گزارش‌های گوناگون و ارائه‌ی آن به اتحادیه‌های بین‌المللی کارگری نقش مهمی در استیفای حقوق کارگران ایرانی داشته باشند. مقام‌های اتحادیه‌های بین‌المللی کارگری بارها اعلام کرده‌اند که این اتحادیه‌ها حکم اسلحه‌ای را دارند که برای شلیک، نیاز به گلوله و مهمات دارد. اطلاعات جامع در مورد نقض مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی در ایران، مهمات و گلوله‌ی مورد نیاز این اتحادیه‌ها را تأمین می‌کند. در این میان وظیفه‌ی گروه‌های سیاسی اپوزیسیون در خارج از کشور و فعالان سیاسی و به‌ویژه کارگری دوچندان می‌شود، چرا که آنان با دست‌باز و بدون دغدغه می‌توانند چنین کاری را انجام دهند.

کلیده‌ی گزارش‌های کمیته‌ی متخصصین و نهادهای ذیربط سازمان بین‌المللی کار، براساس اخبار و اطلاعاتی که از سوی نیروهای اپوزیسیون و فعالان و سندیکاهای مستقل کارگری در داخل و خارج از کشور در اختیار این نهادها گذاشته می‌شود، تهیه شده است. چنان‌چه در گزارش‌های سازمان بین‌المللی کار نقصی دیده شود، مسئولیت آن به‌گردن همه‌ی ماست.

نقض مقاوله‌نامه‌های مربوط به لغو کار اجباری

با آن که ایران مقاوله‌نامه‌های ۲۹ و ۱۰۵ مربوط به لغو کار اجباری را پذیرفته است و لاجرم می‌بایستی پاسخگوی موارد نقض و یا کوتاهی دولت در اجرای مقاوله‌نامه باشد اما تاکنون به علت عدم گزارش موارد از سوی اتحادیه‌های ملی و یا بین‌المللی کارگری، دولت جمهوری اسلامی از انجام وظایف خود سرباز زده است.

در نود و سومین اجلاس کنفرانس بین‌المللی کار که از ۳۱ ماه می تا ۱۶ ژوئن ۲۰۰۵ در ژنو برگزار شد، در گزارش کمیته‌ی متخصصین^۱، به مصادیق بارزی از اعمال کار اجباری در چهل و یک کشور اشاره و دولت‌های مربوطه مورد انتقاد قرار گرفتند. متأسفانه در گزارش مزبور، نامی از ایران نیامده است.^۲ و این، به روشنی بیان‌کننده‌ی کم‌کاری نیروهای سیاسی و فعالان کارگری، و عدم شناخت آنان از سازوکارهای بین‌المللی و تعاریف جدیدی است که از کار اجباری صورت گرفته است.^۳

باید توجه داشت که در گزارش کمیته متخصصین، مصادیق کار اجباری نه تنها در کشورهای چون افغانستان، چین، هند، پاکستان، بنگلادش، برزیل، کنگو، چاد، اندونزی، کلمبیا، غنا، دومنیکن، بلیز، الجزایر، کامرون، هائیتی، جامائیکا، مراکش، عمان، قطر، پاراگوئه، تایلند و... دیده می‌شود، بلکه به‌مواردی در کشورهای آمریکا، انگلیس، روسیه، اتریش، بلژیک، دانمارک، کانادا، نیوزلند، ژاپن، سنگاپور، ترکیه، مولداوی و قبرس هم اشاره شده است.^۴

در چند سال اخیر بر مبنای تعریفی که مجمع عمومی سازمان ملل متحد از «قاچاق و تجارت انسان» و «بردگی مدرن» ارائه داده است، این امور نیز در ردیف «کار اجباری» و با همان بار معنایی قلمداد می‌شود. در سال‌های اخیر پدیده‌ی «قاچاق و تجارت انسان» و «بردگی مدرن» به‌منظور بهره‌کشی جنسی و اقتصادی از ایران به کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس و پاکستان رایج بوده است. برای نمونه روزنامه‌ی مشرق چاپ بلوچستان پاکستان در گزارشی خبر داده است که:

1-<http://www.ilo.org/public/english/standards/relm/ilc/ilc93/pdf/rep-iii-1a.pdf>

۲- گزارش مزبور هر ساله در یک کتاب سبزرنگ حاوی صدها صفحه به کنفرانس ارائه می‌شود و برای همین به کتاب سبز هم معروف است.

۳- برای دریافت اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

http://www.ituc-csi.org/IMG/pdf/guide_forced_labour_EN.pdf

4-<http://www.ilo.org/public/english/standards/relm/ilc/ilc93/pdf/rep-iii-1a.pdf>

در هر ماه چهل و پنج دختر کم‌سن و سال ایرانی، به پاکستان قاچاق می‌شوند و مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند. آن‌ها در کراچی به فروش می‌رسند. اکنون خرید و فروش دختران در کراچی به‌اوج خود رسیده است.^۱

وزارت امور خارجه‌ی آمریکا از سال ۱۳۸۳ به‌بعد ایران را در زمره‌ی کشورهای چوون اکوادور، بنگلادش، برمه، سودان، سیرالئون، کره‌شمالی، کوبا، گینه‌استوایی و ونزوئلا شناخته است که سرچشمه عبور و مقصد قاچاق زنان و دختران، با هدف بهره‌برداری جنسی هستند. در گزارش مربوط به ایران وزارت خارجه‌ی آمریکا آمده است:

ایران سرچشمه‌ی عبور و مقصد قاچاق زنان و دخترانی است که با هدف بهره‌برداری جنسی و بهره‌کشی از کارشان قاچاق می‌شوند. زنان و دختران به‌منظور بهره‌برداری جنسی به ترکیه، پاکستان و فرانسه قاچاق می‌شوند. پسرانی از بنگلادش، پاکستان و افغانستان از راه ایران به کشورهای خلیج فارس قاچاق، و در نتیجه ناچار می‌شوند به‌شترچرانی، گدایی یا بی‌گاری پردازند. زنان و دختران افغانستانی به‌منظور بهره‌برداری‌های جنسی یا زناشویی اجباری به ایران قاچاق می‌شوند. در داخل نیز قاچاق زنان و دختران به‌منظور بهره‌برداری جنسی و کودکان برای کار اجباری صورت می‌گیرد. قاچاق داخلی زنان و کودکان بر اثر شمار رو به‌افزایش گروه‌های آسیب‌پذیر مانند: زنان فراری، کودکان خیابانی و افراد معتاد دامنه‌ی گسترده‌تری یافته است. دولت ایران با حداقل معیارها برای پایان دادن به این قاچاق به‌طور کامل کنار نیامده است.^۲

با توجه به‌چنین گزارش‌هایی می‌توان نتیجه گرفت که ایران نیز حداقل، از وضعیت کشورهای چون «روسیه» و «ترکیه» که توسط سازمان بین‌المللی کار در مورد نقض اصل منع کار اجباری مورد انتقاد قرار گرفته‌اند، رنج می‌برد.

طبق تعریف کمیته‌ی متخصصین و کمیته‌ی آزادی انجمن و نهادهای حقوقی سازمان بین‌المللی کار، دایره‌ی «کار اجباری» آن‌قدر گسترده است که حتماً موارد زیر را نیز شامل می‌شود:

۱- ایرنا ۲۰ بهمن ۱۳۸۱.

۲- رادیوفردا (۱۳۸۳/۳/۲۶)، گزارش وزارت امور خارجه آمریکا در مورد قاچاق انسان در ایران،

به کارگیری نظام آموزشی مبتنی بر کار برای افرادی که از زندان آزاد شده‌اند، شکلی از کار اجباری و حبس دولتی محسوب می‌شود؛ بازداشت و کار اجباری برای افرادی که پیش از این تحت محکومیت تعیین شده از سوی دادگاه‌ها قرار نداشته و در برخی موارد حتا احکام تنبیهی صادره از سوی مقام‌های قضایی شامل حال آنان نمی‌گردند، بدون هیچ شبهه‌ای نقض معیارهای اساسی سازمان بین‌المللی کار که مسئولیت تطبیق قوانین مربوطه با قوانین حقوق بشری را بر عهده دارد، محسوب می‌شود؛ در صورت اعمال چنین تدابیری در خصوص افراد فعال در تشکل‌های کارگری این امر، نقض فاحش اصول مربوط به آزادی انجمن محسوب می‌شود.^۱

و هم‌چنین:

مقید کردن کارگران به طی دوره‌های آموزشی از طریق نظام آموزش اجباری بدون وجود احکام قضایی، شکلی از حبس دولتی محسوب می‌شود که نقض فاحش حقوق بنیادین بشر را به دنبال دارد. حقوقی که احترام به آن برای اعمال حقوق تشکل‌های صنفی کارگری که در کنفرانس بین‌الملل کار سال ۱۹۷۰ تعیین شده امری اساسی محسوب می‌شود.^۲

جدای از موارد مزبور، کار در زندان بدون وجود حکم قضایی و کار اجباری سربازان وظیفه در پروژه‌های ترویج و آبادانی و پیشرفت اقتصادی و... نیز از مصادیق کار اجباری محسوب می‌شود.

نقض مقاله‌نامه‌های مربوط به حقوق کودک

با وجود این که ایران به مقاله‌نامه‌ی حقوق کودک و مقاله‌نامه‌ی شماره‌ی ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار ملحق شده، اما در عمل اقدام چندانی برای جلوگیری از کار کودک صورت نگرفته و متأسفانه موارد نقض مقاله‌نامه، بازتابی در گزارش‌های سازمان بین‌المللی کار نیافته است.

در گزارش کمیته‌ی متخصصین به کنفرانس بین‌المللی کار هر ساله شکایات رسیده در ارتباط با نقض مقاله‌نامه‌های مربوط به کار کودکان، حداقل سن، رعایت بهداشت و... بررسی می‌شود.

۱- گزیده‌ی اصول و احکام داوری کمیته‌ی آزادی انجمن، ویرایش پنجم سال ۲۰۰۶ صفحه‌ی ۲۳ متن انگلیسی، انتشارات سازمان بین‌المللی کار.

۲- پیشین.

در سال ۲۰۰۵ کمیته‌ی متخصصین نقض مقاوله‌نامه توسط سی و هفت کشور را مورد رسیدگی قرار داد. در این گزارش نه‌تنها از کشورهای الجزایر، آرژانتین، بولیوی، برزیل، کامرون، بورکینا فاسو، قطر، کاستاریکا، اندونزی، سری‌لانکا، سیرالئون، هندوراس، گواتمالا، مکزیک، مراکش، فیلیپین، قطر و... نام برده شده، بلکه از فرانسه، چک و آمریکا نیز نام برده شده است.^۱

در ایران به‌طور سنتی هم‌چنان از کودکان در کار کشاورزی و کارهای روستایی استفاده می‌شود و آن‌ها بدنه‌ی اصلی نیروی کار کارگاه‌های قالی‌بافی ایران را تشکیل می‌دهند. بدین ترتیب کودکان در تولید مهم‌ترین کالای صادراتی غیرنفتی ایران نقش اساسی دارند. جدای از فروش کودکان به کارگاه‌های قالی‌بافی، عدم رعایت ممنوعیت بدترین انواع کار کودکان از دیگر موارد نقض مقاوله‌نامه‌های مربوط به کودکان است. بسیاری از کودکان در دام «بردگی مدرن» اسیر شده و تعدادی از دختران خردسال ایرانی در پوشش ازدواج به‌بردگی جنسی در پاکستان واداشته شده‌اند، عده‌ای از پسران خردسال ایرانی به‌عنوان شترسوار در مسابقات شترسواری به‌صورت اجباری به کشورهای جنوب خلیج فارس قاچاق شده‌اند.

مدیرعامل انجمن حمایت از حقوق کودکان با استناد به آمارهای منتشر شده‌ی سال ۸۵ توسط مرکز آمار ایران اعلام کرد:

از مجموع سیزده میلیون و دویست و پنجاه و سه هزار کودک رده‌ی سنی ده تا هجده سال کشور در سال ۸۵، سه میلیون و ششصد هزار کودک خارج از چرخه‌ی تحصیل و یک میلیون و هفتصد هزار کودک به‌صورت مستقیم درگیر کار بودند.

فرشید یزدانی ضمن اعلام این خبر که آن‌را هشدار جدی برای مسئولان، بالاخص مدیران وزارت آموزش و پرورش دانست، در مورد افزایش جمعیت کودکان کار نسبت به سال ۷۵، گفت:

در سال ۷۵، حدود یازده درصد از کودکان ده تا هجده سال کشور جزو کودکان کار بودند که این رقم با افزایش، به ۷/۱۲ درصد (یک میلیون و ششصد و شصت هزار نفر) در سال ۸۵ رسیده است. این در حالی است که تعداد کودکان این رده‌ی سنی، نسبت به سال ۷۵ کاهش یافته است.

به‌گفته‌ی وی، نسبت کودکان کار در نقاط شهری و روستایی متفاوت بوده است، به‌طوری

که ۶/۹ درصد (هشتصد و سی هزار کودک) آن‌ها، شهری و ۳/۱۸ درصد (هشتصد و پنجاه هزار کودک) روستایی بودند و این آمار با تعداد کودکان خارج از چرخه‌ی تحصیلی در نقاط شهری و روستایی هم‌خوانی دارد.

به‌گزارش ایسنا مدیرعامل انجمن حمایت از حقوق کودکان افزود: علاوه بر وجود یک میلیون و ششصد هزار کودک کار در کشور، نهصد و پانزده هزار کودک با عنوان «کودک خانه‌دار» توسط مرکز آمار ایران ثبت شده است که حدود نهصد و چهار هزار نفر از آن‌ها را دختران و مابقی را پسران تشکیل می‌دهند.

وی با اذعان به این‌که عمده‌ی کودکان خانه‌دار، کودکانی هستند که به‌دلیل ازدواج زودهنگام، خانه‌دار شده‌اند، تأکید کرد: عده‌ی دیگری از این کودکان را کودکان بازمانده از تحصیل تشکیل می‌دهند. بنابراین می‌توان گفت در مجموع حدود دو میلیون و هفتصد هزار کودک در کشور مشغول کار هستند.^۱

سعید مدنی کارشناس ایرانی در مصاحبه با رادیو دویچه‌وله در مورد تعداد کودکان کار در ایران می‌گوید:

براساس آمار سال ۸۵ حدود یک میلیون نفر از شاغلین ایرانی در دامنه‌ی سنی ده تا نوزده سال بوده‌اند. در واقع می‌شود گفت که رسماً حدود یک میلیون و چهارصد و پنجاه و چهار کودک ایرانی مطابق آمار رسمی شاغل بودند و تحت پوشش آمار قرار گرفتند که البته با در نظر گرفتن بیش از سه میلیون کودک سنین مدرسه که در مدرسه‌ها حضور ندارند، می‌شود گفت که این آمار فقط نیمی از این‌ها را تحت پوشش قرار داده است. در میان این نزدیک به یک و نیم میلیون نفر کودک شاغل، حدوداً صد و هشتاد و پنج هزار نفر در دایره‌ی سنی ده تا چهارده سال بودند و مابقی‌شان یعنی حدود یک میلیون و دویست و هفتاد هزار نفرشان در سنین پانزده تا نوزده سال قرار داشتند.^۲

وی به‌معضل دیگری نیز در ارتباط با کودکان کار اشاره می‌کند:

۱- مردم‌سالاری، مرداد ۱۳۸۷

www.mardomsalari.com/template1/ /News.aspx?NID=33532

۲- دویچه‌وله، ۲۷ ژانویه ۲۰۰۹

www.dw-world.de/dw/article/0..3979686.00.html

تعداد قابل توجهی از کودکان در محیط‌های خانگی و بدون دریافت دستمزد مشغول به کار هستند و در عین حال این‌ها به‌عنوان شاغل محسوب نمی‌شوند. نمونه‌ی خیلی مشخص آن دخترانی هستند که در کارگاه‌های قالی‌بافی مشغول فعالیت هستند. بعلاوه بخش قابل توجهی از کودکانی که در مزارع و درکنار والدین‌شان مشغول فعالیت هستند هم در گروه کودکان شاغل به‌حساب نمی‌آیند و از آمار حذف می‌شوند و این در واقع مشکلی است که اصولاً برای سرشماری کودکان شاغل، آن گروهی که در کارگاه‌های خانوادگی فعالیت می‌کنند، نادیده گرفته می‌شوند!

وی تأکید می‌کند آمار فوق تنها مربوط به کودکانی است که در کارگاه‌های رسمی کار می‌کنند:

آنچه تحت عنوان آمار کودکان شاغل، یعنی ده تا چهارده سال، در آمار رسمی درج می‌شود به‌طور مشخص فقط متمرکز بر کودکانی است که در کارگاه‌های رسمی فعالیت‌اند؛ بنابراین کودکان خیابانی، یعنی کودکانی که در خیابان‌ها به‌نوعی فعالیت شغلی دارند، مثل همین فروش گل یا آدامس یا چیزهایی شبیه به این‌ها، مطلقاً در آمار محسوب نمی‌شوند. به‌عبارت دیگر اگر ما بخواهیم آمار جامع‌تری از وضعیت کودکان کار داشته باشیم، شاید مناسب‌تر این باشد که به‌صورت غیرمستقیم، تعداد کودکان در سنین مدرسه را که در خارج از مدارس فعالیت دارند مورد توجه قرار بدهیم. چون بخش قابل توجهی از این کودکان کسانی هستند که به‌دلیل اشتغال و به‌دلیل این که کمک خرج خانواده هستند، طبیعتاً بر سرکلاس درس حاضر نمی‌شوند یا امکان حضور را ندارند.

جاوید سبحانی عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان ایران در ارتباط با انواع دیگر کار کودکان در ایران می‌گوید:

کارهای خانگی از جمله قالی‌بافی، سبزی‌خردکنی، قندشکنی، پاک کردن و بسته‌بندی حبوبات از جمله مشاغلی است که اغلب کودکان کار به‌آن اشتغال داشته و به‌دلیل

۱- پیشین.

۲- پیشین.

نداشتن کارفرمای مشخص و کارکردن در خانه، از به حساب آمدن در آمارهای مربوطه محروم هستند.^۱

وی در ادامه اظهار می‌دارد :

وقتی مطابق با قانون کار از نظارت بر کارگاه‌هایی که زیر پنج نفر کارکن دارند، سرباز زده شده پس معضل کودکان گاراژی، کارگاهی و خانگی به‌قوانین کار کشور هم بازمی‌گردد و زمینه‌ی برده‌کشی از کودکان را فراهم می‌کند.^۲

روند رو به‌رشد کودکان بازمانده از تحصیل آن‌قدر جدی است که حسن‌الحسینی معاون اسبق حقوقی و امور مجلس وزارت آموزش و پرورش تعداد آنان را در حدود چهار میلیون نفر می‌داند و این پدیده را «پمپاژ بی‌سوادی به‌جامعه» معرفی می‌کند. وی هم‌چنین می‌افزاید «با توجه به فقری که در جامعه وجود دارد حتا اگر هم اعتبارات آموزش در سبب مصرف خانوار ایرانی افزایش یابد باز هم تعداد بازماندگان از تحصیل افزایش خواهند یافت.»^۳ و این بیش از هر چیز نشان‌گر افزایش کودکان کار در جامعه و نقض مقوله‌نامه‌های بین‌المللی است.

مطابق ماده‌ی ۱۸۸ قانون کار ایران، کودکان اجازه‌ی فعالیت در کارگاه‌های خانوادگی را بدون رعایت سن کار دارا هستند.

باید توجه داشت وقتی دختران در سن نه سالگی طبق قانون، اجازه‌ی ازدواج دارند، بدون شک مقوله‌نامه‌های مربوط به کار اجباری و کار کودکان نقض شده است.

همچنین در ماده‌ی ۸۴ قانون کار، عدم اشتغال به‌کاری که موجب توقف در ادامه‌ی تحصیل کارگران نوجوان گردد مورد غفلت قرار گرفته است.

در آخرین اقدام پلیس امنیت، دفتر جمعیت تلاش برای جهان شایسته‌ی کودکان را -که نزدیک به پنج سال در زمینه‌ی مشکلات و معضلات کودکان فاقد شناسنامه، کار، دورمانده از تحصیل و غیره فعالیت کرده و دویست کودک هفت تا هفده سال را تحت پوشش داشت-، پلمپ کرد.^۴

۱- ایلنا ۴ مهر ۱۳۸۸.

۲- پیشین.

۳- خبرگزاری مهر ۹ آذر ۱۳۸۸.

۴- ایلنا ۲۰ آبان ۱۳۸۸.

پیوست‌ها

موارد مهم مقاوله‌نامه‌های بنیادین کار^۱

مقاوله‌نامه‌ی ۸۷ آزادی سندیکاها و حمایت از حقوق سندیکایی
مصوب ۱۹۴۸

بخش اول آزادی سندیکاها

ماده‌ی ۱

هر یک از کشورهای عضو سازمان بین‌المللی کار که این مقاوله‌نامه در باره‌ی آنها لازم‌الاجرا است، متعهد به اجرای مقررات زیر است.

ماده‌ی ۲

کارگران و کارفرمایان بدون هیچ‌گونه تبعیضی می‌توانند آزادانه و بدون اجازه‌ی قبلی، تشکلهای خود را تشکیل دهند یا به تشکلهای موجود بپیوندند، به شرط آن که اساس‌نامه‌های مصوب را رعایت کنند.

ماده‌ی ۳

بند ۱- تشکلهای کارگری و کارفرمایی حق دارند آزادانه اساس‌نامه و آئین‌نامه‌های خود را تدوین کنند؛ نمایندگان خود را برگزینند؛ چگونگی اداره‌ی امور و فعالیت خود را سازمان دهند و برنامه‌ی عملی خود را مدون کنند.

۱- در این بخش برای آشنایی با حقوق پایه‌ای کار تنها به ترجمه و انتشار بخش‌های مهم مقاوله‌نامه‌ها اکتفا شده و از ترجمه و انتشار قسمت‌های فنی آنها خودداری شده است.

بند ۲- مقام‌های دولتی باید از هرگونه مداخله‌ای که منجر به محدودیت این حق یا اشکال در اجرای قانونی آن شود، خودداری کنند.

ماده‌ی ۴

تشکل‌های کارگران و کارفرمایان مشمول انحلال یا تعلیق از جانب مقام‌های دولتی نخواهند بود.

ماده‌ی ۵

سازمان‌های کارگری و کارفرمایی از حق تشکیل اتحادیه برخوردارند و حق آن‌را دارند که به سازمان‌های بین‌المللی کارگری و کارفرمایی بپیوندند. تشکل‌های کارگران و کارفرمایان از حق تشکیل فدراسیون یا کنفدراسیون برخوردارند و یا حق دارند به‌چنین فدراسیون یا کنفدراسیونی بپیوندند، و این فدراسیون یا کنفدراسیون نیز حق دارد که به تشکل‌های بین‌المللی کارگران و کارفرمایان بپیوندند.

ماده‌ی ۶

مفاد مواد ۲ و ۳ و ۴ این مقاله‌نامه، اتحادیه‌ها و کنفدراسیون‌های متشکل از سازمان‌های کارگری و کارفرمایی را نیز شامل می‌شود.

ماده‌ی ۷

کسب شخصیت حقوقی برای تشکل‌های کارگران و کارفرمایان نباید منوط به‌قید و شرط‌هایی شود که اعمال مفاد مواد ۲، ۳ و ۴ را محدود کند.

ماده‌ی ۸

- بند ۱- کارگران و کارفرمایان و تشکل‌های مربوط به‌آنان، مانند همه‌ی اشخاص و سازمان‌های جمعی دیگر، در استفاده از حقوقی که این مقاله‌نامه تأمین می‌کند قانون کشور مربوط را رعایت خواهند کرد.
- بند ۲- قانون کشور مربوطه نباید چنان باشد، یا چنان اعمال شود، که تضمین‌های تأمین‌شده در این مقاله‌نامه را تضعیف و مختل کند.

ماده‌ی ۹

- بند ۱- تدابیر لازم برای تأمین و اجرای تصمیمات و تعهدات تصریح‌شده در این مقاله‌نامه در خصوص نیروهای مسلح، باید در حدود قوانین هر کشوری پیش‌بینی

شود.

- بند ۲- بر اساس اصول و مفاد مقرر در بند ۸ مادهی ۱۹ اساسنامهی سازمان بین‌المللی کار، تصویب این مقاله‌نامه توسط اعضا، هیچ تأثیری در قوانین، احکام، عرف و قراردادهای نافذ و معتبر موجود که متضمن تصمیمات و تعهدات پیش‌بینی شده در این مقاله‌نامه درباره‌ی نیروهای مسلح باشد، نخواهد داشت.

مادهی ۱۰

در این مقاله‌نامه مراد از اصطلاح تشکل، هر سازمان کارگری یا کارفرمایی است که به‌منظور توسعه و حفظ منافع کارگران یا کارفرمایان تأسیس شده باشد.

بخش دوم

حمایت از حقوق سندیکاها

مادهی ۱۱

هر عضو سازمان بین‌المللی کار که متعهد اجرای این مقاله‌نامه باشد، موظف است تمام اقدامات لازم را برای تأمین حقوق سندیکایی و استفاده‌ی آزادانه‌ی کارگران و کارفرمایان از این حقوق به‌عمل آورد.
* این مقاله‌نامه شامل یک مقدمه و ۲۱ ماده است.

مقاله‌نامهی ۹۸

حق تشکل و مذاکره‌ی دسته‌جمعی، مصوب ۱۹۴۹

مادهی ۱

۱. کارگران باید در برابر اقدامات ضد سندیکایی و تبعیض‌آمیز در خصوص اشتغال، از حمایت کافی برخوردار باشند.
۲. حمایت از کارگران در برابر اقدامات ضد سندیکایی بویژه باید بندهای زیر را در برگیرد:
 - الف) شرط استخدام کارگران به‌عدم عضویت در سندیکاها یا به‌استعفا از آنها؛
 - ب) اخراج کارگران یا ایجاد مزاحمت برای آنان به‌هر وسیله، به‌علت عضویت در

سندیکاهای کارگری یا به‌علت شرکت در فعالیت‌های تشکیلاتی سندیکایی در غیر ساعات‌های کار یا حتا در صورت موافقت کارفرما در زمان کار.

ماده‌ی ۲

۱. سندیکاهای کارگری و کارفرمایی باید در مقابل هرگونه اقدام مداخله‌گرانه در تشکیلات و فعالیت امور اداری آن‌ها از سوی اعضا و یا نمایندگان طرف مقابل چه به‌صورت مستقیم، یا غیرمستقیم کاملاً مصون باشند؛
۲. تحریک به‌منظور ایجاد سندیکاهای کارگری دیگر که تحت نفوذ کارفرما یا اتحادیه‌های کارفرمایان باشند، یا پشتیبانی از سندیکاهای کارگری با اتکا به کمک‌های مالی یا هر شیوه‌ی دیگر با این هدف که سندیکاهای کارگری تحت نظارت کارفرما یا اتحادیه کارفرمایان قرار گیرند، از جمله اقداماتی است که به‌ویژه بر اساس مفاد این ماده، اقدام مداخله‌گرایانه تلقی می‌شود.

ماده‌ی ۳

در صورت لزوم باید نهادهایی تأسیس شود که متناسب با اوضاع و شرایط هر کشوری آزادی سندیکاهای و احترام به حقوق سندیکایی را براساس مفاد تصریح شده در ماده‌های ۱ و ۲ این مقاله‌نامه، تأمین کند.

ماده‌ی ۴

در صورت لزوم و با توجه به شرایط داخلی هر کشور، باید تدابیری اتخاذ شود که کارفرمایان و سندیکاهای کارفرمایی از یک طرف و سندیکاهای کارگری از طرف دیگر به‌توسعه و استفاده‌ی بیش‌تر از روش‌های مبادله‌ی آزادانه‌ی قراردادهای دسته‌جمعی تشویق شوند و بدین وسیله شرایط کار را بین خود تنظیم کنند.

ماده‌ی ۵

۱. حدود شمول مفاد این مقاله‌نامه به‌قوای نظامی و انتظامی به‌موجب مقررات ملی تأمین خواهد شد.
۲. بر اساس مفاد بند ۸ از ماده‌ی ۱۹ اساس‌نامه‌ی سازمان بین‌المللی کار در هر کشور عضو سازمان بین‌المللی کار، اگر در باره‌ی پرسنل نیروهای نظامی و انتظامی، به‌موجب قوانین، احکام یا عرف متداول و یا موافقت‌نامه‌های نافذ و معتبر حقوقی

معادل شرایط این مقاوله‌نامه تأمین باشد، الحاق آن دولت به این مقاوله‌نامه به مقررات متداول در آن کشور هیچ گونه لطمه‌ای نخواهد زد.

ماده‌ی ۶

این مقاوله‌نامه، ناقض حقوق و موقعیت کارمندان دولت نیست و به هیچ وجه نمی‌توان آن را به گونه‌ای تفسیر کرد که به حقوق و قانون استخدامی ایشان لطمه‌ای وارد کند.
* این مقاوله‌نامه شامل یک مقدمه و شانزده ماده است.

مقاوله‌نامه‌ی ۱۰۰

تساوی دستمزد - مصوب ۱۹۵۱

ماده‌ی ۱

به موجب این مقاوله‌نامه:

- الف) اصطلاح «دستمزد» شامل دستمزد و حقوق معمولی اعم از اصل یا حداقل و همچنین کلیه‌ی مزایایی است که به‌طور مستقیم به صورت نقد یا غیرمستقیم به صورت جنس از طرف کارفرما در ازای کار به کارگر پرداخت می‌شود.
- ب) عبارت «تساوی دستمزد زن و مرد در قبال کار هم‌ارزش» مربوط به نرخ دستمزدی است که بدون تبعیض از نظر جنسیت تعیین گردد.

ماده‌ی ۲

۱. هر یک از کشورهای عضو باید به‌وسائلی که منطبق با روش‌های معمول جهت تعیین میزان دستمزد باشد اجرای اصل تساوی دستمزد کارگر زن و مرد را در قبال کار هم‌ارزش تشویق و تا حدودی که با روش‌های فوق‌الذکر تطبیق نماید، اجرای آن را درباره‌ی عموم کارگران تأمین کند.
۲. اجرای این اصل ممکن است به روش‌های زیر صورت گیرد:
 - الف) وضع قوانین یا مقررات ملی؛
 - ب) هر روشی که جهت تعیین میزان اجرت‌ها ضمن قوانین پیش‌بینی شده باشد؛
 - ج) انعقاد پیمان‌های دسته‌جمعی بین کارفرمایان و کارگران؛
 - د) ترکیبی از این روش‌های مختلف.

ماده ۳

۱. در صورتی که اقدامات فوق‌الذکر به‌نحوی باشد که اجرای مقررات این مقاله‌نامه را تسهیل نماید ترتیباتی به‌منظور تشویق ارزیابی واقعی مشاغل بر اساس کارهایی که مشاغل مزبور متضمن می‌باشند، به‌عمل خواهد آمد.
۲. اتخاذ تصمیم در مورد اسلوبی که برای این ارزیابی بتوان وضع نمود درباره‌ی تعیین میزان دستمزد با مقامات صلاحیت‌دار بوده و در موردی که میزان دستمزد به‌موجب قراردادهای دسته‌جمعی تعیین شده باشد با طرفین عاقد قراردادها خواهد بود.
۳. اختلاف بین میزان دستمزد در صورتی که بدون ملاحظه‌ی جنسیت ناشی از تفاوت‌های حاصله از ارزیابی کارهایی که باید انجام گیرد، باشد، مخالف باصل تساوی دستمزد زن و مرد در قبال کار هم‌ارزش محسوب نخواهد شد.

ماده ۴

- کشورهای عضو به‌هر ترتیبی که مناسب بدانند در طریق تأمین اجرای مقررات این مقاله‌نامه با سازمان‌های کارفرمایی و کارگری ذینفع همکاری خواهند کرد.
- * این مقاله‌نامه شامل یک مقدمه و چهارده ماده است.

مقاله‌نامه‌ی ۱۱۱

تبعیض در امور مربوط به استخدام و اشتغال، مصوب ۱۹۵۸

ماده ۱

۱. در این مقاله‌نامه، واژه‌ی «تبعیض»، عبارت است از:
 - الف) هرگونه تفاوت، محرومیت یا تقدم که بر پایه‌ی نژاد، رنگ پوست، جنسیت، مذهب، دیدگاه سیاسی، یا خاستگاه ملی یا اجتماعی برقرار بوده و در امور مربوط به استخدام و اشتغال تساوی احتمال موفقیت و رعایت مساوات در شرایط رفتار با کارگر را به‌کلی از میان برده و با بدان آسیب وارد کند.
 - ب) هرگونه تفاوت دیگر یا محرومیت و یا تقدم که نتیجه‌ی آن از میان بردن یا محدودیت تساوی احتمال موفقیت و شرایط رفتار با کارگران باشد و پس از مشورت با تشکل‌های کارگری و کارفرمایی (در کشورهایی که چنین تشکل‌هایی وجود دارند) ذینفع از طرف مقامات صلاحیت‌دار به‌این عنوان

شناخته و معرفی گردد.

۲. هرگونه تفاوت، محرومیت یا حق تقدمی که بر پایه‌ی صلاحیت حرفه‌ای جهت اشتغال به حرفه معینی لازم شناخته شده باشد تبعیض محسوب نخواهد شد.
۳. از لحاظ این مقاوله‌نامه اصطلاح «استخدام» و «اشتغال» حق استفاده از راهنمایی حرفه‌ای و آموزش حرفه‌ای و حق استخدام و اشتغال به حرفه‌های مختلف و هم‌چنان شرایط کار را شامل خواهد بود.

ماده‌ی ۲

هر یک از دولت‌های عضو که این مقاوله‌نامه را تصویب نموده است مقید و موظف است که طبق اصول معین که با شرایط و رسوم و سنن محلی مطابق باشد یک سیاست عمومی و ملی که هدف آن استقرار تساوی احتمال موفقیت در استخدام و اشتغال در شرایط رفتار با کارگر باشد و هر گونه تبعیض را از بین ببرد اتخاذ نماید.

ماده ۳

- هر یک از دولت‌های عضو که مقررات این مقاوله‌نامه درباره‌ی وی قابل اجرا می‌باشد موظف است که با اتخاذ روش معینی که با شرایط و رسوم محلی منطبق باشد:
- الف) همکاری و مساعدت سازمان‌های کارگری و کارفرمایی و سازمان‌های مربوطه‌ی دیگر را به‌منظور قبول و اجرای سیاست سابق‌الذکر جلب نماید.
 - ب) مقرراتی تصویب نموده و تنظیم و اجرای برنامه‌هایی را تشویق نماید که قادر باشند قبول و رعایت اصل مزبور را تأمین بنمایند.
 - ج) کلیه‌ی مقررات قانونی و اصول معمول اداری را که با اصل فوق مابینت دارد لغو یا اصلاح نمایند.
 - د) در مورد مشاغل و حرفه‌هایی که تحت‌نظر مستقیم مقامات ملی هستند این اصل را رعایت بنمایند.
 - ه) در سازمان‌های راهنمایی حرفه‌ای و آموزش حرفه‌ای و کاریابی که تحت‌نظر مستقیم مقامات ملی انجام وظیفه می‌نمایند رعایت اصل را کاملاً تأمین بنمایند.
 - و) ضمن گزارش‌های سالیانه‌ی خود اجرای مقررات این مقاوله‌نامه و اقداماتی را که در اثر اتخاذ این سیاست معمول می‌گردد ذکر کنند.

ماده‌ی ۴

اقداماتی که علیه شخص معینی که مورد سوءظن واقع شده است و احتمال داده می‌شود که علیه امنیت کشور اقدام می‌نماید، یا مسلم شده است که به یک چنین فعالیتی می‌پردازد تبعیض محسوب نمی‌شود، لیکن بدیهی است که شخص مورد نظر باید حق و اجازه داشته باشد که در این خصوص به یک مقام نهاد صلاحیت‌دار ملی که طبق اصول و آیین مرسوم محلی مستقر گردیده است رجوع کند.

ماده‌ی ۵

۱. مقررات مخصوص مربوط به حمایت و تعاون که ضمن مقاوله‌نامه‌ها یا توصیه‌نامه‌های دیگری که از طرف کنفرانس تصویب شده است ذکر گردیده‌اند تبعیض محسوب نمی‌شوند.
۲. هر یک از دولت‌های عضو می‌تواند پس از استماع نظریه‌ی سازمان‌های کارگری و کارفرمایی ذینفع (در صورتی که چنین سازمان‌هایی وجود داشته باشد) اقدامات یا مقرراتی که به منظور مساعدت و یا حمایت از بعضی اشخاص به عمل می‌آید و نظر به احتیاجات مخصوص این افراد از لحاظ جنسیت یا سن شخصیت و موقعیت اجتماعی و تحمیلات خانوادگی یا موقعیت فرهنگی آن‌ها لازم به نظر می‌رسد، تعیین نموده و از جمله‌ی عملیاتی که تبعیض نامیده می‌شود خارج سازد.

ماده‌ی ۶

هر یک از دولت‌های عضو که این مقاوله‌نامه را تصویب می‌نماید موظف است که مطابق مقررات اساس‌نامه‌ی بین‌المللی کار مفاد آن را در سرزمین‌هایی که خارج از سرزمین اصلی کشور هستند، نیز اجرا کند.

* این مقاوله‌نامه شامل یک مقدمه و چهارده ماده است.

مقاوله‌نامه‌ی ۲۹

کار اجباری - مصوب ۱۹۳۰^۱

ماده‌ی ۱

۱. هر یک از اعضای سازمان بین‌المللی کار که این مقاوله‌نامه را تصویب می‌کند متعهد می‌شود استفاده از هر نوع بیگاری یا کار اجباری را در کوتاه‌ترین مدت ممکن کاملاً متوقف کند.
۲. با توجه به توقف کامل، استفاده از بیگاری یا کار اجباری در طول دوره‌ی انتقالی، تنها برای اهداف عمومی و به‌عنوان یک اقدام استثنایی و مشروط به شرایط و تضمین‌هایی که در این مقاوله‌نامه قید شده است، ممکن خواهد بود.
۳. در پایان انقضای دوره‌ی پنج ساله پس از به‌اجرا گذاردن این مقاوله‌نامه و هنگامی که شورای حکام دفتر بین‌المللی کار، گزارش قید شده در ماده‌ی ۳۱ را تهیه کرد، این هیأت امکان ممنوعیت هر نوع بیگاری یا کار اجباری را، بدون تمدید دوره‌ی انتقالی، و نیز ضرورت قرار دادن مسئله در دستور کار کنفرانس را، بررسی خواهد کرد.

ماده‌ی ۲

۱. با توجه به هدف‌های این مقاوله‌نامه، بیگاری یا کار اجباری، کارها یا خدماتی است که فرد نه داوطلبانه بلکه به‌عنوان مجازات مجبور به انجام آن‌ها شود.
۲. با توجه به اهداف این مقاوله‌نامه، بیگاری یا کار اجباری شامل موارد زیر نمی‌شود:
 - الف) هر کار یا خدمت نظامی که انجامش براساس قوانین وظیفه‌ی سربازی الزامی است؛
 - ب) هر گونه کار یا خدمتی که به‌عنوان بخشی از وظایف مدنی متعارف شهروند یک کشور خودمختار انجام می‌شود؛

۱- کوروش پادشاه ایران در منشوری که پس از فتح بابل در سال ۵۳۹ قبل از میلاد صادر کرد و این منشور امروزه به‌نام «اعلامیه‌ی حقوق بشر کوروش» شهرت یافته است به‌منع بیگاری اشاره کرده و آشکارا می‌گوید: «من تا روزی که زنده هستم، نخواهم گذاشت که شخصی، دیگری را به بیگاری بگیرد و بدون پرداخت مزد، وی را به کار وادارد.» وی هم‌چنین در جای دیگری از این بیانیه تأکید می‌کند: «من تا روزی که به‌یاری مزد، پادشاهی می‌کنم، نخواهم گذاشت که مردان و زنان را به‌عنوان غلام و کنیز بفروشند. حاکمان و زیردستان من، مکلف هستند، که در حوزه‌ی حکومت و مأموریت خود، مانع از فروش و خرید مردان و زنان به‌عنوان غلام و کنیز بشوند و رسم بردگی باید به کلی از جهان برافتد.»

اتحادیه‌ی کانون‌های وکلای دادگستری ایران، متن حقوق اساسی بشر کوروش پادشاه باستانی ایران-۱ دی‌ماه ۱۳۸۵
www.iranbar.com

- (ج) هرگونه کار یا خدمتی که فرد محکوم شده در یک دادگاه قانونی ملزم به اجرای آنست، مشروط بر آن که کار یا خدمت یاد شده تحت نظارت و کنترل یک مقام دولتی انجام شود و نه در استخدام یا اختیار اشخاص، شرکتها و یا انجمن‌های خصوصی؛
- (د) هرگونه کار یا خدمتی که در مواقع اضطراری به اجبار انجام می‌شود، از جمله هنگام بروز جنگ و یا فاجعه و یا تهدید به فاجعه، از قبیل آتش‌سوزی، سیل، قحطی، زلزله، شیوع گسترده‌ی بیماری‌های انسانی یا حیوانی و اگیردار، هجوم حیوانات، حشرات و یا آفات نباتی، و به‌طور کلی هرگونه رویدادی که زندگی یا سلامت تمام و یا بخشی از جمعیت را به‌مخاطره اندازد.
- (ه) ارائه‌ی خدمات عمومی جزئی، از نوع خدماتی که شهروندان مشخصاً برای تأمین منافع آن جامعه انجام می‌دهند و در نتیجه می‌تواند به‌عنوان تعهدات مدنی متعارف آنان تلقی شود، به شرطی که اعضای جامعه یا نمایندگان مستقیم آنها این حق را داشته باشند که در باره‌ی نیاز به‌چنان خدماتی مورد مشاوره قرار گیرند.

ماده‌ی ۳

در این مقاوله‌نامه عبارت مقام صلاحیت‌دار یا یک مقام کشوری در دولت (قیم) حاکم است و یا بالاترین مقام در قلمرو مورد بحث.

ماده‌ی ۴

۱. مقام صلاحیت‌دار، اجازه تحمیل کار اجباری و یا بیگاری به‌نفع افراد شخصی، شرکتها و یا انجمن‌ها را نخواهد داد و آن را تحمل نخواهد کرد.
۲. در جاهایی که کارهای اجباری و یا بیگاری به‌نفع افراد شخصی، شرکتها و یا انجمن، - از تاریخی که الحاق کشور به‌این مقاوله‌نامه توسط مدیر کل دفتر بین‌المللی کار ثبت می‌شود- وجود دارد کشور عضو موظف است از تاریخی که این مقاوله‌نامه در آن کشور قابل اجرا می‌شود کار اجباری و بیگاری را به‌طور کامل متوقف کند.

ماده‌ی ۵

۱. هیچ امتیازنامه‌ای به‌افراد شخصی، شرکتها و یا انجمن‌ها نمی‌تواند شامل هیچ نوع کار اجباری یا بیگاری برای تولید و یا گردآوری محصولات باشد که چنین

افراد شخصی، کمپانی‌ها و یا انجمن‌هایی به‌مصرف می‌رسانند و یا با آن تجارت می‌کنند.

۲. چنان‌چه امتیازنامه‌ای شامل موادی ناظر بر کار اجباری و یا بیگاری باشد، این مواد، براساس ماده‌ی یک این مقاوله‌نامه، در اسرع وقت لغو خواهد شد.

ماده‌ی ۶

مقام‌های اداری، حتا زمانی که وظیفه دارند افراد تحت‌امر خود را به کار کردن تشویق کنند، نباید هیچ‌یک از آن‌ها را وادار به کار برای افراد شخصی، شرکت‌ها و یا انجمن‌ها کنند.

ماده‌ی ۷

۱. رؤسای که وظایف اداری بر عهده ندارند نباید به کار اجباری و یا بیگاری متوسل شوند.

۲. رؤسای شاغل به‌وظایف اداری با کسب اجازه‌ی صریح از مقامات صلاحیت‌دار، می‌توانند، با رعایت شرایط مندرج در ماده‌ی ۱۰ این مقاوله‌نامه، به‌استفاده از بیگاری یا کار اجباری متوسل شوند.

۳. رؤسای که مقام‌شان به‌رسمیت شناخته شده است اما پاداش کافی دریافت نمی‌کنند، می‌توانند طبق مقررات از خدمات شخصی بهره‌مند شوند مشروط بر آن که همه‌ی اقدامات لازم برای جلوگیری از سوءاستفاده اتخاذ شده باشد.

ماده‌ی ۸

۱. مسئولیت هر نوع تصمیم‌گیری برای استفاده از بیگاری یا کار اجباری به‌عهده بالاترین مقام غیرنظامی در قلمرو مورد نظر است.

۲. معه‌ذا، مقام یاد شده می‌تواند اختیار تصمیم‌گیری درباره‌ی بیگاری یا کار اجباری را به‌بالاترین مقامات محلی تفویض کند مشروط بر این که تصمیم اتخاذ شده کارگران را مجبور به‌تغییر محل اقامت همیشگی خود نکند.

مقام یاد شده هم‌چنین می‌تواند، برای زمان مشخص و مطابق با مقررات مندرج در ماده‌ی ۲۳ این مقاوله‌نامه، اختیارات خود را برای مجاز شناختن کار اجباری و بیگاری، حتا اگر مستلزم انتقال کارگران از محل اقامت همیشگی‌شان باشد،

به مقام‌های اداری تفویض کنند مشروط بر آن که این تفویض به قصد تسهیل سفر مقام‌های اداری برای انجام وظیفه و یا برای حمل و نقل فروشگاه دولتی باشد.

ماده‌ی ۹

مگر در مواردی که ماده‌ی ۱۰ این مقاوله‌نامه تأیید کرده است، هر مقام صلاحیت‌دار برای توسل به بیگاری یا کار اجباری قبل از اخذ تصمیم در این باره باید متقاعد شود که:

- الف) منافع مستقیم و مهم گروهی که وادار به انجام کار یا خدمتی شده بستگی به انجام کار یا خدمت ارائه شده دارد؛
- ب) کار و یا خدمتی که ارائه می‌شود مورد نیاز فوری است؛
- ج) دسترسی به کار داوطلبانه برای انجام کار یا خدمت مورد تقاضا در مقابل دستمزد و شرایط کاری معمول در محل برای کار و خدمات مشابه غیرممکن بوده است.
- د) با توجه به تعداد کارگران خواهان کار و توانائی‌های آنان، انجام کارها و خدمات مطالبه شده، بار بیش از حد معمول سنگینی بر اهالی محل تحمیل نکند.

ماده‌ی ۱۰

۱. بیگاری و کار اجباری که به جای پرداخت مالیات انجام می‌گیرد و یا توسل به بیگاری و کار اجباری که برای انجام خدمات عمومی مورد استفاده‌ی مسئولان اداری قرار می‌گیرد، باید به تدریج لغو شوند.

۲. افزون بر این، در مواردی که بیگاری و کار اجباری به جای دریافت مالیات انجام می‌شود و یا از بیگاری و کار اجباری برای انجام کارهای عمومی مورد استفاده‌ی مسئولان اداری استفاده می‌شود، مقام‌های مسئول ابتدا باید قانع شوند که:

- الف) منافع مستقیم و مهم جامعه بسته به کار یا خدمتی است که انجام می‌شود؛
- ب) کار و یا خدمتی که ارائه می‌شود مورد نیاز فوری است؛
- ج) با توجه به کارگران خواهان کار و توانائی‌های آنان، انجام کارها و خدمات یادشده بار بیش از حد معمول سنگینی بر اهالی محل تحمیل نمی‌کند.
- د) کار یا خدمات یاد شده مستلزم انتقال کارگران از محل اقامت همیشگی‌شان نیست؛
- ه) انجام کار یا ارائه‌ی خدمات با مقتضیات دینی، زندگی اجتماعی و کشاورزی اهالی محل سازگار است.

ماده‌ی ۱۱

۱. فقط مردان بزرگ‌سال و از لحاظ جسمی توانا که سن‌شان به‌ظاهر کم‌تر از هجده سال و بیش‌تر از چهل و پنج سال نباشد، می‌توانند به‌بیگاری و یا کار اجباری گمارده شوند.
- به‌جز در مورد انواع کارهای مقرر در ماده‌ی ۱۰ این مقاوله‌نامه، محدودیت‌ها و شرایط زیر باید در نظر گرفته شوند:
 - الف) در صورت امکان، یک مقام پزشکی دولتی تأیید کند که افراد گماشته شده دچار بیماری‌های عفونی یا مسری نیستند و از لحاظ جسمی، و با توجه به‌شرایط کار، قادر به‌انجام کار مورد نظر هستند؛
 - ب) معافیت معلمان و دانش‌آموزان مدرسه و مقام‌های دولت به‌طور کلی؛
 - ج) نگهداری تعدادی از مردان بزرگ‌سال و از لحاظ بدنی توانا در محل که برای بقای خانواده و زندگی اجتماعی ضروری‌اند؛
 - د) احترام به‌پیوندهای همسری و روابط خانوادگی؛

۲. به‌منظور اجرای بند ج از ماده‌ی پاراگراف پیشین، نسبت مردان بزرگ‌سال و توانایی که برای بیگاری و یا کار اجباری برده می‌شوند براساس ماده‌ی ۱۰ این مقاوله‌نامه تعیین می‌شود. این نسبت در هیچ شرایطی نباید بیش‌تر از ۲۵ درصد باشد. در تعیین این نسبت، مقام‌های صلاحیت‌دار باید تراکم جمعیت، توسعه‌ی اجتماعی و طبیعی، فصول سال، کاری که باید در محل انجام شود در نظر داشته باشند و به‌طور کلی، ضروریات اقتصادی و اجتماعی زندگی معمولی جامعه را در نظر گیرند.

ماده‌ی ۱۲

۱. حداکثر زمانی که می‌توان شخص را در یک دوره‌ی دوازده ماهه برای انواع مختلف بیگاری یا کار اجباری به‌کار گمارد نباید از شصت روز تجاوز کند. مدت زمان صرف شده برای رفتن به‌محل کار و بازگشت از آن‌جا نیز جزئی از همین زمان است.
۲. هر کسی که به‌بیگاری و یا کار اجباری گمارده شده باید گواهی‌نامه‌ای دریافت کند که در آن مدت انجام بیگاری یا کار اجباری او مشخص شده باشد.

ماده‌ی ۱۳

۱. ساعات کار عادی فردی که به‌بیگاری و یا کار اجباری گمارده می‌شود برابر با ساعت کار افرادی که کار داوطلبانه می‌کنند، خواهد بود. برای ساعات کار اضافه بر ساعت کار عادی نیز پاداشی برابر با پاداش کار اضافه‌ی داوطلبانه تعلق خواهد گرفت.
۲. روز استراحت هفتگی به‌همه‌ی کسانی که به انواع مختلف بیگاری و یا کار اجباری گمارده می‌شوند تعلق می‌گیرد و این روز باید حتی‌الامکان هم‌زمان، با روز سنتی یا مرسوم در نواحی و یا مناطق موردنظر باشد.

ماده‌ی ۱۴

۱. سوای بیگاری و یا کار اجباری مقرر در ماده‌ی ۱۰ این مقوله‌نامه، به کسانی که به‌انواع مختلف بیگاری و یا کار اجباری گمارده می‌شوند پاداش نقدی تعلق خواهد گرفت. این پاداش از بالاترین پاداش متعارف برای کار مشابه در محل کار و یا محلی که استخدام در آن صورت گرفته کم‌تر نخواهد بود.
۲. در مورد کاری که برای رؤسا در حین اجرای وظایف اداری‌شان انجام می‌شود، پرداخت دستمزد طبق مفاد بند پیشین باید در اسرع وقت اعلام شود.
۳. دستمزد هر کارگر به‌شخص او پرداخت خواهد شد و نه به رئیس قبیله‌اش و یا به‌هر مقام دیگری.
۴. برای پرداخت دستمزد، روزهایی که صرف رفت و آمد به‌سر کار شده است به‌عنوان روز کاری محسوب خواهد شد.
۵. هیچ چیزی در این ماده مانع دادن جیره‌ی عادی، به‌عنوان بخشی از دستمزد، نخواهد شد. چنین جیره‌ای حداقل معادل ارزش مبلغی خواهد بود که از دستمزد کسر می‌شود. از مبلغ پرداختی به‌کارگران به‌خاطر پرداخت مالیات یا غذای مخصوص، پوشاک، مسکن و ابزار کار، به‌منظور تأمین شرایط مناسب برای انجام کار، کسر نخواهد شد.

ماده‌ی ۱۵

۱. کلیه‌ی قوانین و یا مقررات مربوط به‌پرداخت غرامت برای حوادث کار یا بیماری ناشی از انجام کار و کلیه‌ی قوانین یا مقررات تأمین خسارت مالی برای وابستگان کارگران فوت شده و یا علیل در قلمروهای موضوع این مقوله‌نامه، شامل کسانی نیز

خواهد شد که به‌بیگاری و یا کار اجباری گمارده می‌شوند.

۲. در هر صورت، مقامی که کارگری را برای بیگاری و یا کار اجباری استخدام می‌کند موظف است، هنگامی که به‌سبب حادثه یا بیماری کار خود را از دست می‌دهد و از فراهم کردن معاش خود کاملاً یا تا حدی ناتوان می‌شود، معاش او را تأمین کند و نیز اقدامات لازم برای تضمین مخارج زندگی اشخاصی که وابسته به کارگر از کار افتاده یا در اثر سانحه در گذشته‌اند، هستند، به‌عمل آورد.

ماده‌ی ۱۶

۱. به‌جز در موارد نیاز ویژه، افرادی که به‌بیگاری و یا کار اجباری گمارده می‌شوند به‌مناطق که به‌لحاظ غذا و آب و هوا تفاوت کیفی نسبت به‌محل زندگی‌شان دارد و ممکن است سلامتی آن‌ها را به‌مخاطره اندازد، فرستاده نخواهند شد.
۲. در هیچ موردی اجازه‌ی انتقال کارگران داده نخواهد شد مگر این‌که همه‌ی اقدامات مربوط به تأمین بهداشت و مسکن، که برای خوگرفتن کارگران به‌چنین شرایطی و حفاظت از سلامت آن‌ها ضروری هستند، صورت گرفته باشد.
۳. هنگامی که نمی‌توان از چنین انتقالی اجتناب کرد، اقدامات لازم برای خوگیری تدریجی به‌رژیم غذایی و آب و هوای جدید براساس تجویز پزشکان متخصص، اتخاذ خواهد شد.
۴. در مواردی که کارگران ملزم به‌انجام کاری می‌شوند که به‌آن آشنا نیستند، اقداماتی انجام خواهد گرفت که خوگیری آن‌ها را تضمین کند؛ به‌ویژه آموزش مرحله به‌مرحله، تعیین ساعات کار مناسب، تأمین فواصل استراحت، و هرگونه افزایش مقدار غذا یا بهبود رژیم غذایی که ممکن است لازم باشد.

ماده‌ی ۱۷

مقام صلاحیت‌دار قبل از آن که کارگرانی را به‌بیگاری یا کار اجباری برای ساخت و ساز و یا نگهداری بگمارد که مستلزم ماندن آن‌ها در محل کار و برای زمانی قابل توجه است، باید خود را متقاعد کند که:

۱. همه اقدامات لازم برای حفاظت از سلامت کارگران و تأمین مراقبت‌های پزشکی لازم انجام گرفته است، و به‌ویژه:
- الف) کارگران پیش از شروع کار و در فواصل زمانی ثابت در طول دوره‌ی خدمت

- مورد معاینه پزشکی قرار می‌گیرند.
- (ب) یک هیأت پزشکی کافی همراه با داروخانه، بیمارستان و درمانگاه با تجهیزات لازم وجود دارد،
 - (ج) شرایط بهداشتی محل کار، وضع آب آشامیدنی، غذا، سوخت و ظروف پخت‌وپز، و در صورت لزوم، مسکن و پوشاک، رضایت‌بخش‌اند.
۲. ترتیبات قطعی برای تضمین معاش خانواده‌های کارگران صورت گرفته است، به‌ویژه با تسهیل پرداخت مزد از راه‌های مطمئن و نیز پرداخت بخشی از دستمزد کارگر به خانواده‌اش به درخواست و یا با رضایت شخص وی؛
۳. رفت و آمد کارگران به محل کار به‌هزینه و با مسئولیت دولت صورت خواهد گرفت. دولت تسهیلات لازم برای چنین سفرهایی را با استفاده از کلیه وسایل حمل و نقل موجود فراهم خواهد کرد.
۴. اگر کارگر در اثر بیماری یا حادثه‌ای از کار کردن ناتوان شود دولت به‌هزینه‌ی خود او را به محل سکونتش باز خواهد گرداند.
۵. هر کارگری که بخواهد در پایان دوره‌ی بیگاری یا کار اجباری، به عنوان کارگر داوطلب به کار خود ادامه دهد می‌تواند تا دو سال از حق بازگشت به‌موطن خود، به‌هزینه‌ی دولت برخوردار باشد.

ماده‌ی ۱۸

۱. بیگاری و یا کار اجباری برای حمل و نقل افراد و یا کالا، مانند کار ملاحان یا باربران، در کوتاه‌ترین مدت ممکن لغو خواهد شد. در همین حال، مقام‌های صلاحیت‌دار، مقرراتی را اعلام خواهند کرد که، از جمله:
- (الف) چنین کارهایی تنها به‌منظور تسهیل حرکت مقام‌های دولتی در حین انجام وظیفه انجام خواهد شد، و یا نقل و انتقال فروشگاه‌های دولتی یا در موارد اضطراری، حمل و نقل افراد به‌غیر از مقام‌های یاد شده؛
 - (ب) کارگران شاغل در محل‌هایی که معاینه‌ی پزشکی مقدور است گواهی پزشکی در تأیید تندرستی خود خواهند گرفت در صورت عملی نبودن معاینه‌ی پزشکی کارفرما مسئول است که کارگران از نظر جسمی مشکلی ندارند و از بیماری عفونی

یا مسری رنج نمی‌برند؛

- (ج) حداکثر باری که این کارگران می‌توانند حمل کنند؛
 - (د) حداکثر فاصله‌ی کارگاه از محل سکونت کارگران؛
 - (ه) حداکثر تعداد روز در هر ماه یا دوره‌های دیگر که کارگران ممکن است به‌محل زندگی‌شان برده شده باشند، از جمله روزهای صرف شده برای بازگشت به خانه‌های‌شان؛
 - (و) افراد مستحق به‌درخواست این نوع از بیگاری و کار اجباری و میزان استحقاق آنان؛
۲. برای تعیین حداکثرهای مندرج در پاراگراف‌های (ج)، (د) و (ه) مقام صلاحیت‌دار، به‌همه‌ی عوامل مؤثر، از جمله توسعه‌ی فیزیکی جمعیت محل استخدام کارگران، طبیعت کشوری که از آن عبور کرده‌اند و شرایط جوّی توجه خواهد کرد.
۳. مقام صلاحیت‌دار ترتیباتی را اتخاذ خواهد کرد که طول سفر روزانه‌ی کارگران استخدام‌شده از هشت ساعت کار متوسط روزانه تجاوز نکند. نه تنها باری که حمل می‌شود و فاصله‌ای که پیموده می‌شود به‌حساب خواهد آمد، بلکه طبیعت جاده، فصل سال و دیگر عوامل مربوط نیز در نظر گرفته خواهد شد و در جایی که زمان سفر بیش از سفر عادی روزانه به‌درازا کشد پاداش‌ها نیز از پاداش موارد عادی بیش‌تر خواهد بود.

ماده‌ی ۱۹

۱. مقام صلاحیت‌دار تنها در شرایط ویژه، توسل به‌کشت اجباری را به‌عنوان یک روش پیش‌گیرانه در برابر قحطی یا کمبود مواد غذایی مجاز خواهد دانست. مواد غذایی و محصولات تولیدی جزو دارایی افراد و یا جامعه‌ای که آن را تولید کرده‌اند، محسوب خواهد شد.
۲. هیچ چیزی در این ماده به‌عنوان ناسخ تعهداتی شمرده نمی‌شود که بر اساس آن اعضای جوامعی که در آن‌ها کارهای تولیدی طبق قانون و عرف بر پایه‌ی همکاری جمعی سازمان‌دهی می‌شود و یا جوامعی که در آن‌ها سود حاصل از فروش کالا در اختیار جامعه قرار می‌گیرد تا بتواند کارهای مورد نیاز جامعه را بر اساس قانون و یا عرف انجام دهد.

ماده‌ی ۲۰

قوانین مجازات جمعی که براساس آن جامعه ممکن است برای جرائمی که توسط هر یک از اعضای آن صورت گرفته مجازات شود، نباید حاوی مقرراتی برای کار اجباری یا بیگاری از طرف جامعه به‌یعنوان یکی از روش‌های مجازات باشد.

ماده‌ی ۲۱

بیگاری یا کار اجباری برای کار در معادن زیر زمینی نبایستی مورد استفاده قرار گیرد.
* این مقاله‌نامه شامل یک مقدمه و سی و سه ماده می‌باشد.

مقاله‌نامه‌ی ۱۰۵**منع کار اجباری، مصوب ۱۹۵۷****ماده‌ی ۱**

هر کشور عضو سازمان بین‌المللی کار که این مقاله‌نامه را پذیرفته است، متعهد می‌شود که هر نوع استفاده از کار اجباری و بیگاری را متوقف کند:

- الف) به‌صورت تحمیل یا آموزش عقاید سیاسی، مجازات و تنبیه به‌علت داشتن یا ابراز عقاید سیاسی یا عقایدی که از نقطه نظر ایدئولوژی، مخالف نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی موجود باشد؛
- ب) به‌عنوان روشی برای بسیج و استفاده از نیروی کار به‌منظور توسعه و پیشرفت اقتصادی؛
- ج) به‌عنوان ابزار انضباط کاری؛
- د) به‌عنوان تنبیه به‌سبب شرکت در اعتصابات؛
- ه) به‌عنوان ابزار تبعیض نژادی، اجتماعی، ملی یا مذهبی خودداری کنند.

ماده‌ی ۲

کشورهای عضو سازمان بین‌المللی کار که به‌این مقاله‌نامه ملحق می‌شوند بایستی اقدامات مؤثری به‌منظور لغو فوری و کامل کار اجباری به‌نحوی که در ماده‌ی ۱ مقاله‌نامه تصریح گردیده به‌عمل آورند.

* این مقاله‌نامه شامل یک مقدمه و ده ماده است.

مقاوله‌نامه ۱۳۸

مربوط به حداقل سن، مصوب ۱۹۷۳

ماده ۱

هر دولت عضوی، که این مقاوله‌نامه را قوت قانونی بخشیده است، متعهد می‌شود سیاستی را اتخاذ کند که متضمن لغو کامل کار کودکان باشد و نیز به تدریج حداقل سن برای ورود کودکان به بازار کار را به سطحی افزایش دهد که با رشد جسمی و فکری کامل خردسالان سازگار باشد.

ماده ۲

۱. هر دولت عضوی که این مقاوله‌نامه را به تصویب رسانده است در اعلامیه‌ای که به سند تصویب خود ضمیمه می‌کند، «حداقل سن کار برای ورود کودکان به بازار کار را در قلمرو خود و در همه‌ی وسایل نقلیه‌ای که در قلمرو مزبور به ثبت رسیده‌اند»، مشخصاً تعیین خواهد کرد. هیچ کسی که به حداقل سن تعیین شده نرسیده باشد مجاز به اشتغال در هیچ حرفه و شغلی نخواهد بود.
۲. هر دولت عضوی که این مقاوله‌نامه را به تصویب رسانده است حق دارد از راه اعلامیه‌های بعدی به‌آگاهی مدیر کل دفتر بین‌المللی کار برساند که حداقل سن کار برای کودکان را افزایش داده است.
۳. حداقل سنی که به تبعیت از پاراگراف ۱ این ماده تعیین شده است از سن متعارف در هنگام پایان دوره‌ی آموزش اجباری، و به هر حال کمتر از پانزده سال، نخواهد بود.
۴. صرف‌نظر از مقررات پاراگراف ۳ این ماده، دولت عضوی که امکانات اقتصادی و تسهیلات آموزش‌اش به حد کافی نرسیده باشند می‌تواند، پس از رایزنی با انجمن کارفرمایان و اتحادیه‌ی کارگران ذینفع، چنان‌چه تشکیل شده باشند، در ابتدا حداقل سن را چهارده سال تعیین کنند.
۵. هر دولت عضوی که براساس مفاد پاراگراف پیشین، چهارده سال را به‌عنوان حداقل سن تعیین کرده باشد، باید در گزارش‌هایی، که طبق ماده‌ی ۲۲ اساس‌نامه‌ی سازمان بین‌المللی کار در باره‌ی اجرای این مقاوله‌نامه ارائه می‌دهد، اعلام کند که:
 - الف) دلایل تعیین چهارده سال به‌عنوان حداقل سن هم‌چنان برجاست؛ یا

- (ب) از حق خود برای توسل به مقررات قید شده از تاریخ معینی به بعد صرف نظر خواهد کرد.

ماده ۳

۱. حداقل سن برای آغاز به کار در هر شغلی که به افتضای طبیعتش، یا به دلیل شرایط و فضای انجام کار، ممکن است به تندرستی، ایمنی یا اخلاق نوجوانان آسیب رساند از هجده سال کمتر نخواهد بود.
۲. نوع کار یا اشتغالی که در پاراگراف ۱ تصریح شده در قوانین یا مقررات دولتی یا از سوی مقامات رسمی، پس از رایزنی با انجمن کارفرمایان و اتحادیه‌ی کارگران ذینفع، چنان چه تشکیل شده باشند، تعیین خواهد شد.
۳. علی‌رغم مطالب قیدشده در پاراگراف ۱ این ماده، قوانین و مقررات دولتی، یا مقامات رسمی، می‌توانند پس از مشورت با صنف کارفرمایان و اتحادیه‌ی کارفرمایان ذینفع، چنان چه تشکیل شده باشند، اشتغال به کار از سن شانزده سال را مجاز اعلام کنند مشروط بر آن که تندرستی، ایمنی و اخلاق نوجوانانی که استخدام می‌شوند آسیبی نبیند و به آنان تعلیمات کافی و ضروری و آموزش مناسب با نوع کار داده شود.

ماده ۴

۱. در صورت لزوم، مقام‌های صلاحیت‌دار، پس از مشورت با انجمن کارفرمایان و اتحادیه‌ی کارگران ذینفع، چنان چه تشکیل شده باشند، می‌توانند برخی از انواع اشتغال را، که در صورت رعایت این مقاله‌نامه منشاء مشکلات خاص و عمده می‌شوند، از حیطه‌ی شمول آن مستثنی کنند.
۲. هر دولت عضو که این مقاله‌نامه را به تصویب رسانده است، در نخستین گزارش خود، که طبق ماده ۲۲ اساس‌نامه‌ی سازمان بین‌المللی کار درباره‌ی اجرای این مقاله‌نامه ارائه می‌دهد، موظف است فهرستی از مواردی را که طبق پاراگراف این ماده از حوزه‌ی شمول این مقاله‌نامه مستثنی کرده است، همراه با دلایل این استثنا، ارائه کند. دولت عضو موظف است در گزارش‌های بعدی خود ارتباط بین موارد مستثنی شده و قوانین موجود و نیز حدود رعایت بالفعل و بالقوه مقررات این مقاله‌نامه را در این موارد روشن کند.
۳. رعایت این ماده، نوع اشتغال و کاری را که در ماده ۳ این مقاله‌نامه قید شده

است از حوزه‌ی شمول این مقاوله‌نامه مستثنی نخواهد کرد.

ماده‌ی ۵

۱. دولت عضوی که امکانات اقتصادی و نهادهای اداری اش به حد کافی توسعه نیافته‌اند می‌تواند در ابتدا، پس از مشورت با انجمن کارفرمایان و اتحادیه‌ی کارگران ذینفع، اگر موجود باشند، حوزه‌ی اجرای این مقاوله‌نامه را محدود کند.
۲. هر دولت عضوی که از پاراگراف ۱ این ماده برای تعیین حداقل سن استفاده کند، در اعلامیه‌ای که ملحق به گواهی تصویب مقاوله‌نامه خواهد شد، نوع فعالیت‌های اقتصادی و وظایفی را که مشمول مقررات مقاوله‌نامه می‌شوند، مشخص خواهد کرد.
۳. مقررات این مقاوله‌نامه حداقل شامل خدمات و حرفه‌های زیر خواهد شد: استخراج معدن، سنگ‌تراشی، تولید صنعتی، ساختمان‌سازی، تولید و توزیع برق، گاز، آب و آبیاری، خدمات بهداشتی، ترابری، انبارداری و ارتباطات، باغداری و دیگر فعالیت‌های کشاورزی که فرآورده‌های‌شان عمدتاً مصرف تجاری دارند. مزارع کوچک فامیلی که محصولات‌شان برای مصرف محلی است و نیازی به کارگران کشاورزی دائم ندارند مشمول مقررات مقاوله‌نامه نخواهند بود.
۴. هر دولت عضو که حوزه‌ی شمول این مقاوله‌نامه را بر اساس این ماده محدود ساخته است:
 - الف) در گزارش‌های خود، که طبق ماده‌ی ۲۲ اساس‌نامه‌ی سازمان بین‌المللی کار در باره‌ی اجرای این مقاوله‌نامه ارائه می‌دهد، موضع کلی خود را در باره‌ی اشتغال و کار نوجوانان و کودکان، در حرفه‌هایی که در حوزه‌ی شمول این مقاوله‌نامه قرار ندارند، اعلام خواهد کرد و هم‌چنین گام‌هایی را که برای اجرای هرچه گسترده‌تر مقررات این مقاوله‌نامه برداشته است.
 - ب) هرگاه که بخواهد می‌تواند در اعلامیه‌ای خطاب به رئیس کل دفتر سازمان بین‌المللی کار، بر حوزه‌ی شمول این مقاوله‌نامه بیفزاید.

ماده‌ی ۶

این مقاوله‌نامه شامل کارهایی نخواهد شد که کودکان و نوجوانان در مدارس عمومی، فنی و حرفه‌ای و دیگر نهادهای آموزشی انجام می‌دهند یا کارهایی که نوجوانانی با

حداقل سن چهارده سال، براساس شرایطی که مقام‌های صلاحیت‌دار تعیین می‌کنند، برعهده می‌گیرند؛ مشروط بر آن که پس از مشورت با صنف کارفرمایان و اتحادیه‌ی کارگران ذینفع، و بخشی از برنامه‌های زیر باشد:

- الف) دوره‌ی آموزشی و کارآموزی که یک مدرسه یا نهاد کارآموزی مسئولیت اصلی آن را بر عهده دارد؛
- ب) یک دوره‌ی کارآموزی که برنامه‌اش به تصویب مقام‌های صلاحیت‌دار رسیده باشد؛
- ج) یک دوره‌ی راهنمایی که برای تسهیل انتخاب حرفه یا مسیر آموزشی ایجاد شده است.

ماده‌ی ۷

۱. قوانین و مقررات دولتی می‌تواند برای اشخاص سیزده تا پانزده ساله اشتغال یا کار سبکی را اجازه دهد که:

- الف) به احتمال زیاد به تندرستی یا رشد اشخاص یاد شده آسیب نخواهد رساند؛
- ب) محل حضور آنان در مدرسه و شرکت‌شان در برنامه‌های آموزشی، راهنمایی و حرفه‌ای یا کارآموزی‌ای نباشد که به تصویب مقام‌های صلاحیت‌دار رسیده باشد، و نیز به توانایی آنان برای بهره‌جوئی از تعلیمات ارائه شده خدشه‌ای وارد نکند.

۲. قوانین و مقررات دولتی هم‌چنین می‌توانند اشتغال یا کار اشخاصی را که حداقل پانزده سال داشته باشند، اما هنوز تحصیلات دبیرستانی خود را به پایان نرسانده‌اند، در حرفه‌هایی که سازگار با مقررات قید شده در بندهای (الف) و (ب) از پاراگراف یک این ماده باشند، مجاز اعلام کند.

۳. مقام‌های صلاحیت‌دار نوع فعالیت‌هایی را که اشتغال به آن‌ها بر اساس پاراگراف‌های یک و دو این ماده ممکن خواهد بود و نیز تعداد ساعات و شرایط کار داوطلب در چنین مواردی را تعیین خواهند کرد.

۴. علی‌رغم مقررات پاراگراف‌های یک و دو این ماده، دولت عضوی که مقررات قید شده در پاراگراف چهار ماده‌ی ۲ را پذیرفته است می‌تواند سنین دوازده و چهارده را به جای سنین سیزده و پانزده پاراگراف یک و سن چهارده را به جای سن پانزده در پاراگراف دو این ماده برگزیند.

ماده‌ی ۸

۱. مقام‌های صلاحیت‌دار می‌توانند، پس از مشورت با انجمن کارفرمایان و اتحادیه‌ی کارگران ذینفع، اگر موجود باشند، با صدور پروانه‌های شخصی، نسبت به منع اشتغال یا کاری که در ماده‌ی ۲ این مقاله‌نامه قید شده برای مواردی مانند شرکت در فعالیت هنری، استثنائاتی قائل شوند.
۲. پروانه‌های یادشده در پاراگراف پیشین ساعات و شرایط اشتغال یا کاری را که مجاز دانسته شده است مشخص خواهند کرد.

ماده‌ی ۹

۱. مقام‌های صلاحیت‌دار همه‌ی اقدامات ضروری، از جمله اعمال مجازات‌های مناسب، را برای تضمین اجرای کامل مقررات این مقاله‌نامه به کار خواهند برد.
۲. قوانین، یا مقررات رسمی یا مقام‌های صلاحیت‌دار، مقام یا مقام‌هایی را که ضمانت اجرا و رعایت مقررات این مقاله‌نامه را برعهده خواهند داشت تعیین خواهند کرد.
۳. قوانین، مقررات دولتی یا مقام‌های صلاحیت‌دار نوع اسناد بایگانی و دیگر مدارکی را که کارفرما باید نگهداری و در صورت لزوم ارائه کند، تعیین خواهند کرد. اسناد بایگانی یادشده نام، سن، یا تاریخ تولد رسمی و در صورت امکان ثبت شده‌ی افرادی را که به‌استخدام کارفرما درآمده‌اند، یا برای او کار می‌کنند و کم‌تر از هجده سال دارند، در بر خواهند داشت.

مقاله‌نامه‌ی ۱۸۲**بدترین اشکال کار کودکان، مصوب ۱۹۹۹****ماده‌ی ۱**

هر یک از کشورهای عضو که به‌این مقاله‌نامه ملحق می‌شوند باید تدابیر فوری و مؤثری را برای تأمین ممنوعیت و محو بدترین اشکال کار کودک به‌عنوان یک فوریت اتخاذ کنند.

ماده‌ی ۲

در این مقاله‌نامه، اصطلاح «کودک» در مورد کلیه‌ی اشخاص زیر هجده سال به‌کار برده می‌شود.

ماده‌ی ۳

- در این مقاوله‌نامه عبارت «بدترین اشکال کار کودک» شامل موارد زیر است:
- الف) کلیه‌ی اشکال بردگی یا شیوه‌ای مشابه بردگی، از قبیل فروش و قاچاق کودکان، بندگی به‌علت دین و رعیتی و کار با زور یا به‌اجبار، از جمله استخدام به‌زور و اجبار کودکان برای استفاده از آنان در درگیری مسلحانه.
 - ب) استفاده، مهیا کردن یا عرضه‌ی یک کودک برای روسپی‌گری، برای تهیه تصاویر مستهجن از کودکان یا برای نمایش‌های قبیح.
 - ج) استفاده، مهیا نمودن یا عرضه‌ی یک کودک برای فعالیت‌های غیرقانونی، به‌ویژه برای تولید و قاچاق مواد مخدر که در معاهدات بین‌المللی مربوط تعریف شده‌اند.
 - د) کاری که به‌دلیل ماهیت یا شرایط آن، احتمال دارد برای سلامتی، ایمنی یا اخلاقیات کودکان ضرر داشته باشد.

ماده‌ی ۴

۱. انواع کارهایی که در ماده‌ی ۳ بند (د) مورد اشاره قرار گرفته‌اند باید در قوانین یا مقررات ملی یا توسط مقام صلاحیت‌دار، پس از مشاوره با سازمان‌های کارفرمایی و کارگری مربوط و با در نظر گرفتن معیارهای بین‌المللی مربوطه به‌ویژه بندهای سه و چهار توصیه‌نامه‌ی بدترین اشکال کار کودک، مصوب سال ۱۹۹۹ تعیین شوند.
۲. مقام صلاحیت‌دار، پس از مشاوره با سازمان‌های کارفرمایی و کارگری مربوط، باید انواع کارهای موجود را که به‌این ترتیب تعریف شده‌اند، مشخص کنند.
۳. فهرست انواع کارهایی که بر اساس بند یک این ماده تعیین شده‌اند باید به‌طور ادواری مورد بررسی قرار گرفته و در صورت لزوم، با مشاوره با سازمان‌های کارفرمایی و کارگری مربوط، بازنگری شود.

ماده‌ی ۵

هر یک از کشورهای عضو باید، پس از مشاوره با سازمان‌های کارفرمایی و کارگری، سازوکارهای مناسبی را برای نظارت بر اجرای مقرراتی که به‌این مقاوله‌نامه ترتیب اثر می‌دهند، فراهم یا تعیین کنند.

ماده ۶

۱. هر یک از کشورهای عضو باید برنامه‌های اجرایی را برای اقدام به حذف بدترین اشکال کار کودک به‌عنوان یک اولویت طراحی و اجرا کنند.
۲. برنامه‌های اجرایی باید با مشاوره با نهادهای دولتی و سازمان‌های کارفرمایی و کارگری مربوط و در صورت لزوم با توجه به نظرات سایر گروه‌های ذی‌ربط تدوین و اجرا شوند.

ماده ۷

۱. هر یک از کشورهای عضو باید برای تضمین اجرا و اعمال مؤثر مقرراتی که به‌این مقاله‌نامه ترتیب اثر می‌دهند از جمله پیش‌بینی و کاربرد مجازات‌های کیفری یا در صورت اقتضا، مجازات‌های دیگر، کلیه تدابیر لازم را اتخاذ کنند.
۲. هر یک از کشورهای عضو، با در نظر گرفتن اهمیتی که آموزش و پرورش در حذف کار کودک دارد، باید تدابیر مؤثر و زمان‌بندی شده‌ای را اتخاذ کنند. به‌منظور:
 - الف) جلوگیری از بهره‌گیری از کودکان در بدترین اشکال کار کودک؛
 - ب) فراهم آوردن کمک مستقیم لازم و مناسب برای دور ساختن کودکان از بدترین اشکال کار و برای بازپروری و یک‌پارچگی اجتماعی آنان؛
 - ج) تأمین دسترسی به آموزش و پرورش پایه‌ای رایگان و در صورت امکان و اقتضا، آموزش حرفه‌ای، برای کلیه کودکان که از بدترین اشکال کار کودک دوری می‌جویند؛
 - د) شناسایی و رسیدگی به کودکانی که در معرض خطر خاص قرار دارند؛
 - ه) توجه داشتن به وضعیت خاص دختران.
۳. هر یک از کشورهای عضو باید مقام صلاحیت‌دار مسئول اجرای مقررات این مقاله‌نامه را تعیین کنند.

ماده ۸

- کشورهای عضو در اجرای مقررات این مقاله‌نامه باید از طریق افزایش همکاری و یا کمک بین‌المللی مشتمل بر حمایت از توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی برنامه‌های ریشه‌کن کردن فقر و آموزش و پرورش همگانی برای کمک به یک‌دیگر گام‌های مؤثری بردارند.
- * این مقاله‌نامه شامل یک مقدمه و شانزده ماده است.

مقاوله نامه های مهم

در پیوند با هدف های حقوق بنیادین کار

مقاوله نامه های ۱۲۲ و ۱۹۵ اگر چه در زمره ی مقاوله نامه های حقوق بنیادین کار نیستند اما دربرگیرنده ی سیاست های در پیوند با اهداف حقوق بنیادین کار بوده و از اهمیت زیادی برخوردارند و به خاطر عدم اجرای صحیح این مقاوله نامه، دولت جمهوری اسلامی مورد انتقاد سازمان بین المللی کار قرار گرفته است.

مقاوله نامه ی ۱۲۲

راجع به سیاست اشتغال، مصوب ۱۹۶۴

ماده ی ۱

۱. به منظور تشویق رشد اقتصادی و بالا بردن سطح زندگی، تأمین نیازمندی های مربوط به نیروی انسانی و حل مسأله ی بی کاری و کم کاری هر عضو باید به عنوان یک هدف اساسی سیاست فعالی را در زمینه ی ایجاد اشتغال کامل و مولد که با آزادی، انتخاب شده باشد اعلام و دنبال نماید.
 ۲. این سیاست باید ناظر بر تضمین موارد زیر باشد:
- الف) برای همه ی اشخاص آماده خدمت و جویای کار امکان اشتغال وجود

داشته باشد.

- (ب) کار مورد نظر تا آن جا که ممکن است تولیدکننده باشد.
 - (ج) آزادی در انتخاب شغل به طوری که هر کارگر بدون توجه به نژاد، رنگ، مذهب، جنس، عقیده‌ی سیاسی وابستگی ملی و منشاء اجتماعی، تمام امکانات را برای تحصیل تخصص لازم برای داشتن شغل مناسب و استفاده از تخصص و قابلیت خود در اختیار داشته باشد.
۳. این سیاست باید با توجه به مرحله و سطح پیشرفت اقتصادی و همچنین روابط و محاسبات موجود بین هدف‌های اشتغال از یک طرف و سایر هدف‌های اقتصادی و اجتماعی از طرف دیگر اتخاذ شود و به وسیله‌ی روش‌هایی به‌مورد اجرا گذاشته شود که منطبق با شرایط و هدف‌های ملی باشد.

ماده‌ی ۲

- هر کشور عضو به‌میزان و به‌وسیله‌ی روش‌هایی که متناسب با شرایط ملی باشد:
- (الف) در چهارچوب یک سیاست اقتصادی و اجتماعی موزون و هم‌آهنگ برای وصول به هدف‌های مذکور در ماده‌ی یک تصمیم به اقدامات لازم بگیرد و به‌هنگام لزوم در آن‌ها تجدیدنظر نماید.
 - (ب) تدابیر لازم منجمله تهیه‌ی برنامه برای به‌کار بستن این اقدامات اتخاذ کند.

ماده‌ی ۳

- در اجرای مقررات این مقاله‌نامه نمایندگان محافظی که در این زمینه ذینفع هستند، به‌ویژه نمایندگان کارفرمایان و کارگران باید در مسأله‌ی سیاست اشتغال، طرف مشورت قرار گیرند تا از تجارب و نظرات آن‌ها استفاده شده و همکاری کامل آن‌ها در بیان و حمایت این سیاست‌ها تأمین گردد.
- * این مقاله‌نامه شامل یک مقدمه و یازده ماده است.

مقاوله‌نامه‌ی شماره ۹۵

راجع به حمایت از مزد، مصوب ۱۹۴۹

ماده‌ی ۱

از لحاظ این مقاوله‌نامه «مزد» به هر ترتیبی که تعیین یا احتساب گردد عبارت از دستمزد یا درآمدی است که قابل ارزیابی به‌وجه نقد بوده و میزان آن با موافقت طرفین و یا طبق قوانین ملی تعیین شده و به‌موجب قرارداد اشتغال به کار کتبی یا شفاهی در مقابل کار یا خدمتی که انجام شده یا بعداً انجام خواهد گردید توسط کارفرما در وجه کارگر پرداخت گردد.

ماده‌ی ۲

۱. این مقاوله‌نامه شامل کلیه‌ی اشخاصی است که مزدی دریافت داشته یا باید دریافت دارند.
۲. مقامات صلاحیت‌دار پس از مشاوره با سازمان‌های کارفرمایی و کارگری (در صورتی که چنین سازمان‌هایی وجود داشته و مستقیماً ذینفع باشند) می‌توانند طبقاتی از اشخاص را که وضع و شرایط خدمت‌شان با اجرای تمام یا قسمتی از مقررات این مقاوله‌نامه متناسب نبوده و به‌کارهای دستی اشتغال نداشته و یا به‌خدمات خانگی و یا کارهای مشابه مشغول باشند از شمول تمام یا قسمتی از مقررات این مقاوله‌نامه مستثنی سازد.
۳. هر یک از کشورهای عضو باید در اولین گزارش سالیانه‌ی خود راجع به اجرای این مقاوله‌نامه که به‌موجب ماده‌ی ۲۲ اساس‌نامه‌ی سازمان بین‌المللی کار تسلیم خواهد داشت، طبقاتی از اشخاص را که در نظر دارد طبق مقررات بند بالا از شمول تمام یا یکی از مقررات مقاوله‌نامه مستثنی سازد، تعیین نماید و پس از آن هیچ عضو نمی‌تواند استثنایی قائل شود مگر نسبت به طبقاتی که بدین ترتیب معین گردیده‌اند.
۴. هر یک از کشورهای عضو که به‌موجب اولین گزارش سالیانه‌ی خود معین کرده است کدام طبقات از اشخاص را در نظر دارد از شمول تمام یا یکی از مقررات این مقاوله‌نامه مستثنی سازد، لازم است طی گزارش‌های بعدی خود معلوم نماید که نسبت به کدام طبقات از حق استفاده از مقررات بند دو این ماده صرف‌نظر نموده و

هر نوع پیشرفتی را که به‌منظور اجرای این مقاوله‌نامه در حق طبقات مزبور حاصل گردیده معین کند.

ماده‌ی ۳

۱. مزدهایی که به‌پول قابل پرداخت می‌باشد منحصرأ باید به‌پول رایج کارسازی گردد و هرگونه پرداخت به‌موجب سفته، حواله و یا کوپن یا به‌اشکال دیگری که ممکن است به‌جای پول رایج معمول باشد ممنوع خواهد بود.
۲. مقامات صلاحیت‌دار می‌توانند پرداخت دستمزد را به‌وسیله‌ی چک عهده‌ی بانک یا چک و حواله‌ی پستی مجاز مقرر دارند؛ مشروط به‌این که چنین طرز پرداخت متداول یا نظر به‌اوضاع مخصوصی ضروری باشد یا طریقه‌ی مزبور به‌موجب یک قرارداد دسته‌جمعی یا رأی داوری پیش‌بینی شده و یا در صورتی که چنین مقرراتی وجود نداشته باشد کارگر ذینفع خود به‌آن رضایت دهد.

ماده‌ی ۴

۱. قوانین ملی یا قراردادهای دسته‌جمعی یا احکام داوری می‌توانند پرداخت قسمتی از مزد را به‌صورت غیرنقدی در صنایع یا حرفه‌هایی که این امر متداول یا به‌علت نوع صنعت یا حرفه‌ی موردنظر پسندیده است اجازه دهند. پرداخت مزد به‌صورت مشروبات الکلی و مواد مخدره و مضر به‌هیچ وجه مجاز نخواهد بود.
۲. در مواردی که پرداخت قسمتی از مزد به‌صورت جنس مجاز شناخته شده باشد برای تأمین مراتب زیر اقدامات مناسب باید اتخاذ شود:
 - الف) اجناس به‌مصرف شخص کارگر و خانواده‌ی او برسد و به‌نفع آنان باشد.
 - ب) قیمت این قبیل اجناس صحیح و عادلانه تعیین شود.

ماده‌ی ۵

مزد باید مستقیماً به‌کارگر ذینفع پرداخت شود مگر این که به‌موجب قوانین ملی یا قرارداد دسته‌جمعی یا یک رأی داوری طریق دیگری مقرر شده یا آن که کارگر ذینفع طرز دیگری را قبول نموده باشد.

ماده ۶

کارفرما حق ندارد به هیچ وجه آزادی کارگران را در این که بهمیل خود از مزد خویش استفاده کنند محدود سازد.

ماده ۷

۱. هرگاه در یک کارگاه مغازه‌هایی به منظور فروش اجناس و یا انجام خدماتی به کارگران دائر شده باشد، نباید هیچ گونه فشاری به کارگران کارگاه برای استفاده از این مغازه‌ها یا خدمات به عمل آید.
۲. در مواردی که دسترسی به مغازه‌ها یا سرویس‌های دیگر ممکن نباشد، مقام‌های صلاحیت‌دار ترتیب مناسبی خواهند داد تا کالاها و خدمات به قیمت‌های صحیح و عادلانه در دسترس مشتریان قرار گیرد. همچنین مغازه‌ها و سرویس‌هایی که توسط کارفرما ایجاد شده نباید قصد انتفاعی داشته باشند بلکه باید به نفع کارگران مربوطه عمل نمایند.

ماده ۸

۱. هیچ گونه برداشت از مزد مجاز نخواهد بود مگر طبق شرایط و حدودی که قوانین ملی یا یک قرارداد دسته‌جمعی و یا یک حکم داوری مقرر داشته باشند.
۲. کارگران بایستی به هر ترتیبی که مقامات صلاحیت‌دار مناسب تشخیص می‌دهند از شرایط و حدودی که چنین برداشت‌هایی قابل اجرا می‌باشد مستحضر گردند.

ماده ۹

هر نوع برداشت از مزد کارگر به منظور پرداخت مستقیم یا غیرمستقیم به کارفرما، یا به نماینده‌ی او، یا به هر واسطه‌ی دیگر (مانند مأمور کاریابی و استخدام کارگر) برای به دست آوردن کار یا نگاه‌داری آن ممنوع است.

ماده ۱۰

۱. مزد را نمی‌توان توقیف کرد و یا به دیگری انتقال داد مگر در حدودی که قوانین ملی مقرر داشته‌اند.
۲. مزد باید تا حدودی که برای تأمین معاش کارگر و خانواده‌ی او ضروری تشخیص داده شود، مصون از توقیف یا واگذاری باشد.

ماده‌ی ۱۱

۱. در مورد ورشکستگی یا تصفیه‌ی قانونی یک مؤسسه کارگران مربوطه بابت مزدی که در مقابل خدمات انجام شده در دوره‌ی قبل از ورشکستگی یا تصفیه طلب‌کارند و تاریخ دوره‌ی مزبور را قوانین ملی مقرر خواهد داشت و یا بابت مزدی که از میزان معینی که قوانین ملی مقرر داشته‌اند، تجاوز نمی‌کند در عداد بستانکاران ممتاز محسوب می‌شوند.
۲. مزد چون در عداد دیون ممتاز می‌باشد باید تمام و کمال قبل از آن که طلبکاران عادی سهم خود را دریافت دارند پرداخت گردد.
۳. حق تقدم دیون ممتاز بابت مزد نسبت به سایر دیون باید به موجب قوانین ملی معین گردد.

ماده‌ی ۱۲

۱. مزد باید به فواصل مرتب پرداخت شود و چنانچه مقررات رضایت‌بخش دیگری که پرداخت اجرت را در فواصل مرتب انجام نماید وجود نداشته باشد، فاصله پرداخت‌ها به موجب قوانین ملی یا قرارداد دست‌جمعی یا رأی داورى خواهد شد.
۲. در انقضای مدت قرارداد کار تصفیه‌ی مجموع مزد طبق قوانین ملی یا قرارداد دسته‌جمعی یا رأی داورى به عمل خواهد آمد و در صورتی که چنین قانون یا قرارداد دسته‌جمعی یا رأی داورى وجود نداشته باشد با در نظر گرفتن شرایط قرارداد امر تصفیه‌ی نهایی در ظرف مدتی مناسب عملی خواهد شد.

ماده‌ی ۱۳

۱. پرداخت مزد در صورتی که نقدی باشد فقط در ایام غیر تعطیل و در محل کار یا در مجاورت آن باید به عمل آید مگر آن که به موجب مقررات ملی یا قرارداد دست‌جمعی یا حکم داورى ترتیب دیگری متداول باشد و یا این که ترتیبات دیگری که کارگران مربوطه از آن اطلاع حاصل نموده باشند مناسب‌تر تشخیص داده شود.
۲. پرداخت مزد در مشروب‌فروشی‌ها یا اماکن مشابه و نیز در مغازه‌های جزئی‌فروشی و اماکن تفریحی (در صورتی که برای جلوگیری از سوءاستفاده مقتضی باشد) ممنوع است مگر در مورد پرداخت اجرت به کارکنان اماکن مزبور.

ماده‌ی ۱۴

در موارد مقتضی ترتیب مؤثری باید اتخاذ گردد که کارگران به طریقی مناسب که فهم آن آسان باشد از مراتب زیر اطلاع حاصل نمایند:

- الف) از شرایط مزدی که به آن‌ها پرداخت خواهد شد قبل از گماشته شدن آن‌ها به یک شغل یا به مناسبت تغییر شرایط مزبور.
- ب) از عواملی که در دوره‌ی پرداخت مورد عمل و پایه‌ی محاسبه‌ی اجرت قرار گرفته و همچنین در حدودی که عوامل مزبور قابل تغییر می‌باشند.

ماده‌ی ۱۵

قوانینی که به موجب آن‌ها مقررات این مقاوله‌نامه اجرا می‌گردد باید:

- الف) به اطلاع اشخاص ذینفع برسد.
- ب) کسانی را که مأمور اجرای آن می‌باشند معین نماید.
- ج) برای موارد تخلف تنبیه‌هایی مقرر دارد.
- د) در موارد ممکن نگاه‌داری دفاتری را به شکل و اسلوب مناسب مقرر دارد.

ماده‌ی ۱۶

گزارش‌های سالیانه که طبق ماده‌ی ۲۲ اساس‌نامه‌ی سازمان بین‌المللی کار باید تسلیم شوند در خصوص تدابیری که برای اجرای مقررات این مقاوله‌نامه اتخاذ گردیده حاوی اطلاعات کاملی خواهند بود.

ماده ۱۷

۱. چنان‌چه سرزمین قلمرو کشور عضو شامل مناطق وسیعی باشد که به علت پراکندگی جمعیت و با وضع رشد و توسعه آن‌ها مقامات صلاحیت‌دار اجرای مقررات این مقاوله‌نامه را در مورد آن‌ها غیر عملی تشخیص دهد مقامات مزبور می‌توانند پس از مشاوره با سازمان‌های کارفرمایان و کارگران ذینفع (اگر وجود داشته باشند) مناطق مزبور را به‌طور کلی یا با قائل شدن موارد استثنایی نسبت به بعضی کارگاه‌ها یا پاره‌ای مشاغل از اجرای مقررات مقاوله‌نامه مستثنی دارد.
۲. هر کشور عضو در اولین گزارش سالیانه که طبق ماده‌ی ۲۲ اساس‌نامه‌ی سازمان بین‌المللی کار راجع به اجرای این مقاوله‌نامه تسلیم می‌دارد باید مناطقی را که

در نظر دارد نسبت به آن‌ها از مقررات این ماده استفاده نماید، مشخص ساخته و علل توسل خود را به‌استفاده از این مقررات ذکر نماید. بعد از آن هیچ‌کشور عضو نمی‌تواند به این ماده استناد نماید؛ مگر در مورد مناطقی که به ترتیب بالا مشخص نموده باشد.

۳. هر کشور عضو که از مقررات این ماده استفاده می‌نماید باید در فواصلی که از سه سال تجاوز نکند با مشاوره با سازمان‌های کارگران و کارفرمایان ذینفع (اگر وجود داشته باشند) موضوع امکان تعمیم اجرای این مقاله‌نامه را به مناطقی که طبق بند اول این ماده مستثنی گردیده بررسی نماید.

۴. هر کشور عضو که به مقررات این ماده استناد نموده باید در گزارش‌های سالیانه‌ی بعدی مشخص سازد در مورد کدام مناطق از حق استناد به مقررات نامبرده صرف‌نظر می‌نماید و در اجرای تدریجی این مقاله‌نامه در چنین مناطق چه پیشرفت‌هایی حاصل شده است.

* این مقاله‌نامه شامل یک مقدمه و بیست و هفت ماده است.

اساس نامه‌ی سازمان بین‌المللی کار

فصل یکم سازمان

ماده‌ی ۱

تأسیس:

۱. به منظور تحقق اهداف برشمرده در مقدمه‌ی این اساس نامه و اعلامیه‌ی مربوط به اهداف و مقاصد سازمان بین‌المللی کار که در دهم ماه مه ۱۹۴۴ در فیلادلفیا به تصویب رسید و متن آن ضمیمه این اساس نامه است یک سازمان دائمی تأسیس می‌شود.

عضویت:

۲. دولت‌هایی که در اول نوامبر عضو سازمان بوده‌اند و نیز دولت‌هایی که بر اساس بندهای سه و چهار این ماده به عضویت سازمان در آیند، اعضای سازمان بین‌المللی کار را تشکیل می‌دهند.

۳. هر عضو اصلی سازمان ملل متحد و هر دولتی که با تصمیم مجمع عمومی، طبق

مفاد منشور سازمان ملل متحد به عضویت این سازمان پذیرفته شود می‌تواند با ارسال درخواست رسمی خود برای مدیر کل سازمان مبنی بر قبول تعهدات ناشی از پذیرش این اساس‌نامه، به عضویت سازمان بین‌المللی کار درآید.

۴. کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار نیز می‌تواند با آرای موافق دو سوم از هیئت‌های دولتی حاضر دارای حق رأی کشورهای جدیدی را به عضویت سازمان بپذیرد. چنین پذیرشی موقعی نافذ خواهد بود که دولت مزبور درخواست رسمی خود مبنی بر پذیرش تعهدات ناشی از قبول اساس‌نامه سازمان را به مدیر کل دفتر بین‌المللی کار تحویل داده باشد.

انصراف:

۵. هیچ عضو سازمان بین‌المللی کار نمی‌تواند از عضویت سازمان خارج شود مگر آن که پیش‌تر طی اطلاعیه‌ای مدیر کل دفتر بین‌المللی کار را از قصد خود آگاه کرده باشد. این اطلاعیه دو سال پس از تاریخ ارسال آن برای مدیر کل و با شرط آن که عضو مذکور به تمام تعهدات مالی ناشی از عضویت خود عمل کرده باشد، قطعیت خواهد یافت. خروج از سازمان موجب بی‌اعتباری تعهدات ناشی از امضای مقاوله‌نامه‌ها و الزامات آن برای مدت پیش‌بینی شده در آن نخواهد بود.

پذیرش مجدد:

۶. پذیرش دوباره‌ی دولتی که از عضویت سازمان خارج شده باشد براساس مفاد بندهای ۳ و ۴ این اساس‌نامه صورت می‌گیرد.

ماده‌ی ۲

سازمان دائمی دارای تشکیلات زیر است:

- الف) کنفرانس عمومی مرکب از نمایندگان کشورهای عضو؛
- ب) شورای حکام موضوع ماده‌ی ۷ این اساس‌نامه؛
- ج) دفتر بین‌المللی کار زیر نظر شورای حکام.

ماده ۳

کنفرانس، جلسات هیئت‌های نمایندگی

۱. اجلاس‌های کنفرانس عمومی نمایندگان کشورهای عضو، هر زمان که اقتضا کند و دست کم یک بار در سال برگزار خواهد شد. کنفرانس مزبور در برگیرنده‌ی چهار نماینده از هر کشور عضو شامل دو نماینده‌ی دولت و دو نماینده به‌عنوان نماینده‌ی کارگران و کارفرمایان خواهد بود.
۲. هر نماینده بسته به هر موضوع مطرح در دستور کار کنفرانس می‌تواند تا دو نفر مشاور را با خود همراه داشته باشد و در صورتی که دستور کار کنفرانس مسائل مربوط به زنان باشد، دست کم یکی از مشاوران باید زن باشد.

مشاورین از سرزمین‌های تحت‌الحمایه:

۳. در صورتی که موضوع به‌سرزمین‌های تحت‌الحمایه مربوط باشد کشورهای عضو مسئول روابط بین‌الملل در این سرزمین‌ها از حق انتخاب نمایندگان و مشاوران همراه آنان به شرح زیر برخوردارند:
 - الف) انتخاب نمایندگانی برای موضوعاتی که در حوزه‌ی صلاحیت خاص مسئولین سرزمین تحت‌الحمایه قرار دارد.
 - ب) انتخاب دستیارانی برای هیئت‌ها در ارتباط با موضوعاتی که مربوط به سرزمین‌های غیر خودمختار هستند.
۴. هرگاه سرزمینی تحت اداره‌ی مشترک دو یا چند کشور عضو باشد، کشورهای عضو می‌توانند اشخاصی را به‌عنوان مشاور هیئت نمایندگی خود برای سرزمین‌های مذکور انتخاب کنند.

تعیین نمایندگان غیردولتی:

۵. دولت‌های عضو متعهد می‌شوند در کشورهای خود با توافق سازمان‌های صنعتی واجد شرایط (در صورت وجود این گونه سازمان‌ها) نمایندگان کارفرمایان و کارگران را به‌عنوان نمایندگان غیردولتی و مشاوران آنان برای شرکت در کنفرانس معرفی کنند

مقررات مربوط به مشاوران:

۶. مشاوران نمایندگان حق رأی ندارند و تنها به درخواست نمایندگان و با اجازه‌ی ریاست کنفرانس حق شرکت در مذاکرات را خواهند داشت.
۷. هر نماینده می‌تواند با معرفی کتبی به رئیس کنفرانس یکی از مشاوران خود را به‌عنوان قائم‌مقام خود برگزیند. در این صورت او می‌تواند با حق رأی در مذاکرات شرکت کند.

اعتبارنامه:

۸. دولت هر کشور عضو باید نام نمایندگان و مشاوران آنان شرکت‌کننده در کنفرانس را به دفتر بین‌المللی کار اطلاع دهد.
۹. کنفرانس اعتبارنامه‌ی نمایندگان و مشاوران آنان را بررسی خواهد کرد و در صورتی که انتخاب نماینده یا مشاوران او را مغایر با مفاد این اساس‌نامه بداند، می‌تواند با دو سوم آرای نمایندگان حاضر در نشست از تصویب اعتبارنامه‌ی آنان خودداری کند.

ماده‌ی ۴**حق رأی**

۱. هر نماینده از حق اظهارنظر و حق رأی مستقل درباره‌ی موضوعات مورد بررسی در کنفرانس برخوردار است.
۲. چنان‌چه یکی از اعضا، یکی از دو نماینده‌ی غیردولتی را انتخاب و معرفی نکرده باشد، نماینده‌ی غیردولتی دیگر بدون حق رأی می‌تواند در مذاکرات کنفرانس شرکت کند.
۳. در صورتی که کنفرانس برابر ماده‌ی ۳ از پذیرش اعتبارنامه‌ی یکی از نمایندگان کشور عضو خودداری کند، مقررات این ماده درباره‌ی نماینده‌ی مزبور، همانند نماینده‌ی غیرمنتخب اجرا خواهد شد.

ماده‌ی ۵**محل برگزاری جلسات کنفرانس**

- کنفرانس در محل ثابتی که شورای حکام تعیین می‌کند، برگزار خواهد شد، مگر آن‌که کنفرانس در نشست پیشین تصمیم دیگری گرفته باشد.

ماده‌ی ۶**مقر دفتر بین‌المللی کار**

تغییر محل دفتر بین‌المللی کار با رأی دو سوم آرای نمایندگان حاضر امکان‌پذیر است.

ماده‌ی ۷**شورای حکام****۱- ترکیب:**

شورای حکام از پنجاه و شش نفر تشکیل می‌شود که ترکیب آن به شرح زیر خواهد بود:

بیست و هشت نفر از میان نمایندگان دولت‌ها، چهارده نفر از میان نمایندگان کارفرمایان، و چهارده نفر از میان نمایندگان کارگران،

۲- نمایندگان دولت:

ده نفر از نمایندگان دولت‌ها را ده کشور مهم صنعتی و هجده نماینده را دیگر نمایندگان دولت‌ها بر می‌گزینند.

۳- کشورهای مهم صنعتی:

تشخیص کشورهای مهم صنعتی بر عهده‌ی شورای حکام و بر اساس آئین‌نامه‌ی ویژه و پس از بررسی آن در یک کمیته‌ی بی‌طرف خواهد بود. اعتراض هر کشور عضو به تصمیم شورای حکام در این خصوص قابل طرح و بررسی است، ولی تا زمانی که کنفرانس درباره‌ی اعتراض مطرح شده تصمیم نگرفته باشد، تصمیم شورای حکام محترم شمرده می‌شود.

۴- نمایندگان کارفرمایان و کارگران:

نمایندگان کارفرمایان و نمایندگان کارگران برای عضویت در شورای حکام را به‌ترتیب نمایندگان کارفرمایان و نمایندگان کارگران حاضر در کنفرانس بر می‌گزینند

۵- دوره‌ی تصدی:

شورای حکام برای یک دوره‌ی سه ساله انتخاب خواهد شد اگر به هر دلیلی در پایان

این دوره انتخاب شورای حکام صورت نگیرد، تا انتخابات بعدی، شورای حکام به کار خود ادامه خواهد داد.

۶- کرسی‌های خالی، اعضای علی‌البدل و غیره:

شورای حکام وظیفه‌ی تنظیم آئین‌نامه‌های مربوط به چگونگی پر کردن کرسی‌های خالی، انتخاب اعضای علی‌البدل و مسائلی از این دست را بر عهده دارد. این آئین‌نامه‌ها باید از تصویب کنفرانس بگذرد.

۷- مقام‌ها:

شورای حکام یک رئیس و دو نایب‌رئیس را، به ترتیب از میان نمایندگان دولت‌ها، نمایندگان کارگران و کارفرمایان عضو شورا برمی‌گزینند.

۸- رویه:

شورای حکام وظیفه‌ی تدوین آئین‌نامه‌های مربوط به چگونگی اجرای وظایف خود را بر عهده دارد و باید در فاصله‌ی زمان‌های مقرر، نشست‌های خود را برگزار کند. برگزاری نشست‌های ویژه و فوق‌العاده‌ی این شورا منوط به درخواست کتبی دست‌کم شانزده نفر آن شورا خواهد بود.

ماده‌ی ۸

مدیرکل

۱. مدیرکل در رأس دفتر بین‌المللی کار قرار دارد. مدیرکل منتخب شورای حکام است و باید تصمیم‌ها و برنامه‌ی کاری مصوب این شورا را به اجرا بگذارد. مدیرکل در برابر شورا پاسخ‌گو خواهد بود.
۲. مدیرکل یا قائم‌مقام او در کلیه‌ی نشست‌های شورای حکام حضور خواهند داشت.

ماده‌ی ۹

کارمندان

۱. انتخاب کارکنان دفتر بین‌المللی کار با مدیرکل و برابر ضوابط مصوب شورای حکام خواهد بود.
۲. مدیرکل ضمن آن که بیش‌ترین بازده را مد نظر دارد، حتی‌الامکان کارکنان دفتر را از میان ملیت‌های مختلف بر خواهد گزید.

۳. شمار معینی از کارکنان باید زن باشند.
۴. وظایف مدیرکل و کارکنان دفتر منحصراً جنبه‌ی بین‌المللی دارد. مدیرکل و کارکنان دفتر در ایفای وظایف خود نباید به پذیرش درخواست دولت‌ها یا هر صاحب نفوذ دیگری در خارج از سازمان تن دهند و باید از هر اقدام مغایر با موقعیت و وظایف بین‌المللی خود بپرهیزند.
۵. تمام کشورهای عضو باید موقعیت و وظایف بین‌المللی مدیرکل و کارکنان دفتر بین‌المللی کار را محترم بشمارند و از هر اقدام مخل وظایف بین‌المللی آنان خودداری کنند

ماده‌ی ۱۰

وظایف

۱. وظایف دفتر بین‌المللی کار عبارتند از: دریافت و توزیع اطلاعات مربوط به تنظیم مقررات بین‌المللی در زمینه‌ی شرایط کار کارگران و نظام کار، به‌ویژه مطالعه‌ی مسائل و بررسی پیشنهادها با هدف ارائه به کنفرانس برای تدوین مقاله‌نامه‌های بین‌المللی و نیز پژوهش در زمینه‌های خاص که کنفرانس یا دفتر بین‌المللی کار تعیین می‌کند.
۲. دفتر بین‌المللی کار در چارچوب رهنمودهای شورای حکام باید:
 - الف) اسناد و مدارک مربوط به دستور کار کنفرانس را فراهم آورد؛
 - ب) یاری رساندن به کشورهای عضو در محدوده‌ی توان خود و بنا به درخواست دولت‌ها در خصوص تدوین قوانین و مقررات کار بر پایه‌ی تصمیمات کنفرانس و نیز کمک رسانی به بهبود نظام اداری و بازرسی کشورها؛
 - ج) اجرای وظایفی که برابر مفاد این اساس‌نامه درباره‌ی رعایت دقیق مقاله‌نامه‌ها به این دفتر محول شده است؛
 - د) ویراستاری و انتشار نشریات بین‌المللی مربوط به صنعت و کار به زبان‌هایی که شورای حکام تصویب می‌کند؛
۳. به‌طور کلی، دفتر در حدود وظایف و اختیاراتی که شورا به آن واگذار کرده عمل خواهد کرد.

ماده‌ی ۱۱

روابط با دولت‌ها

وزارت‌خانه‌های مربوط به صنعت و کار در کشورهای عضو می‌توانند از طریق نماینده‌ی دولت خود، در شورای حکام دفتر بین‌المللی کار به‌طور مستقیم با مدیر کل در تماس باشند و در نبود این نماینده از طریق کارمند واجد صلاحیت دیگری که دولت ذینفع او را به این سمت انتخاب کرده باشد، با مدیر کل ارتباط برقرار کنند.

ماده‌ی ۱۲

روابط با سازمان‌های بین‌المللی

۱. سازمان بین‌المللی کار می‌تواند در چارچوب این اساس‌نامه با هر سازمان بین‌المللی فراگیر که عهده‌دار هم‌آهنگ ساختن فعالیت‌های سازمان‌های زیر باشند، همکاری کند: سازمان‌های بین‌المللی عمومی و سازمان‌های بین‌المللی عهده‌دار فعالیت‌های خاص در زمینه‌های مشابه.
۲. سازمان بین‌المللی کار می‌تواند ترتیبی دهد که نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی عمومی بدون حق رأی در جلسات رایزنی شرکت کنند.
۳. سازمان بین‌المللی کار می‌تواند ترتیبی دهد تا در شرایط مقتضی با سازمان‌های معتبر بین‌المللی غیردولتی از جمله با سازمان‌های بین‌المللی کارفرمایان، کارگران، کشاورزان و اعضای تعاونی‌ها رایزنی شود.

ماده‌ی ۱۳

امور مالی و بودجه

۱. سازمان بین‌المللی کار می‌تواند در زمینه‌ی امور مالی و بودجه، هر قراردادی که مناسب بداند با سازمان ملل متحد منعقد سازد.
 ۲. تا هنگامی که چنین قراردادی بسته نشده است، یا در صورتی که قرارداد لازم‌الاجرائی وجود نداشته باشد:
- الف) هر کشور عضو هزینه‌ی مسافرت و اقامت نمایندگان خود و مشاوران آنان و نیز هزینه‌ی نمایندگان که بسته به شرایط در نشست کنفرانس یا در نشست‌های شورای حکام شرکت می‌کنند پرداخت خواهد کرد؛

- (ب) هزینه‌های دیگر دفتر بین‌المللی کار و نشست‌های کنفرانس یا هزینه‌های شورای حکام را مدیر کل دفتر بین‌المللی کار از بودجه‌ی عمومی سازمان بین‌المللی کار خواهد پرداخت؛
- (ج) مقررات مربوط به تصویب بودجه‌ی سازمان بین‌المللی کار و مقررات مربوط به میزان سهمیه‌ی پرداخت‌ها و نحوه‌ی دریافت آن‌ها را کنفرانس با اکثریت دو سوم آرای نمایندگان حاضر تعیین خواهد کرد. در این مقررات باید قید شود که کمیته‌ای از نمایندگان دولت‌ها وظیفه‌ی تدوین بودجه و تسهیم هزینه‌ها میان کشورهای عضو سازمان را برعهده دارد.
- ۳. هزینه‌های سازمان بین‌المللی کار برابر مقررات لازم‌الاجرای بندیک یا عبارت ج بند دو این ماده، به‌عهده‌ی کشورهای عضو خواهد بود.
- ۴. هر کشور عضو سازمان که در پرداخت سهمیه‌ی خود بابت هزینه‌های سازمان تأخیر نماید اگر مبلغ بدهی عقب افتاده‌اش برابر و یا بیش‌تر از سهمیه‌ی آن کشور در دو سال گذشته باشد نمی‌تواند در کنفرانس، در شورای حکام یا در کمیسیون‌های آن شرکت کند. به‌علاوه حق رأی و مشارکت در انتخابات شورای حکام را نخواهد داشت.
- با این‌همه اگر کنفرانس تشخیص دهد که عدم پرداخت سهمیه‌ی ناشی از اوضاع و احوالی خارج از اراده‌ی آن کشور باشد، می‌تواند با اکثریت دو سوم آرای نمایندگان حاضر، به‌این کشور اجازه دهد که در رأی‌گیری شرکت کند.
- ۵. مدیر کل دفتر بین‌المللی کار در خصوص چگونگی مصرف وجوه سازمان برابر شورای حکام مسئول است.

فصل دوم

رویه و طرز عمل

ماده‌ی ۱۴

دستور کار کنفرانس عمومی

۱. شورای حکام پس از بررسی پیشنهادات دریافت‌شده از سوی دولت‌های عضو و هر سازمان واجد شرایط یاد شده در ماده‌ی ۳ یا هر سازمان بین‌المللی عمومی دستور کار کنفرانس را تنظیم خواهد کرد.

تهیه مقدمات کنفرانس:

۲. شورای حکام وظیفه‌ی تدوین آئین‌نامه‌های مربوط به تأمین تدارک مؤثر فنی و مشاوره با اعضای اصلی ذیربط از طریق برگزاری نشست‌های مقدماتی فنی یا هر شیوه‌ی دیگری، پیش از تصویب مقاوله‌نامه‌ها یا توصیه‌نامه‌ها را بر عهده دارد.

ماده‌ی ۱۵

ابلاغ دستور جلسه و گزارش‌ها برای کنفرانس

۱. مدیرکل به‌عنوان دبیرکل کنفرانس خواهد بود. مدیرکل باید دستور کار کنفرانس عمومی را چهارماه پیش از گشایش کنفرانس برای دولت‌های عضو و به‌وسیله‌ی این دولت‌ها برای نمایندگان سازمان‌های غیردولتی، در صورتی که این نمایندگان تعیین شده باشند، ارسال کند.
۲. ارسال گزارش مربوط به هر موضوع از دستور کار برای دولت‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که به‌هنگام، در دسترس آنان قرار گیرد تا اعضا پیش از برگزاری کنفرانس عمومی فرصت بررسی دقیق آن را داشته باشند. تدوین آئین‌نامه‌های اجرایی این مقررات بر عهده‌ی شورای حکام است.

ماده‌ی ۱۶

اعتراض نسبت به دستور جلسه

۱. هر دولت از کشورهای عضو از حق اعتراض رسمی نسبت به گنجاندن این یا آن موضوع در دستور کار کنفرانس برخوردار است. ولی باید اعتراض خود را به‌طور مشروح برای مدیرکل و به‌وسیله‌ی او برای دیگر کشورهای عضو ارسال کند.
۲. چنانچه کنفرانس عمومی با اکثریت دوسوم نمایندگان حاضر، به‌بقای دستور کنفرانس رأی دهد، دستور یا دستورهای کار کنفرانس که با اعتراض روبرو است، به‌قوت خود باقی خواهد بود.

گنجاندن موضوعات جدید توسط کنفرانس:

۳. به‌علاوه کنفرانس عمومی هر گاه که با اکثریت دو سوم آرای نمایندگان حاضر بررسی بیش‌تر موضوعی را مستقل از آن‌چه که در بند پیشین آمد لازم داند، آن موضوع در دستور کار کنفرانس عمومی آینده قرار خواهد گرفت.

ماده‌ی ۱۷**مسئولین کنفرانس، آئین‌نامه‌ها و کمیته‌ها**

۱. کنفرانس عمومی یک رئیس و سه نایب‌رئیس برمی‌گزینند. سه نایب‌رئیس کنفرانس به ترتیب از میان نمایندگان دولت‌ها، کارفرمایان و کارگران برگزیده می‌شوند. کنفرانس عمومی وظیفه‌ی تدوین آئین‌نامه‌های مربوط به چگونگی برگزاری نشست‌های خود را برعهده دارد و برای مطالعه و بررسی هر مسأله‌ی مربوط به آن، هر گاه که لازم بداند، کمیسیون‌هایی تشکیل دهد.

رأی:

۲. به‌استثنای آن مواد اساسنامه‌ی حاضر یا مقاوله‌نامه‌ها و اسناد معتبر و یا برنامه‌های مالی و بودجه موضوع ماده‌ی ۱۳ این اساس‌نامه که رأی اکثریت بیش‌تری را طلب می‌کند، در بقیه‌ی موارد رأی اکثریت نسبی اعضای حاضر در کنفرانس عمومی معتبر خواهد بود.

حدنصاب:

۳. چنان‌چه تعداد آرای موافق اعلام‌شده کم‌تر از نصف تعداد نمایندگان حاضر در نشست باشد، نتیجه‌ی رأی‌گیری معتبر نخواهد بود.

ماده‌ی ۱۸**کارشناسان فنی**

کنفرانس عمومی می‌تواند از کارشناسان فنی برای شرکت در کمیسیون‌های خود، بدون حق رأی، دعوت کند.

ماده‌ی ۱۹**مقاوله‌نامه و توصیه‌نامه‌ها****تصمیمات کنفرانس:**

۱. هرگاه کنفرانس عمومی به‌پذیرش پیشنهادهای مربوط به هر موضوع از دستور کار رأی موافق دهد، باید تصریح کند که این پیشنهادهای کدام شکل زیر را به‌خود می‌گیرد:

- الف) مقاله‌نامه‌ی بین‌المللی
- ب) یا اگر آن موضوع یا یکی از جنبه‌های آن از فوریت مقاله‌نامه برخوردار نیست، توصیه‌نامه‌ی بین‌المللی.

رای لازم:

۲. برای تصویب مقاله‌نامه یا توصیه‌نامه در کنفرانس عمومی دو سوم آرای موافق نمایندگان حاضر، ضروری است.
۳. هنگام تنظیم مقاله‌نامه یا توصیه‌نامه‌ای که دامنه‌ی شمول آن فراگیر است، کنفرانس باید با ملاحظه شرایط خاص کشورها از نظر شرایط اقلیمی، عدم توسعه‌ی درخور سازمان‌های صنعتی و دیگر ویژگی‌های خاص آن‌ها که این کشورها را از کشورهای صنعتی متمایز می‌کند، تعدیل‌های لازم و مناسب با وضعیت این کشورها را پیش‌بینی کند.

متون معتبر:

۴. دو نسخه از مقاله‌نامه یا توصیه‌نامه به‌امضای رئیس کنفرانس و مدیرکل خواهد رسید. یک نسخه در دفتر بین‌المللی کار بایگانی می‌شود و نسخه‌ی دیگر آن در اختیار دبیرکل سازمان ملل متحد قرار می‌گیرد. مدیرکل رونوشت گواهی‌شده‌ی مقاله‌نامه یا توصیه‌نامه را برای هر یک از کشورهای عضو ارسال خواهد کرد.

تعهدات اعضا نسبت به مقاله‌نامه:

۵. اگر موضوع مقاله‌نامه باشد:
 - الف) مقاله‌نامه به‌منظور تصویب و الحاق برای کشورهای عضو فرستاده خواهد شد؛
 - ب) هر کشور عضو موظف است ظرف یک‌سال از تاریخ پایان کنفرانس عمومی یا اگر به‌سبب شرایط ویژه، ظرف یک‌سال میسر نباشد، در نخستین فرصت که به‌هر حال نباید از هجده ماه تجاوز کند، مقاله‌نامه را به‌مقام یا مقام‌های صلاحیت‌دار برای برگرداندن آن به‌قانون یا احکام قانونی تسلیم کند؛
 - ج) کشورهای عضو باید به‌موجب این ماده مدیرکل دفتر بین‌المللی کار را از اقدام‌های انجام شده در خصوص تصمیم اتخاذشده از سوی مقام یا مقام‌های صلاحیت‌دار در این خصوص آگاه سازند؛

- (د) کشور عضوی که موافقت مقام‌های صلاحیت‌دار را کسب می‌کند باید مدیر کل را از پیوستن رسمی خود به‌مقاوله‌نامه و تدابیر ضروری اتخاذشده برای اعتبار بخشیدن به مفاد مقاوله‌نامه آگاه سازد؛
 - (ه) هرگاه مقاوله‌نامه به تصویب مقام یا مقام‌های صلاحیت‌دار نرسد، دولت عضو تنها موظف است در فواصل معینی که شورای حکام تعیین می‌کند، چگونگی قوانین و اجرای آن‌ها در قبال مسائل مطرح در مقاوله‌نامه را به مدیر کل دفتر بین‌المللی کار گزارش دهد.
- در این گزارش باید علاوه بر توضیح درباره‌ی مشکلاتی که مانع پیوستن به مقاوله‌نامه یا موجب تأخیر در الحاق به آن شده است، مشخص شود که تا چه حد از طریق قانون‌گذاری احکام اداری، پیمان‌های جمعی یا از هر راه دیگر مفاد مقاوله‌نامه به اجرا گذارده شده یا قرار است به اجرا گذاشته شود.

تعهدات اعضا نسبت به توصیه‌نامه‌ها:

۶. اگر موضوع توصیه‌نامه باشد:
 - (الف) توصیه‌نامه برای همه‌ی کشورهای عضو ارسال می‌شود تا چگونگی اجرای آن را از راه قانون‌گذاری یا از هر راه دیگر بررسی کنند؛
 - (ب) هر کشور عضو موظف است ظرف یک‌سال از تاریخ پایان کنفرانس عمومی یا چنانچه به سبب شرایط ویژه نتوان ظرف یک‌سال اقدام کرد، در نخستین فرصت که به هر حال نباید از هجده ماه تجاوز کند توصیه‌نامه را به مقام یا به مقام‌های صلاحیت‌دار تسلیم کند تا مفاد آن به صورت قانون یا به صورت احکام قانونی درآید؛
 - (ج) کشورهای عضو باید به موجب این ماده، مدیر کل دفتر بین‌المللی کار را از اقدام‌های انجام شده در خصوص تسلیم مقاوله‌نامه به مقام یا مقام‌های صلاحیت‌دار و اطلاعات مربوط به تصمیم اتخاذ شده از سوی مقام یا مقام‌های صلاحیت‌دار در این خصوص آگاه سازند؛
 - (ه) دولت عضو تنها موظف است در فواصل معینی که شورای حکام تعیین می‌کند، چگونگی قوانین و اجرای آن‌ها در قبال مسائل مطرح در مقاوله‌نامه را به مدیر کل دفتر بین‌المللی کار گزارش دهد.
- در این گزارش علاوه بر توضیح درباره‌ی مشکلاتی که مانع پیوستن به مقاوله‌نامه یا

موجب تأخیر در الحاق به آن شده است، باید مشخص شود که تا چه حد از طریق قانون‌گذاری، احکام اداری، پیمان‌های جمعی یا از هر راه دیگر مفاد مقاوله‌نامه به اجرا گذاشته شده یا قرار است به اجرا گذاشته شود.

وظایف دولت‌های فدرال:

۷. در خصوص دولت‌های فدرال مقررات زیر اعمال خواهد شد:
 - الف) در ارتباط با مقاوله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌هایی که دولت فدرال تشخیص دهد که به موجب قانون اساسی می‌بایستی در سطح دولت فدرال اقدام شود، وظایف دولت فدرال همانند وظایف دیگر کشورهای عضو خواهد بود:
 - ب) درباره مقاوله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌هایی که دولت فدرال برابر قانون اساسی کشور خود تشخیص دهد که دولت‌های عضو آن یعنی دولت ایالت‌ها یا کانتون‌ها باید درباره‌ی تمام یا بخش‌هایی از آن تصمیم گیرند، دولت فدرال:
 ۱. باید ترتیبی دهد که هم‌آهنگ با قانون اساسی دولت فدرال و قوانین اساسی دولت‌های عضو آن یعنی دولت ایالت‌ها یا کانتون‌ها این مقاوله‌نامه یا توصیه‌نامه‌ها ظرف هجده ماه از تاریخ پایان کنفرانس عمومی به‌مقام یا مقام‌های صلاحیت‌دار دولت‌های متحداعم از دولت ایالت‌ها و کانتون‌ها تسلیم شود تا به‌صورت قانون و یا دیگر اشکال حقوقی درآید؛
 ۲. تدابیری اتخاذ کند تا بر اساس توافق دولت‌های ایالتی و محلی بر پایه‌ی نشست‌های ادواری بین مقام‌های فدرال از یک‌سو و مقام‌های دولت‌های ایالتی و محلی از دیگر سو هم‌آهنگی‌های لازم برای گسترش دامنه‌ی اعتبار بخشیدن به مقاوله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌ها صورت گیرد؛
 ۳. کارهای صورت‌گرفته در خصوص این ماده از اساس‌نامه را در زمینه‌ی تسلیم مقاوله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه به‌مقام یا مقام‌های صلاحیت‌دار دولت‌های ایالتی و محلی، همراه با اطلاعات مربوط به معرفی این مقام‌ها به‌عنوان مقام صلاحیت‌دار و نیز تصمیماتی را که آنان در این زمینه اتخاذ کرده‌اند، به‌مدیر کل دفتر بین‌المللی کار گزارش دهد؛
 ۴. در فواصل معینی که شورای حکام تعیین می‌کند، چگونگی قوانین و اجرای آن‌ها را در قبال مسائل مطرح در مقاوله‌نامه‌هایی که به آن‌ها نپیوسته‌اند، به

مدیرکل دفتر بین‌المللی گزارش دهد و در این گزارش چگونگی قانون‌گذاری و نحوه‌ی عمل فدراسیون و دولت‌های ایالتی و محلی را در خصوص مسائل مطرح در مقاله‌نامه‌ها توضیح دهد و مشخص سازد که در نظر است به کدام یک از روش‌های قانون‌گذاری، احکام اداری، پیمان‌های جمعی یا از هر راه دیگر مفاد مقاله‌نامه را به اجرا گذاشته و به آن اعتبار بخشد؛

۵. در فواصل و زمان‌های مناسبی که شورای حکام تعیین می‌کند، چگونگی قانون‌گذاری و نحوه‌ی عمل فدراسیون و دولت‌های ایالتی و محلی را در قبال مسائل مطرح در توصیه‌نامه به‌مدیرکل دفتر بین‌المللی کار گزارش دهد و مشخص سازد که در نظر است از چه طریق مقررات توصیه‌نامه را به اجرا گذاشته و به آن اعتبار بخشند، به‌علاوه در این گزارش باید تصریح شود که برای تصویب و اجرای توصیه‌نامه چه اصلاحاتی را پیشنهاد می‌کنند.

تأثیر مقاله‌نامه بر مقررات مساعدتر موجود:

۶. در هیچ شرایطی تصویب مقاله‌نامه یا توصیه‌نامه‌ی کنفرانس یا پیوستن دولت‌های عضو به آن‌ها نباید وسیله‌ی نقض قوانین، عرف یا موافقت‌نامه‌های نافذ و معتبری شود که شرایط پیش‌بینی شده در این مقاله‌نامه یا توصیه‌نامه‌ها برای کارگران را در بردارد.

ماده‌ی ۲۰

ثبت در سازمان ملل متحد

مدیرکل دفتر بین‌المللی کار موظف است تصویب هر مقاله‌نامه را به اطلاع دبیرکل سازمان ملل متحد برساند تا برابر مقررات ماده‌ی ۱۰۲ منشور سازمان ملل متحد به ثبت رسد، ولی این مقاله‌نامه تنها برای کشورهایی که به آن پیوسته‌اند، لازم‌الاجرا است.

ماده‌ی ۲۱

مقاله‌نامه‌هایی که به تصویب کنفرانس رسیده‌اند:

۱. هر مقاله‌نامه‌ای که در رأی‌گیری نهایی کنفرانس عمومی اکثریت دو سوم آرای نمایندگان حاضر را به‌دست نیاورد، می‌تواند به‌صورت مقاله‌نامه‌ی اختصاصی کشورهای عضوی که با آن موافقت، درآید.

۲. مدیرکل دفتر بین‌المللی کار هر مقاوله‌نامه‌ای را که به‌این صورت، بین دولت‌های ذینفع منعقد می‌شود بایستی به‌اطلاع دبیرکل ملل سازمان ملل متحد برساند تا برابر مقررات ماده‌ی ۱۰۲ منشور ملل متحد به‌ثبت برسد.

ماده‌ی ۲۲

گزارش سالانه درباره‌ی مقاوله‌نامه‌های مصوب

هر عضو موظف است سالانه کارهای انجام شده برای اجرای مقاوله‌نامه‌هایی را که به‌آن‌ها پیوسته است، به‌دفتر بین‌المللی کار گزارش دهد. گزارش‌ها باید مطابق با فرم‌های تعیین شده‌ی شورای حکام و پاسخ به‌پرسش‌های مشخص آن باشد.

ماده‌ی ۲۳

بررسی و ابلاغ گزارش‌ها

۱. مدیرکل، فشرده‌ای از اطلاعات و گزارش اعضا را که مطابق با مفاد مواد ۱۹،۲۲ برای او ارسال کرده‌اند، به‌نخستین کنفرانس عمومی که برگزار می‌شود ارائه خواهد کرد.
۲. هر کشور عضو باید رونوشت اطلاعات و گزارش‌هایی را که برابر مواد ۱۹،۲۲ این اساس‌نامه برای مدیرکل تهیه می‌کند، بر اساس مفاد ماده‌ی ۳ این اساس‌نامه به‌سازمان‌های واجد شرایط نمایندگی ارائه دهد.

ماده‌ی ۲۴

عرض حال درباره‌ی عدم رعایت مقاوله‌نامه‌ها

شورای حکام این اختیار را دارد که شکایت‌های سازمان‌های حرفه‌ای کارگری یا کارفرمایی به‌دفتر بین‌المللی کار مبنی بر عدم رعایت مقاوله‌نامه‌ها از سوی کشورهای که به‌آن پیوسته‌اند را برای دولت طرف شکایت ارسال کند و از آن دولت پاسخ مناسب به‌این شکایت‌ها را خواستار شود.

ماده‌ی ۲۵

انتشار عرض حال

چنان‌چه دولت طرف شکایت در ظرف زمانی معقول به‌شکایت‌ها پاسخ ندهد یا اگر پاسخ

ارائه شده برای شورای حکام قانع کننده نباشد، شورا حق آن را دارد که شکایت مزبور و در صورت لزوم پاسخ آن را برای اطلاع عموم منتشر کند.

ماده ۲۶

شکایت بابت عدم رضایت

۱. هر کشور عضو حق دارد از عضو دیگری که به نظر او مقاوله‌نامه‌ای را که هر دو برابر مواد پیشین به آن پیوسته‌اند، به‌طور رضایت بخش اجرا نمی‌کند، به‌دفاً بین‌المللی شکایت کند.
۲. شورای حکام این حق را دارد چنانچه مناسب تشخیص دهد، پیش از آن که کمیسیون تحقیق و بررسی مطابق با فرایند پیش‌بینی شده در زیر را فراخواند به‌همان ترتیب ذکر شده در ماده ۲۴ خواستار پاسخ از سوی دولت مورد بحث شود.
۳. چنانچه شورای حکام، ابلاغ شکایت به‌دولت مورد بحث را لازم نداند، یا اگر از آن دولت در ظرف زمانی معقول پاسخ قانع‌کننده دریافت نکرده باشد، این حق را دارد که برای بررسی شکایت و تهیه گزارش از آن کمیسیون تحقیق و بررسی فراخواند.
۴. شورای حکام می‌تواند خود به‌طور مستقل یا بر اساس شکایت هر نماینده، در کنفرانس عمومی این فرایند را به کارگیرد.
۵. چنانچه موضوعی در اجرای مواد ۲۵ یا ۲۶ در شورای حکام تحت بررسی باشد و دولت مورد بحث در شورا نماینده‌ای نداشته باشد، این دولت حق دارد نماینده‌ای برای شرکت در مذاکرات شورا تعیین و معرفی کند، زمان مذاکرات باید پیش‌تر و در مهلت مناسب به‌آگاهی این دولت برسد.

ماده ۲۷

همکاری با کمیسیون تحقیق

در صورتی که به‌موجب ماده ۲۶ شکایتی در کمیسیون تحقیق در دست بررسی باشد هر کشور عضو که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذینفع باشد، متعهد است اطلاعات خود را درباره‌ی موضوع شکایت را در اختیار کمیسیون بگذارد.

ماده‌ی ۲۸**گزارش کمیسیون تحقیق**

کمیسیون تحقیق پس از بررسی همه‌جانبه‌ی شکایت مطرح شده، گزارشی از تحقیقات خود در همه‌ی زمینه‌های مربوط به موضوع اختلاف همراه با ذکر نتیجه‌ی تحقیقات و پیشنهادهای مناسبی که دولت مورد بحث باید برای جلب رضایت دولت شاکی در مهلت مناسب به کار گیرد، تهیه و به‌مدیرکل ارائه خواهد کرد.

ماده‌ی ۲۹**اقدام بر اساس گزارش کمیسیون تحقیق**

۱. مدیرکل دفتر بین‌المللی کار پس از تسلیم گزارش کمیسیون تحقیق به شورای حکام و به‌دولت‌های ذیربط در موضوع اختلاف آن را برای اطلاع عموم منتشر خواهد کرد.
۲. دولت‌های ذیربط باید ظرف سه ماه از دریافت گزارش، موافقت یا عدم موافقت رسمی خود با پیشنهادهای مندرج در گزارش کمیسیون را به‌مدیرکل دفتر بین‌المللی کار تسلیم کرده و در آن تصریح کنند که در صورت عدم موافقت با این پیشنهادهای، ارجاع آن به دیوان بین‌المللی دادگستری را خواستارند.

ماده‌ی ۳۰**عدم تسلیم مقاوله‌نامه و توصیه‌نامه‌ها به مقام‌های صلاحیت‌دار**

چنان‌چه عضوی، مقررات تصریح شده در بندهای ۵ ب، ۶ ب، ۷ ب، ۱ از ماده‌ی ۱۹ و مربوط به اجرای مقاوله‌نامه یا توصیه‌نامه‌ها را به کار نبندد، دیگر اعضای سازمان حق خواهند داشت که موضوع را به شورای حکام ارجاع کنند. در صورتی که شورای حکام تشخیص دهد که این عضو مقررات تصریح شده را رعایت نکرده است موضوع را به کنفرانس عمومی گزارش خواهد کرد.

ماده‌ی ۳۱**آرای دیوان بین‌المللی دادگستری**

رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در باره‌ی شکایت‌ها یا هر مسئله‌ای که برابر ماده‌ی ۲۹ به آن ارجاع شود قطعی است.

ماده‌ی ۳۲

دیوان بین‌المللی دادگستری می‌تواند به تأیید اصلاح یا نقض تصمیم‌ها و پیشنهادهای کمیسیون تحقیق رأی دهد.

ماده‌ی ۳۳**عدم اجرای توصیه‌نامه‌های کمیسیون تحقیق یا دیوان بین‌المللی دادگستری**

هر یک از اعضا اگر در مهلت پیش‌بینی شده به توصیه‌های مندرج در گزارش کمیسیون تحقیق یا رأی دیوان بین‌المللی دادگستری اقدام نکند، شورای حکام برای تأمین اجرای این توصیه‌ها می‌تواند از کنفرانس عمومی خواستار اتخاذ تدابیر لازم برای اعمال این توصیه‌ها شود.

ماده‌ی ۳۴**رعایت توصیه‌های کمیسیون تحقیق یا دیوان بین‌المللی دادگستری**

دولت خاطی همواره این حق را دارد که شورای حکام را از تدابیر اتخاذ کرده لازم برای انطباق خود با توصیه‌های کمیسیون تحقیق یا دیوان بین‌المللی دادگستری آگاه سازد و می‌تواند از شورای حکام بخواهد برای اثبات درستی ادعای خود در خصوص رفع اختلاف کمیسیون تحقیق را فراخواند. در این صورت مفاد مندرج در مواد ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۲ به اجرا گذاشته می‌شود و اگر گزارش کمیسیون تحقیق یا رأی دیوان بین‌المللی دادگستری به نفع دولت متخلف باشد، شورای حکام باید بی‌درنگ دستور توقف تصمیمات اتخاذ شده برابر ماده‌ی ۳۳ را صادر کند.

فصل سوم

مقررات عمومی

ماده ۳۵

اجرای مقاوله‌نامه‌ها در سرزمین‌های تحت قیمومیت

۱. کشورهای عضو برابر مقررات این اساس‌نامه متعهد می‌شوند که در سرزمین‌های وابسته به خود که روابط بین‌المللی آن‌ها را بر عهده دارند و نیز در سرزمین‌های تحت قیمومیت خود، مفاد مقاوله‌نامه‌هایی را که به آن‌ها پیوسته‌اند، به اجرا بگذارند، مگر آن که مسائل مطرح شده در مقاوله‌نامه در حوزه‌ی صلاحیت خاص مقام‌های آن سرزمین‌ها نباشد یا شرایط محلی اجرای مقاوله‌نامه را ناممکن سازد و یا آن که تطبیق مفاد مقاوله‌نامه با شرایط محلی منوط به اعمال تغییراتی در آن باشد.
۲. هر کشور عضو که به مقاوله‌نامه‌ای می‌پیوندد، باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن طی اعلامیه‌ای مدیرکل دفتر بین‌المللی کار را از میزان تعهد خود در باره‌ی اجرای مفاد مقاوله‌نامه در این سرزمین‌ها به جز سرزمین‌هایی که در بندهای ۴، ۵ زیر آمده است آگاه سازد و همه‌ی اطلاعات مربوط به اجرای مقاوله‌نامه را برای مدیرکل گزارش کند.
۳. هر عضو که به موجب بند پیشین اعلامیه‌ی خود را به مدیرکل تسلیم کرده باشد، برابر مفاد مقاوله‌نامه می‌تواند در دوره‌های معین با ارسال اعلامیه‌ی جدید، مفاد همه‌ی اعلامیه‌های پیشین را تغییر داده و موقعیت کنونی سرزمین‌های یادشده در بند پیش را شرح دهد.
۴. هر گاه مسائل مطرح شده در مقاوله‌نامه در حوزه‌ی خاص مقام‌های صلاحیت‌دار سرزمین وابسته باشد، کشور مسئول روابط بین‌المللی این سرزمین باید در کوتاه‌ترین مدت ممکن، مقاوله‌نامه را برای دولت سرزمین یادشده ارسال کند، تا این دولت به آن صورت قانون یا صورت احکامی از نوع قانون بخشد. سپس دولت عضو می‌تواند با موافقت دولت این سرزمین طی اعلامیه‌ای پذیرش تعهدات مقاوله‌نامه را به اطلاع مدیرکل برساند.
۵. اعلامیه‌ی پذیرش تعهدات مقاوله‌نامه به دو صورت زیر برای مدیرکل دفتر بین‌المللی

کار ارسال خواهد شد:

- الف) از سوی دولت یا مقام مسؤل دو یا چند کشور عضو سازمان که اداره‌ی مشترک سرزمینی را بر عهده دارند؛
- ب) هر مقام بین‌المللی که به‌موجب مقررات منشور ملل متحد یا دیگر مقررات نافذ و معتبر، مسؤلیت اداره‌ی سرزمینی را بر عهده دارد.
- ۶. اعلامیه پذیرش مفاد مقاله‌نامه برابر بندهای ۴، ۵ این ماده که از سوی سرزمین ذیربط صادر می‌شود، باید دربرگیرنده‌ی اعلام پای‌بندی به عهده‌ات زیر باشد. تعهدات ناشی از مفاد مقاله‌نامه و تعهدات ناشی از مفاد اساس‌نامه‌ی سازمان که مقاله‌نامه‌های پذیرفته شده را نیز شامل می‌شود. در اعلامیه پذیرش می‌توان به‌تغییرات ضروری در مفاد مقاله‌نامه برای انطباق آن با شرایط محلی اشاره کرد.
- ۷. هر عضو یا مقام بین‌المللی که به‌موجب بندهای ۴، ۵ این ماده، اعلامیه‌ی پذیرش را صادر می‌کند، می‌تواند در دوره‌های معین و برابر مفاد مقاله‌نامه با ارسال اعلامیه‌ی جدید از سوی سرزمین ذیربط، مفاد اعلامیه‌های پیشین را تغییر دهد یا انصراف خود را از تعهدات ناشی از پذیرش هر مقاله‌نامه‌ای اعلام کند.
- ۸. هرگاه تعهدات مقاله‌نامه از سوی سرزمین یاد شده در بندهای ۴ یا ۵ این ماده پذیرفته نشود، عضو یا اعضا و یا مقام بین‌المللی ذیربط گزارشی از چگونگی قانون‌گذاری و عرف سرزمین یادشده در باره‌ی موضوع‌های مطرح در مقاله‌نامه برای مدیر کل دفتر بین‌المللی کار ارسال خواهند داشت. این گزارش باید علاوه بر توضیح درباره‌ی مشکلاتی که مانع پیوستن به مقاله‌نامه یا موجب تأخیر در پیوستن به آن شده است، مشخص سازد که تا چه حد از طریق قانون‌گذاری، احکام اداری، پیمان‌های جمعی یا از هر راه دیگر مفاد مقاله‌نامه را به‌اجرا گذاشته یا قرار است به اجرا گذارد.

ماده‌ی ۳۶

اصلاحیه‌ی اساس‌نامه

اصلاح اساس‌نامه که به‌تصویب دو سوم اعضای حاضر در کنفرانس عمومی برسد و از تأیید دو سوم اعضای سازمان و از جمله ۵ عضو از ده عضو مهم‌ترین کشورهای صنعتی برابر با مقررات بند ۳ از ماده ۷ این اساس‌نامه بگذرد، قطعی و معتبر خواهد بود.

ماده‌ی ۳۷

تفسیر اساس‌نامه و مقاوله‌نامه

۱. هرگونه سؤال یا اختلاف در تفسیر این اساس‌نامه یا موافقت‌نامه‌های بعدی منعقد شده بین اعضا، برای تصمیم‌گیری به‌دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع خواهد شد.
۲. علاوه بر تمهید ذکر شده در بند ۱ این ماده، شورای حکام این حق را دارد که یک نهاد داوری برای حل سریع هر مسأله یا مشکل مربوط به تفسیر هر موافقت‌نامه که از سوی شورای حکام یا بر اساس مفاد همان موافقت‌نامه قابل ارجاع به دادگاه خواهد بود، تأسیس کند و آئین‌نامه‌های مربوط به آن را تهیه و از تصویب کنفرانس عمومی بگذراند، احکام یا آرای مشورتی دادگاه‌های تأسیس شده بر اساس این بند هم‌چون احکام و آرای دیوان بین‌المللی دادگستری معتبر خواهد بود. رأی این دادگاه‌ها برای اظهار نظر در کنفرانس عمومی به‌اطلاع اعضا رسانده خواهد شد.

ماده‌ی ۳۸

۱. سازمان بین‌المللی کار برای دستیابی به‌اهداف خود می‌تواند به برگزاری کنفرانس‌ها و تأسیس نهادهای منطقه‌ای اقدام کند.
۲. شورای حکام وظیفه‌ی تدوین آئین‌نامه‌های اختیارات، وظایف و چگونگی برگزاری کنفرانس‌های منطقه‌ای را برای تصویب به کنفرانس عمومی ارائه دهد.

فصل چهارم

مقررات متفرقه

ماده‌ی ۳۹

وضع حقوق سازمان

- سازمان بین‌المللی کار شخصیت کامل حقوقی و مخصوصاً اهلیت در موارد زیر خواهد داشت:
- الف) انعقاد قرارداد.
 - ب) مالکیت، و مصرف و واگذاری منقول و غیرمنقول.

- (ج) دادخواهی و تعقیب قانونی.

ماده‌ی ۴۰

امتیازات و مصونیت‌ها

۱. سازمان بین‌المللی کار در سرزمین هر یک از اعضای خود از امتیازات و مصونیت‌هایی که برای انجام و نیل به مقاصدش لازم است برخوردار خواهد شد.
۲. هیئت‌های نمایندگی در کنفرانس، اعضای شورای حکام و مدیرکل و مقام‌های دفتر نیز از امتیازات و مصونیت‌هایی که برای انجام مستقل وظایف خود در ارتباط با سازمان لازم است، برخوردار خواهند بود.
۳. این مزایا و مصونیت‌ها با این هدف که مورد قبول کشورهای عضو قرار گیرد توسط سازمان در موافقت‌نامه‌ی جداگانه‌ای تهیه و تعریف خواهد شد.

ضمیمه‌ی اساس نامه‌ی سازمان بین‌المللی کار: اعلامیه‌ی مربوط به هدف‌ها و مقاصد سازمان بین‌المللی کار (اعلامیه‌ی فیلادلفیا)

کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار در بیست و ششمین اجلاس‌یه‌ی خود در فیلادلفیا در تاریخ دهم ماه مه سال ۱۹۴۴ اعلامیه‌ی حاضر را درباره‌ی هدف‌ها و مقاصد سازمان بین‌المللی کار و اصولی که باید الهام بخش سیاست اعضای آن باشد به تصویب می‌رساند.

یک

کنفرانس، اصول اساسی را که مبنای تشکیل سازمان است مجدداً مورد تأیید قرار می‌دهد، به ویژه آن که:

- الف) کار یک کالا نیست.
- ب) آزادی بیان و سندیکا (انجمن) برای پیشرفت پایدار ضروری است.
- ج) فقر در هر نقطه خطری برای خوشبختی و ترقی در تمام نقاط است.
- د) جنگ علیه نیازمندی و نقصان باید با کمال شدت در درون هر ملت، و نیز با کوشش مداوم و هم‌آهنگ بین‌المللی که در آن نمایندگان کارگران و کارفرمایان از

وضع و موقعیت برابری با نمایندگان دولت‌ها برخوردار باشند، و همراه آن‌ها در بحث آزاد و تصمیم دموکراتیک به منظور ارتقاء و پیش‌برد رفاه مشترک شرکت کنند، هم‌چنان ادامه یابند.

دو

با اعتقاد به این که تجربه، به طور کامل درستی اظهارات مندرج در اساس‌نامه‌ی سازمان بین‌المللی کار را مبنی بر این که صلح پایدار تنها در صورتی ایجاد می‌شود که مبتنی بر عدالت اجتماعی باشد نشان داده، لذا کنفرانس تأیید می‌کند که:

- الف) تمامی احاد بشر، فارغ از نژاد، عقیده یا جنس می‌بایستی از امنیت اقتصادی و فرصت‌های برابر برای نیل به رفاه مادی و رشد معنوی با حفظ آزادی و شئون انسانی، برخوردار باشند.
- ب) دستیابی به شرایطی که این امر را امکان‌پذیر سازد باید هدف اصلی سیاست ملی و بین‌المللی را تشکیل دهد.
- ج) کلیه‌ی سیاست‌ها و اقدامات بین‌المللی، به‌ویژه سیاست‌های از نوع اقتصادی و مالی، باید از این جنبه مورد دآوری قرار گیرند، و فقط تا آن‌جا که دستیابی به این هدف اساسی را تشویق و ترویج می‌کند و مانعی برای آن به‌وجود نمی‌آورد، مورد قبول قرار گیرد.
- د) سازمان بین‌المللی کار مسئولیت دارد که کلیه‌ی سیاست‌ها و اقدامات اقتصادی و مالی بین‌المللی را در پرتو این هدف اساسی مورد رسیدگی و توجه قرار دهد.
- ه) سازمان بین‌المللی کار ضمن انجام وظایف محوله‌ی خود و با در نظر گرفتن کلیه‌ی عوامل اقتصادی و مالی ذیربط می‌تواند هرگونه مقرراتی را که مناسب تشخیص دهد در تصمیمات و توصیه‌های خود منظور نماید.

سه

کنفرانس، تعهد مهم سازمان بین‌المللی کار جهت پیش‌برد برنامه‌های جهانی در بین ملت‌های دنیا را مورد تأیید قرار می‌دهد. برنامه‌های جهانی رسیدن به اهداف زیر را در نظر دارند:

- الف) اشتغال کامل و بالا بردن سطح زندگی.
- ب) استخدام کارگران در مشاغلی که به‌واسطه استفاده از مهارت و هنر خود و

- سهمی که در رفاه عمومی دارند اظهار رضایت کنند.
- (ج) تأمین تسهیلاتی برای آموزش و انتقال کارگران از جمله مهاجرت به منظور اشتغال و اقامت، به‌عنوان وسیله‌ای برای نیل بدین هدف، یا تضمین‌های کافی برای کلیه‌ی اشخاص ذیربط.
 - (د) تنظیم سیاست‌های مربوط به دستمزد و درآمدها، ساعات و سایر شرایط کار، به‌گونه‌ای که کلیه‌ی افراد به‌سهم عادلانه از ثمرات پیشرفت دست یافته و تمامی شاغلان و نیازمندان حمایت‌ها، حداقل دستمزد برای زندگی دریافت نمایند.
 - (ه) به‌رسمیت شناختن حق مذاکره‌ی دسته‌جمعی، همکاری مدیریت و کارگران در بهبود مداوم کارآیی تولید، و تشریک مساعی بین کارگران و کارفرمایان در تهیه و اجرای معیارها و اقدامات اجتماعی و اقتصادی.
 - (و) توسعه‌ی اقدامات تأمین اجتماعی به‌منظور فراهم آوردن درآمد اساسی برای کلیه‌ی اشخاصی که به‌حمایت و مراقبت همه‌جانبه‌ی پزشکی نیاز دارند.
 - (ز) حمایت کافی از زندگی و سلامتی کارگران در کلیه‌ی مشاغل.
 - (ح) تأمین رفاه کودکان و مادران.
 - (ط) تأمین تغذیه و مسکن کافی و ایجاد تسهیلات برای تفریح و سرگرمی و فرهنگ.
 - (ی) تضمین برابری فرصت تحصیلی و حرفه‌ای.

چهار

کنفرانس مطمئن است که استفاده کامل‌تر و وسیع‌تر از منابع تولیدی جهان، که برای دستیابی به‌اهداف و اصول یاد شده در این اعلامیه لازم است، با اقدام بین‌المللی و ملی، از جمله اقداماتی جهت بسط تولید و مصرف، اجتناب از نوسانات شدید اقتصادی، ترویج پیشرفت اقتصادی و اجتماعی مناطق توسعه نیافته‌ی جهان، تضمین ثبات بیش‌تر در قیمت‌های جهانی محصولات اولیه و ترویج حجم زیاد و ثابت تجارت بین‌المللی می‌تواند تضمین شود. کنفرانس متعهد می‌شود که سازمان بین‌المللی کار با دستگاه‌های بین‌المللی که عهده‌دار سهمی از مسئولیت وظیفه‌ی بزرگ ارتقای بهداشت، تعلیم و تربیت و رفاه کلیه‌ی مردمان می‌باشند، همکاری کامل نماید.

پنج

کنفرانس تأیید می‌کند که اصول مندرج در این اعلامیه در مورد تمامی مردمان جهان به‌طور کامل قابل اعمال است. روش اجرای آن‌ها با توجه به مرحله توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی که هر ملتی بدان نائل شده تعیین می‌شود، ولی اجرای روزافزون و مستمر آن در مورد مردمی که هم‌چنان وابسته هستند و مردمی که پیش‌تر به خودمختاری دست یافته‌اند، موضوعی است که نگرانی دنیای متمدن را برانگیخته است.

نگاهی اجمالی به تاریخچه کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های آزاد کارگری و کنفدراسیون جهانی کار

کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های آزاد کارگری ICFTU در سال ۱۹۴۹ طی انشعابی در فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری WFTU^۱ و به‌خاطر دفاع از طرح مارشال در اروپا به‌وجود آمد. این اتحادیه به مدت ۶ دهه بزرگ‌ترین سندیکای بین‌المللی بود. کنفدراسیون جهانی کار WCL^۲ در سال ۱۹۲۰ با نام اتحادیه‌ی بین‌المللی سندیکاهای مسیحی^۳ در ارتباط با احزاب دمکرات مسیحی اروپایی به‌وجود آمد. در دهه‌ی ۱۹۳۰ هنگامی که اعضای آن در کشورهای آلمان، اتریش و ایتالیا سرکوب شدند، فعالیت‌های آن با وقفه روبرو شد و پس از پایان جنگ دوم جهانی، بسیاری از اعضای خود در اروپای شرقی را از دست داد. این اتحادیه در سال ۱۹۶۸ نام خود را به WCL تغییر داد. در طی دوران پس از جنگ بیش‌تر اعضای آن را سندیکاهای کشورهای جهان سوم تشکیل می‌دادند.

اتحادیه‌ی دموکراتیک کارگران ایرانی DUIW وابسته به‌شورای ملی مقاومت عضو

1-World Federation of Trade Unions

Fédération Syndicale Mondiale

2- World Confederation of Labour

3- International Federation of Christian Trade Union

کنفدراسیون جهانی کار بود و نقش به‌سزایی در محکومیت نقض حقوق بنیادین کار در ایران در دهه‌ی ۸۰ و ۹۰ میلادی توسط سازمان بین‌المللی کار داشت. این اتحادیه در دوران مذکور روابط نزدیکی نیز با ICFTU داشت. دولت جمهوری اسلامی تلاش بسیاری به‌خرج داد تا از شرکت اعضای این اتحادیه در مجامع بین‌المللی و مربوط به کار جلوگیری کند.

اول نوامبر ۲۰۰۶ نمایندگان سیصد و شصت تشکل کارگری از یکصد و پنجاه کشور جهان برای بنیان‌گذاری کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری ITUC در وین گردهم آمدند. در این کنگره‌ی مؤسسان که سه روز به‌طول انجامید کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های آزاد کارگری ICFTU با بیش از یکصد و پنجاه میلیون عضو و کنفدراسیون جهانی کار «WCL» با بیست و شش میلیون عضو شرکت داشتند.

در این نهاد جدید ITUC به‌جز این دو اتحادیه بین‌المللی، هشت اتحادیه‌ی ملی که تا آن زمان در سطح بین‌المللی حضور نداشتند نیز شرکت دارند. هدف از تشکیل اتحادیه‌ی بین‌المللی جدید تأثیرگذاری بیش‌تر بر روند جهانی‌شدن و تقویت اتحادیه‌ی بین‌المللی کارگری در برخورد با چالش‌های پیش‌رو می‌باشد.

ضرورت یک مبارزه‌ی هم‌آهنگ برای نمایندگی مؤثر و دفاع از حقوق و منافع کارگران و کارمندان در اقتصاد جهانی، چیزی است که اعضا و رهبران این اتحادیه‌ها را به‌سمت وحدت و یک‌پارچگی سوق داده است.

در واقع از نوامبر ۲۰۰۶ به‌بعد در عرصه بین‌المللی تنها کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری ITUC و فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری WFTU وجود دارند. سندیکاهای کارگران چینی که به‌تنهایی به‌اندازه‌ی نهاد جدید عضو دارند حضور فعالی در عرصه‌ی جهانی ندارند و بالطبع نمی‌توانند از قدرت خود در سطح بین‌المللی به‌نحو احسن استفاده کنند.

نگاهی به تاریخچه فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری و سندیکاهای عضو آن

فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری WFTU در سوم اکتبر ۱۹۴۵ تأسیس شد. در اولین کنگره‌ی آن که از سوم تا هشتم اکتبر ۱۹۴۵ در پاریس برگزار شد هیأت‌های نمایندگی از سوی پنجاه و شش سازمان ملی از پنجاه و پنج کشور و بیست سازمان بین‌المللی که شصت و هفت میلیون کارگر را نمایندگی می‌کردند، شرکت داشتند. این فدراسیون که برای متحد کردن کارگران جهان در یک ارگان واحد بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم تشکیل شده بود، در سال ۱۹۴۹ با انشعابی از سوی اتحادیه‌های کارگری غربی (بورژوازی) بر سر حمایت از طرح مارشال مواجه شد. در این تاریخ اتحادیه‌های کارگری غربی، کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های آزاد کارگری را ایجاد کردند که بعدها مهم‌ترین اتحادیه‌ی کارگری در سطح بین‌المللی شد.

از این تاریخ به بعد فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری WFTU مرکب بود از اتحادیه‌های کارگری دولتی کشورهای کمونیستی و اتحادیه‌های کارگری وابسته و یا هوادار احزاب کمونیست در سراسر جهان. تعدادی از این اتحادیه‌ها از جمله اتحادیه‌های کارگری یوگسلاوی و چین بعد از آن که دولت‌های‌شان به لحاظ ایدئولوژیک با اتحاد شوروی و «اردوگاه سوسیالیسم» دچار مشکل شدند این فدراسیون را ترک کردند.

فعالیت WFTU پس از سقوط «اردوگاه سوسیالیسم واقعاً موجود» در شرق اروپا محدود شد و تعدادی از اتحادیه‌های عضو آن نیز به کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های آزاد کارگری ICFTU پیوستند. دفتر مرکزی این «فدراسیون» هم‌چنان در پراگ قرار دارد و مدعی‌ست تلاش می‌کند اتحادیه‌های منطقه‌ای در جهان سوم را در مبارزه علیه امپریالیسم، راسیسم، فقر، مشکلات محیط زیستی و استثمار کارگران تحت سلطه‌ی سرمایه‌داری از یک سو و دفاع از اشتغال کامل، تأمین اجتماعی، تأمین بهداشت و حقوق سندیکایی از سوی دیگر شکل دهد.

در تیرماه سال ۱۳۲۵ لویی سایان دبیرکل WFTU در پی اعتصاب بزرگ کارگران نفت

بر ضد انگلیسی‌ها در خوزستان به این منطقه سفر کرد و به اتفاق ایرج اسکندری^۱ و رضا روستا به آذربایجان رفته و از اصفهان دیدار به عمل آورد. به مناسبت ورود سایان از طرف اتحادیه‌های کارگران تهران متینگ مفصلی داده شد. در نتیجه‌ی این دیدار و مشاهدات و تحقیقی که سایان انجام داد شورای متحده، سندیکای وابسته به حزب توده یک سال پس از تشکیل این فدراسیون، در سال ۱۳۲۵ به عضویت آن درآمد. از همان ابتدا اتحادیه‌ی مرکزی کارگران و برزگران ایران به ریاست یوسف افتخاری نسبت به پذیرفته شدن سندیکای وابسته به حزب توده به عنوان یگانه نماینده‌ی کارگران ایران معترض بود و در نامه‌نگاری‌های متعدد خواهان دعوت از این سندیکا برای شرکت در کنفرانس‌ها بود. در ۴ فروردین ۱۳۲۶ هیأت فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری در پی اعتراض حزب توده نسبت به سرکوب فعالان کارگری و این حزب در خوزستان به ایران سفر کرد و دیداری نیز با هیأتی مرکب از دوازده نفر از نمایندگان اتحادیه‌ی کارگران نفت به رهبری یوسف افتخاری داشت.

«فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری»

همراه جمهوری اسلامی رو در روی کارگران ایرانی

پس از پیروزی انقلاب ضدسلطنتی و در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی هیچ شکایتی از سوی «فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری» WFTU که دارای روابط گسترده با کشورهای سوسیالیستی، احزاب و اتحادیه‌های کمونیستی و از جمله حزب توده و فداییان اکثریت بود دیده نمی‌شود.

این فدراسیون که مدعی است در ۶۰ سال گذشته در کنار بورژوازی، مونوپولیست‌ها، سرمایه‌داران، شرکت‌های چندملیتی و امپریالیست‌ها نبوده و هیچ‌گاه موضعی خنثی نداشته و همیشه در کنار مبارزات کارگران برای دستیابی به حقوق پایه‌ای‌شان در سراسر جهان بوده است در پنجاه سال گذشته هیچ تلاشی برای طرح شکایت علیه دولت شاهنشاهی و جمهوری اسلامی و در حمایت از حقوق اولیه کارگران ایرانی به عمل نیاورده است.

افتضاح به وجود آمده توسط این دست از «فدراسیون‌های جهانی کارگری» در سی سال

۱- اسکندری یک هفته بعد در دولت ائتلافی قوام‌السلطنه به وزارت بازرگانی و پیشه و هنر رسید ولی عمر وزارت او دو ماه و نیم بیشتر دوام نیاورد چرا که پس از شکست پیشه‌وری و دولت محلی آذربایجان، قوام نیازی به اتحاد با حزب توده نمی‌دید.

گذشته تنها به سکوت در مقابل نقض فاحش حقوق کار توسط جمهوری اسلامی ختم نمی‌شود. آن‌ها در طول سه دهه گذشته چه هنگامی که اردوگاه سوسیالیسم برقرار بود و چه بعد از فروپاشی آن از انجام هیچ اقدامی در حمایت از رژیم جمهوری اسلامی فروگذار نکرده‌اند.

تنها در هفت سال گذشته سه بار هیأت‌های عالی‌رتبه‌ی این «فدراسیون جهانی کارگری» که تحت نام «چپ» و «ضدامپریالیسم» به رژیم‌های دیکتاتوری خدمت می‌کند به ایران سفر کرده و کوشش نموده‌اند موقعیت «خانه‌ی کارگر» اهرم اصلی دولت جمهوری اسلامی برای سرکوب کارگران ایرانی را به‌عنوان نمایندگان واقعی کارگران ایرانی تثبیت کنند. در سال ۲۰۰۲ الکساندر ژاریکوف، دبیر کل فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری در رأس هیأتی به دعوت خانه‌ی کارگر از ایران دیدار کرد.

ژاریکوف در دیدار با اعضای کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران وابسته به سازمان «اکثریت» و در پاسخ به توضیحات اعضای این کمیسیون که خانه‌ی کارگر و شوراهای اسلامی کار را مانع بروز اعتراضات کارگری معرفی می‌کنند، ضمن تأیید سیاست «فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری» دفاع سرسختانه‌ای از رژیم و نهادهای کارگری آن تحت عنوان «سندیکا و اتحادیه‌های مستقل مخالف با سلطه جهانی آمریکا» به عمل آورده، می‌گوید:

«ایران کشور بزرگی است و ما به اهمیت آن در منطقه ارزش قائل هستیم. خیلی‌ها می‌کوشند با ایران رابطه داشته باشند و ما هم قبل از این که درها بسته شود به دعوت آن‌ها جواب مثبت دادیم و رفتیم از (در متن اصلی به همین صورت نوشته شده) شهرهای تهران، اصفهان و شیراز صحبت کردیم. استراتژی F.S.M عبارت است از گردآوری هر چه بیش‌تر نیرو و جذب تشکل‌های کارگری، حمایت از سندیکا و اتحادیه‌های مستقل مخالفت با سلطه‌ی جهانی آمریکا و مبارزه با اقتصاد لیبرالی و دفاع از فلسطین.»^۱

در دسامبر ۲۰۰۴ الکساندر ژاریکوف، دبیر کل این فدراسیون به همراه ادیب میرو مسئول دفتر آسیایی این فدراسیون به دعوت علیرضا محجوب دبیر کل خانه‌ی کارگر و نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی به ایران سفر کرده و با رهبران «خانه‌ی کارگر» و «شوراهای اسلامی کار» دیدار کردند. این دیدار در حالی انجام گرفت که کارگران شهر بابک در اثر

1- <http://www.fadai.org/kar/unicode/k294/karga294.htm>

شلیک نیروهای سرکوبگر در خون خود غلتیده بودند.

در پانزدهمین کنگره‌ی فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری که در دسامبر ۲۰۰۵ در هاوانا برگزار شد، علیرضا محجوب نماینده‌ی مجلس و دبیرکل خانه‌ی کارگر و نمایندگان کمیسیون کارگری سازمان فدائیان اکثریت توأمان شرکت داشتند. اعضای سازمان اکثریت و حزب توده به دروغ مدعی بودند که محجوب تنها به دعوت شخصی ادیب میرو در کنگره شرکت داشت! در حالی که قول و قرار دعوت از آن‌ها برای شرکت در کنگره در سفر قبلی دبیرکل «فدراسیون» به تهران وعده داده شده بود.

وابستگان سازمان اکثریت تلاش داشتند ارتباطات وسیع و گسترده «فدراسیون» مربوطه با جمهوری اسلامی و نهادهای کارگری آن را به تلاش‌های یک عضو اهل سوریه آن تقلیل دهند اما تحولات بعدی بطلان ادعای وابستگان سازمان «اکثریت» را به خوبی نشان داد.^۱

در جولای ۲۰۰۷ هیأت ویژه‌ی این فدراسیون و دبیرکل جدید آن جورج ماوریکوس دوباره به ایران سفر کرده و با رهبران خانه‌ی کارگر و شوراهای اسلامی کار دیدار به عمل آوردند و دوشادوش رهبران خانه‌ی کارگر در قزوین برای کارگران ایرانی سخنرانی کردند!^۲

در این دیدار آن‌ها از خانه‌ی کارگر برای شرکت در کنفرانس‌شان به‌عنوان نمایندگان کارگران ایران دعوت به عمل آوردند. این دیدار تنها شش روز پس از ربودن منصور اسالو و به‌بند کشیدن او توسط دستگاه قضایی که هنوز هم ادامه دارد اتفاق افتاد. زبان و گلوی اسالو پیش‌تر با چاقو توسط گردانندگان خانه‌ی کارگر و شورای اسلامی کار بریده شده بود. این دیدار در حالی صورت گرفت که محمود صالحی یکی دیگر از فعالان کارگری که به خاطر بزرگداشت اول ماه مه و تلاش برای تشکیل ابی کارگران سقزی دستگیر شده بود در شرایط نابسامانی در زندان به سر می‌برد.

حتا دبیرکل سازمان بین‌المللی کار هم به کمپین آزادی منصور اسالو و محمود صالحی

1- www.kar-online.com/kargari/kargari-Elamie_Kom-ert_Sandika-250984.html

۲- در آدرس زیر عکس‌های دیدار سال ۲۰۰۷ هیأت عالی‌رتبه‌ی این فدراسیون از ایران را می‌توانید ملاحظه کنید:

<http://picasaweb.google.com/wftucentral/WFTUDelegationVisitsWorkersHouseIranJuly16202007>"ht

[/www.fadai.org/kar/unicode/k294/karga294.htm](http://www.fadai.org/kar/unicode/k294/karga294.htm)

پیوست ولی اقدامی از سوی این «فدراسیون» دیده نشد. این فدراسیون در هیچ کوشش جهانی برای آزادی کارگران ایرانی در کنار سندیکاهای بین‌المللی قرار نگرفت. در حالی که یکی از شعارهای این فدراسیون در اول ماه مه ۲۰۰۷ این بود که «پنج کوبائی زندانی در آمریکا را آزاد کنید».

این سیاه‌کاری در حالی صورت می‌گیرد که «کمیسیون روابط سندیکایی کارگران ایران» عضو رسمی این نهاد است و در سال ۲۰۰۲ مدعی بود که در دیدار با الکساندار ژاریکوف دبیر کل این فدراسیون و هیأت همراه که به تازگی از سفر به ایران بازگشته بودند اطلاعات کافی و جامع نسبت به «خانه‌ی کارگر» ارائه داده‌اند. هم‌چنین «کمیسیون» مربوطه مدعی بود ژاریکوف در مقابل به آن‌ها گفته است:

«کمیسیون روابط سندیکایی کارگران ایران تنها عضو رسمی از طرف کارگران ایران در F.S.M می‌باشد و ما نظریات کمیسیون را در تصمیم‌گیری‌های خودمان در باره‌ی ایران مبنای قرار می‌دهیم.»

هم‌چنین وابستگان سازمان «اکثریت» مدعی بودند در کنفرانس هاوانا به اندازه‌ی کافی در مورد ماهیت خانه‌ی کارگر، شوراهای اسلامی کار و... نزد اعضای فدراسیون مربوطه افشاگری کرده‌اند.

البته ذکر این نکته ضروری است که خوشبختانه جز وابستگان حزب توده و سازمان اکثریت کسی دل به چنین نهادهایی نبسته است و دست‌شان برای فعالان کارگری ایرانی رو شده است و برای همین هیچ‌یک از آن‌ها کوچک‌ترین توجهی به نهاد نمی‌کند. بایستی به این حقیقت اذعان داشت دفاع از حقوق کارگران ایرانی در صحنه‌ی بین‌المللی به‌ویژه در سی سال گذشته را تنها سندیکاهای کشورهای غربی (بورژوازی) مانند EI, ICFTU, WCL, ITUC, ITF ... به‌عهده داشته‌اند! اتفاقاً نه تنها کارگران و فعالان سندیکایی در ایران که بخشی از گروه‌ها و افراد سیاسی چپ نیز پس از آغاز هزاره‌ی سوم برای طرح دعاوی‌شان در سطح بین‌المللی به این نهادها روی آورده‌اند و از آن‌ها می‌خواهند که به‌نماینده‌ی از سوی آن‌ها شکوائیه صادر کنند؛ چرا که در عمل دیده‌اند نیروها و افرادی که داعیه‌ی مبارزه با سرمایه‌داری و گلوبالیزاسیون و امپریالیسم و استثمار و حمایت از حقوق کارگر و... را دارند علیرغم شعارهایی که می‌دهند، در عمل

در کنار نیروهای سرکوبگر و استثمارگر در جهان سوم قرار دارند و توجیه‌گر جنایات و نقض حقوق بشر از سوی آنها هستند. این موضوع تنها منحصر به حقوق کارگران ایران نمی‌شود بلکه در ارتباط با حقوق بشر و حقوق زنان نیز فعالیتی از این گروه‌ها در سطح بین‌المللی به نفع مردم ایران و در محکومیت نقض حقوق بشر دیده نشده است و متأسفانه تحت شعار مبارزه ضدامپریالیستی به دفاع از رژیم پرداخته‌اند.

کافیست نگاهی کنیم به لیست کشورهایایی که در سال‌های گذشته به قطع‌نامه‌های نقض حقوق بشر توسط دولت جمهوری اسلامی رأی منفی داده‌اند تا این حقیقت بیش از پیش بر ما آشکار شود.

نکات مهم گزارش سفر

هیأت مشاوره‌ی سازمان بین‌المللی کار به ایران

که از تاریخ ۲۷ سپتامبر تا سوم اکتبر سال ۲۰۰۲ صورت گرفت

تشکیلات آزاد و مستقل کارگری

هیأت تلاش کرد تا نقطه نظرهای مربوط به اجرای ماده‌ی ۱۳۱، تبصره‌ی ۴، قانون کار را (که طبق آن کارگران هر واحد می‌توانند یک «شورای اسلامی کار»، یک تشکل صنفی یا نمایندگی‌های کارگری تشکیل دهند) را بشنود. به‌ویژه برای هیأت، این امر اهمیت داشت که نقش هر یک از انواع نمایندگی‌های کارگری، همچنین مقدمات و پی‌آمدهای این نقش را درک کرده و به‌شناخت بهتری دست یابد.

تمام افرادی که از گروه نمایندگی کارگری با آنان گفت‌وگو شد، اعلام کردند که شرایط کنونی به‌اندازه‌ی کافی در برگیرنده‌ی اصول نمایندگی کارگری در کشور نیست. اعضای شوراهای اسلامی خواهان آن بودند که در برابر دخالت‌های هر دو جناح «کارفرمایی» و «دولت»، آزادی عمل بیشتری داشته باشند. این گروه از این که قانون، برای دولت، نقش بزرگی در تشخیص صلاحیت کاندیداهای شورای اسلامی کار، در تمامی سطوح، مقرر کرده و همچنین به کارفرما این حق را داده است که در خلال

نشست‌های شورا شرکت کند و رأی دهد، شکایت داشتند. اعضای خانه‌ی کارگر و انجمن‌های صنفی به‌ثبت رسیده نیز از این جریان ناخشنود بودند.

این گروه‌ها بر این عقیده بودند که قدرت هیأت‌های سه‌جانبه‌ی تشخیص و حل اختلاف برای انحلال یک شورا، معرف مداخله‌ی آشکار و غیرقابل قبول است، به‌ویژه آن که این هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف، عمدتاً به‌یافتن راه‌حلی‌هایی علیه شوراها تمایل دارند تا علیه کارفرماها، حتا اگر دستور کار آن هیأت‌ها، بررسی سوءرفتار مدیریت و کارفرما باشد.

قابل توجه آن که کانون عالی انجمن‌های صنفی ایران که گروه کارفرمایی را نمایندگی می‌کند نیز عقیده داشت که نمایندگی‌های کارگری، در شرایط کنونی، به‌قدر کافی آزاد و مستقل نیستند. گروه کارفرمایی، استقلال و آزادی عمل نمایندگی‌های کارگری را از این جهت قابل اهمیت می‌داند که بتوانند با نمایندگی‌های واقعی و راستین کارگری در مورد جزییات امور، گفتگو و در نهایت نظر خود را به آنان تحمیل کند.

گروه کارفرمایی از ثبت برخی تشکل‌های کارگری در سایر وزارتخانه‌ها به غیر از وزارت کار، ابراز نگرانی کردند. بر اساس قانون، تشکل‌های کارفرمایی که در وزارت بازرگانی به‌ثبت رسیده‌اند، نمی‌توانند به‌عضویت کانون‌های عالی خود درآیند، همچنان که خانه‌ی کارگر نیز چون در وزارت کشور به‌ثبت رسیده است، نمی‌تواند قراردادهای دسته‌جمعی منعقد کند. کانون عالی کارفرمایی ایران معتقد است، بهترین راه آن است که تشکل‌های کارگری و کارفرمایی در وزارت کار به‌ثبت برسند.

نمایندگان خانه‌ی کارگر نیز به‌موانع قانونی برای فعالیت و عمل کرد آزاد شوراهای اسلامی کار، هم به‌لحاظ مداخله‌ی مدیریت در امور روزانه و هم مداخله دولت در رابطه با تعیین صلاحیت کاندیداها، اشاره کردند.

خانه‌ی کارگر در مورد عمل کرد انجمن‌های صنفی و شوراهای اسلامی کار و تفاوت‌ها و مشترکات آن‌ها توضیحات مشروحی ارائه داد.

فعالیت‌های سیاسی و استقلال جنبش اتحادیه‌ی صنفی

نمایندگان «انجمن‌های صنفی» و «نمایندگان شوراهای اسلامی کار استانی» نسبت

به سلطه‌ی خانه‌ی کارگر در ساختار کنونی معضل کار، ابراز نگرانی شدید کرده و آن را نامطلوب دانستند. این نمایندگان، خانه‌ی کارگر و تشکیلات آن را به خاطر داشتن جهت‌گیری‌های عمدتاً سیاسی، یک تشکل صنفی قلمداد نکرده و اظهار داشتند که خانه‌ی کارگر به جای ثبت در وزارت کار، در وزارت کشور که مسئولیت ثبت احزاب سیاسی را به عهده دارد، به ثبت رسیده است و دبیرکل آن، خود، رهبر یک جناح سیاسی است.

به جز وابستگان تشکیلات خانه‌ی کارگر کلیه‌ی گروه‌های کارگری در دیدار با اعضای هیأت، جملگی بر این عقیده بودند که حاکمیت و سلطه‌ی این نهاد، به طور کلی به نفع کارگران نیست. آن‌ها هم‌چنین از این که برای سال‌های متمادی، خانه‌ی کارگر به عنوان تنها ارگان کارگری برای شرکت در کنفرانس‌ها، سمینارها و کارگاه‌های مرتبط با سازمان بین‌المللی کار انتخاب شده است، شکایت داشتند و تصریح کردند، خانه‌ی کارگر نماینده‌ی واقعی گروه کارگری نبوده است.

به لحاظ اهمیت موضوع، هیأت سازمان بین‌المللی کار از ابتدای امر به انجام ملاقات با نمایندگان خانه‌ی کارگر پافشاری کرد. این پافشاری بیش‌تر به این علت بود که دولت نمایندگان خانه‌ی کارگر را به مدت طولانی در قالب هیأت‌های کارگری، در کنفرانس‌ها و اجلاس‌های مختلف سازمان بین‌المللی کار انتخاب می‌کرد. با توجه به این پیشینه، برای هیأت سازمان بین‌المللی کار ملاقات با نمایندگان خانه‌ی کارگر، هر چند که دولت دیگر آن را به عنوان تنها نهاد و کارگزار اصلی کارگران نمی‌شناسد، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر بود. به این ترتیب در برنامه‌ی پایانی، ملاقات با نمایندگان خانه کارگر (یکی از آن‌ها در ملاقات اول با معاون روابط کار نیز شرکت داشت) و اعضای شوراهای اسلامی کار (از جمله رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار) در ساختمان خانه‌ی کارگر، انجام شد. در پایان این دیدار، خانه‌ی کارگر از این که برنامه‌ی تنظیمی ملاقات‌ها فاقد نشست با خانه‌ی کارگر و از جمله با دبیرکل آن بوده است، شکایت کرد.

نتیجه‌گیری‌ها و پیشنهادها:

بر اساس نتایج حاصل از گفتگوها، برای هیأت محرز شد که بر اساس آن چه که در کشور اعمال می‌شود، نمایندگی‌های مختلف کارگری در سطح واحد کار، دارای نقش‌های

مشابه بوده و تداخل و مشترکات بسیار گسترده‌ای وجود دارد. در حالی که برای همه‌ی طرف‌های ذیربط مشخص است که قوانین و مقررات مربوط به‌تشرکات و انجمن‌های صنفی، آزادی بیش‌تری در انتخاب نمایندگان خود و فعالیت روزمره‌شان به‌آن‌ها می‌دهد، اما وضعیت جاری در سطح واحد کار، ناقض مفهوم واقعی آزادی انجمن، مندرج در مقاله‌نامه‌ی شماره‌ی ۸۷ است. انجمن‌ها همانند شوراهای اسلامی کار، به‌محض آن‌که به‌ثبت می‌رسند، نمایندگی تمامی کارگران واحد مربوطه را دارند و همانند روش شوراهای کارفرما به بحث و گفت‌وگو می‌پردازند. هیچ‌کس نمونه‌ای از یک توافق واقعی دسته‌جمعی در محیط کار ارائه نمی‌دهد. تعمق بیش‌تر، در شناخت نقش‌های متعدد و هم‌چنین در گسترش اختیارات نمایندگی منافع نیروی کار در محیط کار ضروری است.

نهادهای آزاد و مستقل کارگری

تمام طرف‌های مورد مذاکره، متفقاً خواستار آن بودند که نهاد کارگری به‌صورت مستقل و آزاد از مداخله‌ی نهادهای دولتی تشکیل شود و فعالیت کند و از مدیریت واحد نیز برخوردار نباشد.

هیأت معتقد است که تشکیلات انجمن صنفی در تمام سطوح (واحد کار، صنعت، منطقه و ملی)، بهترین نمونه برای تحصیل این آزادی و استقلال است. با آن‌که شوراهای اسلامی کار نقش مهمی در روابط کار ایران در طول دو دهه‌ی اخیر، ایفا کرده‌اند، لیکن هیأت براین عقیده است که شوراهای بدون انجام اصلاحات اساسی در قوانین حاکم بر تاسیس و فعالیت آن‌ها، نمی‌توانند نقش آزاد و مستقل نمایندگی کارگری را به‌طور کامل ایفا کنند.

هیأت، اصلاح ماده‌ی ۱۳۱، تبصره‌ی ۴، قانون کار را ساده‌ترین و مستقیم‌ترین اقدام برای ارتقای نهضت آزاد و مستقل تشکل صنفی در ایران می‌داند. به‌این ترتیب اطمینان حاصل می‌شود که در نمایندگی اشکال مختلف تشکل‌های کارگری، انحصارطلبی وجود ندارد و با تمرکز و دقت‌نظر در نقش‌های متعددی که آن‌ها در نمایندگی منافع مختلف کارگری ایفا می‌کنند، می‌توان وظایف‌شان را دقیقاً تعیین و تعریف کرد.

مشخصاً این به‌مفهوم حذف کلمات «فقط» و «یا» در تبصره‌ی ۴، و مهم‌تر از آن، تدوین قانون یا مقرراتی است که حق کارگران را مستقلاً در ایجاد تشکل‌های صنفی، بدون محدودیت‌های قبلی، به‌رسمیت بشناسد.

هدف این قانون یا مقررات، تضمین ماهیت مستقل و غیروابسته تشکل‌های صنفی و تضمین حق آن‌ها در فعالیت و عمل کرد آزاد، در راستای استانداردهای مندرج در مقاله‌نامه‌ی شماره‌ی ۸۷ - آزادی انجمن - است. عضویت در یک تشکل حتا در سطح واحد، الزامی و اجباری نیست، بلکه باید مبتنی بر انتخاب آزاد و داوطلبانه باشد؛ هم‌چنان که در اساسنامه‌ی «انجمن روزنامه‌نگاران ایران» آمده است.

هیأت سازمان بین‌المللی کار، تنها وزارت کار و امور اجتماعی را به‌عنوان دستگاه مسئول برای ثبت نهادهای کارگری و کارفرمایی می‌شناسد و این امر باید در قانون یا مقررات مربوطه نیز تصریح شود.

فعالیت‌های سیاسی و استقلال تشکل صنفی

هیأت سازمان بین‌المللی کار بر این اعتقاد است که بخش اعظم مشکلاتی که از سوی افراد مورد مذاکره و به‌واقع از سوی خود دولت در رابطه با فعالیت‌های سیاسی نهادهای کارگری ابراز شد، می‌تواند از طریق تدوین و تصویب قانون یا مقررات مربوط به تشکل صنفی با یک تعریف مشخص و روشن، در وزارت کار، رفع و حل شود. و اقدامات و فعالیت‌های غیرصنفی، شبیه به نقشی که خانه‌ی کارگر برعهده دارد، در اداره‌ی نهادها و تشکل‌های کارگری خاتمه یابد.

در صورت تدوین قانون جدید تشکل صنفی، انتظار می‌رود که تمامی نهادهایی که در دفاع از منافع اعضای خویش ایجاد می‌شوند در وزارت کار به‌ثبت برسند، این‌گونه تشکل‌ها در صورت تحقق شرایط منطقی عضویت، می‌توانند بلافاصله، در سطح واحد، در سطح صنعت، در سطح منطقه، و نهایتاً در سطح ملی ایجاد شوند.

قانون مورد اشاره می‌تواند مشخصاً تصریح کند که رهبران تشکل‌های صنفی نمی‌توانند هم‌زمان داوطلب مشاغل سیاسی و یا رهبری جناح‌های سیاسی شوند.

مسائل متفرقه

هیأت بر این اعتقاد است که انجام تغییراتی که در بالا برای قوانین و مقررات کار پیشنهاد شد، می‌باید توأم با آموزش منظم کارگران، کارفرمایان، و دولت، در رابطه با حقوق و وظایف مندرج در نظام روابط کار براساس نهادهای مستقل و آزاد کارگری و کارفرمایی باشد.

آموزش مورد نظر، می‌تواند موضوع مهم «مذاکره‌ی دسته‌جمعی» را شامل گردد. مذاکرات گسترده‌ای در خصوص شرایط اشتغال میان ارگان‌های کارگزار کارگری با مدیریت یا کارفرمایان در سطح محیط کار انجام گرفته، اما به نظر نمی‌رسد که مذاکره‌ی گسترده و واقعی منطبق بر مقررات و استانداردهای کار، در رابطه با توافقات دسته‌جمعی صورت گرفته باشد.

در جریان دیدار، هیأت سازمان بین‌المللی کار از برخی اعتصابات که به وقوع پیوسته مطلع شد، هر چند که به نظر نمی‌رسد این اعتصابات خیلی عادی باشد. در هر صورت، مشخص شد که نهایتاً اختلافات از طریق یک نوع داوری اجباری حل و فصل شده است.

در این ارتباط، هیأت سازمان بین‌المللی کار یادآور می‌شود که ماهیت داوطلبانه و آزاد مذاکره‌ی دسته‌جمعی تنها می‌تواند در نداشتن محدودیت‌های نظام یافته‌ی «حق اعتصاب» کاملاً تحقق یابد.

دستگاه نظارتی سازمان بین‌المللی کار

گزارش‌های دولت‌ها
نظرات کارگران و کارفرمایان

کمیته متخصصین در ارتباط با اجرای مقابله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌ها

تقاضای مستقیم فرستاده شده
به دولت‌ها

مشاهدات منتشر شده در گزارش
به کنفرانس بین‌المللی کار

کمیته کنفرانس در ارتباط با اجرای استانداردها

کارگران دولت‌ها کارفرمایان

پاراگراف ویژه در گزارش ارائه شده به کنفرانس بین‌المللی کار



محمدعلی ابرندی

در حال سخنرانی در میتینگ سندیکای کارگران پروژه‌های و فصلی آبادان و حومه ۱۳۵۸، آبادان

با محمدعلی ابرندی «عمو» در سال ۱۳۶۳ در زندان قزل حصار آشنا شدم و از همان ابتدا دوستی عمیقی بین ما به وجود آمد که تا آخرین دم حیات او ادامه یافت. وی در سال ۱۳۰۵ در روستای ابرند در نزدیکی یزد به دنیا آمد و از سال‌های اولیه دهه‌ی بیست در شرکت ملی نفت و پروژه‌های حفاری شرکت‌های نفتی انگلیسی و آمریکایی به‌عنوان کارگر ساده استخدام، و به‌دلیل هوش سرشاری که داشت به‌زبان محاوره‌ای انگلیسی مسلط شد. عمو به‌خاطر مبارزاتی که در دفاع از حقوق کارگران داشت بارها از کار بی‌کار شد.

محمدعلی ابرندی پس از انقلاب سخنگوی سندیکای کارگران پروژه‌های، و در انتخابات اولین دوره‌ی مجلس شورای ملی در سال ۵۸ کاندیدای مورد حمایت سازمان چریک‌های فدایی خلق از آبادان بود. عمو بعد از انشعاب در این سازمان، به‌همکاری با جناح اقلیت آن پرداخت.

در خرداد ۶۲ دستگیر شد و تحت شدیدترین شکنجه‌ها قرار گرفت. در آبان ۶۶ در حالی که به‌تازگی سی‌وهشتمین سالگرد ازدواج او را جشن گرفته بودیم، در زندان گوهردشت، در اثر سکته قلبی و عدم رسیدگی پزشکی جان باخت.

عکس بالا، تنها عکسی است که از محمدعلی ابرندی در دسترس من بود؛ به دلیل اهمیت وی در مبارزات کارگری در ایران و نیز جایگاه ویژه‌ای که در ذهن و حس من به‌جای گذارده، با وقوف به کیفیت نامناسب عکس، آن را به چاپ می‌رسانم.

نمایه

ادیب، ... ۹۵
ارشد، اما ۱۱۵
ارفع الدوله، میرزارضا خان ۶
اسالو، منصور ۷۱-۷۶، ۹۰، ۱۱۶، ۱۴۱-
۱۴۴، ۱۴۶، ۲۹۶
اسانلو، منصور رجوع کنید به اسالو،
منصور
استفنز، اوریا ۲
اسدی، خالد ۹۷
اسکندری، ایرج ۱۱۳، ۲۹۳
اسکی بغدادی، احمد ۹۴، ۹۶
اسلامیان، محمد ۱۴۴
اسماعیل پور، ابراهیم ۹۵
اسماعیل پور، عمر ۹۵، ۹۶
اسماعیلی، قلی ۲۰۴
اطهری، حمید ۹۳
افتخاری، یوسف ۵۳، ۷۱، ۱۱۳، ۲۹۳
اقبال، منوچهر ۴۲
اقدام دوست، محمدتقی ۱۲۶
اکبری، ... ۱۴۳
الحسینی، حسن ۲۲۵

اشخاص

آ

آبکاشک، مصطفی ۹۹
آزادی، طه ۹۲
آگو، روبرت ۲۴
آلنده، سالوادور ۱۹

ا

ابخراباد، یوسف ۹۴، ۹۶
ابرندی، محمدعلی ۹۹
ابراهیم خالص، آرام ۹۳
ابراهیم زاده، رحمان ۹۶
ابراهیم زاده، لقمان ۹۶
ابراهیمی، فرهاد ۹۶
ابراهیمی، علی ۱۴۳
احمدی، جلیل ۸۶، ۸۷
احمدی پنجگی، پرویز ۱۱۵
احمدی پور، صمد ۹۶
احمدی نژاد، محمود ۷۷، ۷۸، ۱۰۶، ۱۱۶،
۱۹۷، ۱۹۸، ۲۱۲، ۲۱۴

امانی، شیث ۹۲، ۹۳

امجدی، رضا ۹۵

امجدی، صدیق ۹۳، ۹۵

امیرخانی، نعمت‌الله ۱۴۳

امیرکبیر، میرزا تقی‌خان ۳۷

امیری، بیژن ۹۶

امینی، حسام ۹۶

اندریانی، عباس ۹۳-۹۵

انصاری، سمیر ۱۱۵

انگلس، فریدریش ۲، ۴، ۵

اوئن، روبرت ۱، ۱۱

ب

باباخانی، عطا ۱۴۴

بابایی‌نهایندی، مسعود علی ۱۴۴

باتلر، هارولد ۴، ۶، ۷

باجالانی، بابک ۹۲

بحرینی، ... ۱۳۰

بخشنده، کوروش ۹۵، ۹۷

برهانی، ناصر ۱۱۶

بسحاق، رحیم ۸۷

بلانشارد، فرانسوا ۹، ۱۳

بوربور، رضا ۱۴۳

بوکانی، خسرو ۹۵، ۹۶

بولانندی، علی ۱۲۶

بهادری، جمیل ۱۴۴

بهرامی، حسن ۷۶

بهرامی، ... ۱۱۶

بهروز، بهروز ۹۶

بهشتی، سید محمد (آیت‌الله) ۵۵، ۶۲

بهشتی‌زاد، فرشید ۱۴۵

بهشتی‌لنگرودی، محمود ۱۴۰

بیات، کاوه ۱۱۳

پ

پارسا، محمد ۱۱۷

پارسادوست، فریدون ۱۲۶

پدر، ... ۹۵

پرنس ارفع-رجوع کنید به ارفع‌الدوله،

میرزا رضاخان

پلخانیف، گئورگی ۳

پنالوزا، آنتونیو ۱۴۶

پوجوتن، رضا ۱۲۹

پورزنجان، علی‌عباس ۱۲۹

پهلوی، (خاندان) ۳۴، ۳۷

پهلوی، رضاشاه ۵۳

پیروتی، حسین ۹۴، ۹۶

پیرهادی، علی‌اکبر ۱۴۴

پیشه‌وری، جعفر ۲۹۴

پینوشه، آگوستو ۱۹

ت

تاخیری، امیر ۱۴۳

تاپیولا، کاری ۱۰۶

تاج‌الدینی، عبدالرحمن ۶۳

تاجبخش، محمدحسین ۱۱۳

ترابی، سعید ۱۴۳

ترابیان، سعید ۱۴۴

ترازی، عبدالرضا ۱۴۳

تروتسکی، لئون ۳

تفرشی، مجید ۱۱۳

تنومند، هادی ۹۴، ۹۵، ۹۶

تنها، رحمان ۹۶

توکلی، احمد ۴۴، ۵۵

توکلی، غلامرضا ۶۰

توماس، آلبرت ۶، ۱۲، ۲۵

ج

جدیدی، آیت ۱۴۴

جراحی، محمد ۹۷

جرنیگان، برنارد ۱۰۱

جلالی، ناهید ۱۱۵، ۱۱۶

جلودارزاده، سهیلا ۶۳، ۱۱۴، ۱۱۵
جنگلی، میرزا کوچک خان ۳۷
جوادی، ... ۱۳۹
جوادی، حسین ۱۴۳
جهانگیر، اسما ۱۹۷
جهرمی، ... ۴۶، ۷۷

چ

چتانی، طیب ۹۳
چگینی، ... ۷۳
چهارمحالی کائیدی، علی ۹۸

ح

حاج علی وند، حسن ۱۴۳
حجتی، هوشنگ ۱۱۷
حسینی، محمد ۹۶
حسین پناهی، شاهو ۹۴
حسینی، آزاد ۹۷
حسینی، جلال ۹۱، ۹۶، ۱۴۰
حسینی، خالد ۹۵
حسینی، سید بهروز ۱۴۴
حسینی، علی ۹۳، ۹۶
حسینی، غالب ۹۳، ۹۵
حفیظی، دکتر محمد علی ۱۳۹
حکیمی، کاوه ۹۶
حکیمی، محسن ۹۶، ۱۴۰
حمزه‌ای، محمد ۱۱۵، ۱۱۷
حمیدی، مجید ۹۳، ۹۵
حیات غیبی، منصور ۱۴۳، ۱۴۴
حیدری پور، محمد ۸۶، ۸۷
حیدری مهر، محمد ۸۷

خ

خاتمی، محمد ۶۲-۶۷، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۸۹،
۱۹۱، ۱۹۷
خامنه‌ای، سید علی ۶۷، ۱۹۷

خانعلی، عبدالحسین ۱۳۱، ۱۳۲
خانی، عبدالله ۹۳
خانی، غلامرضا ۱۴۴
خباز، بهروز ۹۵
خباز، علیرضا ۹۵
خداداد، صدیق ۹۶
خدایی‌ها، حسین ۷۶
خسروی، صدیق ۹۵، ۹۶
خلیل بهرامی، سید محمد ۱۱۶
خلیلی، شبیو ۹۲
خمینی، روح‌الله ۴۵، ۶۲، ۷۷
خندان، محمد صادق ۱۴۴
خواجه نوری، محسن ۱۰۵، ۱۰۶
خوش‌مرام، غلامرضا ۱۴۴
خویی، ... (برادران) ۳۸
خیرآبادی، شیوا ۹۳

د

دادخواه، سید محمد حسین ۱۴۴
درویشی، هوشنگ ۱۱۷
دولت‌آبادی، مهدی ۱۱۳
دهقان دهنوی، صدیقه ۱۱۵
دیده‌پور، جهان ۱۳۰
دیوارگر، برهان ۹۱، ۱۴۰

ذ

ذاتی، علی اصغر ۱۴۰

ر

رازانی، سوسن ۹۳
راست‌خدیو، جمیل ۹۶
رامادیر، پل ۲۴
رایدر، گای ۷۰
ربیعی، علی ۵۵، ۶۲، ۶۵
رجوی، کاظم (دکتر) ۱۳۸، ۱۳۹
رجبی، محی‌الدین ۹۳

سبحانی، شیوا ۹۲، ۹۴، ۹۵
 سبحانی، صدیق ۹۳، ۹۵
 سرحدی زاده، ابوالقاسم ۵۵، ۶۳
 سری، ابوالقاسم ۳۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۲۰۳
 سلیمان میمندی، منصور ۱۴۰
 سلیمانی، رحمان ۹۴، ۹۶
 سلیمانی، فتاح ۹۶
 سلیمانی، وحید ۹۶
 سلیمی، یعقوب ۱۴۳، ۱۴۴
 سلیمیان، جبار ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶
 سلیمیان، جبار علی ۱۹۸
 سواری، خالد ۹۳
 سواعدی، قدیر ۱۱۵، ۱۱۶
 سورژ ۲
 سوماویا، خوان ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۳۶
 سهرابی، بهزاد ۹۵، ۹۶
 سیدانی، سیدجواد ۱۴۳
 سیدمنش، جلال ۱۴۲
 سیده، واحد ۹۶

ش

شاکری ۱۱۹
 شجاعی، امید (اقبال) ۹۷
 شریعتی، حسن ۱۴۵
 شریفی، مصطفی ۹۵، ۹۶
 شریفیان، جلیل ۹۵، ۹۶
 شریفیان، خلیل ۹۵، ۹۶
 شفیع زاده، خیرالله ۱۲۹
 شکری، سلطان علی ۱۴۴
 شمس قهفرخی، افشین ۹۷
 شمعی نژاد، حبیب ۱۴۴
 شهابی، رضا ۱۴۳
 شهابی دکاریار، رضا ۱۴۴

ص

صابری، شعیب ۹۴

رحیمی، بختیار ۹۷، ۹۸
 رخشان، رضا ۸۷
 رخشت، سدحسین ۱۴۴
 رسول نژاد، حسن ۹۴، ۹۶
 رسولی لارمایی، نبی ۱۱۶
 ...، رضا ۹۶
 رضازاده، محمد ۹۶
 رضایی فر، حمیدرضا ۱۴۳
 رضوی، داوود ۱۴۳، ۱۴۴
 رفعتیان، گیو ۱۱۷
 روحانی، حسن ۶۲
 روحانی، فریدون ۹۶
 روزولت، فرانکلین ۴
 روستا، رضا ۱۲۳، ۲۹۳
 ریاحی، ... ۱۳۹

ز

زاده حسینی، علی ۱۴۳
 زارعی، هادی ۱۴۵
 زتکین، کلارا ۳
 زربارنیا، ارسلان ۱۴۳
 زمانی، صلاح ۹۳
 زندی، حمید ۱۴۳
 زندی پور، ایرج ۱۳۰

ژ

ژاریکوف، الکساندر ۲۹۳، ۲۹۵
 ژورس، ژان ۳
 ژینکس، ویلفرید ۸، ۹

س

سادات اوغلی، ... ۱۳۰
 ساعی، کریم ۹۹
 سایان، لویی ۲۹۳، ۲۹۴
 سبحانی، ژیان ۹۵
 سبحانی، جاوید ۲۲۴

صادقی، حسن ۵۸، ۶۵، ۶۷، ۶۸، ۷۱، ۷۳، ۷۶، ۷۸، ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۴۲
 صالحی، محمود ۹۰، ۹۱، ۱۴۰، ۱۴۵، ۲۹۶
 صالحی، ولی الله ۱۱۶، ۱۱۷
 صبوری، مهرداد ۹۶
 صدری، شمس ۱۱۳
 صدوقی، بهاءالدین ۹۳
 صفاری، یوسف ۹۵
 صوفی، خالد ۹۶

ض

ضیایی فر، ... ۱۸۵

ط

طلایی، مجید ۱۴۳
 طیبہ، امیرعلی ۱۱۷

ع

عبارجوع کنید به ربیعی، علی
 عبدی، اکبر ۱۲۹
 عبدی، غفور ۱۱۷
 عبدی پور، محمد ۹۱، ۹۶، ۱۴۰
 عتیقہ چی ۱۱۳
 عدل، مصطفیٰ ۶، ۷
 عرب، علی محمد ۶۳
 عطاردیان، ... (مهندس) ۱۴۶
 عظیمی، محبوب ۱۲۹، ۱۳۰
 علی بیگی، اولیا ۱۱۷
 علی پور، قربان ۸۶، ۸۷
 علی پور تهرانی، بهزاد ۱۱۷
 علی حسینی، سیدتقی ۶۵
 علیقیان، عبدالاحد ۱۱۶
 عیوضی، علی اکبر ۷۱، ۷۳، ۷۵، ۷۶، ۱۱۵، ۱۱۶
 عیوضیان، خسرو ۱۳۰
 عیوضی برچلوئی، علی اکبر ۱۱۵، ۱۱۶

غ

غریب زاده، ابراهیم ۹۹
 غلامحسینی، غلامرضا ۱۴۴
 غلامی، ابراهیم ۱۴۴
 غلامی، غلامرضا ۱۴۴
 غلامی، ناصر ۱۴۳، ۱۴۴

ف

فاتحی، کریم ۹۵، ۹۶
 فتحی، احمد ۱۴۵
 فتحی، سیروس ۹۶
 فخرایی، ابراهیم ۳۸
 فرانکو، فرانسیسکو ۱۹
 فروغی نژاد، مسعود ۱۴۴
 فرجامی آزاد، ... ۱۳۰
 فروهر، داریوش ۵۵
 فضلی، غلامرضا ۱۴۴
 فطرتی، فرامرز ۹۵
 فلور، ویلم ۳۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۲۰۳
 فیروز، مظفر ۴۱
 فیروزآبادی، مجید ۱۱۷
 فیروزنیا، حامد ۹۷
 فیلان، ادوارد ۴، ۷

ق

قاجار، (خاندان) ۳۷
 قاجار، احمدشاه ۴
 قاجار، مظفرالدین شاه ۳۷
 قادری، داوود ۱۱۶، ۱۱۷
 قادری، سلام ۹۷
 قادری، وفا ۹۵
 قاسمی، داوود ۱۱۶
 قانعی، امیر ۱۴۴
 قربانیان، علی ۱۴۳
 قطبی، یداله ۹۵

قندان، صادق ۱۴۳

قوام، احمد (قوام السلطنه) ۲۹۳

ک

کاردار، رحمان ۹۶

کامساری، مرتضیٰ ۱۴۳

کبیری، هادی ۱۴۴

کرتیس، کرن ۱۰۱

کریمپور، صلاح ۹۶

کریمزاده، جمال ۹۸

کریمی، حسن ۱۴۴

کریمی سبزواری، حسین ۱۴۴

کریمی، صدیق ۹۳

کریمی سبزواری، حسین ۱۴۴

کریمیان، منصور ۹۲

کلهکانی، حبیبالله ۹۳

کمالی، ... ۱۱۰

کمالی، حسین ۵۶، ۶۳

کمانگر، فراد ۱۳۷

کیانی، سعید ۲۰۴

کیخسروی، فایق ۹۲

کیوان، امیر ۱۱۳

گ

گامپرز، ساموئل ۴

گل محمدی، کاوه ۹۳

گویلیان، فارس ۹۳

گیلانپور، مریم ۱۱۵

ل

لطفی، مرتضیٰ ۶۳، ۶۵

لطیفی، اقبال ۹۳

لنین، ولادیمیر ۳

لوگراند، دانیل ۱، ۱۱

لوزامبورگ، روزا ۳

لیبکنشت، کارل ۳

لینتن، اسقف ۳۸

م

مارکس، کارل ۲، ۴، ۵، ۱۱

مارویکوس، جورج ۲۹۷

محبتخواه، ۱۲۶

محجوب، علیرضا ۵۵، ۶۲، ۶۳، ۶۵، ۶۹

۷۰، ۷۱، ۷۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۴۰، ۲۹۴، ۲۹۵

محمدنژاد، سبزهعلی ۱۲۶

محمدی، جلیل ۹۵

محمدی، حسن ۱۴۴

محمدی، عبدالحمید ۱۱۷

محمدی زارنکش، وهاب ۱۴۴

محمدی آذر، نسرین ۹۳

محمودویسی، جهانگیر ۹۶

محمودی، امید ۹۶

مددی، ابراهیم ۸۷، ۹۰، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴

مدرسی، مصطفی ۹۶

مدنی، سعید ۲۲۳

مرادوند، احمد ۱۴۴

مرادی، اقبال ۱۴۵

مرادی، جوانمیر ۹۲

مرادی، حسین ۹۶

مرادی، یدالله ۹۳

مصدق، محمد ۴۲

معزالدوله ۱۱۹

معینی، احمدرضا ۱۱۷

مظاهری، فیضالله ۱۴۴

مقدم، سعید ۹۶

ملایی، طیب ۹۲، ۹۳

ممدی، صادق ۱۴۳

منیری نیا، آزاد ۹۴

موالی زاده، سید محمدرضا ۱۹۸

مورز، دیوید ۸، ۱۲

موسوی، میرحسین ۶۲، ۱۸۱

مولودزاده، اسعد ۹۵، ۹۶

مؤمنی، ... ۱۳۹

مہابادی، محمدامین ۹۶

مہدوی خواہ، حاج علی ۷۶

مہدوی، ... ۱۳۹

مہدی خانی، حسین ۱۴۳

مہرپور، مازیار ۹۴، ۹۶

میراثی، ... ۱۳۰

میرزا کوچک خان - رجوع کنید بہ جنگلی،

میرزا کوچک خان

میرزایی، حسن ۱۴۴

میرزایی، غلامرضا ۱۴۳، ۱۴۴

میرو، ادیب ۲۹۵، ۲۹۶

مینائی، علی (عمر) ۹۵، ۹۶

۵

ہاشم پور، عباس ۹۶

ہاشمی رفسنجانی، علی اکبر ۴۵، ۶۲، ۶۹،

۱۸۳، ۱۸۹

ہانسن، مایکل ۹، ۱۳، ۱۱۵

ہڈبری، محمد ۱۴۴

ہویدا، امیرعباس ۳۴

ہیروآباد، امیر ۹۵

ی

یزدانی، فرشید ۲۲۲

یعقوبی، اکبر ۱۴۳

ن

نجاتی، علی ۸۶، ۸۷

نجار، عبدالله ۹۳، ۹۶

ندیمی، افشین ۹۳

نژدی کودکی، عباس ۱۴۳، ۱۴۴

نصراالہی، پدram (نہ بہن) ۹۵، ۹۷

نصیری یزدی، ... ۱۲۹

نعمتی پور، سیدرضا ۱۴۴

نعمتی پور، محمد ۱۴۴

نوروزی، داوود ۱۴۳، ۱۴۴

نوروزی گھر، محمدابراہیم ۱۴۴

نیازی، اسماعیل ۹۶

نیک خواہ، ہرمز ۱۲۶

نیک دل، آمانج ۹۶

نیکو فرد، فریدون ۸۶، ۸۷

و

والسا، لخ ۹

واندرلان، ہرمان ۱۰۵، ۱۰۶

ویلسون، وددر ۵

وینان، جان ۷

Ago, Robert 24

Blanchard, Francis 9

Butler, Harold 6

Gompers, Samuel 4

Hansenne, Michel 9

Jenks, Wilfred 8

Legrand, Daniel 1

Linton 38

Morse, David 8

Owen, Robert 1

Phelan, Edward 7

Ramadier, Paul 24

Somavia, Juan 9

Stephens, Uriah 2

Thomas, Albert 6, 25

Winant, John 7

شهرها، کشورها

آ

- آبادان ۱۱۰
 آخن ۱۱
 آلمان ۱۱، ۱۷
 آذربایجان ۲۹۴، ۳۸، ۳۵
 آذربایجان غربی ۶۲
 آرژانتین ۲۲، ۳۵
 آسیا ۱۲
 افریقا ۱۹
 آفریقای جنوبی ۲۴
 آلمان ۱، ۵، ۱۱، ۳۵، ۲۹۱
 آلمان شرقی ۱، ۱۲۸
 آمریکا ۲، ۴، ۷، ۹، ۱۷، ۳۵، ۹۹، ۱۲۳، ۲۱۹، ۲۲۲
 آمریکای شمالی ۱
 آمریکای لاتین ۱۲
 آنگولا ۱۹

الف

- اتحاد جماهیر شوروی ۳، ۱۳۲
 اتریش ۱، ۲۱۹، ۲۹۱
 اتیوپی ۱۹۳
 ارتیره ۳۵
 اردن ۳۵
 اروپا ۱، ۲، ۷، ۱۱، ۱۲، ۱۱۴، ۲۸۷، ۲۹۱، ۲۹۳
 اروگوئه ۳۵
 ازبکستان ۱۹۰
 اسپانیا ۱۹، ۳۵
 استرالیا ۳۵
 اسرائیل ۳۵
 اشنویه ۹۳، ۹۴

- اصفهان ۹۷، ۱۳۱، ۲۰۸، ۲۹۴
 افغانستان ۳۵، ۱۹۰، ۲۲۰
 اکوادور ۲۲۰
 الجزایر ۲۱۹، ۲۲۲
 الیگودرز ۹۷
 امارات ۳۵
 اندونزی ۳۵، ۲۱۹، ۲۲۲
 انگلستان ۱، ۳، ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۲۵، ۳۵، ۳۸، ۷۰، ۱۱۹، ۱۲۳، ۲۰۳، ۲۱۹
 ایتالیا ۱، ۳، ۵، ۱۳، ۱۷، ۲۹۱
 ایران - اکثر صفحات
 ایرلند ۴، ۳۵

ب

- باکو ۵۴
 بال ۳
 بالتیمور ۳
 بانه ۹۴
 بحرین ۳۵
 برزیل ۱۷، ۳۵، ۲۱۹، ۲۲۲
 برلین ۱۱
 برمه ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۵، ۲۲۰
 برن ۳، ۱۲
 بلژیک ۳، ۹، ۳۵، ۲۱۹
 بلغارستان ۱۳۰
 بلوچستان ۲۰۳، ۲۱۹
 بلیز ۳۵، ۲۱۹
 بمبئی ۱۲۸
 بندر عباس ۲۰۴
 بنگلادش ۲۱۹، ۲۲۰
 بنین ۳۵
 بوداپست ۱۳
 بورکی نافاسو ۳۵، ۲۲۲
 بولیوی ۲۲۲
 بوشهر ۹۲
 بوکان ۹۴

پ

پاراگوئه ۲۱۹

پاریس ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۱۳

پاکستان ۳۵، ۲۰۳، ۲۱۹، ۲۲۰

پراک ۲۹۳

پرتغال ۱۹

پروس و در فرانسه ۲۵

ت

تاجیکستان ۱۹۰

تایلند ۳۵، ۲۱۹

تبریز ۹۷، ۹۹

ترکمنستان ۳۵

ترکیه ۳۵، ۲۱۹، ۲۲۰

تورین ۸، ۱۳

تهران ۱۷، ۳۹، ۹۲، ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۸

۱۲۹، ۲۹۴، ۲۹۵

ج

جامائیکا ۲۱۹

چ

چاد ۳۵، ۲۱۹

چالوس ۱۲۶

چکسلواکی ۲۲۲

چین ۱۷، ۳۵، ۲۹۳

ح

حیدری مهر ۸۶

خ

خارک ۱۲۴، ۱۲۶

خراسان ۲۰۸

خلیج فارس ۳۵، ۱۲۶، ۲۱۹، ۲۲۲

د

دانمارک ۱، ۲۱۹

دومینیکن ۲۱۹

ر

رشت ۹۴، ۱۲۶، ۱۲۷

روسیه ۵، ۳۵، ۲۱۹، ۲۲۰

روسیه سفید ۱۹۳، ۱۹۵

رومانی ۱

ز

زیمبابوه ۱۹۵

ژ

ژاپن ۵، ۱۷، ۱۹، ۳۵، ۲۲۲

ژنو ۲، ۵، ۶، ۷، ۱۶، ۱۷، ۲۱، ۷۸، ۱۱۳

۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۵۱

س

ساری ۱۲۶

سانفرانسیسکو ۷

سريلانكا ۲۲۲

سقز ۹۷، ۹۸، ۱۴۰، ۱۴۴

سنت لوئیز ۳

سنندج ۹۴، ۹۷، ۱۴۵، ۱۹۲

سوئد ۳۵، ۷۰

سوئیس ۱، ۳، ۷، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۳۹

سوازیلند ۳۵

سودان ۱۵۶، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۵، ۲۲۰

سوریه ۳۵

سومالی ۱۵۶

سیرالئون ۲۲۰، ۲۲۲

سیستان ۲۰۴

ش

شاهی ۱۲۶

شهر بابک ۱۳۹، ۱۴۰

شوش ۸۷

شیراز ۹۹، ۱۳۸، ۲۹۵

شیگاگو ۳، ۱۱

شیلی ۱۰، ۱۹، ۳۵

ع

عراق ۳۵، ۹۸، ۱۹۰

عربستان ۳۵

عسلویه ۸۶، ۹۲

عشق‌آباد ۵۴

عمان ۳۵، ۲۱۹

غ

غنا ۲۱۹

ف

فرانسه ۱، ۲، ۶، ۱۱، ۱۷، ۲۴، ۲۵، ۳۵

۲۲۰، ۲۲۲

فنلاند ۳۵

فیلا دلفیا ۲۲، ۳، ۷، ۸، ۱۲، ۷۹، ۲۶۳

۲۸۷

فیلیپین ۲۲۲

ق

قرقیزستان ۳۵

قزوین ۱۳۸

قطر ۳۵، ۱۵۶، ۲۱۹، ۲۲۲

قم ۱۹۲

ک

کاستاریکا ۲۲۲

کامرون ۲۱۹، ۲۲۲

کان ۲۱۹

کانادا ۷۰

کرج ۲۰۴

کرمان ۳۸

کاشان ۱۳۸

کانادا ۳۵

کپنهاگ ۱۰

کراچی ۲۲۰

کرج ۱۳۳

کردستان ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵

کرمان ۱۲۰

کرمانشاه ۱۹۲

کره جنوبی ۳۵

کره شمالی ۲۲۰

کلمبیا ۱۹۳، ۱۹۵، ۲۱۹

کنگان ۹۲

کنگو ۳۵، ۲۱۹

کوبا ۳۵، ۲۲۰، ۲۲۲

گ

گواتمالا ۲۲۲

گوهردشت ۹۹

گینه استوایی ۲۲۰

گینه بیسائو ۳۵

ل

لاسه ۲، ۲۴

لبنان ۳۵، ۱۳۰

لندن ۲، ۶، ۱۱

لهستان ۱، ۹، ۱۳، ۱۹، ۳۵، ۲۲۲

لیبی ۳۵، ۲۱۹

لیون ۱۱

م

ماداگاسکار ۳۵

مازندران ۱۱۵

مالزی ۳۵

مالی ۳۵

مجارستان ۱

مراکش ۳۵، ۱۲۹، ۲۱۹، ۲۲۲

مریوان ۹۷، ۹۸

مکزیک ۲۲۲

موریتانی ۱۹۵

موزامبیک ۱۹

مهاباد ۹۴، ۱۹۲

مونترال کانادا ۷

میانمار ۳۵

میلواکی ۳

ن

نپال ۳۵

نروژ ۳۵

نقده ۹۵

نیجریه ۳۵

نیوهمشایر ۷

نیویورک، ۳، ۷، ۷۳

ه

هائیتی ۲۱۹

هابسبورگ ۱

هاوانا ۷۰، ۲۹۷

هفتتپه ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۱۴۸

هند ۱۷، ۳۵، ۱۲۸، ۲۱۹

هندوراس ۲۲۲

و

واشنگتن ۵

ورامین ۱۳۸

ونزوئلا ۱۴۶، ۱۹۳، ۲۲۰

ویتنام ۳۵، ۱۳۰

وین ۲۸۸، ۲۹۲

ی

یزد ۱۱۵

یمن ۳۵

یوگسلاوی ۲۹۳

The ILO at a glance

**Violation of
Fundamental Rights
of Labour in Iran**

Iraj Mesdaghi

*Stockholm - Sweden
January 2010*